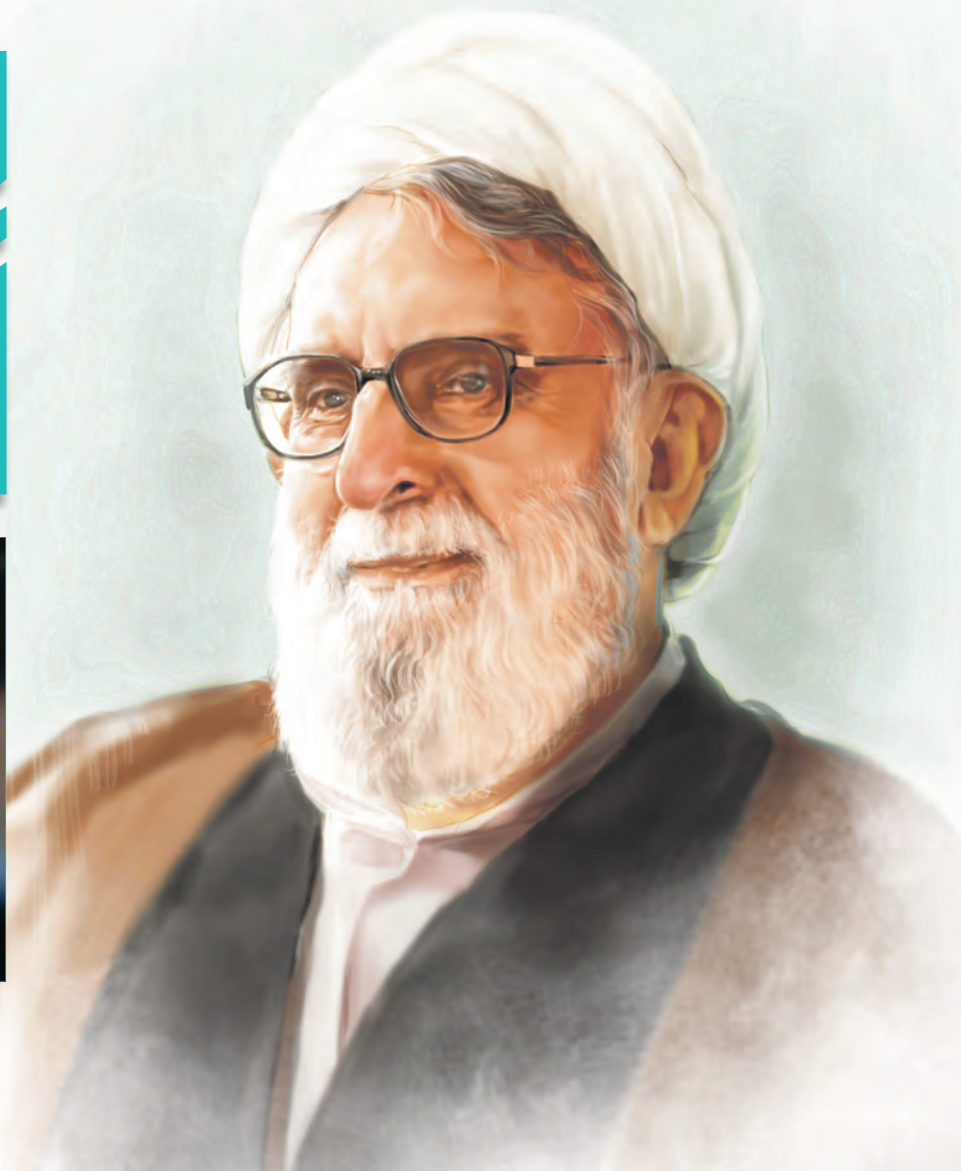




شخصیت انقلابی آشنا به مواضع اسلام و انقلاب

با آثار و گفتاری از:

آیت‌الله محمد یزدی . آیت‌الله امامی کاشانی
 آیت‌الله ابراهیم امینی . محسن رضایی
 آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی . غلامعلی حدادعادل
 آیت‌الله سعیدی . آیت‌الله اعرافی
 آیت‌الله حسن اختری . آیت‌الله رضا استادی
 آیت‌الله اراکی . آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی
 علیرضا رشیدیان . سید صولت مرتضوی و ...



ویژه‌نامه نخستین سالگرد ارتحال آیت‌الله واعظ طبسی - اسفند ۹۵

یار صادق انقلاب



بصیر، دقیق و انقلابی



امانت‌دار انقلاب
در آستان قدس رضوی



یار معنوی فرماندهان
دفاع مقدس



سکوت در فتنه را
خلاف شرع می‌دانست



با اخلاص به امام رضا (ع)
خدمت کرد



فقط از رهبری
تبعیت می‌کرد



مبارز راه انقلاب



مجاهدتهای فرهنگی
زیر سایه آستان قدس رضوی



در تشخیص انحرافات
هرگز اغفال نشد



آینه تمام‌نمای
مدیریت اسلامی



مقام معظم رهبری را
ولی امر می‌دانست



سیره و سلوک آیت‌الله
تجلی حوزه انقلابی در
واقعیت بود



توفیق جنابعالی را در خدمت به آستان مقدس مولا خواستار و خدای را شکر که در عصر ما مثل جنابعالی به این سمت مقدس راه یافته، و به جای «ظلمت»، «نور» و به جای «خیانت»، «امانت» جایگزین گردیده است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۱/۳/۲

روح الله الموسوی الخمينی

جلد ۱۶ - صفحه ۲۵۶



بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسّف و اندوه خبر درگذشت عالم مجاهد و یار صادق انقلاب جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عباس واعظ طبسی رحمه الله علیه را دریافت کردم. ایشان برادری همدل و همزبان برای اینجانب و مریدی صدیق برای امام راحل و خدمتگزاری پایدار و سخت کوش برای انقلاب بودند. بخشی از پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت آیت الله واعظ طبسی

تنظیم نامه



صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی قدس (آستان قدس رضوی)

مدیر مسئول: ایمان شمسایی

شورای سردبیری:

امیرابراهیم رسولی، بهزاد جامه بزرگ، متین محبوب

هیئت تحریریه:

سید مهدی حسینی، روح الله امین آبادی، لطیفه سادات مرتضوی، فاطمه علیشاه

ساحل عباسی، آمنه مستقیمی، فهیمه رضیان

عکس:

علیرضا رحمانی

سرویس عکس روزنامه قدس

ویراستار:

مریم ترکمیان

گرافیک و صفحه آرایی:

رضا دولت زاده، فرزاد خالقی، علیرضا لاجورد

طرح روی جلد: سعید ملک

لیتوگرافی چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و نشر قدس

نشانی: مشهد مقدس، بلوار سجاد، تقاطع جانباز و سجاد، ساختمان روزنامه قدس

تلفن: ۳۷۶۸۵۰۱۱ (۰۵۱)

سازمان آگهی ها: ۳۷۰۸۸ (۰۵۱)



فهرست

فهرست

- ۷ گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی
- ۱۰ مروری بر پنج دوره زندگی آیت‌الله عباس واعظ طبسی
- ۲۲ گفت‌وگو با آیت‌الله محمد یزدی
- ۲۶ گفت‌وگو با آیت‌الله احمد علم‌الهدی
- ۲۹ گفتاری از آیت‌الله سید احمد خاتمی
- ۳۰ گفتاری از آیت‌الله ابراهیم امینی
- ۳۲ گفتاری از آیت‌الله موحدی کرمانی
- ۳۳ گفت‌وگو با آیت‌الله امامی کاشانی
- ۳۶ گفت‌وگو با محسن رضایی
- ۴۰ گفت‌وگو با غلامعلی حدادعادل
- ۴۳ یادداشتی از اسدالله بادامچیان
- ۴۴ گفت‌وگو با آیت‌الله سعیدی
- ۴۶ گفت‌وگو با آیت‌الله اعرافی
- ۵۰ گفت‌وگو با آیت‌الله حسن اختری
- ۵۴ گفتاری از آیت‌الله رضا استادی
- ۵۶ گفت‌وگو با آیت‌الله اراکی

فقط از رهبری
تبعیت می‌کرد



شخصیت انقلابی
آشنا به مواضع اسلام
و انقلاب

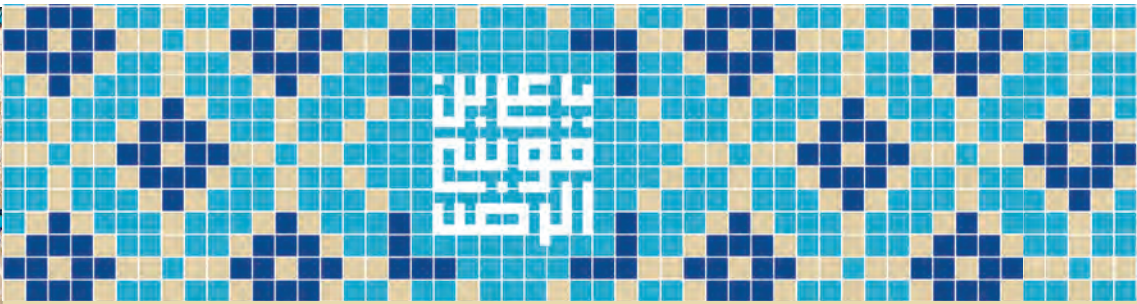


میراثی که
ماندگار شد



در تشخیص انحرافات
هرگز اغفال نشد





گفت‌وگو با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی	۵۹
گفت‌وگو با علیرضا رشیدیان	۶۴
گفت‌وگو با سید صولت مرتضوی	۶۸
گفت‌وگو با امیر خوراکیان	۷۰
گفت‌وگو با مصطفی پورمحمدی	۷۴
گفت‌وگو با محمدحسین صفارهرندی	۷۸
گفت‌وگو با محمد هاشمی رفسنجانی	۸۲
گفت‌وگو با محمدرضا عارف	۸۶
گفت‌وگو با قدرت‌الله علیخانی	۸۹
گفت‌وگو با علی محمد بشارتی	۹۲
گفت‌وگو با محسن رفیق‌دوست	۹۶
گفتاری از غلامرضا مصباحی مقدم	۱۰۰
گفت‌وگو با حسن غفوری فرد	۱۰۶
گفت‌وگو با محمدنبی حبیبی	۱۱۰
گفت‌وگو با محسن مهرعلیزاده	۱۱۲
گفتاری از محمود صلاحی	۱۱۵



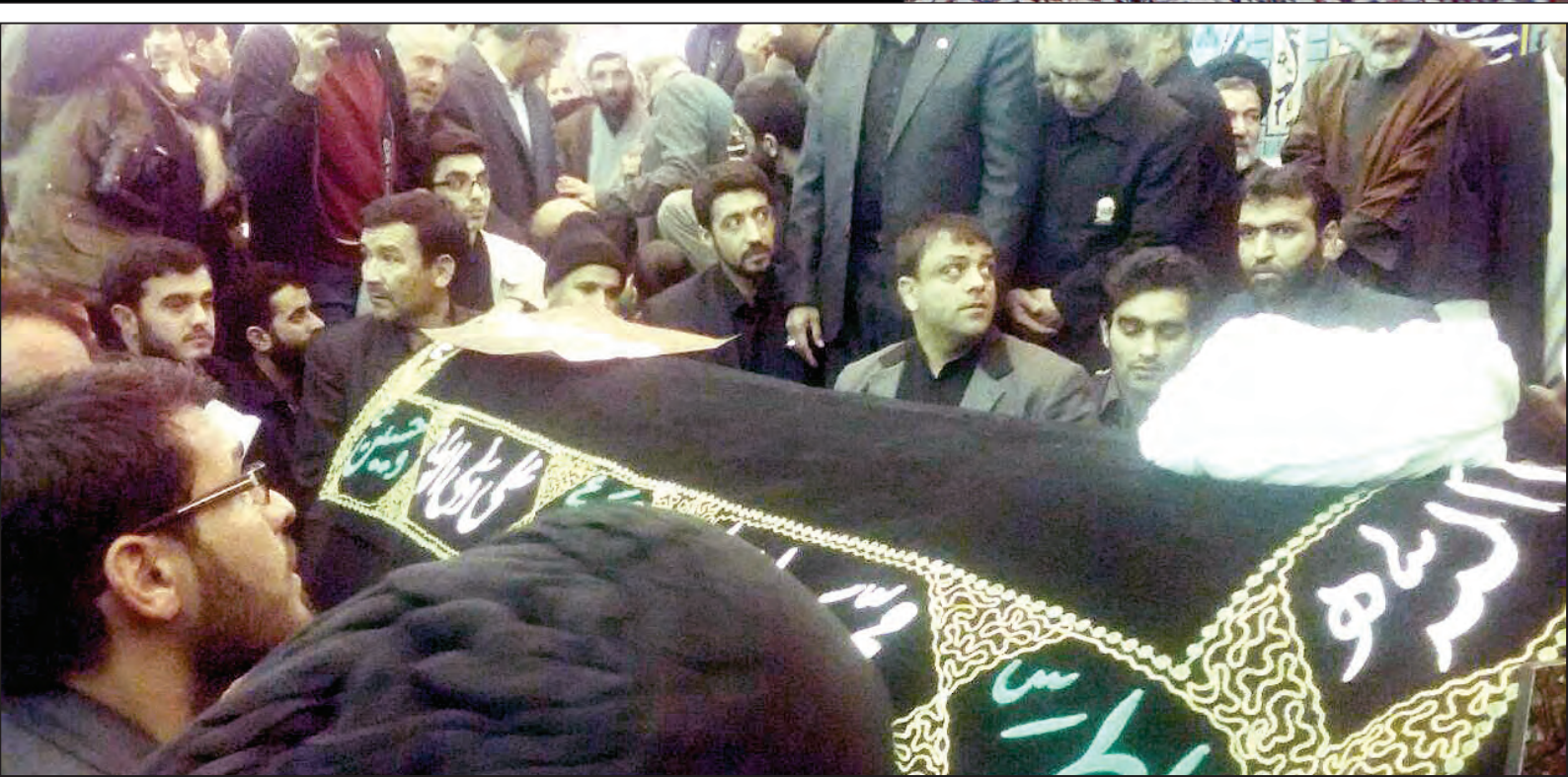
امانت‌دار انقلاب
در آستان قدس رضوی

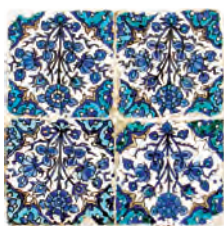


معتقد و مؤمن به
رهبری



کمک‌های آستان قدس
تسلای خاطر
جنگ‌زدگان بود





انقلابی تا آخرین لحظه



ایمان شمسایی
مدیرمسئول

زمزمه‌های شکل‌گیری نهضت خمینی کبیر (قدس سره) و انقلاب اسلامی که به گوش رسید، تحلیل‌های متفاوتی در جهان و از تربیون‌های مختلف بلند شد مبنی بر این که رهبری دینی در ایران دنبال چه مقصودی است. آیا دنبال اصلاحات و نهیب به شاه است یا صرفاً اعتراضی به وضع موجود را هدف قرار داده است؟

وقتی عبارت تشکیل حکومت اسلامی از زبان بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی شنیده شد، پرسش‌ها رنگ دیگری به خود گرفت و عمده آن، کنجکاوی از برنامه روحانیت برای اداره جامعه بود. با اوج‌گیری مبارزات و حضور تکنوکرات‌ها در کنار رهبری نهضت، این تصور به وجود آمد که قرار است اداره کشور به این افراد واگذار شود.

پیروزی انقلاب و حضور اعضای تشکیل دهنده دولت موقت این زمزمه را قوی‌تر کرد و با حذف این افراد و سپرده شدن کار به انقلابیون و روحانیون انقلابی، این سؤال به وجود آمد که آیا اهل علم و مذهب می‌توانند از پس اداره حکومت برآیند یا نه؟

شاید خیلی‌ها آرزوی شکست روحانیت در مناصب دولتی را داشتند، اما نمونه‌های موفق مدیریت روحانیون انقلابی، رؤیای آن‌ها را به یأس تبدیل کرد. انتصاب مرحوم آیت‌الله عباس واعظ طبسی به تولیت آستان قدس رضوی که از نخستین انتصابات‌های امام راحل و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، در همین قاعده تعریف می‌شود. آیت‌الله طبسی را می‌توان نمونه‌ای از مدیریت روحانیون انقلابی توسعه‌گرا و اجرایی دانست. او عالمی مبارز بود که دوشادوش آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و شهید هاشمی‌نژاد، جریان انقلابی مشهد مقدس را گام به گام به سمت پیروزی هدایت کرد. فعالیت‌های انقلابی و حساب‌شده این سه مجاهد مبارز به گونه‌ای بود که از روشنفکران و ادیبان و دانشگاهیان تا فضایی حوزه و قشر متدین و مردم کوچه و بازار مشهدالرضا، درگیر مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی شدند و با هدایت و نظارت آن‌ها، انقلاب در مشهد نیز همچون سایر نقاط کشور همه قشرها را دربرگرفت. استفاده این سه مجاهد فی سبیل‌الله از تمامی ابزارهای تبلیغی چون کلاس درس، منبر، مسجد، هیأت و محافل روضه و وعظ، دانشگاه و مجامع ادبی، چتر گسترده‌ای را بر سر شیفتگان انقلاب اسلامی که از خودکامگی و دین‌ستیزی پهلوی در رنج بودند، برافراشته کرد. در این میان آیت‌الله واعظ طبسی همچون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید هاشمی‌نژاد، با کلاس‌های درسی که در حوزه‌ها و مدرسه‌های علمیه مشهد داشت، این قشر را به خود جلب کرد و حرکت انقلابی مردم مشهد با محوریت این سه مبارز، به نتیجه مطلوب رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیت‌الله واعظ طبسی به حکم امام خمینی (قدس سره) مسؤولیت سنگین تولیت آستان قدس رضوی و نمایندگی ولی‌فقیه در استان خراسان بزرگ را عهده‌دار شد. مدیریت عالی حوزه علمیه خراسان نیز بخش دیگری از فعالیت اثرگذار وی در ایران پس از انقلاب بود. در این میان آنچه روی سخن ماست، شخصیت انقلابی و مدیریت طراز نظام اسلامی است که به غرب‌گراها ثابت کرد فقها و روحانیون همچون عرصه فقاقت و علم و دانش، با اشرافی که بر امور حکومت دینی دارند، تبحر لازم در بحث مدیریت را نیز دارا هستند و در این رابطه نباید فقط چشم به متدهای غربی و صرفاً دانشگاهی دوخت.

اکنون یک سال از ارتحال این مرد بزرگ می‌گذرد و در این مدت به کرات از تلاش‌ها و باقیات‌الصالحات او گفته شده است. از توسعه چندین برابری صحن‌ها و رواق‌های حرم، از ساماندهی موقوفات و درآمدزایی آن‌ها در جهت توسعه خدمت‌رسانی به زائران، از رویکرد فرهنگی و علمی ایشان و تأسیس مؤسسه‌ها و نهادهای معتبر فرهنگی، هنری، پژوهشی و علمی که تنها گوشه‌ای از آن‌ها، ایجاد دو دانشگاه طراز اول ملی و بین‌المللی در آستان قدس رضوی است. آیت‌الله طبسی اما خصوصیت دیگری نیز داشت که در کنار مدیریت و علم او، شخصیتی کامل از وی می‌سازد. او هیچ‌گاه بر سر اصول انقلاب معامله نمی‌کرد و با وجود تمام رفاقت‌ها و علاقهای که به افراد مختلف داشت اما بی‌پروا و صریح در مقابل کج‌روی‌های می‌ایستاد.

بارزترین این صراحت‌لهجه و دفاع بی‌پروا از اصول و آرمان‌های انقلاب را در روزهای غبارآلود فتنه ۸۸ می‌توان مشاهده کرد. روزهایی که بسیاری از خواص عمداً یا سهواً و بعضاً به خاطر برخی ملاحظات، سکوت را بر دفاع از حریم ولایت ترجیح دادند، تولیت فقید آستان قدس رضوی بدون هیچ‌گونه تعارف و ملاحظه‌ای، فتنه و فتنه‌گران را محکوم کرد.

حضور ولی امر مسلمین جهان در تشییع پیکر این فقید سعید و شهادت به «جز خیر و خوبی ندیدن از او» گواه این مدعاست که آیت‌الله واعظ طبسی تا پای جان مطیع ولی امر در ذهن و عمل بود. رهبر انقلاب در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری درباره شخصیت آیت‌الله طبسی فرمودند: «مرحوم آقای طبسی (رحمة الله علیه) که سوابق مبارزاتی ایشان در دوران اختناق، بعد [هم] خدمات ایشان در آستان قدس و در مجموعه مسائل انقلاب، برای اغلب افراد شما روشن است؛ منتها یک برجستگی‌هایی هست که این برجستگی‌ها را نمی‌شود انسان ندیده بگیرد؛ رحمت خدا بر این مرد بزرگ و برادر عزیز ما. ایشان در حساس‌ترین مواقع، جایگاه انقلابی خودش را به‌طور واضحی ظاهر کرد و حفظ کرد و بر آن اصرار ورزید و تصریح کرد. مرحوم آقای طبسی در فتنه‌ی [سال ۸۸] همه ملاحظات را کنار گذاشت و آمد وسط میدان؛ رفاقت‌ها و رودربایستی‌ها و مانند اینها را کنار گذاشت؛ مواقع زیادی ما از ایشان این حالت را دیدیم؛ انسان صریح، مؤمن، قاطع. اینها آن چیزهایی است که در حفظ شخصیت افراد و در تاریخ زندگی افراد میماند؛ در حساب الهی هم اینها باقی است.»

امروز اگر آستان قدس رضوی به برکت مضجع شریف عالم آل محمد «علیهم السلام» و ظهور و بروز انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار حکومت دینی به پناهگاه آزاداندیشان و موحدان جهان تبدیل شده و شعاع فعالیت‌های آن جهانی است، به برکت همین تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی است که صورت گرفته و با رویکردهای جدید آستان قدس که در حکم رهبر معظم انقلاب در انتصاب تولیت جدید آستان قدس تصریح شده، به کمال و همه‌جانبه‌گرایی بیشتری سوق داده می‌شود.

توجه به محرومان و مستضعفان، توسعه خدمت در اقصی نقاط کشور و جهان اسلام، تسهیل در امر زیارت و تشریف اقرار کم درآمد به بارگاه شریف رضوی و زمینه‌چینی برای اتحاد بیشتر شیعیان جهان و حتی فرق و ادیان با محوریت بارگاه رضوی از اقداماتی است که تلاش‌های گذشته آستان قدس را به سمت کمال هدایت می‌کند.

گفت‌وگو با تولیت آستان قدس رضوی

شخصیت انقلابی آشنا به مواضع اسلام و انقلاب

مرحوم واعظ با کسانی که با اندیشه و مواضع امام ضدیت داشتند
بسیار با حساسیت برخورد می‌کردند



ذکر بیانات رهبر انقلاب در رابطه با مرحوم آیت الله واعظ طبسی، آن هم در جلسه ای که مسئولیت تولیت آستان قدس رضوی را به حجت الاسلام و المسلمین رئیسی محول کردند، شاید یکی از خواندنی ترین بخش های این مصاحبه باشد؛ اما جذاب تر از آن زمانی است که در لابه لای این مصاحبه به برخی دست نوشته های مرحوم واعظ در دوران تولیت اشاره می شود و ما بلافاصله درخواست می کنیم تا یکی از اقدامات کمتر شنیده شده آن مرحوم را برایمان بازگو کنند. متن پیش رو حاصل گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین رئیسی است که از سابقه آشنایی با مرحوم واعظ در پیش از انقلاب تا آخرین دیدار قبل از ارتحال ایشان را مرور کرده ایم.

و در حرف های خود تعریض به امام داشتند، آقای طبسی در برخورد با آن ها بسیار با صلابت برخورد می کرد و چه بسا که به همین دلیل نسبت به ایشان در مشهد فضا سازی شد، اما نسبت به آن ها بی توجه بود و هدف ایشان فقط حفظ انقلاب بود. ایشان همچنین تلاش می کرد تا فضای عمومی مشهد را طرفدار امام، انقلاب و ارزش های انقلابی بکند و روحیه انقلابی در حوزه رواج پیدا کند. زمانی که ایشان در آستان قدس مشغول به خدمت شدند، به دنبال نامه ای از امام کسب اجازه کردند تا اگر ایشان موافقت کنند هویزه را مانند آستان قدس بسازند. احساس من این است که تلاش ایشان در مجموعه آستان قدس و مجموعه های مرتبط با آن پررنگ جلوه دادن نقش امام و انقلاب بود.

آن گونه که در تاریخ انقلاب نقل شده، آیت الله واعظ طبسی، شهید هاشمی نژاد و آیت الله خامنه ای در مشهد به عنوان یک مثلث شناخته می شدند. لطفاً در مورد نقش هریک از این بزرگواران در پیروزی انقلاب اسلامی و انقلابی شدن مردم مشهد به طور جداگانه توضیحاتی بفرمایید.

مقام معظم رهبری به عنوان چهره ای که از یک طرف با حوزه ارتباط تنگاتنگی دارند و از طرف دیگر با جریان روشنفکری رابطه خوبی دارند، تلاش می کنند که جامعه را به سوی دین داری و انقلاب سوق دهند. نشست هایی که مقام معظم رهبری هنوز با بعضی از روشنفکران دارند یا بعضی از سخنان ایشان نشان دهنده تلاش بسیار در جهت سوق دادن مردم و افکارشان به طرف امام، انقلاب و ارزش های ایشان است؛ لذا در مجموعه جریان روشنفکری آن روز، مقام معظم رهبری را به عنوان روحانی مبارز انقلابی روشنفکر می شناختند. شهید هاشمی نژاد در حوزه منبرهای انقلابی یا پاسخ به سؤالات و شبهات اعتقادی فعال بودند؛ و مرحوم آیت الله واعظ طبسی تا جایی که ما شناخت داشتیم و دورادور از قم نظاره گر بودیم، ایشان کلاس های گرمی در حوزه برگزار می کردند. زمانی که بنده وارد حوزه شدم ایشان درس معالم داشتند، ولی بعد در اصول و فقه نیز شروع به تدریس کردند و به عنوان یک چهره انقلابی در حوزه مشهد شناخته می شدند.

حضرت آقا در ارتباط با تهران و جریان روشنفکری بسیار فعالیت داشتند و دارند. زمانی که حضرت آقا را به ایرانشهر تبعید کردند من به همراه دوست طلبه ام جناب آقای مروی برای دیدن تبعیدی ها از قم به سمت رفسنجان، ایروان و سپس به دیدن مقام معظم رهبری در ایرانشهر حرکت کردیم. همان شبی که ما منزل آقا رسیدیم شهید هاشمی نژاد و آیت الله واعظ طبسی نیز به دیدار ایشان آمده بودند. بعد از آنجا به دیدن آقای محمود کرمانی رفتیم که ایشان نیز به همین شهر تبعید شده بودند. شب را در منزل آقا گذرانیدیم، صبح ایشان فرمودند که دیشب نیروهای امنیتی به اینجا آمده بودند و خواستار رفتن شما به

به عنوان اولین سؤال بفرمایید که آشنایی شما با مرحوم آیت الله واعظ طبسی از چه زمانی شکل گرفت؟

ابتدای آشنایی بنده با آقای واعظ طبسی به سال های ۵۰ و ۵۱ برمی گردد. بعد از ورود به حوزه علمیه مشهد با ایشان آشنا شدم، آن زمان آقای طبسی در مسجد حاج ملاهاشم درس معالم می دادند و در میان طلاب به عنوان چهره انقلابی شناخته می شدند. ایشان پیرو و دنباله رو اندیشه و تفکر امام (ره) بودند. به ویژه بعد از سال های ۵۲ و ۵۳ در بین طلاب جوان و تازه وارد، آیت الله واعظ طبسی، حضرت آیت الله خامنه ای و مرحوم شهید هاشمی نژاد به عنوان چهره های انقلابی پرجاذبه شناخته و مطرح شده بودند. قبل از انقلاب اسلامی به همراه آقای احمد مروی که الآن در دفتر مقام معظم رهبری مشغول هستند به خانه مرحوم مهمی - که نماینده و وکیل امام در خراسان بودند و مردم وجوهات را از طریق ایشان برای امام می فرستادند - رفتیم؛ آن روز این بزرگواران جلسه ای داشتند و ما به همین مناسبت خدمت آقای واعظ طبسی هم رسیدیم. تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی بنده در زمینه تظاهرات، تحصن ها و اقداماتی که علیه دولت شاهنشاهی انجام می شد ارتباط کاری با ایشان نداشتم، ولی آن بزرگوار را به عنوان یک چهره انقلابی و معتقد می شناختم. البته در سال های ۵۶ و ۵۷ در قم بودم و ارتباط ما در حد همان پیگیری سخنرانی های ایشان بود که مثل پدرشان یکی از واعظ خوب مشهد بودند.

اولین ارتباط کاری شما با یکدیگر از چه زمانی بود؟

در زمان پیروزی انقلاب اسلامی بنده چند روزی در مشهد بودم و اولین رودرویی من با ایشان در اتاق پشت مسجد کرامت بود که می توان آن را به عنوان ستاد هدایت انقلاب مشهد دانست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ۲-۳ ماه در کمیته انقلاب اسلامی فعالیت می کردم که ایشان نیز رئیس این کمیته بودند.

چه ویژگی های شخصیتی برجسته ای از مرحوم آیت الله واعظ می توان نام برد؟

آقای واعظ طبسی به عنوان شخصیت انقلابی و آشنا به مواضع اسلام و انقلاب با کسانی که با اندیشه و مواضع امام ضدید داشتند بسیار با حساسیت برخورد می کردند. ایشان یک انقلابی با صلابت بودند و در مورد مقوله انقلاب کاملاً انعطاف ناپذیر عمل می کردند.

در آن مقاطع آیا موضع گیری یا سخنرانی خاصی هم از ایشان به خاطر دارید؟

اوایل انقلاب بعضی از آقایان بودند که مواضع ضدامام می گرفتند

ایمان شمسایی
مدیر مسئول

آقای واعظ طبسی
به عنوان شخصیت
انقلابی و آشنا به
مواضع اسلام و
انقلاب با کسانی که با
اندیشه و مواضع امام
ضدید داشتند بسیار
با حساسیت برخورد
می کردند. ایشان
یک انقلابی با صلابت
بودند و در مورد
مقوله انقلاب کاملاً
انعطاف ناپذیر عمل
می کردند



شهریانی بودند که من به آن‌ها اجازه ندادم و با آن‌ها مخالفت کردم؛ سپس ما به همراه یک راهنما - که از طرف ایشان مأمور شده بود تا ما را به سلامت از شهر خارج کند تا گرفتار نیروهای امنیتی نشویم - به طرف زاهدان به راه افتادیم. در مجموع این ۳ بزرگوار ارتباط تنگاتنگی با هم داشتند، به نحوی که می‌توان انقلاب مشهد و خراسان و حتی تا زاهدان و جاهایی که جزو این منطقه به حساب می‌آمد را مرهون تلاش‌ها و فداکاری‌های آن‌ها دانست.

به دوران بعد از انقلاب برگردیم. نسبت به اقدامات

مدیریتی و انقلابی ایشان در آستان قدس

توضیحاتی بفرمایید.

بعد از شهادت شهید هاشمی‌نژاد و رفتن آیت‌الله خامنه‌ای به تهران، نقش آقای طبسی در مشهد محوری شد؛ لذا ایشان مسئولیت کمیته را داشتند. بعد از انحلال کمیته مسئولیت حوزه و سپس نمایندگی امام و نمایندگی آستان قدس را بر عهده داشتند و محور جریان انقلاب در مشهد به شمار می‌آمدند. موضع‌گیری‌های ایشان در برابر منافقین، بنی‌صدر و گروه‌های منحرف و جریان‌های لیبرال بسیار قوی بود. ایشان بعد از رهبری حضرت آقا، با توجه به دوستی و قربت سنی که با هم داشتند در نامه‌نگاری‌ها و یا کارها و برخوردها سعی می‌کردند از ایشان کسب اجازه کنند و کاملاً خود را تابع ایشان می‌دانستند. شخصی ولایت‌مدار بودند و احساس می‌کردند که تمام عمر خود را باید در خدمت امام رضا (علیه‌السلام) باشند. من بعضی از نوشته‌هایی را که از ایشان در آستان قدس می‌دیدم حاکی از آن بود که می‌خواستند آستان قدس جایگاه بسیار والایی داشته باشد.

ناگفته یا دست‌نوشته یا موضع خاص یا دستور

ویردهای از ایشان هست که برای ما بفرمایید؟

یکی از خصلت‌های ارزشمند ایشان مسئله حق تولیت بود که در اموال آستان قدس است و ایشان می‌خواستند در جهت توسعه حرم مطهر یا بخش‌های فرهنگی به مصرف برسانند؛ مثلاً ساخت حسینیه امام رضا (علیه‌السلام) و یا توسعه بعضی از صحن‌ها از حق تولیت ایشان بوده است.

زمانی که تولیت آستان قدس رضوی از طرف مقام

معظم رهبری به شما محول شد در آن جلسه

موردی در رابطه با مرحوم آیت‌الله طبسی ذکر نکردند؟

حضرت آقا از پدر ایشان حاج غلامرضا واعظی تمجید بسیار کردند، از خود ایشان حتی در دوران قبل از طلبگی و همچنین از سلامت نفس و سلامت در زندگی شخصی‌شان تمجید کردند. حضرت آقا فرمودند زمانی که به منزل ایشان رفتم همان مبللمان زمان عروسی را داشتند. برخی‌ها اگر کم‌وکاستی‌هایی را هم ذکر می‌کنند، از نظر بنده در تمامی کارهای اجرایی با این حجم و وسعت امکان بروز این کم‌وکاستی‌ها وجود دارد. البته این ضعف‌ها و کاستی‌ها حتماً دلایلی هم داشته است؛ ولی آنچه ما می‌دانیم و می‌بینیم ایشان تمام تلاش خود را در جهت ولایت‌مداری و انقلابی بودن فضا و مجموعه به کار برده است.

در جایگاه تولیت آستان قدس رضوی چه کارهای

شاخصی ایشان انجام دادند که شما نیز قصد ادامه

آن را دارید؟

یکی از کارهای شاخص ایشان در زمینه فعالیت دانشگاهی بوده که بنده در جهت گسترش دانشگاه علوم اسلامی رضوی تلاش خواهیم کرد و تصمیم دارم مشهد را به یک مرجعیت علمی برسانم. نکته دوم تلاش ایشان جهت حفظ وقف و موقوفات بوده و در این رابطه با تمام وجود تلاش کردند که آنچه در کشور مربوط به آستان قدس بوده حفظ و نگهداری شود. زمانی که من در قوه قضاییه بودم ایشان هر بار یک پرونده موقوفاتی داشتند و توصیه می‌کردند تلاش کنید حق آستان قدس ضایع نشود و حتی در صحبت با آقای لاریجانی نیز بر این امر تأکید می‌کردند، در زمان آقای شاهرودی نیز وضع به همین منوال بود. بنده نیز ان‌شاءالله این رویه را ادامه خواهیم داد. هر شخص آشنا به فقه که بر سر کار آید همین رویه را دنبال خواهد کرد و البته ما همین رویه را با یک کار اضافه که قبلاً خدمت مردم نیز عرض کردم دنبال خواهیم کرد. موقوفه باید در جهت نیت واقف اداره شود. در تولیت تفاوتی نیست، اما ممکن است در اعمال مدیریت تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. تلاش ما این است آنجایی که بین مردم و آستان قدس اختلاف است با حفظ حقوق آستان آن‌ها را حل‌وفصل نماییم؛ یعنی بعضی از اختلافات سی‌ساله‌ای که برخی از مردم مشهد یا دیگر شهرها دارند ادامه پیدا نکند و در مدت کوتاهی حل‌وفصل شود.

به عنوان سؤال پایانی بفرمایید که آخرین دیدار شما

با ایشان چه زمانی بود؟

چند ماه قبل از فوت آقای طبسی از طرف ایشان جهت سخنرانی ۹ دی و ۲۲ بهمن دعوت شده بودم که همان جا بعد از اتمام سخنرانی از من خواستند که در سرکشی‌های آستان قدس به ایشان کمک کنم، ولی من به دلیل مشغله‌های کاری که در قوه قضاییه داشتم، نتوانستم در خدمت ایشان باشم. آخرین دیدار من با ایشان در آخرین اجلاس مجلس خبرگان رهبری بود که با شرایط بسیار سخت حضور یافتند. در زمان بیماری ایشان نیز بنده چند باری تلاش کردم که به دیدن ایشان بروم، اما وضعیت ایشان به گونه‌ای نبود که کسی را بشناسند.

اوایل انقلاب
بعضی از آقایان
بودند که مواضع
ضدامام می‌گرفتند
و در حرف‌های خود
تعریض به امام
داشتند؛ آقای طبسی
در برخورد با آن‌ها
بسیار باصلابت
برخورد می‌کرد و
چه‌بسا که به همین
دلیل نسبت به ایشان
در مشهد فضا سازی
شد، اما نسبت به آن‌ها
بی‌توجه بود و هدف
ایشان فقط حفظ
انقلاب بود



میراثی که ماندگار شد

مروری بر پنج دوره زندگی
آیت الله عباس واعظ طبسی

فصل اول: آغازی برای شروع یک بهار

می کردند. «شاید به همین علت بود که همه حاج شیخ غلامرضا طبسی را به حاج واعظ طبسی می شناختند. اما در این میان چه کسی می دانست شیخی که درست در اوایل حکومت رضاخان و در جریان اعتراضاتش به قوانین منحوس پهلوی در راه سبزواری به طرز مشکوکی دار فانی را وداع گفته، دو میراث روحانی بودن و خطیب بودن را برای پسر یکساله اش عباس به ارث گذاشته باشند؟ دو میراثی که حکومت رضاشاه پهلوی را متزلزل کرده، قرار است سال های بعد حکومت پسر را از پایه و بن ویران کند؛ میراثی که به حاج شیخ عباس واعظ طبسی رسیده است و بعدها امام خمینی در رابطه با آن می گویند: «آقا شیخ عباس واعظ طبسی! من به شما از دو حیث ارادت دارم؛ به خاطر خودتان و به خاطر مرحوم والدتان. چه بسیار افرادی غیرمسلمان بودند که تحت تأثیر منطق و کلام مؤثر و پرجاذبه ایشان چه در ایران و چه در کشورهای عربی به

هنوز یک ماهی از خانه نشینی مادر نگذشته که در مشهد به دنیا می آید (بهمن ماه ۱۳۱۴)، خانه نشینی ای که آغاز یک مبارزه از سوی مادر بود، مبارزه ای علیه باطل. شاید به همین علت هم نام فرزند را عباس می گذارند، عباس نماد رشادت و پایداری. خانه نشینی مادر مربوط می شد به فرمان جدید شاه وقت (رضاشاه پهلوی) که دستور داده بود هر خانمی که در معابر عمومی با حجاب ظاهر شد، چادر از سرش برداشته شود. مبارزات خاموش مادرش هم با همین دستور بود که هم نوا با اعتراضات رسای پدرش حکومت را فلج می کرد؛ مادرش با خانه نشینی و پدرش با خطیبه خوانی (خطیبه خوان ماهری هم بود). صاحب کتاب وفيات العلماء درباره پدرش می نویسد: «ایشان بر امر خطابه و سخن گفتن بسیار مسلط بود. برای منبر ایشان جمعیت زیادی از مردم حاضر می شدند و از آن استفاده

لطیفه سادات مرتضوی
روزنامه نگار



آغاز مبارزاتش
هم‌زمان می‌شود با
کودتای ۲۸ مرداد
۱۳۳۲؛ کودتایی که با
دستگیری و اعدام
اعضای فداییان اسلام
چون نواب صفوی،
رنگ و بوی مبارزان
مخالف حکومتی را
هم عوض می‌کند و
چهرهٔ پنهانی به آنان
می‌دهد. سال ۱۳۳۵
مبارزات علنی‌اش علیه
نظام شاهنشاهی آغاز
می‌شود، دورانی که
با حاکم شدن افکار
ضد مبارزاتی علیه
رژیم پهلوی در حوزهٔ
علمیه، شرایط را برای
تبلیغاتش سخت‌تر هم
می‌کند.

محمدتقی ادیب نیشابوری»، «میرزااحمد مدرس یزدی»، «حاج
شیخ مجتبی قزوینی»، «حاج شیخ هاشم قزوینی» و مراجع
تقلیدی چون «آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی»،
«آیت‌الله فقیه سبزواری» و «آیت‌الله العظمی بروجردی». از
صحبت‌های به‌جامانده از استادش آیت‌الله بروجردی که او را
طلبه‌ای خوش‌فکر دانسته و به‌عنوان زبان حوزه‌های علمیه از او
تقدیر و تفقد کرده، پیداست که در این سال‌های طلبگی به‌خوبی
توانسته نام پدر را بار دیگر بر سر زبان‌ها بیاورد و البته لرزه‌ای هم
بر تن نیروهای امنیتی کشور، یعنی ساواک! لرزه‌ای که آثارش
را می‌شود در خلاصهٔ سابقهٔ شیخ عباس واعظ طبسی در این
سازمان اطلاعاتی هم دید که نوشته است: «وی تحصیلات خود
را نزد شیخ هاشم قزوینی مدرس طی و رشتهٔ فقه و اصول را
تکمیل و در ادبیات، تسلط و بهره کافی دارد. او علاوه بر آنکه
سواد عربی دارد، به اخبار و احادیث هم تسلط کامل دارد.»

اسلام مشرف شدند.»
درست در همان سال‌های سرنگونی رضاشاه پهلوی بود که
شیخ عباس طبسی که از یک‌سالگی زیر سایهٔ تربیت مادر
و حکمت‌های به‌یادگار مانده از پدر رشد کرده و به دوران
تحصیلی‌اش رسیده، پایش به درس و مدرسه باز می‌شود و در
شانزده‌سالگی دبیرستان ابن‌یمین را به قصد حوزهٔ علمیه ترک
می‌کند. هرچند هوش و ذکاوت زیادش در دوران درس و مدرسه
مخالفت مدیر دبیرستان برای رفتنش -که او را پزشک حاذق
آیندگان می‌دانسته- به دنبال دارد، اما او در این میان پایه‌پای
اعتقادش قدم برمی‌دارد، اعتقادی که به او می‌گوید: «جامعهٔ
ایران به طبیب حاذق روحانی بیشتر از طبیب جسمانی نیازمند
است.»
شانزده‌ساله بود که زیر پرچم حوزهٔ علمیه نواب در مشهد مقیم
می‌شود. اساتید بزرگش در این حوزه هم می‌شوند «شیخ

اسلام و شیعه را آموخته بود، به یاد حرف‌های قدیمی که در آن روزگاران برایش جدید بود و ماندنی. حرف‌های شهید نواب صفوی در آن روزگاران بازکننده راهی جدید پیش رویش بود، راهی که به قول خودش «بازکننده افقی نو در برابر دیدگان و برانگیزاننده شور و شوقی بود» که تا سال‌های سال روشنی بخش راه مستقیم انقلابی‌اش شد.

آغاز مبارزاتش هم‌زمان می‌شود با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ کودتایی که با دستگیری و اعدام اعضای فداییان اسلام چون نواب صفوی، رنگ و بوی مبارزان مخالف حکومتی را هم عوض می‌کند و چهره پنهانی به آنان می‌دهد. سال ۱۳۳۵ مبارزات علنی‌اش علیه نظام شاهنشاهی آغاز می‌شود، دورانی که با حاکم شدن افکار ضد مبارزاتی علیه رژیم پهلوی در حوزه علمیه، شرایط را برای تبلیغاتش سخت‌تر هم می‌کند؛ شرایط سختی که تا قبل از آمدن آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد به مشهد، بارش را به تنهایی به دوش می‌کشد. از همان سال‌هاست که تصمیم می‌گیرند گروهشان را سه‌نفره کنند، دلیل این کار را هم تشکیلاتی شدن کارهای مبارزاتی می‌دانند و می‌گویند: «ما اگر کارها و افکارمان تشکیلاتی باشد، نتایج بهتری از هر اقدامی خواهیم گرفت.» نتایج بهتری که با حضور سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای راه مشترک مبارزاتی‌شان را هم‌سوتر از قبل می‌کند؛ سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، سخنران قهاری که طنین صدایش خون یخ‌زده در شریان اجتماع را به جوش می‌آورد و فریاد رسای او گوش خواب‌زدگان را کر می‌کند و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای که استاد مسلم تعالیم اسلامی و اندیشه‌های دینی است و درس‌هایش برای کام خسته جوانان ایران زمین حکم نوشدارویی مؤثر دارد. با هم عهد می‌بندند که «تا برقراری حاکمیت اسلام، راه مبارزه را با همکاری صمیمانه یکدیگر دنبال کنند و همواره از امام (ره) به‌عنوان رهبر و مرجع اعلم جانب‌داری کنند.»

با همین قول و قرار سه‌نفره‌شان است که تصمیم می‌گیرند راهشان را طی کنند؛ اندیشه امام خمینی (ره) را برای مردم خراسان تبیین و آن‌ها را از موضوعات ریز و درشت حکومتی آگاه کنند. هرچند آشنایی‌اش با اندیشه‌های امام برمی‌گردد به سال ۱۳۳۹، سالی که در دفتر مبارزاتی‌اش بعد از شهادت نواب صفوی پیش رویش ورق خورده به قول خودش: «حاج آقا روح‌الله گمشده‌ای بود که من در تمام زندگی به دنبالش می‌گشتم.» گمشده‌ای که شاید او را بیشتر به یاد پدرش می‌انداخت، گمشده‌ای که وزش هیچ باد سهمگینی او را از جایش تکان نمی‌داد. از همان سال‌ها بود که زندگی‌اش را بر مدار خمینی تنظیم می‌کند، مداری که تا آخرین لحظه بر گرد آن می‌چرخد. معرفی کردن امام به‌عنوان مرجع اعلم توسط او، اولین بار در مسجد «حاج ملا هاشم» صورت می‌گیرد، یک سخنرانی پرشور که با اعتراض ساواک همراه می‌شود، اعتراضی که به دستگیری و زندانی شدن او توسط نیروهای امنیتی شاهنشاهی هم می‌انجامد. سال ۱۳۴۰، خبر فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی (مرجع عام جهان شیعی) شیعیان را عزادار می‌کند. در این سال‌ها محمدرضا شاه پهلوی که برای حفظ حکومت غاصبش می‌کوشد تا مرجعیت شیعه را که تأثیر بسزایی در افشاگری حکومت بر پایه باطل شاهنشاهی دارد در ایران مطرح نکند، از این فرصت استفاده و با پیام تسلیت خود به آیت‌الله سید محسن حکیم در عراق، این جریان بزرگ شیعی را از قم به نجف منتقل می‌کند.



عکس
نوبت

۱۳۳۰؛ حرم مطهر رضوی، از چپ: شهید آیت‌الله ربانی
املشی در کنار آیت‌الله واعظ طبسی
و تیمسار قاسمعلی ظهیرنژاد



تدریس دروس حوزوی‌اش از همان دوران تحصیلی آغاز می‌شود؛ به همین بهانه محیط کلاسش را هم به یکی از پایگاه‌های ترویج تفکرات امام خمینی تبدیل می‌کند و هدفش را تربیت یاران فداکار آن هم برای انقلاب اسلامی قرار می‌دهد، هدفی که کلیدش از نوجوانی زده می‌شود؛ یعنی درست در زمانی که نیمکت‌نشین دبیرستان ابن‌یمین بود. روحیه مبارزاتی‌اش پای منبرهای رهبر تشکیلاتی فداییان اسلام قوی‌تر شد، روحیه‌ای که خاطرات ندیده پدر را بار دیگر برایش زنده کرد، روحیه‌ای که با صحبت‌های طلبه شهید نواب صفوی پیش‌تاز مبارزات مسلحانه اسلامی در او جوانه زد.

فصل دوم: در گرماگرم ایام جوانی

شروع فصل جدید زندگی‌اش همراه می‌شود با آغاز جریان نهضت ملی شدن نفت، سال ۱۳۳۰؛ جریانی که مبارزات ضداستعماری مردم به رهبری آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی را به دنبال دارد؛ آن روزهایش را هنوز در مشهد می‌گذراند، دبیرستان ابن‌یمین. حال و هوای روزهای مبارزاتی پیش رویش او را به یاد خاطرات و حرف‌های گذشته می‌انداخت، به یاد حرف‌های مادری که آن هم پر بود از تعالیم حکمت‌ها و موعظه‌های به ارث مانده از پدری که زیر لباس روحانیت، درس

بر اساس صحبت‌های او تنظیم کرده است، صحبت‌هایی که نه عقب‌تر از آن گامی برمی‌دارد و نه جلوتر از آن قدم می‌گذارد، صحبت‌های تنها گمشده زندگی اش حاج آقا روح‌الله خمینی.

لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در این سال یک زورآزمایی با روحانیت است که آن‌ها را برای همیشه کنار بگذارد. با حذف مذهب رسمی و سوگند به قرآن، به گروه‌های صاحب نفوذ غیرمسلمان که در عمل سیاست کشور را به دست دارند، فرصت می‌دهد که به طور رسمی اعلام موجودیت کنند. با عنوان شدن آزادی زنان، دلیل عقب‌ماندگی و محرومیت گذشته آن‌ها به عهده اسلام و قانون اساسی گذاشته می‌شود، محرومیتی که تا قبل از آن مردان هم از آن بی‌بهره نبودند! این لایحه و روشنگری مردم در برابر نقشه‌های دشمن نیازمند سخنرانی‌ها و منبرهای سرکوبگری دارد که با تلگراف امام خمینی به شاه -درست دو روز بعد از تصویب این لایحه- توسط یاران دلسوز و سربازان خمینی آغاز می‌شود. تلگرافی با این مضمون: «به‌طوری‌که در روزنامه‌ها منتشر شده است، دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی، «اسلام» را در رأی‌دهندگان و منتخبین شرط نکرده و به زن‌ها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علمای اسلام و سایر طبقات مسلمین است. بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام و آرامش قلوب است. مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگوی ملت مسلمان شود.»

سخنرانی‌های مبارزاتی شیخ جوان بعد از این تلگراف امام بار دیگر حساسیت نظام پهلوی را بر روی منبرهای واعظ‌گونه‌اش متمرکز می‌کند. حرف‌هایی که بعد از دستگیری‌اش در بهمن‌ماه همان سال، این سؤال را مقدمه بازجویی‌ها از او می‌کند: «در

با این کار، حکومت به خیال خودش مرجعیت موجود در ایران و حوزه علمیه قم را نادیده گرفته و توجهات مردم ایران را به سمت علمای نجف جلب کرده است.

در همان سال‌ها است که شیخ جوان، بهار عمرش به ۲۶ سال رسیده و ملبس به لباس روحانیت شده است. سخنرانی‌های افشاگرانه‌اش در این سال‌ها و در لباس روحانیت رنگ و بوی دیگری می‌گیرد و انگشت اتهامات ساواک به‌سوی‌ش نشانه می‌رود، انگشت اتهامی که با منبرهای سرکوبگرانه‌اش در بیت آیت‌الله قمی، سرای محمدیه بازار بزرگ و مسجد بناهای شهر مشهد منجر به ممنوع‌المنبر شدن او می‌شود؛ ممنوع‌المنبر شدنی که گزارشش در تیرماه همان سال توسط ساواک این‌گونه صادر می‌شود: «نامبرده از وعاظ مشهد و از اطرافیان آیت‌الله قمی می‌باشد که در گذشته پیشینه بدی نداشته، ولی در سال جاری که از تاریخ ۱۳۴۰/۳/۲ الی ۱۳۴۰/۴/۱۵ در منزل آیت‌الله قمی و سرای محمدیه منبر رفته است، در طی بیانات خود حمله به دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و افسران ارتش و فرهنگیان و فرق غیر شیعه نموده و حتی در پرده کنایه و ایهام، نسبت به مقام شامخ سلطنت مطالبی ابراز داشته است.»

ممنوع‌المنبر شدن او در مشهد، نامه اعتراض آمیز آیت‌الله قمی به ساواک را به همراه دارد، نامه‌ای که آیت‌الله سید محمد بهبهانی هم آن را تأیید و امضا می‌کند، نامه‌ای که در نهایت ساواک را تحت فشار قرار می‌دهد. حکمی که هرچند با تعهد او به ساواک مبنی بر اشاره نداشتن به مسائل سیاسی در بالای منبر به امضا رسیده، ولی با برداشته شدن آن بار دیگر او را واعظ میدان بصیرت می‌کند.

سکوتش به چند ماهی نمی‌کشد که بار دیگر جریان مسافرت شاه پهلوی به شمال و بازدید اسدالله علم از اردوی سازمان

جوانان در کنار دریا موضوعی

می‌شود که روحیه مبارزاتی او را بار دیگر به کرسی سخنرانی‌های روشنگرانه‌اش می‌کشاند؛ سخنرانی که از نگاه ذره‌بینی ساواک دور نمی‌ماند و موجب دستگیری چندروزه او می‌شود که با وساطت استاندار به آزادی می‌انجامد؛ آزادی که بار دیگر همراه همان سال و به دنبال تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، پایه‌های حکومتی شاهنشاهی را توسط او در بالای منبر به لرزه می‌اندازد، لرزشی که عصبانیت ساواک را با این جمله بیشتر هم می‌کند



تاریخ ۴۱/۸/۱۶ در منزل آقای مقدسیان در بالای منبر خطاب به جناب آقای نخست‌وزیر گفته‌ای که نمی‌شود با قرآن و خدا جنگید، خدا می‌گوید کشف حجاب نکن، خدا می‌گوید قانون تساوی حقوق زن و مرد را به تصویب نرسان و پس از توهین اضافه نموده‌ای که خداوند تو را هم به جزیره مرگ ببرد، منظور از بیان این قبیل مطالب تحریک‌کننده چه بوده است؟» ایشان

(جمله‌ای که به کرات بر روی کرسی سخنرانی‌هایش قبل از هر چیز متذکر می‌شود): «بالینکه به من گفته شده است این موضوعات را مطرح نکنم، ولی تا پای جان ایستادگی کرده، خواهم گفت.» جمله‌ای که جرقه‌های اولیه‌اش را تنها گمشده زندگی‌اش در آن سال‌ها در وجودش می‌زند، گمشده‌ای که سال‌هاست آن را پیدا کرده و نقطه صفر مدار مبارزاتی‌اش را

ممنوع‌المنبر شدن
او در مشهد، نامه
اعتراض آمیز آیت‌الله
قمی به ساواک را به
همراه دارد، نامه‌ای
که آیت‌الله سید محمد
بهبهانی هم آن را
تأیید و امضا می‌کند
و در نهایت ساواک
را تحت فشار قرار
می‌دهد. حکمی که
هرچند با تعهد او به
ساواک مبنی بر اشاره
نداشتن به مسائل
سیاسی در بالای منبر
به امضا رسیده، ولی
با برداشته شدن آن بار
دیگر او را واعظ میدان
بصیرت می‌کند.

در جواب این سؤال می گوید: «من در منبر در موضوع حجاب از نظر قرآن بحث کرده ام و نسبت به قانون تساوی حقوق زن و مرد از نظر قرآن سخن گفته ام. آن گاه خطاب به جناب آقای نخست وزیر کرده ام که حاج آقا روح الله خمینی فرموده اند اگر برای شما ابهامی در قوانین روحانیت است، ممکن است با آقای خمینی مکاتبه بفرمایید و موضوع جزیره مرگ اصلاً به آقای علم خطاب نشده است، بلکه گفته ام آنان که با قوانین قرآن مبارزه کنند خداوند آن ها را به جزیره مرگ می فرستد.»

سخنان کوبنده او رو به سمت وطن فروشانی دارد که قصدشان ضربه زدن به قوانین اسلامی و وارد کردن قوانین غربی به کشور است؛ افرادی چون اسدالله علم، نخست وزیر وقت که به عنوان حامی رژیم صهیونیستی اسرائیل و قوانین وارداتی از آمریکا شناخته شده، شیخ جوان بارها و بارها در سخنرانی هایش به طور غیرمستقیم مردم را به تفکر وامی دارد و می گوید: «آقایان تجار! برای خدا و امام زمان قدم بردارید، از چه می ترسید؟ همچنین طالس و نوکران فدایی امام زمان! تا آخرین قطره خون خود کوتاهی نکنید.»

فصل سوم: در دما دم برگریزان حکومتی

وعظ های انقلابی گرانه او در این سال ها که بیش از پیش ساواک و نیروی امنیتی را عصبانی کرده و پایه های حکومتی شاهنشاهی را بار دیگر به لرزه درآورده، برای نیروهای شاهنشاهی راهی جز دستگیری و اعزام او به تهران باقی نمی گذارد؛ راهی که در گزارش ساواک برای دستگیری او آمده است: «برای تثبیت امنیت در استان خراسان اعمال یک چنین عملی در وضع حاضر، نهایت ضرورت را دارد؛ زیرا اظهارات بی پرده مشارالیه و اینکه کوچک ترین عکس العملی نشان داده نشده است، سایر وعظ را جری نموده؛ از طرفی بین مردم شایع شده است که او بهلول دوم می باشد.»

بر اساس همین گزارش های امنیتی ساواک است که نیروهای امنیتی حکومت چند روزی قبل از ماه مبارک رمضان و درست در زمانی که محمدرضا شاه پهلوی در طی سفرش به قم با استقبال کمی از مردم روبه رو می شود و علما و حوزه های علمیه مبارز و انقلابی را به عنوان «ارتجاع سیاه» معرفی می کند، روحانی جوان و انقلابی خراسانی ها را هم به اتهام «تحریک به قیام و آشوب و بلوا» به تهران اعزام و ۱۶ بهمن سال ۴۱ به زندان قزل قلعه تحویل می دهند.

هرچند حضورش در زندان تهران و بازجویی های صورت گرفته از او به یک ماهی نمی کشد و در آخر هم ساواک در پرونده او می نویسد: «عضویت و فعالیت خود را در احزاب، انکار و اتهامات منتسبه را تکذیب نموده»، ولی در بند بودنش در همین ایام نیز راه را برای وعظ های روشنگرانه و مخفی اش نمی بندد و کم کم فضای پشت میله ها را هم تبدیل به کانونی برای تبلیغات انقلابی می کند، کانونی که برپایی نماز عید فطر بهانه ای برای تشکیل می شود، بهانه ای که فضای زندان را میدان مبارزه می کند و ارتباط گیری با زندانیان و روشنگری شان را زمینه ساز آن.

با تمام شدن دوران محکومیتش هنوز چند روزی از آزادی اش نمی گذرد که بار دیگر پیام امام به علما و روحانیون، او را به میدان جهاد می کشاند؛ پیامی که به دنبال تصویب لایحه اصول شش گانه شاهانه، بار دیگر دربار سلطنتی را در هم می کوبد؛ پیامی که موجب می شود امام عید نوروز را به عنوان عزا معرفی

کرده و آن را به مردم تسلیت بگویند؛ تسلیتی که به دنبال این لایحه تصویب شده از سوی حکومت به مردم بوده، لایحه ای که ملت را تحمیل به پذیرش آن می کند؛ لایحه ای که بند بندش توسط آمریکا دیکته شده و حکومت را به خیال تمديد کردن عمر سلطنتی اش در غباری از امید فرو برده، امیدی که این لایحه چندگانه آن را در دربار شاه ایجاد کرده است؛ لایحه شش گانه شاهنشاهی یا همان انقلاب سفید، انقلابی که شاه را برای رهایی از گزند حملات احتمالی آمریکا به ساختار سنتی حکومتش، مجبور به قبول آن می کند. انقلابی که لویج ظاهری اش به گونه ای تنظیم شده که مخالفت با بند بند آن، مخالفت با منافع مردمی محسوب می شود که همین عاملی برای سخت تر شدن کار توسط علما و روحانیون مبارز در آن دوران می شود؛ علمایی چون روحانی مبارز خراسانی، شیخ عباس واعظ طبسی.

به دنبال دستور امام به علمای مبارز برای روشنگری مردم در فروردین سال ۴۲، شیخ واعظ را در منزل آیت الله قمی به کرسی سخنرانی می کشاند، منزلی که این روزها در مشهد مرکز تصمیم گیری و پناهگاه مردم بی دفاع شده است و راهپیمایی و حرکات انقلابی هم در آنجا عملیاتی می شود، منزلی که برای روحانیون مبارز انقلابی هم به شورای مرکزی تبدیل شده، مرکزی که کرسی های سخنرانی واعظ خراسانی را تبدیل به بلندگویی برای رساندن فرامین امام به گوش مردم می کند.

فرمان جدید امام برای انقلاب سفید هم بار دیگر شیخ عباس واعظ طبسی را کرسی نشین این خانه می کند، کرسی وعظی که با شنیدن این سخنان شور و شوق جهادی و انقلابی را بار دیگر در میان مردم زنده می کند: «ای مردم! اگر در راه دین بخواهد جان من در خطر باشد، برای من هیچ اشکالی ندارد، طبسی کشتن آسان است. امروز، روز اتمام حجت است... آقایان شاید زنده نمانم، شاید فردا نباشم، فعلاً به شما عرض می نمایم... چون سرنوشت خود را می دانم باید بگویم امروز، روز انقلاب روحانیون نیست، بلکه همیشه خواهد بود. تا دولت دست از روش جابرانه خود برندارد، همین انقلاب هست. من به تمام دستگاه های حاکمه عرض می کنم امروز شما تقلید از آمریکایی ها و خارجی ها می کنید، کشور ما مسلمان است، مذهب جعفری دارد... این اجتماع و این روحانیت بر جای خود قرار نخواهند گرفت؛ حوزه علمیه مرکز، حوزه علمیه قم، حوزه علمیه نجف و مجاهدین دین با این رویه مخالف هستند.»

هرچند این سخنرانی هم به دستگیری کوتاه مدت او می انجامد، ولی نه تنها روحیه مبارزاتی اش را کم رنگ نمی کند، بلکه صراحت لهجه اش با نظام شاهنشاهی را هم بیشتر می کند، صراحت لهجه ای که در کرسی های سخنرانی اش آن را با صدای بلندتری هم می گوید: «من از سازمان امنیت بک ندارم و دو مرتبه هم زندانی شده ام و اگر برای مرتبه سوم هم زندانی شوم، نمی ترسم. ما با دولت مخالف نیستیم، فقط حرف ما این است آن هایی که کرسی نشین هستند، بایستی از روی احکام قرآن و دستورات دین عمل کنند.»

یورش به مدرسه فیضیه در فروردین ماه ۴۲، دستگیری شبانه امام در ۱۵ خرداد و واقعه خونینی که از قیام مردمی در همان سال رقم می خورد و به دنبال آن دستگیری و تبعید آیت الله قمی، بار دیگر مبارزات شیخ واعظ را به مبارزات پنهانی تبدیل کرده است؛ هرچند روح آزاده اش در این راه توان غل و زنجیر شدن حکومتی را ندارد و بارها و بارها در وعظ هایش بالای منبر این نکته را هم متذکر

به دنبال دستور امام
به علمای مبارز برای
روشنگری مردم در
فروردین سال ۴۲،
شیخ واعظ را در
منزل آیت الله قمی
به کرسی سخنرانی
می کشاند، منزلی که
این روزها در مشهد
مرکز تصمیم گیری و
پناهگاه مردم بی دفاع
شده است و راهپیمایی
و حرکات انقلابی
هم در آنجا عملیاتی
می شود، منزلی که
برای روحانیون مبارز
انقلابی هم به شورای
مرکزی تبدیل شده
است، مرکزی که
کرسی های سخنرانی
واعظ خراسانی را
تبدیل به بلندگویی
برای رساندن فرامین
امام به گوش مردم
می کند.

حصر خانگی و بازگشت دوباره آیت‌الله قمی به مشهد، یعنی فروردین ماه ۴۳. سخنرانی که بار دیگر راه روشن مبارزاتی‌اش را برای همگان روشن و بیعت دوباره او با رهبر ملی مشهد، آیت‌الله قمی را محکم‌تر می‌کند.

در همان فروردین ماه ۴۳ به‌بهانه دیدار با امام خمینی، روحانی مبارز خراسانی را به همراه چند نفر از روحانیون و طلاب راهی قم می‌کند؛ دیداری که به سخنرانی چند دقیقه‌ای واعظ مشهدی در محضر امام هم می‌انجامد، سخنرانی که امام و اهالی قم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بیعت چندین باره مردم خراسان را به رهبری قیام‌مخبره می‌کند: «حضرت آیت‌الله خمینی! اینجانب شیخ عباس طبعی از طرف آقای قمی و اهالی مشهد مأموریت دارم چند جمله‌ای را به عرض برسانم. حضرت آیت‌الله خمینی! اهالی مشهد آمادگی خود را به عرض عالی می‌رسانند... حضرت آیت‌الله خمینی! من از مشهد مقدس آمده‌ام زانوان شما را ببوسم و با شما هماهنگ بشوم.»

خطاب سخنرانی‌هایش در آن روز، خطابی دوباره به مردم هم دارد، خطابی که شور مبارزاتی را در وجودشان به غلیان می‌اندازد: «آقایان محترم! چقدر تانک و تفنگ به جنگ ابراهیم خلیل‌الله آمدند، دیدید آخر مغلوب شدند. آقایان محترم! جریان حضرت موسی و فرعون را دارید، جریان زندانی شدن یوسف را هم دارید. آقایان محترم! حالا می‌خواهم چند جمله‌ای هم درباره رفتارندوم و دولت دیکتاتوری با شما صحبت کنم. روز ۱۵ خرداد یک بچه سیزده‌ساله از منزل بیرون می‌آید، آن از خدا بی‌خبران تیری به دست بچه سیزده‌ساله می‌زنند؛ بچه سیزده‌ساله را می‌برند دکتر، به بچه می‌گویند بچه جان چرا امروز بیرون آمده‌ای، مگر نمی‌دانی امروز از در و دیوار خون می‌چکد؟ آن بچه در جواب دکتر می‌گوید: آقای دکتر! این چه حرفی است می‌زنی، مگر نمی‌دانی پیشوا و امام ما را گرفته‌اند. آقایان محترم! ما امیدواریم دولت و هیئت حاکمه به اشتباه خود پی ببرند و بفهمند که با سرنیزه و گلوله نمی‌شود ملتی را ساکت کرد.»

این سخنرانی بهانه‌ای را به دست مأموران حکومتی می‌دهد تا بار دیگر واعظ خراسانی را در راه‌آهن قم دستگیر و راهی زندان کنند. بعد از این دستگیری، امام خطاب به ساواک می‌گوید: «شما مهمان من را گرفتید، پس در حقیقت خود من را گرفتید.»

بازجویی‌ها از شیخ واعظ در زندان راه به جایی نمی‌برد تا جایی که ساواک گزارش می‌دهد: «نامبرده در بازجویی کلیه اتهامات وارده را تکذیب و مدعی است که هرگز برخلاف مصالح کشور سخنی نگفته... او اعتراف نموده که اینجانب به پیروی از مراجع تقلید با لویج شش‌گانه مخالفت و تا پای جان هم ایستادگی خواهم نمود.»

آزادی او مشروط بر آنکه از حوزه قضایی تهران خارج نشود، او را برای چندمین بار از سوی حکومت ممنوع‌المنبر می‌کند. آزادی با قید شرطی که تا مردادماه همان سال به طول می‌انجامد. هرچند ممنوع‌المنبر شدن او از

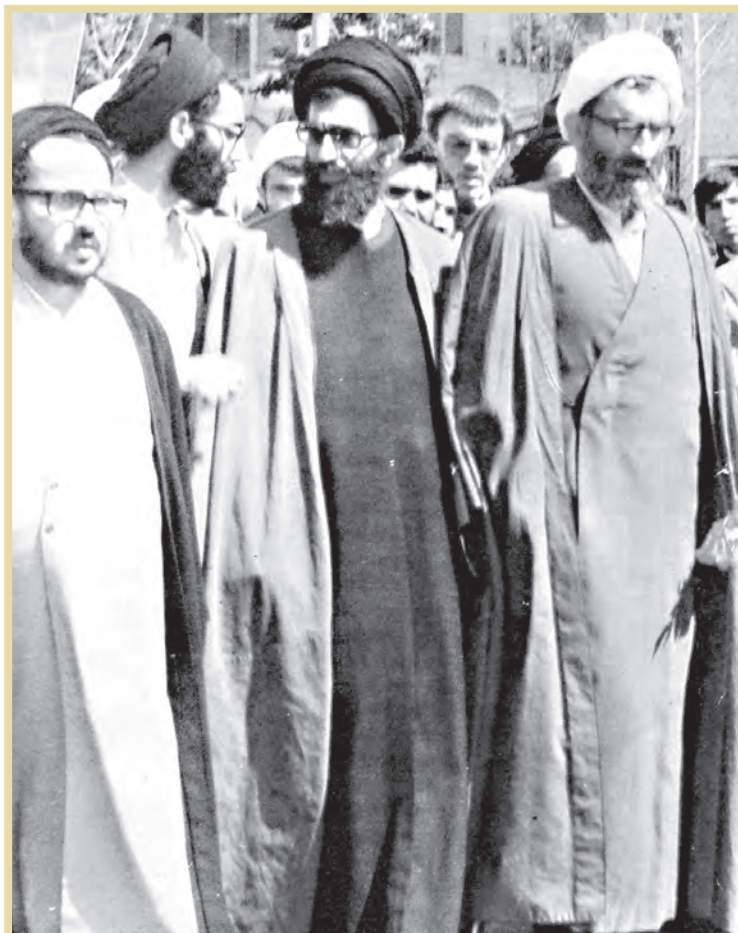
می‌شود: «من امروز نمی‌توانم در منبر حقایق را بگویم، برای اینکه از طرف مقامات صلاحیت‌دار جلوگیری می‌شود و خودم نمی‌فهمم چه بگویم که برای اسلام و مسلمانان نفع داشته باشد.»

ارتجاعی خواندن روحانیت مبارز توسط شاه که برچسبی است برای سرکوب کردن هر چه بیشتر مخالفین رژیم پهلوی، صحبت‌های وعظ‌گونه روحانی جوان خراسانی را به سمت‌وسوی واحدی پیش می‌برد، سمت‌وسویی که دستان پشت پرده نظام شاهنشاهی را برای مردم روشن‌تر می‌کند، نظامی که با مبارزه مخفی نمی‌شود رنگ و روی پشت نقابش را به مردم نشان داد. شیخ عباس طبعی در سخنرانی‌های کوبنده‌اش در این سال‌ها می‌گوید: «در کشور ما اشخاص مسلمان و باایمان را ارتجاعی می‌گویند، چون حرف اثر دارد، ماها را ملترزم نموده‌اند که حرف حسابی نگوییم، زیرا می‌خواهند طبقه روحانیون که راهنمای شما هستند را از بین ببرند که به ریاست خود ادامه دهند.»

فصل چهارم: یخ‌های آب‌شده استبداد

در ایامی که تشکل روحانیون مبارز خراسان برای هماهنگی بیشتر در مبارزات سامان‌دهی می‌شود، بار دیگر سخنرانی‌های کوبنده او علیه حکومت شاهنشاهی موجبات دستگیری‌اش را در آذرماه همان سال فراهم می‌کند، دستگیری که ۴۵ روز بعد آن با گزارش ساواک هم این‌گونه تکمیل می‌شود: «آقای شیخ طبعی اظهار می‌دارد اکنون رگ‌های بدنم آتش‌فشانی دارد، اگر یک روزی قدرت پیدا کردم، می‌دانم چه کنم و چه بگویم؛ فعلاً با تضمین دادن مخالفم.»

سخنرانی بعدی‌اش هم‌زمان می‌شود با آزادی امام خمینی از



بعد از پیروزی
انقلاب، فرمان تشکیل
سپاه پاسداران از
سوی امام برای
حفظ دستاوردهای
انقلاب و سرکوبی
عوامل ضدانقلاب
و توطئه‌های
امپریالیسم،
صهیونیسم و
ساواکی‌ها، بار دیگر
مسئولیتی را در
بدو تشکیلش در
مشهد بر عهده شیخ
خراسانی قرار می‌دهد؛
مسئولیتی که او را در
لیست بنیان‌گذاران
سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی در خراسان
قرار می‌دهد.

حرف‌ها می‌زد که حاصلش تهدید من بود. من هم در پاسخ وی گفتم من از اول هم کاری به این کارها نداشتم و مانند شماها حرارتی به خرج نداده و حالا هم کاری ندارم، حتی با کارهای برادرزنم سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد موافق نیستم... من وظیفه شرعی خودم هست که نماز بخوانم، منبر بروم، جلسه بحث و انتقاد دینی داشته باشم، چند نفر جوان را هدایت کنم و کار شما و اعمال شما مورد قبول و پسند نیست و من با شما و هاشمی‌نژاد هیچ‌گاه هم‌صدا نمی‌شوم.»

در زمان تبعید امام به ترکیه و نجف، نقش حمایت‌های آشکارانه او از رهبری مبارزات بار دیگر نیز موجبات دستگیری چندباره او را فراهم می‌کند، به‌ویژه آنکه در سخنرانی‌های عمومی‌اش بارها و بارها امام را به‌عنوان مرجعیت شیعی معرفی می‌کند: «من مقلد آیت‌الله خمینی هستم و هر کس از من سؤال می‌کند، می‌گویم باید از آقای خمینی تقلید کند و از کتاب

تحریر الوسیله آقای خمینی بهره ببرید که واقعاً عالیست.» ۱۵ خردادماه ۴۳ به دنبال سالگرد قیام خونین مردمی در سال ۴۲، مراسمی در شهرهای مختلف چون مشهد برگزار می‌شود، مراسمی که به بازداشت شیخ طبسی هم منتهی می‌شود. در جریان همین زندانی شدن‌های چندباره‌اش است که نامه‌های پنهانی به همسرش در زندان و دستورالعمل‌های ابلاغی او به مبارزان، آشکار و رهبری جریان مبارزاتی بیرون از زندان توسط او متوقف می‌شود. نامه‌های پنهانی که در گزارش‌های ساواک هم به آن اشاره می‌شود: «برابر اعلام افسرنگهبان زندان مشهد، ساعت ۱۴ روز نوزدهم شهریورماه، زندانی ضدانگیزی، عباس واعظ طبسی هنگام ملاقات با همسرش به نام زهرا عرفانیان، فرزند محمد، دو برگ نامه داخل لباس‌های پنهان [کرده] که در نامه مزبور مطلبی از تبعیدگاه طالقانی، شایع کردن درد کمر در بین دوستان به احتمال عدم ترخیص بعد از اتمام دوره محکومیت، تماس با محامی امام جماعت مسجد حاج فرهاد در مشهد به

منظور پرداخت ماهیانه ۶۰۰ تومان به خانواده عبادی زندانی ضدانگیزی نوشته شده بود.»

هرچه سال‌های مبارزاتی به ۵۷ نزدیک‌تر می‌شود، فریاد «مرگ بر شاه» مردم هم بیشتر به روستاها و اطراف شهر می‌رسد، فریادی که پایه‌های حکومت را به لرزه می‌اندازد، فریادی که می‌تواند با دستگیری و زندانی شدن رهبران مبارز توسط ساواک یک‌صداتر هم بشود و رؤیاهای چندین ساله شاهنشاهی را یک‌شبه بر باد دهد؛ همین عامل قرار بازداشت‌ها را به قرار التزام عدم خروج از حوزه قضایی خراسان تبدیل می‌کند، قرار که گزارش‌های ساواک دلیلش را جلوگیری از اعتصاب مردمی می‌داند: «با هم‌بستگی و فعالیتی که واعظ طبسی و هاشمی‌نژاد با سایر روحانیون و طبقه دانشگاهی و آیات عظام و کسبه دارند،

سوی حکومت او را در این راه تسلیم نمی‌کند، بلکه کلاس‌های تدریس او را به کرسی‌های سخنرانی تبدیل می‌کند؛ کرسی‌هایی که هدفش را تربیت طلاب مبارز در این راه قرار می‌دهد، راهی که در نهایت به ترویج تفکرات گم‌شده روزهای کودکی‌اش (امام خمینی) منتهی می‌شود، تفکراتی که روحیه طلاب را بیش از پیش انقلابی‌تر می‌کند: «ای طلاب محترم! شما هستید که شمشیر بیانتان منطق است و بر هر فردی از شما لازم است نسبت به وضع و موقعیت خود به دین مقدس اسلام کمک کند و با اجانب و شخصیت‌هایی که با اعمال زشت کمرشکن می‌خواهند قوانین واقعی اسلام را از بین ببرند، مبارزه کنید.» هرچند دنبال کردن این راه یعنی تربیت طلبه مبارز و انقلابی با ممنوع التدریس شدن او از سوی ساواک همراه می‌شود، ولی تأسیس مدرسه‌ای مستقل برای این منظور در دستور



فعالیت‌هایش با آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و همکاری آیت‌الله شهید سید محمد حسینی بهشتی قرار می‌گیرد. پیکان صحبت‌های وعظ‌گونه‌اش فقط رو به‌سوی مردم و شاگردان طلائش ندارد، بلکه گاهی تیر کلامش گریبانگیر روحانیون و خواصی می‌شود که در آن روزگاران مبارزاتی خود را به خواب زده‌اند و از عرصه سیاست جدا کرده‌اند. در روز ۳۰م بهمن‌ماه ۴۸ سید حسن ابطحی در منزل آیت‌الله میلانی اظهار می‌کند: «در ماه مبارک رمضان، شیخ عباس طبسی واعظ مرا به منزلش احضار نموده و قریب دو ساعت با من صحبت می‌کرد. به من گفت چرا تو ساکتی و حرفی نمی‌زنی و مبارزه نمی‌کنی و اگر همین‌طور ساکت باشی ما مجبوریم تو را بکوبیم، در نتیجه کسی با تو نماز نخواهد خواند. طبسی قریب به دو ساعت از این



چنانچه دو نفر مزبور دستگیر کردند، بهطور قطع دستجات زیادی در مشهد اجتماع و اعتصابات رخ خواهد داد که مقامات مجبور می‌شوند آنان را آزاد و به خواسته‌های مخالفین تن در دهند.

شعارهای «مرگ بر شاه» و «این شاه آمریکایی اعدام باید گردد» در آذرماه ۵۷ بود که به دستور امام جای پایش را در میان تظاهرات مردمی باز می‌کند؛ تظاهراتی که مردانش مجسمه شاه را از وسط میدان به زمین می‌کوبند و بچه‌هایش عکس امام را در پشت شیشه ماشین‌ها می‌چسبانند. هم‌بستگی خراسانی‌ها کم‌کم فضای امنیتی و انتظامی شهر را از حکومت

می‌گیرد و آن را از آن خود می‌کند، به‌نحوی که گزارشات ساواک خراسان هم بویی از عقب‌نشینی‌هایشان در شهر را گرفته، گزارش‌هایی که مخابراتشان به تهران از پشت پرده آن می‌گوید: «با همکاری اصناف، بازاریان، فرهنگیان و دانشگاهیان و روحانیون، دادگاهی به نام دادگاه ملی در شهر مشهد تشکیل که ریاست آن را شیخ طبسی به عهده دارد. نحوه کار بدین ترتیب است که در گوشه و کنار شهر تعدادی از جوانان کم‌سن‌وسال که روی بازوی آن‌ها علامت مأمور انتظامات است، در پوشش برقراری نظم و ترافیک، شماره اتومبیل‌هایی به آنان داده شده تا ضمن چک کردن اتومبیل‌ها چنانچه به یکی از این شماره‌ها برخورد کردند سوت می‌زنند، سپس تعداد ۴ الی ۵ نفر چریک انتظامی هستند، اتومبیل و سرنشین مربوطه را دستگیر و ظاهراً به دادگاه هدایت می‌نمایند.»

روز تاسوعای همین سال اجتماع مردمی رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد؛ اجتماع بزرگ در اطراف حرم ثامن‌الحجج علی‌ابن‌موسی‌الرضا، اجتماعی که مردمش بار دیگر پیوندشان را با ولی و رهبرشان محکم‌تر می‌کنند؛ اجتماعی که خواندن خطابه دهم‌های‌اش با عباس واعظ طبسی می‌شود و خطبه‌خوانی‌اش با یار مبارزاتی و هم‌پیمان شده‌او، خطبه‌خوانی مهمی که شیخ واعظ درباره آن به مردم می‌گوید: «بروید حرم را اشغال کنید. قرار است امشب خطبه به نام خطبه خمینی خوانده شود؛ لذا قرار است امشب سید علی خامنه‌ای به نام خمینی خطبه بخواند.» خطبه‌ای که چراغ راه مردمی می‌شود و پایه‌های حکومتی را در هم می‌کوبد، خطبه‌ای که هم‌بستگی مردمی را بار دیگر بر پایه‌های مستحکم‌تری استوار می‌سازد، پایه‌هایی که سنگ بنایش را در این سال‌ها روحانیون و طلاب مبارزی چون آیت‌الله عباس واعظ طبسی به خوبی قرار دادند؛ سنگ بنایی که در سال ۵۷ با نوای الله‌اکبر مردمی و با شعار «خمینی آمد» انقلابیون محکم‌تر هم می‌شد، نوایی که هم‌صدایی بار رهبری بود و پیروزی، پیروزی حق علیه باطل.

فصل پنجم: پایانی برای آغاز یک بهار

سرود مردمی «خمینی ای امام» طنینش را در کل کشور می‌اندازد که خبر پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن‌ماه ۵۷ کاخ سلطنتی شاهنشاهی را برای همیشه ویران و امنیت سایه خود را بر سر مردم شهر پهن می‌کند؛ امنیتی که دست‌پرورده مردمی است که بی‌چون‌وچرا گوش به فرمان رهبر مبارزاتی خود، راه

را برای رسیدن به اهداف خود هموار کردند؛ راهی که چراغ راهش را علمایی چون آیت‌الله عباس واعظی طبسی روشن نگاه داشتند.

یک روز بعد از پیروزی انقلاب که موجودیت مرکز ستاد انتظامی انقلاب امام در مسجد کرامت به مسئولیت آیت‌الله واعظ طبسی در رادیو مشهد اعلام می‌شود، اولین کرسی سخنرانی‌اش در صحن خمینی هم برپا می‌گردد؛ سخنرانی‌ای که با حضور ۵۰ هزار نفر مردم مشهد، شور و شوق انقلابی‌تری هم به خود می‌گیرد. مراسم این روز با حضور چشمگیر بانوان مشهدی پیام بزرگ‌تری را هم مخابره می‌کند، پیامی که با تذکرات واعظ خراسانی هم‌نوا تر می‌شود، پیامی که همه اموال و املاک و حقوق دولتی را از آن همه ملت ایران می‌داند. تذکرات استاد طبسی در این روز که بیشتر جنبه حفاظتی از انقلاب اسلامی را دارد، رو به‌سوی همه ایرانیان دارد: «در این موقع حساس هیچ‌کس حق تجاوز به کسی را ندارد و از هرگونه اخلاص و آتش‌سوزی مخصوصاً به ساختمان‌های دولتی که امروز متعلق به ملت است به شدت جلوگیری می‌شود.»

سه روزی از پیروزی انقلاب می‌گذرد که آیت‌الله واعظ طبسی به حکم امام، سرپرست آستان قدس رضوی می‌شود، حکمی که در فروردین ۵۹ از سوی امام به حکم تولیت تبدیل می‌شود، حکمی که شیخ خراسانی را سرپرست ۲۷ ساله آستان رضوی می‌کند: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. خدمت جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای آقا شیخ عباس واعظ طبسی دامت افاضاته. پس از اهدای سلام و تحیت تا تعیین تولیت برای آستان مقدس حضرت ثامن‌الائمه صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهرین، جنابعالی برای سرپرستی آن آستان مقدس منصوب هستید. لازم است با کمال جدیت و به طور دقیق، حفاظت از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر آنچه مربوط است به آن آستان مقدس بفرمایید و از حیث‌ومیل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید. حضرات خدام محترم با جنابعالی در این امر لازم تشریک‌مساعی خواهند نمود. والسلام علیکم و رحمت‌الله. ۱۶ ربیع‌الاول ۲۵/۹۹ بهمن ۵۷. روح‌الله الموسوی‌الخمنی.» این حکم بعد از رحلت امام توسط رهبر معظم انقلاب تأیید و تمدید می‌شود.

بعد از پیروزی انقلاب، فرمان تشکیل سپاه پاسداران از سوی امام برای حفظ دستاوردهای انقلاب و سرکوبی عوامل ضدانقلاب و توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و ساواکی‌ها، بار دیگر

یار دیرین انقلاب و رهبری در این دوران پرفرازونشیب همواره مدار فرمانبری‌اش را بر گرد فرامین رهبری تنظیم می‌کند و سایه به سایه انقلاب برای حفظ آن می‌کوشد، مداری که حتی در دوران سخت و طاقت‌فرسای تاریخی هم از حرکت باز نمی‌ایستد، حتی در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی. در دوران جنگ تحمیلی، حمایت از رزمندگان اسلام و شرکت در جبهه‌های نبرد و بازسازی شهر جنگ‌زده هویزه جزو هزاران اقداماتی قرار می‌گیرد که عنوان «پیشنهاد مسرت‌بخش» را از سوی امام به خود می‌گیرد.



تولیت محترم آستان قدس رضوی دامت افاضاته. خداوند تعالی را شکر که توطئهٔ جنایتکارانهٔ منحرفان از اسلام دربارهٔ جنابعالی خنثی شد؛ و خداوند را سپاس که هر روز این جنایتکاران ورق سیاهی بر اوراق جنایت خود می‌افزایند؛ و اکنون که به خواست خدای تعالی دستشان از هر جا کوتاه و هر گروهی از آنان گروه دیگر را لعن می‌کند و از رسیدن به آنچه در خیال خود به آرزوی آن بوده‌اند مأیوس شده‌اند، چاره‌ای جز خرابکاری برای اظهار وجود ندارند که آن هم برایشان جز رسوایی در پی ندارد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت جنابعالی و سایر متعهدان به اسلام و خدمتگزاران به جمهوری اسلامی را خواستارم. والسلام علیکم ورحمت‌الله. ۳۰ بهمن ۶۱. روح‌الله الموسوی الخمینی، «یار دیرین انقلاب و رهبری در این دوران پرفرازونشیب همواره

مسئولیتی را در بدو تشکیلش در مشهد بر عهدهٔ شیخ خراسانی قرار می‌دهد؛ مسئولیتی که او را در لیست بنیان‌گذاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خراسان قرار می‌دهد. ۲۹ بهمن‌ماه ۶۱، سوءقصد به جان آیت‌الله واعظ طبسی به تیتیر یک روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی تبدیل می‌شود؛ موضوعی که نقش سپاه پاسداران مشهد را برای مردم بیش از پیش روشن‌تر هم می‌کند. ترور شیخ خراسانی که توسط دو تن از اعضای گروهک منافقین در فاصلهٔ دو خطبهٔ نماز جمعهٔ مشهد را با هوشیاری سپاه خنثی می‌کند، پیامی را هم از سوی امام به آیت‌الله واعظ طبسی به دنبال دارد؛ پیامی که از خرسندی امام دربارهٔ شکست عملیات ترور یار دیرینه انقلاب خبر می‌دهد: «بسمه تعالی. مشهد مقدس. جناب حجت‌الاسلام آقای طبسی،

نهضت آیت‌الله سید روح‌الله الموسوی الخمینی می‌کرد و بعد از آن گوش به فرمان یار دیرینه انقلابی‌اش آیت‌الله سید علی خامنه‌ای؛ اعتقاداتی که فرهنگش به او می‌گوید: «برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های آستان قدس همواره باید منسجم و هماهنگ با سیستم‌های نظام و ملهم از افکار و اندیشه‌ها و نظرات امام و رهبری باشد» و سیاستش هم می‌گوید: «اگر واقعاً بخواهیم در مسائل سیاسی رعایت تقوا را بکنیم، سیاست امام و سیاست رهبری سیاست ماست. باید خود را در برابر ملتی بزرگ، انقلابی قوی و نظامی استوار و مستحکم در برابر شعارهای اصولی انقلاب خودمان ملتزم و متعهد بدانیم.»

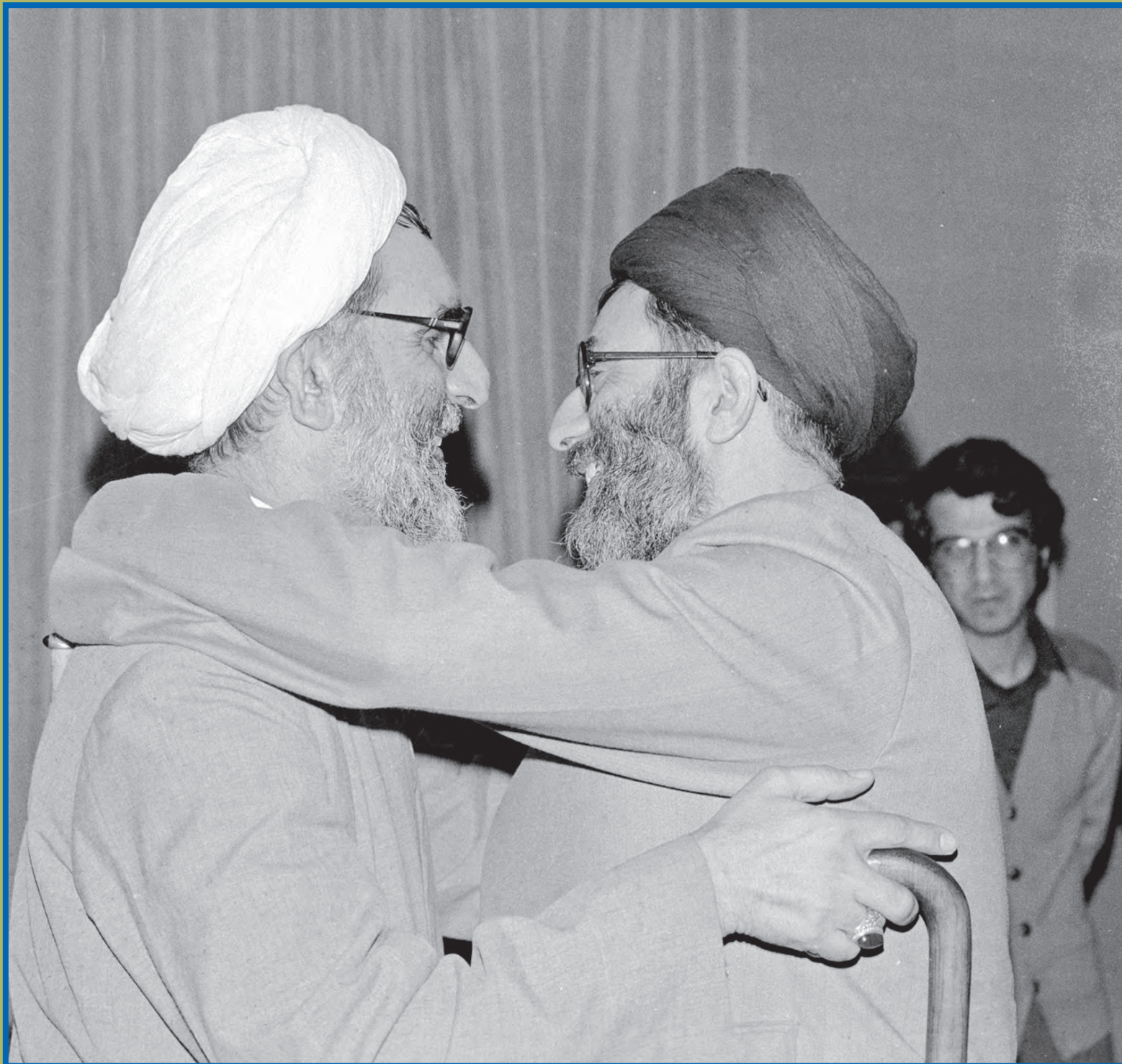
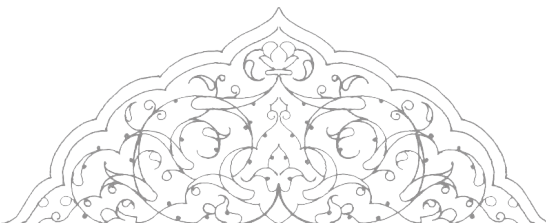
بر پایه همین اعتقادات راستینش هست که نقش او در جریان روشنگری مردم در فتنه ۸۸ پررنگ می‌شود، نقشی که از همان سال‌های جوانی آن را بر عهده داشته است، نقشی که میراث به‌جامانده پدری آن را برایش شفاف می‌کند؛ میراثی که با شنیدن حرف‌های انقلابی امام بار دیگر در دفترچه خاطرات ذهنش ورق می‌خورد. در همان جریانات ۸۸ بود که واعظ خراسانی در کرسی سخنرانی‌هایش می‌گوید: «... در زمان فتنه ۸۸ مقام معظم رهبری فرمودند که انتظار می‌رود روحانیت و عالمان دینی، مردم را در جریان اتفاقات قرار دهند و شرایط را برای آن‌ها تبیین کنند. ما هم چون نظر مقام معظم رهبری را می‌دانستیم باصراحت و به دور از هرگونه انگیزه سیاسی مطالبی را عرض کردیم... ۹ دی روز بصیرت و میثاق با ولایت است. در سال ۸۸ کسانی که از جریان فتنه تبعیت کردند و خرسند و امیدوار بودند که در آینده‌ای نه‌چندان دور قدرت را به دست خواهند گرفت و به دنبال کسب قدرت آنچه باید بشود، خواهد شد، کسانی بودند که همیشه نشان می‌دادند در راه امام (ره) و رهبری‌اند و مایل بودند مردم نیز آن‌ها را با همین خصوصیات بشناسند...» وجود پرتلاش آیت‌الله واعظ طبسی در مشهد مقدس به‌عنوان نماینده ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی در طول ۳ دهه گذشته، منشأ خدمات و آثار فراوانی بوده است: بازسازی تمام عیار حرم مطهر و اطراف آن، توسعه روضه منوره، احداث صحن جمهوری اسلامی، صحن جامع، صحن قدس و رواق‌های دارالولایه، دارالهدایه، دارالمرحمة، ساختمان جدید کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و دانشگاه امام رضا (علیه‌السلام) و احداث زیرگذر اطراف حرم، بخشی از آن است. در کنار همه این‌ها ریاست حوزه علمیه خراسان از دیگر مناصبی است که در کارنامه کاری‌اش به ثبت رسیده است. تغییرات ساختاری، نرم‌افزاری، رفاهی-معیشتی و سخت‌افزاری که در حوزه‌های علمیه خراسان و طلاب علوم انسانی این استان ایجاد کرده، یادآور سال‌ها خدماتی است که واعظ خراسانی در این شهر داشته است.

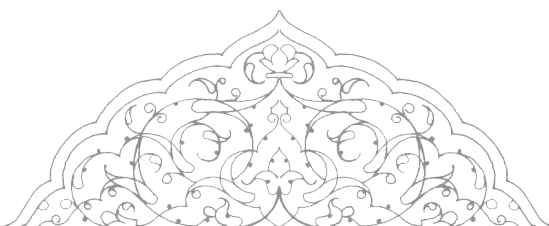
و در آخر، اسفندماه ۹۴ در چهارمین جمعه ماهش، خبری در رسانه‌های داخلی و خارجی منتشر می‌شود، خبری که خراسانی‌های انقلابی را سیاه‌پوش می‌کند: «آیت‌الله عباس واعظ طبسی، یار دیرین امام و رهبری که از هفتم اسفندماه به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان امام رضا (علیه‌السلام) مشهد بستری شده بود، با وخیم‌تر شدن حال عمومی پس از چند بار CPR که از ساعت ۲۲ شب گذشته انجام گرفته بود، امروز صبح حوالی ۲ بامداد به ملکوت اعلی پیوست. روحش شاد و یادش ادامه راهمان باد. پایان خبر.»



مدار فرمانبری‌اش را بر گرد فرامین رهبری تنظیم می‌کند و سایه به سایه انقلاب برای حفظ آن می‌کوشد؛ مداری که حتی در دوران سخت و طاقت‌فرسای تاریخی هم از حرکت باز نمی‌ایستد، حتی در دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی. در دوران جنگ تحمیلی، حمایت از رزمندگان اسلام و شرکت در جبهه‌های نبرد و بازسازی شهر جنگ‌زده هویزه جزو هزاران اقداماتی قرار می‌گیرد که عنوان «پیشنهادهای مسرت‌بخش» را از سوی امام به خود می‌گیرد.

اعتقادات راسخ و ثابت‌گونه‌اش در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی او را به عضویت در دوره‌های مختلف مجلس خبرگان رهبری و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام درمی‌آورد؛ اعتقاداتی که تا قبل از فوت امام او را گوش به فرمان رهبر







گفت و گو با آیت الله محمد یزدی

فقط از رهبری تبعیت می کرد

اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و بدون پشتوانه‌های معمول جهانی یک‌تنه مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی ایستاد، بعد از امداد و خواست الهی، دل‌گرم به حضور چهره‌های مخلص و ایثارگری بود که سختی زندان، تبعید و شکنجه را بر جان خریدند اما تا پای جان بر عهد و پیمان با خدا و امام ایستادند؛ و نه فقط در حیات رژیم طاغوت، بلکه در حین و بعد از پیروزی انقلاب نیز همچنان بر بیعت خویش باقی مانده و تا واپسین لحظات عمر دست از خدمت به انقلاب و نظام نکشیدند.

مرحوم آیت‌الله عباس واعظ طبسی از جمله شخصیت‌های بنام و خدوم انقلاب اسلامی است که بنا بر اذعان دوست و دشمن دمی از انقلابیگری دست برنداشت و در سمت تولیت آستان قدس رضوی، پرچم خدمت به اسلام و انقلاب را برافراشته نگاه داشت.

از این‌رو، در گفت‌وگویی با آیت‌الله محمد یزدی، رئیس سابق مجلس خبرگان رهبری، عضو شورای نگهبان، دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، فرازی از کتاب زندگانی آن روحانی نستوه و سالک الی‌الله را به بحث و بررسی گذاشته‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:

با توجه به مبارزات پر دامنه مرحوم آیت‌الله واعظ

طبسی با رژیم طاغوت، این مبارزات در تهییج و

همراه کردن مردم مشهد مقدس با جریان انقلاب و

زمینه‌سازی‌های مبارزاتی ایشان چه تأثیری داشت؟

مشهد مقدس از شهرهای خاص و دارای امتیاز فوق‌العاده است و معمولاً اشخاص مقیدند سالی یک بار را به حرم مطهر رضوی مشرف شوند. من هم کم‌وبیش در چنین وضعیتی بودم و تلاش می‌کردم سالی یک بار را مشرف شوم. قبل از پیروزی انقلاب و در اوایلی که امام راحل کار نهضت را شروع کردند و هنوز مراحل تبعید و زندان برای هیچ‌یک از ما پیش نیامده بود، در سفری به مشهد مقدس از طلاب و روحانیون درباره‌ی وزنه‌های سیاسی انقلابی شهر پرسیدم که دو نفر را به من معرفی کردند: یکی آیت‌الله خامنه‌ای که امروز مقام عظمای ولایت و رهبری را عهده‌دار هستند و دیگری مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی. اگرچه من هیچ سابقه‌ی آشنایی با ایشان نداشتم، اما همین که گفتند آن مرحوم با جریان انقلاب و امام خمینی (ره) همراه است، پرسن پارسان منزلشان را پیدا کردم و به آنجا رفتم. منزل ایشان بسیار کوچک و معمولی و شرایط زندگی‌شان آخوندی و طلبگی و ساده بود. چند دقیقه‌ای نشستیم و خودم را معرفی کردم و گفتم از قم آمده‌ام و درس امام (ره) می‌روم، ایشان هم اظهار لطف کرد و این نقطه‌ی آشنایی ما بود. من متوجه روحیه انقلابی و خلوص در آن مرحوم شدم و دریافتم که دنبال مسائل دنیوی نیست. برای آشنایی با مقام معظم رهبری هم به مسجدی که ایشان منبر داشتند و بسیار هم استقبال می‌شد، رفتم و پای منبرشان نشستیم و بحث‌های ایشان را انقلابی یافتیم، البته نتوانستیم با ایشان در مشهد تماس نزدیکی بگیریم. ارتباطات این‌چنینی به طور طبیعی بین افراد علاقه‌مند برقرار بود و اگر مشهد می‌رفتیم مقید بودم چند نفر را ببینم، از جمله مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی و آیت‌الله مروارید که از علمای مبرز مشهد بودند و یکی دیگر از زهاد و عباد مشهد مقدس که اکنون نامش را به یاد ندارم. منزل آیت‌الله مروارید در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر بود و ایشان به دلیل وضعیت طلبگی و سؤال و جواب‌ها به من اظهار محبت داشت و این سبب رابطه‌ای شد که تا امروز هم بین من با آقازاده‌ی ایشان کمابیش وجود دارد.

بعد از پیشامد وضعیت زندان و تبعید برای اعضای جامعه مدرسین، من دیگر ارتباط مستقیم با آیت‌الله واعظ طبسی نداشتم تا پس از پیروزی انقلاب و راهاندازی تشکیلات اسلامی که امام خمینی (ره) مقید بودند هرچه زودتر شکل قانونی به

خود بگیرد؛ و نیز تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی که من هم عضو آن بودم و دو منتخب استان خراسان هم در آن حضور داشتند.

بعد از پیروزی انقلاب و انتصاب آن مرحوم به تولیت آستان قدس رضوی هرگاه من به مشهد مشرف می‌شدم، مهمان آیت‌الله واعظ طبسی بودم و ایشان اجازه نمی‌داد من جای دیگری بروم؛ یا در باغ مصطفی‌خانی یا خانه‌های سازمانی ما را اسکان می‌داد و هرچه من اصرار می‌کردم، ایشان به دیدار من می‌آمد. اصلاً هرگاه به مشهد مشرف می‌شدم اولین کسی که به دیدار ما می‌آمد آن مرحوم بود.

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل روحیه انقلابی، رفتن به منابر خاص و اظهار علاقه به امام خمینی (ره) و اینکه از انقلابیون استان بود، محبوبیت خاصی داشت؛ اما بعد از تولیت آستان قدس رضوی، علاوه بر ابعاد علمی، اخلاقی و طلبگی، ایشان مدیریت شایسته‌ای از خود نشان داد و روزبه‌روز موفقیت ایشان در اداره بخش‌های مختلف آستان خود را نشان می‌داد.

در اوایل مسئولیت تولیت آستان، من دو نفر را برای تصدی معاونت به ایشان معرفی کردم که یکی از آن‌ها باینکه قمی بود، رفت و دیگر از اهالی مشهد شد و با اظهار محبت آیت‌الله واعظ طبسی، کارایی‌اش را نشان داد.

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی نه از نظر وزانت علمی (که متوسط بود)، اما از نظر مدیریت و اخلاق و ارتباط با اشخاص مختلف، کم‌کم جایگاه برجسته‌ای یافت. در زمان امام خمینی (ره) مورد علاقه ایشان بود و در زمان مقام معظم رهبری هم بیشتر.

من در هر بار تشرف به مشهد، مهمان امام رضا (علیه‌السلام) می‌شدم و در یکی از مکان‌های منتسب به حضرت و تحت نظارت آن مرحوم ساکن می‌شدم.

سبک زندگی اجتماعی، سیاسی و مدیریتی آیت‌الله

واعظ طبسی چه ویژگی‌هایی دارد که بتوان آن‌ها را

به مدیران کنونی جامعه به‌عنوان الگو و راهنمای راه معرفی کرد؟

ایشان در برخورد با جناح‌های مختلف سیاسی بسیار عاقل بود؛ درحالی‌که متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، انقلاب از جهات مختلف حتی در نزدیکیان، دوستان و شاگردان امام (ره) مبتلا به این درگیری‌های سیاسی شد، اما من در حد خودم این احساس را داشتم که ایشان هرگز تندروی و جهت‌گیری خاصی نداشت

ایشان در برخورد

با جناح‌های مختلف

سیاسی بسیار عاقل

بود، درحالی‌که

متأسفانه پس از

پیروزی انقلاب، انقلاب

از جهات مختلف

حتی در نزدیکیان،

دوستان و شاگردان

امام (ره) مبتلا به این

درگیری‌های سیاسی

شد؛ اما من در حد

خودم این احساس را

داشتم که ایشان هرگز

تندروی و جهت‌گیری

خاصی نداشت و سعی

می‌کرد همه مرتب‌ترین

به انقلاب و امام را

داشته باشد

دارد و شورای عالی چنین برنامه‌هایی دارد، اما نهایتاً نظر شما محترم است.

همه حوزه‌های علمیه خراسان بزرگ (آن زمان هنوز خراسان به ۳ استان تقسیم نشده بود) زیر نظر آیت الله واعظ طبسی و با نظارت ایشان عمل می‌کردند. بعد ما متوجه شدیم مقام معظم رهبری نیز نظرشان بر فعالیت مستقل حوزه علمیه مشهد است؛ لذا من به آن مرحوم گفتم: حال که این استقلال هم نظر شما است و هم نظر رهبری، رابطه‌ای میان مدیریت حوزه علمیه قم با مدیریت حوزه علمیه مشهد برقرار کنید تا هماهنگ باشیم؛ و ایشان تأیید کرد و شخصی را معرفی کرد. از آن پس در دوره مدیریت بر شورای حوزه، هر سفر که به مشهد می‌رفتم جلسه‌ای تشکیلاتی نیز با آن مدیر و همکارانشان که معمولاً در باغ مصطفی خانی برگزار می‌شد، داشتم. از این ارتباط و هماهنگی در مسائل حوزوی، ایشان مدبرانه و عادلانه برخورد می‌کرد تا مسائل نمایندگان خبرگان و مجلس استان.

نگاه مرحوم آیت الله واعظ طبسی به مسائل حوزه و چالش‌هایی که بعضاً در آن رخ می‌داد چگونه بود و چگونه مسائل را تدبیر می‌کرد؟

در حوزه خبرگان اختلاف‌نظری پیش آمد؛ منتخب استان در خبرگان قانون اساسی که از عباد و زهاد بود (و بنا بر وصیتش در نقطه‌ای ناپیدا و خاص دفن شد) یک بار در مجلس خبرگان قانون اساسی به من گفت: شما جوانان از این سروصداهای غرب‌زدگی نترسید و حرف‌هایتان را بر بنید ما پشتیبان شما بیاوریم. دل گرمی به ما می‌داد و من نمی‌دانستم با فلسفه، انس و میانه خوبی ندارد؛ چراکه من نیز نسبت به فلسفه و حوزه مشهد آشنایی نداشتیم، اما اجمالاً می‌دانستم حوزه مشهد خیلی با فلسفه موافق نیست. کتابی را از حوزه مشهد خوانده بودم درباره مسائل فلسفی و برداشت خاصی از آن کتاب داشتم.

و سعی می‌کرد همه مرتب‌ترین به انقلاب و امام را داشته باشد. بسیاری می‌دانند من با مرحوم آقای هاشمی اختلاف‌نظر داشتم، در حالی که در دو دوره مجلس خبرگان رهبری ایشان رئیس و من نایب‌رئیس بودم و به یکدیگر نزدیک بودیم، اما اختلاف‌نظرهایی هم داشتیم. در سفری می‌خواستم بدانم در این اختلاف‌نظرهای من و آقای هاشمی چه برخوردی دارند، لذا وقتی آن مرحوم در کتابخانه یکی از خانه‌های سازمانی استان قدس به دیدار من آمد، در خواست ملاقات و صحبت خصوصی کردم و برخی مسائل لازم را برای آن مرحوم گفتم. می‌دانستم ارتباط ایشان با مرحوم هاشمی ارتباط دوستانه‌ای است؛ باینکه اختلاف‌سلیقه‌هایی با مرحوم هاشمی داشتم، اما با هر دوی ما ارتباط کامل و دقیق را نگاه می‌داشت. من در آن جلسه خصوصی درجه عکس‌العمل نشان دادن مقابل این موضع‌گیری‌ها و تحمل و تدبیر ایشان را به خوبی یافتیم؛ چراکه همه حرف من را شنید، اما در آن جلسه یک کلمه نه اثباتاً و نه نفیاً بیان نکرد و فقط گفت: من از شما اطلاعات زیادی را گرفتم.

این وضعیت ادامه داشت و هم من و هم مرحوم آقای هاشمی در هر بار تشریف به مشهد مقدس مهمان مرحوم آیت الله واعظ طبسی می‌شدیم و به هر دوی ما محبت می‌کرد تا اینکه جریان شورای عالی حوزه‌های علمیه در قم پیش آمد و همه حوزه‌های علمیه سراسر کشور زیر نظر آن قرار می‌گرفت؛ و در دوره‌ای من دبیر آن شدم و چون حوزه علمیه مشهد از نظر درجه اهمیت بعد از حوزه علمیه قم قرار می‌گیرد (البته مشهد همیشه وزنه سنگین علمی داشته است)، طبعاً می‌خواستم بدانم آن مرحوم در همکاری با شورای عالی و مدیریتی که قم می‌خواهد نسبت به حوزه‌ها داشته باشد چطور عمل می‌کند. در صحبتی که داشتم آیت الله واعظ طبسی گفت: اگر چه حوزه علمیه مشهد در درجه دوم اهمیت قرار دارد، اما فکر نمی‌کنم مقام معظم رهبری موافقت کنند که زیر نظر شورای عالی حوزه قرار بگیرد. من در پاسخ گفتم: از نظر من حوزه مشهد در درجه دوم قرار

آن مرحوم در عمل
جز به رهبری چشم
داشت و جز از ایشان
تبعیت نمی‌کرد. در
برخوردها با همه
اقشار و گروه‌ها ارتباط
داشت، چون استان
قدس رضوی محل
آمدوشد همه سلايق،
مسلمانان و جناح‌ها
بود

آیت الله واعظ طبسی در کنار سردار شهید باقری در سال‌های دفاع مقدس



عکس
از روزگار

خاطرات



آیت‌الله عباس واعظ طبسی یک ماه پیش از وفات در حاشیه دیدار با اعضای ستاد گرامی‌داشت دهه فجر خراسان رضوی از عدم رضایت برای انتشار خاطرات مرتبط با خود سخن گفته بودند. ایشان در حاشیه این دیدار گفته بودند: «چه پیش از انقلاب و چه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی امروز افراد متعددی از دستگاه‌های مختلف اجرایی به بنده مراجعه کردند و از من خواستند که خاطراتم را بازگو کرده و یا اجازه انتشار آن را بدهم، اما من اجازه ندادم. من در پیشگاه خداوند باصراحت اعلام می‌کنم راضی نیستم تا زمانی که زنده‌ام کلمه‌ای در تعریف و توصیف بنده و همچنین بیان خدماتی که اگر توفیق انجام آن‌ها را داشته‌ام بر روی کاغذ بیاید و منتشر شود.» آیت‌الله واعظ طبسی در ادامه تأکید کردند: «اداره اطلاعات چندین بار در این رابطه درخواست کرده‌اند اما من قبول نکرده‌ام، حتی اسنادی را در ارتباط با خاطرات بنده جمع‌آوری کرده و برای من ارسال کردند که تبدیل به کتاب شود، اما من تأکید کردم به هیچ‌عنوان رضایت ندارم کتابی در خصوص خاطرات بنده و یا با موضوع فعالیت‌هایی که از سوی بنده انجام گرفته، منتشر شود.»

منبع: خبرگزاری رسا، ۷ بهمن ۱۳۹۴
(مخالفت آیت‌الله واعظ طبسی با انتشار خاطراتش)

از خصایص آن مرحوم این بود که در مدیریت و تولیت آستان قدس رضوی، چون این آستان به گونه‌ای است که اقشار و سلاقی مختلف در آن رفت‌وآمد دارند و شئونشان متفاوت است و از طرفی دیدوبازدید با آن‌ها لازم بود، با همه ارتباط می‌گرفت، اما مدبرانه و معقول؛ روش عملی ایشان همسو با امام خامنه‌ای بود.

آن مرحوم در عمل جز به رهبری چشم نداشت و جز از ایشان تبعیت نمی‌کرد. در برخوردها با همه اقشار و گروه‌ها ارتباط داشت، چون آستان قدس رضوی محل آمودشد همه سلاقی، مسلمانان و جناح‌ها بود.

ایا روحیه انقلابیگری و مبارزاتی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در دوران دفاع مقدس و هنگامی که سمت تولیت آستان قدس رضوی را عهده‌دار بود نیز تبلور داشته است؟

در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس، مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی بیشترین خدمت را از آستان قدس رضوی به جبهه‌ها کردند، به‌ویژه پل مخصوصی که توسط لوله و مهندسی خاص ساخته شد و رزمندگان از آن عبور کردند، همه هزینه‌هایش توسط آستان و به همت آن مرحوم تأمین شد. خود من هم از آن پل که از شاهکارهای مهندسی جنگ بود و در کوتاه‌ترین نقطه علی‌رغم جریان آب ساخته شد، رد شدم. نهایتاً آنکه ایشان جبهه را حمایت می‌کرد و قبل از پیروزی انقلاب از انقلابیون فعال بود و بعد از انقلاب هم علی‌رغم جبهه‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌ها که ذاتی هر انقلابی است، مدبرانه برخورد کرد و مدیریت عاقلانه‌ای داشت؛ و گاهی هم که ما نظری داشتیم، وضعیت مشهد و خراسان را تشریح می‌کرد و راهکار پیشنهاد می‌داد و ما هم عمل می‌کردیم. به‌طور کلی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی از وزنه‌های سنگین انقلاب بود و خدمات بسیاری به انقلاب و نظام کرد.

در یکی از سفرها مرحوم طبسی به من گفت: جلسه‌ای برای چند تن از شهدا برگزار می‌شود و شما نیز حضور داشته باشید و خودش نیز حضور داشت. آن جلسه از نظر حضور چهره‌های روحانی و برگزارکننده جلسه که مرحوم طبسی بود، با حضور وزنه‌های سنگین همراه شد. وقتی به منبر رفتم، گویی خدا به ذهنم جاری کرد و گفتم: «الشهید ينظر بوجه الله» و روی آن بحث طلبگی با جنبه عرفانی تند ارائه شد. وقتی بحث به اتمام رسید، آقای طبسی دستم را گرفت و گفت: آقایان خیلی از شما احترام کردند. پرسیدم: یعنی چه؟ چرا؟ گفت: شما نمی‌دانستی ۳-۴ تن از این‌ها با این حرف‌های شما خیلی موافق نیستند و شما حوزه مشهد را نمی‌شناسی، اما من خوب می‌شناسم، فقط بدان که خیلی ملاحظه‌ات را کردند و احترامت را نگاه داشتند.

این سبب شد زمانی از رهبری در جلسات شب‌های جمعه که محضرشان می‌رفتم، پرسیدم حوزه مشهد با فلسفه چه نسبتی دارد؟ ظاهراً میانه خوبی با فلسفه ندارد؛ ایشان فرمودند: این طور مشهور شده که میانه خوبی ندارد، اما حوزه مشهد سابقه دارد؛ در حال حاضر اکثراً موافق نیستند، اما در گذشته وزنه‌های سنگین فلسفی هم داشته است.

اخیراً یکی از طلبه‌های مشهد که در مباحثات ما شرکت دارد، کتابی برای من آورد درباره مرحوم حاج میرزا حسین از روحانیون مشهد و نقش ایشان. به این نتیجه رسیدم که مؤلف کتاب پایه‌گذار انجمن حجتیه در مشهد بوده است و مرحوم آیت‌الله خزعلی هم از وی تأثر داشته. به آن طلبه گفتم: این کتاب وقت من را بسیار گرفت و حقیقت این است که وی حوزه مشهد را عوض کرده؛ چراکه این حوزه در گذشته با عرفان و فلسفه میانه خوبی داشت، اما مباحث وی باعث فاصله گرفتن این حوزه از فلسفه و تنها تأکید بر اینکه ان‌شاءالله امام زمان (عج) می‌آیند و باید چنین‌وچنان می‌بود، کرده است.

با توجه به آنکه من از قبل و از روز اول انقلاب که بحثشان مطرح بود به‌دقت جریان انجمن حجتیه را مطالعه می‌کردم (چون امام رحمت‌الله ابتدا دستور دادند که به آن‌ها وجوهات داده شود، اما بعد نهی کردند) متوجه شدم نویسنده کتاب مذکور بر حوزه مشهد تأثیر شگرفی داشته. نه اینکه بگویم حوزه مشهد امروز انجمن حجتیه است، اما زیربنای این انجمن در آن وجود دارد. از جمله درایت‌های مرحوم طبسی این بود که با این‌ها برخورد متعارف و متوسطی انجام داد و این هم نشانه‌ای دیگر در برخورد با حوزه‌های علمیه بود.

نوع نگاه و برخورد تولیت فقید آستان قدس رضوی به جناح‌بندی‌های سیاسی و ارتباط با گروه‌ها و مواجهه با اختلاف‌نظرها چگونه بود؟

تدبیر و برخورد عاقلانه مرحوم طبسی در طول تولیت آستان قدس رضوی مقابل اختلاف‌نظرها و حتی جناح‌بندی‌ها بسیار مدبرانه بود و طوری برخورد می‌کرد و عمل و رفتارش به گونه‌ای بود که هیچ حزب و گروهی نمی‌توانست بگوید ایشان عضو ما است؛ اما در باطن فقط از رهبری تبعیت می‌کرد و به خود من چندین بار گفت: ملاک عمل من رهبری است. در جلسات خبرگان رهبری که رفت‌وآمد داشت و در جلساتی که به محضر رهبری می‌رفتم، معمولاً کنار هم می‌نشستیم و بعضاً سؤال می‌پرسیدم و آن مرحوم پاسخ می‌گفت.

تدبیر و برخورد
عاقلانه مرحوم
طبسی در طول تولیت
آستان قدس رضوی
مقابل اختلاف‌نظرها
و حتی جناح‌بندی‌ها
بسیار مدبرانه بود و
طوری برخورد می‌کرد
و عمل و رفتارش
به گونه‌ای بود که
هیچ حزب و گروهی
نمی‌توانست بگوید
ایشان عضو ما است؛
اما در باطن فقط از
رهبری تبعیت می‌کرد
و به خود من چندین
بار گفت: ملاک عمل
من رهبری است

گفت و گو با آیت الله احمد علم الهدی

با اخلاص به امام رضا (ع) خدمت کرد

تقوای آیت الله طبسی مثال زدنی بود



آیت الله سید احمد علم الهدی «نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد» است. او سال ۸۴ با حکم مقام رهبری به عنوان امام جمعه مشهد منصوب شد و پس از درگذشت آیت الله واعظ طبسی با حکم رهبر انقلاب، نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی شد. آیت الله علم الهدی در مجلس خبرگان رهبری نیز حضور دارد. برای گفت و گو به دفتر ایشان در خراسان رضوی دعوت شدیم. قبل از آغاز رسمی گفت و گو گفت: می خواهم در مورد مرحوم آیت الله واعظ طبسی نکاتی را بازگو کنم که کمتر گفته شده یا مورد بحث قرار گرفته است. در پایان گفت و گو هم به این نکته اشاره می کند: «این حرف ها بعد از درگذشت آقای طبسی گفته شد، ایشان به رحمت خدا رفته اند و دیگر در بین ما حضور ندارند. اگر من این حرف ها را در زمان حیات ایشان بیان می کردم، می گفتند، دارد تملق می کند یا می خواهد موقعیتی پیدا کند؛ اما او هم اکنون به دیار حق شتافته و جایش در بهشت و غرق در نعمت خدا است. من برای رضای خدا بر خود لازم دانستم نکاتی پیرامون شخصیت و نحوه مدیریت ایشان را بازگو کنم.» آنچه می خوانید گفت و گو با نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی است.

کتشلوار و عرقچین هم سرشان می کردند. پدر ایشان نیز از واعظ معروف کشور و استان و مبارز در زمان رضاخان بود و اگر واعظ به ایشان می گفتند به اعتبار پدرشان بود؛ از این رو وقتی شناسنامه گرفتند واعظ را هم در شناسنامه آوردند. آقای واعظ طبسی منبر خوبی داشت، هر جا منبر می رفت طلبه ها جمع می شدند. ایشان با عبا در منبر می نشستند و منبر خیلی جالبی داشتند. زمان آیت الله بروجردی بود و هنوز انقلاب شروع نشده بود؛ اما ایشان منبر انقلابی می رفت و خیلی نهی از منکر می کرد و عملکرد آستان قدس در آن زمان را زیر سؤال می برد؛ چون مکانی برای سوءاستفاده درباری ها بود. یک سال کلاتری آمد و مجلس را تعطیل کرد. در آن زمان

جناب آقای علم الهدی با تشکر از وقتی که به ما برای انجام این گفت و گو به مناسبت سالگرد

ارتحال آیت الله واعظ طبسی اختصاص دادید. اگر موافق هستید اولین سؤال درباره نحوه آشنایی شما با تولیت فقیه آستان قدس رضوی باشد. بفرمایید چه زمانی با ایشان آشنا شدید؟ این آشنایی به قبل یا بعد از انقلاب برمی گردد؟

آشنایی بنده از یک نقطه ارادت به آقای واعظ طبسی شروع شد. طلبه ای بودم که جامع مقدمات می خواندم، ۱۵-۱۴ سال داشتم و آیت الله طبسی هم در آن زمان جوان و حدود ۲۶-۲۵ ساله بودند، معمم هم نبودند و یک عبا می انداخت با



حاضر نمی‌شد در راه مبارزه عمل خلافی انجام دهد ولو در حد مصلحت

جناب آقای علم الهدی، جنابعالی به اخلاص و تقوای ایشان و مبارزاتی که در زمان قبل از انقلاب انجام داده بودند اشاره کردید؛ اما باین حال شاهد بودیم عدهای ایشان را ترور شخصیت می‌کردند و تولیت فقید را به تجمل‌گرایی متهم می‌کردند. شما ارتباط نزدیکی با ایشان داشتید، نحوه زندگی مرحوم واعظ را چگونه می‌دیدید؟

پدر بزرگ ایشان مرد ثروتمند و از سرمایه‌داران بزرگ استان خراسان بودند، برادر خانم‌های ایشان نیز دارایی‌ها داشتند؛ اما تمام زندگی آقای واعظ طبسی طلبگی و در سطح ساده‌ای بود. ایشان زندگی زاهدانه‌ای را در چنین فضایی برای خود ایجاد کرده بود. خدا پدر خانم آقای واعظ (مرحوم عزیزان) را رحمت کند، او هم مرد خیلی متدینی بود.

به یاد دارم ما درس فلسفه پیش مرحوم آقای بلخی می‌خواندیم، خانه او روبه‌روی خانه آقای عزیزان بود. صبح‌ها که می‌رفتیم پشت در می‌ایستادیم تا در را باز کنند، مرحوم عزیزان هم می‌آمد بیرون آب و جارو می‌کرد، مرد متواضعی بود و وقتی طلبه‌های جوان را می‌دید اظهار محبت می‌کرد.

در زندگی آقای واعظ آنچه قابل توجه بود و متأسفانه در این اواخر هم کسی متوجه این خصوصیت نشده بود، زهد آقای واعظ بود. بر علیه ایشان سم‌پاشی و اهانت می‌کردند و از آقای واعظ طبسی چهره‌ای اهل تجمل ساخته بودند، درحالی که برعکس این بودند؛ چراکه آیت‌الله واعظ طبسی زهد عجیبی داشت و مرد زاهدی بود؛ اما متأسفانه زهد ایشان در شخصیت اجتماعی متبلور نبود و یا کسی در جریان نبود.

جالب است بدانید مرحوم آقای طبسی زمینی در خیابان عشرت‌آباد داشتند، اما قدرتی که برای خود خانه بسازد، نداشت؛ و همین آقای عزیزان به ایشان کمک کرد و خانه طلبگی ساخت و تا حدود ۱۰ سال پیش ایشان در همان خانه زندگی می‌کرد. ساختمان را تغییر نداد تا اینکه ساختمان مخروبه شد و یک معماری آمد خانه را از آن حالت درآورد. درصورتی که همسر ایشان در خانواده مرفه‌ای بود، اما با وضع آقای واعظ طبسی می‌ساخت. حتی بسیاری از لوازم زندگی ایشان مربوط به جهیزیه همسرشان بود.

در طول این مدت از آستان قدس هم برداشتی نکرد. آقای رئیسی هم اکنون از حق تولیت برداشت نمی‌کند و آقای سعیدی هم که در قم متولی شده‌اند حق تولیت برداشت نمی‌کند. تقوای ایشان در زمانی که من طلبه جوان بودم و زمانی که امام‌جمعه مشهد شدم هیچ تغییری نکرد و به‌هیچ‌وجه موقعیت‌های اجتماعی باعث نشده بود تقوای ایشان ضربه بخورد، ایشان تقوای خود را حفظ کرد.

حاج آقا اگر موافق هستید وارد بحث نحوه خدمات و فعالیت‌های مرحوم آیت‌الله واعظ در آستان قدس رضوی شویم. به نظر شما مهم‌ترین خدمت آیت‌الله واعظ در جایگاه تولیت چه بود؟

مسئله آستان قدس مسئله‌ای است که هنوز همه با شناختی که از فعالیت‌های مرحوم واعظ طبسی دارند عمق قضیه را درک نکرده‌ایم. باید بدانیم ایشان آستان قدس را چگونه تحویل گرفت

(طاغوت) منبر ایشان انقلابی بود و بنده که طلبه‌ای ۱۴-۱۵ ساله بودم از منبر ایشان خوشم آمد و مرید منبرشان شده بودم. آشنایی من از پامنبری آقای واعظ طبسی شروع شد. نهضت امام خمینی که شروع شد در ابتدا مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، مرحوم هاشمی‌نژاد محور انقلاب در مشهد بودند، مقام معظم رهبری نیز به این جمع ملحق شدند و آن‌ها محور انقلاب در مشهد شدند و انقلاب با محوریت آنان می‌گشت؛ حتی در جریاناتی که آقای قمی و مرحوم میلانی دخالت داشتند باز محوریت در اختیار این ۳ نفر بود. ما در آن مقطع طلبه جوان و سمپات آن‌ها بودیم و در همان زمان به خاطر نوع بینش انقلابی به آقای طبسی ارادت پیدا کردیم و از همان زمان جزو اعلامیه پخش‌کن‌ها بودیم و به ایشان نزدیک شدیم.

ویژگی‌های مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در زمان مبارزه با رژیم طاغوت چه بود؟

ایشان اولین کسی بود که از مشهد در زمان نهضت امام بازداشت و به زندان قزل‌قلعه رفتند. خصوصیت دیگر آقای واعظ طبسی این بود که در انقلاب از اخلاص کامل برخوردار بود و به‌هیچ‌وجه شخصیت و موقعیت اجتماعی را در انقلابی بودنش در نظر نمی‌گرفت. ایشان اخلاص فوق‌العاده‌ای در انقلاب داشت و حقیقتاً معتقد به انقلاب و امام بود و برحسب عقیده‌اش مبارزه می‌کرد.

نکته دیگر بی‌باکی ایشان در مبارزه بود. کمتر مثل آقای طبسی دیدیم که بی‌باک با رژیم ستم‌شاهی مبارزه کند؛ صراحت فوق‌العاده‌ای در مبارزه داشت و هرچه از ایشان برمی‌آمد انجام می‌داد و در هر قسمتی از انقلاب که می‌توانست فعالیت می‌کرد و خود را در جهت خاصی محدود نکرده بود.

نقش افرینی آیت‌الله واعظ طبسی در حوزه چگونه بود، حوزه‌ای که قبل از انقلاب بود و مرحوم واعظ نیز در آن حضور داشت؟

وجود آقای طبسی در حوزه باعث شکل‌گیری جریانی شده بود، ازجمله طلبه‌های جوانی که اطراف ایشان به‌عنوان جریان انقلابی بودند. علی‌رغم اینکه در آن زمان حوزه خیلی در عرصه انقلاب دخالت نداشت -آن هم به خاطر اینکه در حوزه افرادی بودند که انقلاب را قبول نداشتند و با امام نبودند- حتی خود مرحوم آقای میلانی هم دخالتی در حوزه نداشت و فقط درس می‌داد. ضمن اینکه در آن زمان دربار خیلی قوی بود و آستان قدس هم تشکیلات قوی و نیرومندی در استخدام دربار و نظام شاه بود و مانع بزرگ توسعه انقلاب به حساب می‌آمد و به عبارتی باعث تقویت اجتماعی ساواک و دستگاه‌های حکومتی شده بود. آن زمان جنگیدن با شاه در مشهد به آسانی قم و یا استان‌های دیگر نبود. آستان پایگاه ترویجی شاه و به‌عنوان مانع بزرگ، سد راه تمام انقلابیون بود؛ به همین جهت در خراسان مبارزه کردن آسان نبود؛ باین حال هم آقای طبسی و هم مرحوم هاشمی‌نژاد و هم حضرت آقا با همه قدرتشان مبارزه می‌کردند.

ما از آن زمان با آقای طبسی آشنا شدیم و آنچه برای ما جالب بود بی‌باکی ایشان بود؛ این موضوع ما را به‌عنوان یک طلبه جوان به ایشان علاقه‌مند کرد.

نکته دیگر که باید پیرامون آیت‌الله واعظ بگویم تقوای ایشان بود. آقای طبسی خیلی باتقوا بود، تقوای عجیبی داشت و به‌هیچ‌وجه

آقای رئیسی برحسب دستوری که آقا صادر کردند جهت را تغییر دادند. دوران آقای واعظ طبسی جهت، توسعه آستان بود؛ اما آقا جهت کار را عوض کردند و آقای رئیسی هم سفت‌وسخت بر روی تغییر جهت ایستاده و کار می‌کند

دنبال می کردند؟

یکی از چهره های سیاسی به مشهود آمده بود و از آقای طبسی مقداری پول (۱۰ هزار تومان) خواسته بود. ایشان گفته بودند از کجا بدهم، من از آستان پولی نمی توانم بدهم، مشکل شرعی دارد، خودم هم که پولی ندارم، ایشان به او پولی ندادند. این آقا برگشت تهران و مدعی شد: خراسان شاه پیدا کرده است. اهانت هایی که به ایشان صورت گرفت از سوی این آقا شروع شد؛ در صورتی که آقای واعظ طبسی امین امام رضا (علیه السلام) بود.

کسانی هم که با ایشان مخالفت می کردند و علیه آقای واعظ حرف می زدند غالباً از عناصری بودند که می خواستند از آستان قدس سوء استفاده کنند، اما آیت الله واعظ طبسی نمی گذاشت و دست آن ها را رد می کرد؛ از این رو دشمن ایشان می شدند. بنده گفته بودم دشمنان ایشان در داخل به مراتب بیشتر از بیرون آستان بودند؛ چرا که آقای واعظ طبسی را مزاحم سوء استفاده های خود می دانستند. ایشان تا وقتی که در قید حیات بودند اجازه نمی دادند پولی جابه جا شود. با اخلاص به امام رضا (علیه السلام) خدمت کرد و با ابتکار و قدرت مدیریت، این تحول را در آستان به وجود آورد؛ به همین جهت الگویی از مدیریت انقلابی است.

پیش از این برخی القای می کردند اختلافی بین

جنابالی به عنوان امام جمعه با آیت الله واعظ

طبسی به عنوان نماینده ولی فقیه ایجاد شده بود. بفرمایید در طول دوره ای که به عنوان امام جمعه در مشهد حضور داشتید چه رابطه ای با مرحوم آیت الله واعظ برقرار کرده بودید؟ پس از انتصاب به عنوان نماینده ولی فقیه، حضرت آقا چه نکته ای در قبال مرحوم آیت الله واعظ به جنابالی گفته بودند؟

حضرت آقا در جریان سابقه ارادت من به آقای واعظ قرار داشتند و یکی از انگیزه هایی که آقا داشتند که من به مشهود ببایم این بود که به آیت الله واعظ طبسی ارادت داشته ام. آقا هم به من فرموده بودند: آقای طبسی را خوب می شناسید، ولی این را بدانید در نظام، ما مثل آقای واعظ طبسی کسی را نداریم که مدیریت و تقوای ایشان را با هم داشته باشد (تعبیر خود آقا بود).

این را هم بگویم که بین من و ایشان اختلافی به وجود نمی آمد. اینکه گفته می شد بنده با ایشان اختلاف داشتم دروغ بود، بنده به آقای واعظ طبسی ارادت داشتم؛ البته ممکن بود به بعضی بینش های بنده اعتراض کنند یا آن را قبول نداشته باشند، اما اختلاف نبود. افرادی سعی می کردند اختلافی به وجود بیاورد، به طوری که مطالب را به گونه ای دیگر به ایشان منتقل می کردند، اما این کارها تأثیر گذار نبود و ایشان (آیت الله واعظ) هم به ارادت من ایمان داشتند.

به عنوان پرسش پایانی بفرمایید وضعیت فعلی

آستان قدس را چگونه ارزیابی می کنید؟

آقای رئیسی بر حسب دستوری که آقا صادر کردند جهت را تغییر دادند. دوران آقای واعظ طبسی جهت، توسعه آستان بود؛ اما آقا جهت کار را عوض کردند و آقای رئیسی هم سفت و سخت بر روی تغییر جهت ایستاده و کار می کند.

در زندگی آقای واعظ آنچه قابل توجه بود و متأسفانه در این اواخر هم کسی متوجه این خصوصیت نشده بود، زهد آقای واعظ بود. بر علیه ایشان سرپاشی و اهانت می کردند و از آقای واعظ طبسی چهره های اهل تجمل ساخته بودند، در حالی که برعکس این بودند

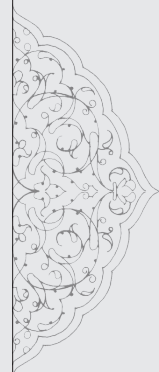
و در لحظه فوت ایشان در چه وضعیتی قرار داشت. نباید فقط بگوییم صحن و حرم ساخته شده، بلکه باید بدانیم ایشان چه چیزی را تحویل گرفت و چه تحویل داد، این مهم است. آقای طبسی وقتی حرم را تحویل گرفت ۲ هکتار یا بیشتر (دقیق نمی دانم) زمین داشت، آنچه بود یک حرم، ۲ رواق و ۲ صحن بود؛ یکی از صحن ها همین صحن انقلاب بود، سنگ های صحن انقلاب سفید بود، اما وقتی شما آن را نگاه می کردید سنگ های سیاهی بود، کثیفی در سنگ ها رنگ آن را برگردانده بود، به طوری که با جارو هم تمیز نمی شد؛ صحن ها چنین وضعیتی داشتند. میان سنگ های روضه منوره هم سیمان دیده می شد، رواق ها هم وضع ناجوری داشت، گوشه رواق ها گرد و خاک انباشته شده بود و هیچ کس تمیز نمی کرد. آستان قدس روی هم ۳ سرویس بهداشتی با فضای کوچکی داشت.

وضعیت مسجد گوهر شاد هم مناسب نبود؛ در زمستان گلیم های یزدی می انداختند که وقتی پا را روی آن می گذاشتید انگار روی یخچال پا گذاشته بودید، خیلی سرد بود. در تابستان هم انواع حشرات آنجا بودند. بخاری هایی هم که بود داخل آن زغال سنگ می گذاشتند و دور آن معتادها جمع می شدند. می خواهم بگویم آستان چه وضعیتی داشت و مرحوم آیت الله واعظ با مدیریت خود چه کرد. این اقدامات همه در زمان آقای واعظ انجام شد. ایشان وقتی آستان قدس را با مقدار زیادی وام و بدهی به بانک ها تحویل گرفت، درآمدی نبود، منابع اقتصادی نبود، موقوفات هم تقریباً صفر بود، فقط نذورات ضریح بود که چون مردم در آن زمان به آستان قدس بدبین بودند - پول های آنجا هزینه دربار می شد - مبلغی داخل ضریح نمی انداخت؛ از این رو نذوراتی نداشت. یک بار شهناز پهلوی (دختر شاه) به مشهود آمد، آستان قدس از او پذیرایی کرد و از آنجا که در شهر نمی توانستند قمارخانه درست کنند برای قمار به بیابان رفت، کارپرداز آستان هم او را همراهی می کرد، قمار زد و مقدار زیادی باخت که به پول آن زمان چندین میلیون می شد؛ کارپرداز آستان پول را پرداخت کرد. آستان قدس از چنین وضعیتی برخوردار بود.

کل آستان قدس به اندازه یک سوم بیمارستان رضوی نبود. حقیقتاً مرحوم آیت الله واعظ خادم امام رضا (علیه السلام) بود و در محضر امام رضا (علیه السلام) مقام دارد. به اعتقاد بنده حضرت امام رضا (علیه السلام) از اول شهادت تا الآن خادمی مثل آقای واعظ طبسی نداشت؛ دل سوز آستان قدس بود و خود را وقف آستان کرد، اگر وقف نمی کرد این همه کار انجام نمی شد. بنده یک بار به آقا عرض کردم: به نظر شما از شهادت حضرت رضا (علیه السلام) تا الآن آستان قدس تویلیتی بهتر از آقای واعظ طبسی داشته است؟ آقا فرمودند: «نه».

پس چرا یک عده ایشان را به اشراف گیری متهم

می کردند؟ چه هدفی را از تخریب این شخصیت



سکوت در فتنه را خلاف شرع می‌دانست

آیت‌الله سید احمد خاتمی
عضو هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان رهبری



آیت‌الله واعظ طبسی را به معنای دقیق کلمه باید از سابقون انقلاب بنامیم. در استان خراسان رضوی قبل از انقلاب چند چهره بودند که در دوران درخشان انقلاب اسلامی مطرح بودند: مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای، آیت‌الله واعظ طبسی، شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم مهامی. در بین این چهره‌ها مدیریت جریان انقلاب با مقام معظم رهبری بود، مدیریتی که تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و در ادامه، این مدیریت به تهران و شورای انقلاب رسید. آیت‌الله واعظ طبسی در عرصه مبارزه از چهره‌های مقاوم و نستوه بود. امیدوارم این کتابی که شامل مجموعه اسناد ساواک درباره ایشان است، منتشر شود، آن‌وقت معلوم خواهد شد این مرد چگونه مثل کوه در مقابل طاغوتی‌ها و در مقابل شکنجه‌گران ساواک ایستاده است. بعد از پیروزی انقلاب هم قدیمی‌ترین چهره‌ای که نماینده امام (ره) و مقام معظم رهبری تا آخر عمر بود، آیت‌الله واعظ طبسی بود. من نمی‌شناسم چهره‌ای قدیمی‌تر در این جایگاه، جایگاه تولیت آستان قدس رضوی.

امام تا آخر به ایشان اعتماد داشت و مقام معظم رهبری هم تا آخر همین اعتماد را داشتند، با سابقه دیرینه دوستی. آنچه در رابطه با این شخصیت گفتنی است و یقیناً آشنایان ایشان می‌گویند، فضل علمی مناسب و بیان خوش درس ایشان است. بسیاری از فضلاء حوزه علمیه خراسان از محضر درس ایشان بهره بردند. ساده‌زیستی ایشان بهتانگیز است. در طول مدت دوره تولیت خود، اصلاً از تولیت بهره مادی نبرد با اینکه طبق قانون یک سهمی برای تولیت هست. در واقع آنچه که به نام ایشان بود، در خدمت زوار صرف می‌شد؛ کتابخانه آستان قدس، صحن جمهوری و دیگر خدمات ایشان از همین سهم است.

بنده سال ۵۴ که سالیان آغاز طلبگی‌ام بود در همین خانه به دیدن ایشان آمدم و چند سال پیش هم در همین خانه به دیدار ایشان آمدم؛ این ساده‌زیستی الگو است. یکی از مسئولان می‌گفت که آیت‌الله واعظ طبسی آخر ماه که می‌شد می‌گفت چه زمانی شهریه می‌پردازید؟ وقتی پاسخ می‌شنید که اول ماه، ایشان می‌فرمود پس اول هر ماه شهریه ما را نیز بفرستید؛ یعنی تا آخر ایشان با شهریه طلبگی زندگی می‌کرد.

یکی از مسئولان می‌گفت در چوبی خانه ایشان آسیب دید، نجار آستان قدس رفت و آسیب را برطرف کرد. آیت‌الله واعظ فرمود هزینه‌اش را از پول خودشان تأمین کنند نه آستان. به ایشان گفتند شما تولیت هستید و هزینه را از آنجا بدهید، حق شماست؛ اما آیت‌الله واعظ فرمود حق من نیست. این ساده‌زیستی ایشان هم شایسته الگو گرفتن است.

در مورد دلدادگی ایشان به انقلاب اسلامی هم می‌توانم بگویم که ایشان از صمیم جان تا آخر عمر دلدادۀ مقام معظم رهبری بود و

در درستی این راه، ایشان تا آخر عمر دلدادۀ انقلاب اسلامی بود و در عین حال ارادت دیرینه‌شان را به مقام معظم رهبری داشتند. آنچه من در اینجا به عنوان حسرت می‌گویم این است که مقام معظم رهبری در «شرح اسم» که زندگی‌نامه ایشان است - نه به قلم ایشان، بلکه جمع‌آوری از منابع مربوط است - حدود ۶۰ بار نام آیت‌الله واعظ طبسی برده شده است. علی‌رغم اینکه گفتم خاطرات شما ابعاد ناگفته انقلاب اسلامی در خراسان را تبیین می‌کند، ایشان نپذیرفت خاطراتشان را بازگو کنند. از دوستان و ارادتمندان ایشان انتظار می‌رود که همه منابع مربوط به آیت‌الله واعظ طبسی را ببینند و یک کتاب جامع از زندگی‌نامه این عالم مخلص تولید کنند و برای معرفی ایشان به نسل جدید عرضه کنند.

سخن این است که اگر کار بر اساس مبنا و اعتقاد باشد خروجی‌اش استقامت است. ایشان ولایت فقیه را به عنوان یک مبنا پذیرفته بود و این مبنا را در طول دوره تولیت همراهی می‌کردند. در دوره مقام معظم رهبری همراه ایشان به عنوان یک تکلیف در سال ۸۸ مقاومت و از مقام معظم رهبری و نظام اسلامی دفاع کردند. او دفاع نکردن و ساکت بودن در مقابل فتنه را خلاف شرع می‌دانست؛ بر این اساس، با مقام معظم رهبری مواضع انقلابی همراهانه داشت.

گفتاری از

آیت الله ابراهیم امینی

بصیر، دقیق و انقلابی

آیت الله ابراهیم امینی امام جمعه قم، عضو مجلس خبرگان رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بهمن ۵۷ به واسطه انتصاب مرحوم واعظ طبسی به تولیت آستان قدس رضوی با ایشان آشنا شده بود و بعد از آن هرگاه به بارگاه رضوی مشرف می شد با مرحوم واعظ که در مجلس خبرگان نیز معمولاً کنار هم می نشستند دیدار می کرد. آیت الله امینی می گوید در این دیدارها نیز مرحوم واعظ طبسی برای ایشان کنار خود صندلی می گذاشتند و این را به بی ارزش دانستن میز و سمت برای تولیت سابق آستان قدس رضوی تعبیر می کنند. متن پیش رو دیدگاه شخصی آیت الله ابراهیم امینی نسبت به مرحوم واعظ طبسی است.

ایشان به استقبال من می آمدند و با ایشان ملاقات می کردم و این نشانه تواضع و فروتنی ایشان بود. به دفتر ایشان در مشهد که می رفتیم، یک صندلی کنار صندلی خودشان برای من قرار می داد و لذا میز و سمت برای ایشان ظاهراً ارزشی نداشت.

ادب خادمان آستان متأثر از ادب خاص مرحوم طبسی

ادب و احترام تقریباً در شخصیت اکثر بزرگان و علما وجود دارد؛ اما ادب در شخصیت ایشان یک ویژگی مشخص تر و بارز بود و من همیشه ادب و متانت ایشان را تحسین می کردم. ادب و احترام ایشان در رفتار خادمان آستان مقدس با زائرین هم مؤثر واقع شده بود؛ و لذا برخورد و رفتار خادمین حرم حضرت رضا (علیه السلام) به صورت محسوسی با سایر حرمین شریف در ایران متفاوت است.

بصیرت سیاسی و انصاف قضاوت در عین انقلابیگری

ایشان از سال ها پیش عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بودند و اتفاقاً اکثر مواقع کنار من در جلسات می نشستند. از مرحوم طبسی خاطرات بسیار زیادی دارم که به دلیل محرمانه بودن آن ها قادر به بیان نیستم، ولی ایشان به طور کلی در جلسات صحن مجمع بسیار کم حرف، زیرک و گزیده گو بودند. البته در حاشیه جلسات مجمع معمولاً با ایشان در خصوص مسائل روز و مهم کشور گفت و گو می کردم و ایشان هم نظرات خاص و جالبی نسبت به اتفاقات و افراد داشتند. به نظر من ایشان نسبت به مسائل سیاسی، بصیرت و دقت و تشخیص خوب و زیرکانه ای داشتند و در عین انقلابیگری، همیشه مواضع میانه رو و در قضاوت ها منصف بودند. این طور که من اطلاع دارم، ایشان در برهه های مختلف کشور برای مقام معظم رهبری، سنگ صبور و مشاور خوبی بودند.

قطب فرهنگی شیعه در جهان اسلام مروهون زحمات آیت الله طبسی

اقدامات بسیار ارزشمندی در دوران تصدی ایشان در آستان قدس انجام شد، برای نمونه؛ بازسازی تمام عیار حرم مطهر و اطراف آن، توسعه روضه منوره، احداث صحن جمهوری، صحن جامع رضوی، صحن قدس و رواق های دارالولایه، دارالهدایه، دارالرحمه، دارالحکمه، احداث زیر گذر اطراف حرم بود.

همچنین ایشان اقدامات فرهنگی و علمی مؤثر و ماندگاری نیز در مشهد انجام دادند، برای نمونه؛ احداث ساختمان جدید کتابخانه مرکزی

اولین آشنایی بنده با مرحوم آیت الله واعظ طبسی مربوط می شود به سال ۱۳۵۷ که هم زمان بود با انتصاب ایشان به سرپرستی آستان قدس رضوی. فکر می کنم ۲۵ بهمن ماه سال ۵۷ بود و بنا به سابقه ای که ایشان در مبارزات قبل از انقلاب داشتند و توانمندی هایی که در پیروزی انقلاب از خود در مشهد نشان دادند، حضرت امام (ره) تولیت آستان قدس رضوی را به ایشان واگذار نمودند.

از آنجایی که تولیت آستان قدس رضوی از جنبه های مختلف دینی، فرهنگی و اقتصادی، مسئله مهمی بود، حضرت امام (ره) می بایست فردی مطمئن و قابل اعتمادی را در این سمت منصوب می کردند؛ و این اتفاق هم افتاد، ایشان ظاهراً فردی مطمئن برای این مسئولیت بود و اگر به متن حکم حضرت امام (ره) دقت شود چند جمله قابل توجه است و نشان از جایگاه آیت الله واعظ طبسی نزد حضرت امام خمینی دارد. «جناب آقای مستطاب حجت الاسلام جناب آقای عباس واعظ طبسی (دامت افاضاته)

نظر به سابقه ای که جناب عالی در اداره امور آستان مقدس حضرت ثامن الائمه (صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه الطاهیرین) دارید و اعتمادی که در این باره به جناب عالی می باشد، به سمت تولیت آن آستان مقدسه منصوب می شوید تا با کمال جدیت و به طور دقیق از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر متعلقات آن آستان مقدس محافظت کامل را بفرمایید و از حیفا و میل و ضیاع اموال جلوگیری نمایید؛ و حضرات خدام محترم با جناب عالی در این امر لازم تشریک مساعی خواهند نمود؛ و آنچه لازم به تذکر است این مطلب می باشد که هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی مانند جهاد سازندگی و همچنین وزارت ارشاد ملی و یا اشخاص عادی حق دخالت در موقوفات و سایر متعلقات آستان قدس را ندارد.» این اطمینان و اعتماد به توانایی ها و امانت داری آیت الله طبسی در زمان رهبری فعلی نیز ظاهراً بیش از پیش ادامه داشت؛ چرا که حکم مسئولیت و تولیت آستان مقدس حضرت رضا (علیه السلام) برای ایشان همچنان از طرف مقام معظم رهبری تمدید و تأیید شده. البته ایشان از مدت های دور با مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای ارتباط بسیار نزدیک و دوستی دیرینه ای داشتند و این امر طبیعی و دور از ذهن نبود.

میز و سمت نزد مرحوم طبسی بی ارزش بود

در طول این سال ها من هر بار که به مشهد مشرف می شدم، همیشه

در طول این سال ها

من هر بار که به مشهد

مشرف می شدم،

همیشه ایشان به

استقبال من می آمدند

و با ایشان ملاقات

می کردم و این نشانه

تواضع و فروتنی

ایشان بود. به دفتر

ایشان در مشهد که

می رفتیم، یک صندلی

کنار صندلی خودشان

برای من قرار می داد.



از طرفی در امور اجرایی و امور مربوط به خدام و تکریم زائرین تا آنجا که من اطلاع دارم و مشاهده می‌کردم نیز به نحو احسن انجام می‌شد، به گونه‌ای که خدمات ارائه‌شده از سوی آستان قدس به زائرین در بین سایر مراکز زیارتی بی‌نظیر بود. ایشان در توسعه و تحول خود استان خراسان نیز سهم مؤثری داشت و واقعاً امروز مشهد به‌عنوان یک قطب فرهنگی شیعه در جهان اسلام مطرح است و بخش زیادی از این جایگاه مرهون زحمات آیت‌الله واعظ طبسی است.

حرم، مرکز اسناد و دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه امام رضا (علیه‌السلام)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، احداث بنیاد فرهنگی رضوی، احداث مؤسسه فرهنگی قدس، احداث مرکز آفرینش‌های هنری و توسعه موزه‌ها و ورزشگاه‌ها و... شما اگر به سایر استان‌های حرمین شریف نگاه کنید، کمتر این‌گونه توسعه را می‌توانید پیدا کنید و این نشان از فکر آینده‌نگر و بسیط ایشان بود. البته همه این‌ها باقیات الصالحاتی برای ایشان است و انشالله خداوند از آن مرحوم قبول بفرماید.



اردیبهشت ۱۳۵۸؛ آیت‌الله عباس واعظ طبسی در کنار آیات: میرزا علی فلسفی، شیخ محمدتقی فلسفی، سید صادق شریعتمداری و سید علینقی طبسی حائری در مراسم ترحیم شهید آیت‌الله مطهری در مسجد گوهرشاد حرم رضوی



گفتاری از آیت الله موحدی کرمانی

مبارز راه انقلاب

در قائله منتظری شفاف و قاطع عمل کرد

اقدامات ضداسلامی داشت؛ در یک مرحله زندانی کردن آزاده‌ها اعم از روحانیون و غیرروحانیون و حتی علما بود. شاه با کینه‌ای که داشت آن‌ها را زندانی کرد و برخی را نیز مانند شهید سعیدی زیر شکنجه شهید کردند. مرحوم آیت الله واعظ طبسی هم از جمله روحانیونی بود که در راه مبارزه راهی زندان شد. حتی به یاد دارم مرحوم آیت الله واعظ طبسی به عنوان یکی از روحانیون مبارز در مشهد در تجمعاتی که ما در تهران هم برگزار می‌کردیم شرکت می‌کرد.

۲- زمان بعد از انقلاب: دومین مقطع که به مرحوم آیت الله واعظ طبسی اختصاص پیدا می‌کند دوران بعد از انقلاب اسلامی است. ایشان دوره بعد از انقلاب همچون قبل از آن در کنار حضرت امام (ره) بودند و پس از ارتحال ایشان باز در کنار مقام معظم رهبری قرار گرفتند. بنده به یاد دارم هنگامی که حزب جمهوری اسلامی تأسیس شد ما هر دو در شورای مرکزی آن بودیم و پس از تعطیلی حزب در مجمع تشخیص مصلحت نظام و خبرگان حضور داشتیم و در آنجا نیز باز از مرحوم آیت الله واعظ طبسی استفاده می‌کردیم. ویژگی دیگر مرحوم آیت الله واعظ طبسی «ولایت‌پذیری» ایشان بود. آیت الله واعظ طبسی چه در زمان حضرت امام خمینی (ره) و چه در زمان مقام معظم رهبری ولایت‌پذیری خود را به‌خوبی نشان دادند و همواره از نظرات ولی فقیه تبعیت می‌کردند. مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس واعظ طبسی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حکم حضرت امام (ره) به عنوان تولیت آستان قدس رضوی منصوب شدند و در این جایگاه خدمات ارزنده‌ای انجام دادند که در این راستا می‌توان به توسعه حرم مطهر اشاره کرد. با نگاهی به فعالیت‌های آستان می‌توان متوجه شد ایشان به چه اندازه کار کردند؛ از این رو مدیریت شایسته ایشان در آستان حضرت ثامن الحجج، خدمت به زائران حرم مطهر و ارادت خالصانه به مقام ولایت را می‌توان از ویژگی‌های بارز آیت الله واعظ طبسی دانست.

۳- مواضع مرحوم آیت الله واعظ طبسی در برهه‌های حساس انقلاب: از ابتدای انقلاب اسلامی مرحوم آیت الله واعظ طبسی در برهه‌های حساس اعلام موضع می‌کرد؛ نمونه آن غائله منتظری و فتنه سال ۸۸ بود. در جریان فتنه سال ۸۸، فتنه‌گران به نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب ظلم کردند؛ اما در هر دو برهه چه غائله منتظری و چه فتنه ۸۸، مرحوم آیت الله واعظ طبسی بصیرت خود را به‌خوبی نشان داد و در مقابل این حوادث شفاف و قاطع ورود پیدا کرد. بار دیگر باید در گذشت این عالم روحانی و مبارز را تسلیت گفت.

مرحوم آیت الله واعظ طبسی از مبارزین قبل از انقلاب و همچنین از نیروهای مورد اعتماد حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بود؛ او خدمات ارزنده‌ای در انقلاب اسلامی انجام داده است.

روحانیت به عنوان یک بازوی حضرت امام (ره) شناخته می‌شدند؛ از این رو روحانیون در مقطع نهضت، شکنجه و حتی شهید شدند. در این راستا می‌توان نکاتی پیرامون مبارزات و خدمات مرحوم آیت الله واعظ طبسی در زمان نهضت و پس از انقلاب اسلامی اشاره کرد.

۱- زمان قبل از انقلاب: امام (ره) در شرایطی قرار گرفتند که نمی‌توانستند خطرهای آن زمان را نادیده بگیرند و برای جلوگیری از آن خطرهای زمان را به عقب بیندازند. شاه پی‌درپی



گفت‌وگو با آیت‌الله امامی کاشانی

در تشخیص انحرافات هرگز اغفال نشد



سخنرانی‌های قوی و نافذ آیت‌الله طبسی تنور مبارزات انقلابی را در مشهد داغ کرد



غور و تأمل در زندگانی شخصیت‌های بزرگ و اثرگذار که در کتاب تاریخ اسمشان ماندگار خواهد بود علاوه بر پاسداشت مقام چنین شخصیت‌ها و بی‌تفاوت نگذاشتن از مجاهدت‌ها و ایثارگری‌هایشان، انقلابیگری و انقلابی بودن را یادمان می‌دهد تا بدانیم در هر موقعیت و شرایطی این باور و عمل انقلابی است که ما را پیش برده و قدرت موفقیت را به ما می‌بخشد. جالب آنکه چنین شخصیت‌هایی نه افسانه‌اند نه فرابشر، بلکه خاکیانی افلاکی‌اند که در کنار ما زیسته‌اند، اما زیستی که الهام‌بخش زندگی به سبک صحیح است. مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، تولیت فقید آستان قدس رضوی از جمله این چهره‌ها است که خدماتش به نظام و انقلاب بر دوست و دشمن پوشیده نیست؛ از این رو و به منظور دریافت شمایی از زندگانی آن عالم روحانی با آیت‌الله محمد امامی کاشانی، امام جمعه موقت تهران، تولیت مدرسه عالی شهید مطهری و عضو مجلس خبرگان رهبری به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که مشروح آن را می‌خوانید:

با توجه به روحیه مبارزاتی و انقلابیگری آیت‌الله مرحوم واعظ طبسی، لطفاً درباره این بعد از زندگانی آن روحانی نستوه و تأثیر مبارزات ایشان بر تهییج مردم مشهد و پیشبرد روند انقلاب توضیح بفرمایید.

درباره سوابق مبارزاتی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی باید گفت آن زمان که جامعه روحانیت مبارز در تهران تشکیل شد، با مشهد مقدس هم ارتباط داشتیم و جامعه روحانیت مشهد هم توسط چند نفر تشکیل شده بود که یکی از آن‌ها مرحوم طبسی بود و فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای داشت.

همان‌طور که می‌دانیم مشهد مقدس از حساسیت سیاسی خاصی برخوردار بود و رژیم پهلوی نیز روی آن حساس بود، اما علی‌رغم آن، ما گاهی برای هماهنگی به مشهد می‌رفتیم. به یاد دارم در سال پایانی عمر رژیم پهلوی، مقام معظم رهبری و مرحوم آیت‌الله طبسی و چند نفر دیگر که جزو مبارزان مشهد مقدس بودند، در بیمارستان امام رضا (علیه‌السلام) که آن زمان شاه‌رضا نام داشت، متحصن شدند؛ لذا در جامعه روحانیت مبارز هم پیشنهاد شد که چند نفر به مشهد رفته و با آن آقایان همدردی و همراهی کنند که نهایتاً سه نفر انتخاب و اعزام شدیم:

آیت‌الله مهدوی کنی، مرحوم آیت‌الله انواری و شخص من. نکته مهم آنکه مبارزات آن‌ها بسیار جدی بود و خفقان و فشار زیادی هم انصافاً روی آن‌ها اعمال می‌شد؛ اما در جلسات، علمای مشهد رفت‌وآمد داشتند و به یاد دارم بزرگانی همچون مرحوم

آمنه‌مستقیمی
خبرنگار

آقای تهرانی و مرحوم آیت‌الله مروارید در همان بیمارستان شاهرضا حاضر می‌شدند و به دیدن متحصنان می‌آمدند؛ شب و وقت استراحت نیز بحث این بود که رژیم امشب به بیمارستان حمله می‌کند و در جلسه‌ای که آقایان از جمله مرحوم واعظ طبسی حضور داشتند، پیشنهاد می‌شد که هریک از ما کجا بخوابیم. علاوه بر این، اطلاعیه‌ها و سخنرانی‌های داغ و نافذ آیت‌الله طبسی که در سخنرانی بسیار قوی بود و به نظام و انقلاب اعتقاد و تعهد خاصی داشت نیز در مبارزات تأثیرگذار بود. مهم آنکه ایشان به همان روحیه‌ای که امام خمینی (ره) عمل می‌کرد، ملتزم بود.

آیت‌الله طبسی بعد از مقام معظم رهبری در مشهد مقدس و استان خراسان فعال بود، البته دیگرانی هم با ایشان کار می‌کردند، اما این دو تن فعالیت گسترده‌ای داشتند؛ بعد از انقلاب هم خدمات و کارهایشان مشخص است و بر همان اساس فعالیت و با خطوط انحرافی مبارزه کرد.

مرحوم واعظ طبسی،
انقلاب و امام و حرم
رضوی و آستان قدس
را باور داشت و این
باور در همه رفتار،
افعال و کلماتش
مشهود بود. ایشان
آدم باارزشی بود و من
ایشان را عالم موفق
می دیدم هم قبل از
انقلاب و هم بعد از
آن و با مسئولیت هایی
که داشت



**نوع مواجهه و مقابله مرحوم واعظ طبسی با خطوط
انحرافی چگونه بود و چه دستاوردی برای نظام**

داشت؟

باید توجه داشت همان طور که حرکت و نهضت قبل از انقلاب از حساسیت خاص برخوردار بود، مقابله با خطوط انحرافی در مشهد مقدس نیز حساس و سخت بود؛ چراکه در مشهد انحرافات بسیاری وجود داشت و چون این شهر زیارتی است و زائران از داخل و خارج کشور به آنجا می آیند و هم دوستان و هم دشمنان به آنجا توجه دارند، کار را سخت تر می کرد؛ اما آن مرحوم در همه موارد با تدبیر و فکر و در عین حال با غصه و غم و گرفتاری در زمان امام راحل با تماس با ایشان و تبعیت از دستور ایشان و بعد از آن در سایه ارتباط با امام خامنه ای، همه کارها را به نحو احسن انجام داد و پیش برد.



**مرحوم واعظ طبسی در مواجهه با جریان های
انحرافی چه تدبیر و مقابله ای داشتند و مهندسی**

**رفتار ایشان با جریان های سیاسی و جناح بندی ها در مقام
تولیت آستان قدس رضوی چگونه بود و چه امتیازاتی**

داشت؟

این قسم مسائل به قول طلبه ها یک صغری دارد و یک کبری؛ صغری موارد مشخص و کبری قانون کلی را شامل می شود. قانون کلی انحراف معلوم است، برای مثال کسانی که مجاهدین انقلاب اسلامی (نه منافقان) خوانده می شدند یا خطوط انحرافی از ولایت فقیه. همچنین در زمان حیات امام (ره) برخی علما بودند که با مشی و حرکت امام موافق نبودند، اما مرحوم واعظ

طبسی محکم و جدی در همان خط ایستاد.

همان طور که بیان شد صغری شامل موارد و مصادیق انحراف است که آیت الله واعظ طبسی آن ها را خوب تشخیص می داد و به قول معروف کلاه سر ایشان نمی رفت و کسی نمی توانست آن مرحوم را اغفال کند؛ و بسیار خوب می فهمید که هر کس فکر و روش و روحیه اش چطور است و باید با او چگونه برخورد کرد؛ یعنی در تشخیص موارد خوب عمل می کرد و می دانست چه باید بکند، به عبارت بهتر، حرکت در خط دقیق اسلام که امام روی آن ایستاده بودند و وابستگان و متصلان به امام (ره) نیز آن خط را دنبال می کردند.

مرحوم آیت الله واعظ طبسی در شناخت افراد و خط و در اهتمام به خط و ایستادن روی آن بسیار جدی بود و هیچ مصالحه و مسامحه و اهمال کاری ای نمی کرد و در پیشروی روی خط امام و انقلاب جدیت داشت و با خطوط مقابل هر جور که می توانست البته با ظرافت های خاص مقابله می کرد.



**نگاه تولیت فقید آستان قدس رضوی درباره حوزه
انقلابی چگونه بود و چطور این نگاه را در حوزه های**

علمیه خراسان بزرگ اعمال و منتج به نتیجه کرد؟

مرحوم آیت الله طبسی فرزند حوزه بود، در حوزه درس خوانده و بعد از انقلاب هم مدتی در آن تدریس کرد تا آنکه مشغله ها چنین اجازه ای به وی نداد. ایشان از دوران طلبگی روحیه انقلابی داشت بعد هم که بر مصدر کار نشست همان حالت انقلابی را در همه کارها داشت و حفظ کرد؛ به عبارت بهتر، حوزه ای که طلبه در آن فقط به درس یا محراب و مسجد متوقف شود و کاری به نظام و مسائل سیاسی نداشته باشد، صحیح نیست؛ اما متأسفانه

یک ضلع مثلث مبارزه در مشهد

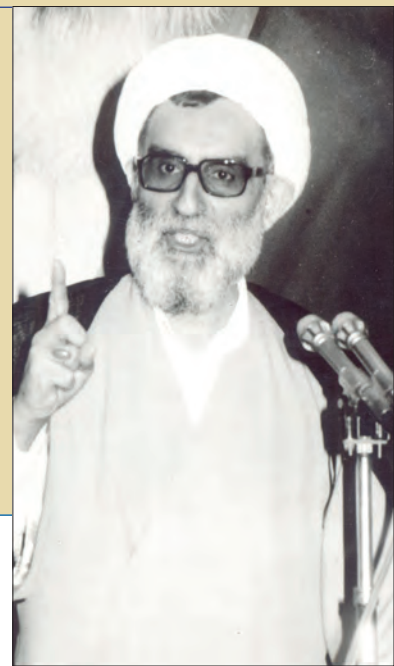


خاطرات

آیت الله واعظ طبسی کار مبارزه را در سال های نخست به تنهایی دنبال می کرد، اما با استقرار حضرت آیت الله خامنه ای و پس از مدتی شهید هاشمی نژاد در مشهد، گروهی سمنفره تشکیل شد که اعضای آن قسم یاد کردند تا برقراری حاکمیت اسلام راه مبارزه را با همکاری یکدیگر دنبال کرده و همواره از امام (ره) به عنوان رهبر و مرجع اعلم جانب داری کنند.

آیت الله واعظ طبسی خود در این باره می گویند: مبارزه علنی بنده و جمع دوستان تقریباً از سال ۱۳۳۵ شروع شد. در آن موقع برادرمان جناب آقای خامنه ای در مشهد تشریف نداشتند و شهید هاشمی نژاد هم در قم بودند؛ بنابراین در آن زمان من تنها بودم و خیلی سخت می گذشت. بعدها با پیوستن این دو بزرگوار، محور واحدی را در خراسان تشکیل دادیم. در اوایل نشست هایمان از هم جدا بود، اما بعداً تصمیم گرفتیم مرکزیتی داشته باشیم. بدین ترتیب، با همکاری آیت الله طبسی، مقام معظم رهبری و شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد، اندیشه امام خمینی (ره) برای مردم خراسان شناسانده شد و در همین راستا او اولین بار در یک سخنرانی در مسجد «حاج ملاهاشم»، امام (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که با اعتراض ساواک روبه رو شد، در حدی که او را دستگیر و روانه زندان کردند.

گفت و گوی مجله پیام انقلاب با آیت الله واعظ طبسی - ۱۳ و ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ .



داشت و با اخلاص و ارادت برابر ایشان رفتار می کرد. باید توجه داشت اخلاص باطنی برخی بسیار بیشتر از اخلاص ظاهری شان است، مرحوم واعظ طبسی نیز چنین بود؛ علاوه بر این، اهل تظاهر و ریا نبود، بلکه آدم محکم، خالص و معتقد بود و واقعاً می توان گفت تولیت آستان قدس رضوی و ریاست بر خدام حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) برانده آن مرحوم بود تا جایی که هرچه عناوین خوب و متعالی را به آن مرحوم نسبت دهیم، حق ایشان است.

نیاز نظام به این دست از مدیران و چهره های انقلابی چیست؟

نیاز نظام اسلامی به مدیران این چنین که هم تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشت، هم در مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام عضو بود، این است که کسی که عضو نظام می شود اولاً بفهمد نظام اسلامی و انقلاب یعنی چه و این تحول را خوب درک و تحلیل کند و به آن اعتقاد و باور داشته باشد و در گام بعد به آن عمل کند. مرحوم واعظ طبسی انقلاب و امام و حرم رضوی و آستان قدس را باور داشت و این باور در همه رفتار، افعال و کلماتش مشهود بود. ایشان آدم باارزشی بود و من ایشان را عالم موفق می دیدم هم قبل از انقلاب و هم بعد از آن و با مسئولیت هایی که داشت.

هرکسی که می خواهد در این نظام خدمت کند باید اولاً نظام را باور داشته باشد و بعد خود را در همان باور و یقین ثابت بدارد و عمل کند و به لوازم آن پایبند باشد. البته همان طور که بیان شد آن مرحوم در سال های پایانی عمر توان نداشت و نمی کشید، اما آن زمان که بیمار نبود و توان داشت، چنین بود.

خاطره ای از مرحوم آیت الله واعظ طبسی که همیشه در ذهنتان باقی است...

ما با مرحوم آیت الله واعظ طبسی از همان روزهای اول انقلاب و آمدنم به تهران و مبارزات سال ۴۲ و تشکیل جامعه روحانیت مبارز در ارتباط بودیم؛ برای مثال، ایشان سخنرانی های خوب و داغی داشتند مخصوصاً منزل مرحوم آیت الله حاج حسین قمی و در روزه ها و جلسات سخنرانی های گرمی می کرد و شنیده بودم (شاید در یک جلسه هم شرکت کردم) با علما در ارتباط بود، البته بیشتر کارها را با شخص مقام معظم رهبری پیش می بردند. به طور کلی، همه ارتباطاتی که با ایشان داشتم خاطره است. یکی از چیزهایی که به یاد دارم این است که آن مرحوم وقتی مراسم غبارروبی بارگاه مطهر رضوی انجام می شد، خود علاقه مند به حضور و مشارکت بود و هم من را برای این مراسم دعوت می کرد و من نیز برای غبارروبی داخل ضریح مطهر مشرف می شدم. جالب آنکه آن مرحوم حتی تا روزهای پایانی و علی رغم بیماری داخل ضریح آمده و کارها را انجام می داد و ارادت فوق العاده به حرم رضوی و قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) داشت. ان شاء الله همین رفیق ایشان در قبر و قیامت باشد.

من لذت می بردم از تعبیراتی که آن مرحوم نسبت به حرم مطهر رضوی داشت و ارادت خاصی که به حرم رضوی و امام رضا (علیه السلام) و زیارت امام رئوف (علیه السلام) داشت؛ برای مثال، همین روزهای آخر که امکان تردد با عصا آن هم به سختی داشت، می دیدم که به سختی مشرف شده و با تضرع و ذکر و زیارت در حرم می نشست. در یک معنا ایشان انسان و عالم واقعاً فرهیخته و یک روحانی و انقلابی ممتاز بود.

برخی در حوزه مشهود بودند و هنوز هم هستند که چنین باوری نداشتند و بعضی در متن سیاسی بودند که آن نیز مراحل و فاصله دور و نزدیک دارد. مرحوم آیت الله واعظ طبسی در هسته مرکزی انقلابیگری حوزه بود و تأثیر بسیاری بر حوزه گذاشت. برای مثال در همان روزهای تحصن در بیمارستان شاهرضا که علمای حوزه همه رفت و آمد داشتند، ارتباط تنگاتنگ با علما و روحانیون داشت و حوزه را از نظر انقلابی به راستی متحول کرد.

با توجه به آنکه بسیاری از مشکلات امروز جامعه ریشه در سوءمدیریت ها دارد، آیا مدیریت مرحوم واعظ طبسی را می توان از عوامل اصلی گسترش دامنه آثار و برکات آستان قدس رضوی در امور مختلف دانست؟ این سبک مدیریتی می تواند الگوی مدیران کنونی نظام قرار بگیرد؟

در دوران رژیم ستم شاهی معلوم نبود درآمدهای آستان قدس رضوی چگونه هزینه می شود، اما وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد برکات آن در آستان قدس رضوی نیز تجلی یافت و مرحوم طبسی به عنوان تولیت آن به کارهای زیربنایی پرداخت و در کارهای زیربنایی انگیزه های خاص داشت. کارهای متفرقه همچون کمک ها و مساعدت ها، اولویت دست چندم ایشان بود؛ یعنی اولویت نخست را به کارهای زیربنایی همچون تأسیس و گسترش سالن ها، رواق ها و صحن ها می داد که امروز خوشبختانه وسعت و عظمت یافته است؛ لذا امثال این کارها مدنظر آن مرحوم بود و بر روی شان در ابعاد شهری، علمی و فرهنگی تکیه می کرد. به طور کلی من مرحوم واعظ طبسی را متولی موفق می دیدم. البته دیدها متفاوت است چنان که برخی می گفتند آستان قدس باید خدمات بیشتری داشته باشد، اما با توجه به اولویت دهی به امور زیربنایی توسط آن مرحوم، خدمات در اولویت های بعدی اش تعریف می شد.

آیا مرحوم واعظ طبسی در مقام تولیت آستان قدس برای عمل به منویات و دغدغه های رهبری معظم انقلاب همچون اقتصاد مقاومتی یا اصلاح سبک زندگی موفق عمل کرده است؟

مباحثی که با عناوینی چون اقتصاد مقاومتی در سال های اخیر از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، مقارن بود با سال های پایانی عمر و تولیت مرحوم واعظ طبسی که به شدت با بیماری درگیر بود؛ اگرچه تولیت را داشت و دستورات کلی را صادر کرد، اما در اواخر این تولیت و مسئولیت، اینکه خود با سلامت و همچون سال های اولیه که در کارها یک به یک ورود و اظهار نظر کند برایش مقدور نبود؛ اما قبل از آن در عمل به همه این موارد و منویات ورود و اهتمام داشت.

آن مرحوم در دوران دفاع مقدس خط امام راحل را پیروی و در سخنرانی ها رفتن به جبهه ها را تشویق می کرد و خود ایشان اهل رفتن و حضور در جبهه بود و ذره ای از خط امام انحراف نداشت.

آن مرحوم از نظر حضور در مجلس خبرگان رهبری و همراه با رهبر انقلاب چه نگاه و رویکردی داشت و این نگاه چه دستاوردهایی را برایش رقم زد؟

آن مرحوم در مجلس خبرگان رهبری نیز به ضوابط و شرایط مقید و پایبند بود و ارتباط بسیار تنگاتنگ با مقام معظم رهبری

گفت‌وگو با محسن رضایی یاور معنوی فرماندهان دفاع مقدس

کاروان کمک رسانی به جبهه‌ها را تا دروازه شهر بدرقه می‌کرد

محسن رضایی «فرمانده سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس پس از خروج از این نهاد انقلابی با حکم مقام معظم رهبری، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام شد». او یکی از راویان هشت سال دفاع مقدس است؛ از این‌رو رسانه‌ها در سالگرد دفاع مقدس به سراغ او می‌روند و از ناگفته‌ها و خاطرات سردار سپاه سؤال می‌کنند. رضایی از مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی هم خاطرات جالبی دارد، از این‌رو وقتی در جریان انتشار ویژه‌نامه قدس قرار گرفت، وقتی برای انجام گفت‌وگو اختصاص داد. به دفتر دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام دعوت شدیم، قبل از آغاز رسمی گفت‌وگو روندی از فعالیت‌هایی که برای انتشار ویژه‌نامه صورت گرفت تشریح کردیم و سپس گفت‌وگو آغاز شد. او از همان ابتدا خاطرات جالبی از تولیت فقید آستان قدس رضوی و عملیات والفجر بیان کرد و در پایان هم از علمای بلاد مشهد خواست تا با تولیت آستان که از جوانان انقلاب محسوب می‌شود همکاری کنند تا او بتواند مطالبات مقام معظم رهبری را اجرا کند. آنچه می‌خوانید گفت‌وگو با محسن رضایی است:

آقای دکتر رضایی با تشکر از وقتی که به ما برای انجام

این گفت‌وگو اختصاص دادید، به‌عنوان سؤال نخست،

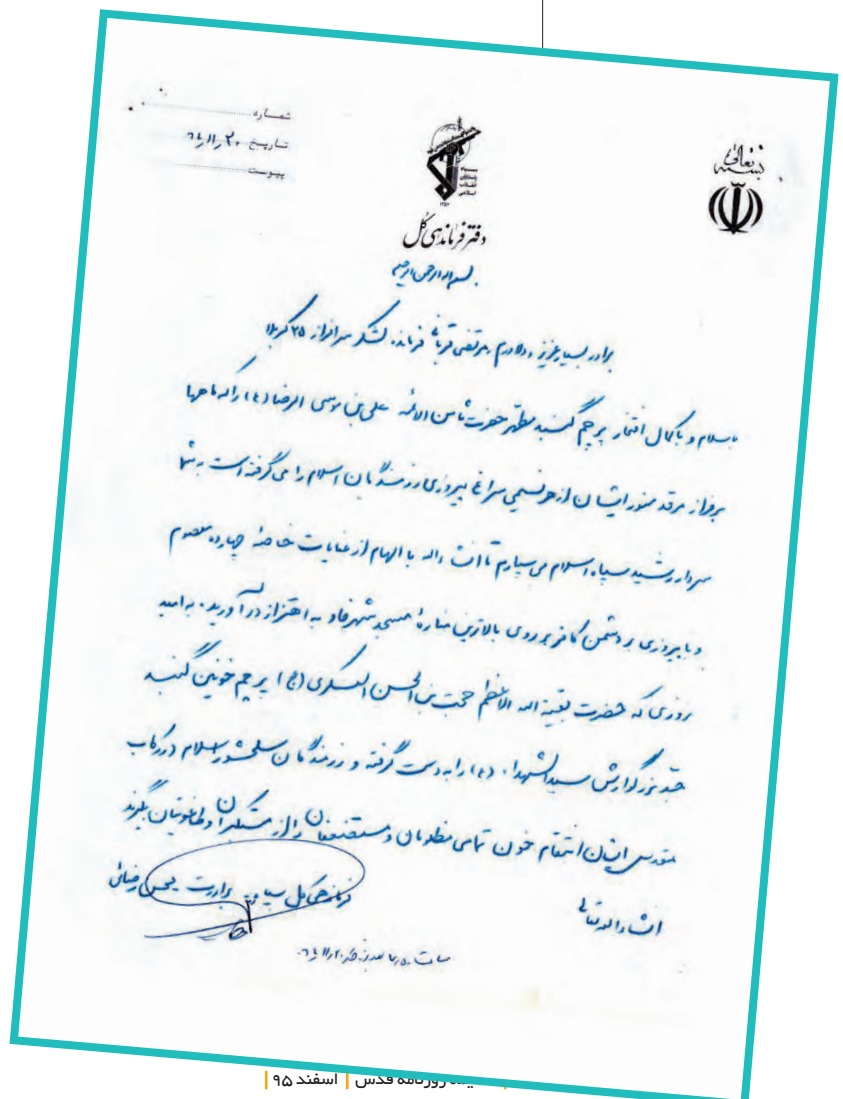
بفرمایید نقش مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در قبل و بعد از

انقلاب چگونه بود و جنابعالی چه زمانی با ایشان آشنا شدید؟

حضرت آیت‌الله طبسی از چهره‌های مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی و از یاران نزدیک حضرت امام و از افراد مؤثر در دفاع مقدس بودند. بنده سعی می‌کنم هر یک از این موارد را توضیح دهم.

یکی از ویژگی‌های انقلاب ما نسبت به سایر انقلاب‌ها، مردمی بودن آن بود. برخلاف مارکسیست‌ها که تشکیلاتی و یا لیبرال‌ها که انقلابشان حزبی بود، انقلاب اسلامی مردمی است، فلذا استان‌ها و اقوام نقش مؤثری در انقلاب داشتند. اگر بخواهیم بنادیم انقلاب اسلامی چگونه مردمی شد باید به سراغ چهره‌هایی برویم مثل آیت‌الله طبسی در خراسان، آقای صدوقی در یزد، آقای طاهری اصفهانی در اصفهان و شهید مدنی در همدان و آذربایجان؛ این چهره‌ها انقلاب اسلامی را مردمی کردند. آیت‌الله واعظ طبسی هم در کنار مقام معظم رهبری و شهید هاشمی‌نژاد نقش اساسی در نهضت خراسان داشتند. عملاً هر استانی به شکلی انقلاب را پیگیری می‌کرد؛ یعنی مراسم‌هایی برگزار می‌کردند و اعلامیه‌های امام پخش می‌شد. آیت‌الله واعظ طبسی در بسیج توده‌های مردم خراسان بزرگ در انقلاب نقش بسیار مؤثری ایفا کردند. آیت‌الله طبسی در سبک و سیاق حضرت امام که انقلاب را مردمی کرد نقش مؤثری بر عهده داشت.

قبل از دفاع مقدس بنده با ایشان در حوادث منافقین (ترورها و انفجارهایی که در مشهد مقدس انجام می‌دادند) آشنا شده بودم و به‌عنوان مسئول اطلاعات سپاه (قبل از فرمانده شدن در سپاه) ارتباط داشتیم. ما برای حفاظت آیت‌الله طبسی خیلی اصرار کردیم که ایشان محل سکونتشان را تغییر دهند، چون منزل ایشان در کوچه‌ای واقع شده بود که تروریست‌ها به راحتی می‌توانستند کمین و ایشان را به شهادت برسانند؛ اما آقای طبسی تا آخر زیر بار نرفت و در همان خانه باقی ماند.





روحی و معنوی فرماندهان خیلی مؤثر بود. البته آقای طبسی هم به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بودند و سال‌ها بعد، از آن دیدار با خاطره‌ای خوش یاد می‌کردند.

از مشهد به تهران برگشتیم و از تهران هم به منطقه رفتیم و عملیات «بدر» آغاز شد. عملیات بدر از عملیات‌های مؤثر و تعیین‌کننده جنگ بود. حوادثی در عملیات اتفاق افتاد که اگر عنایت حضرت رضا (علیه‌السلام) نبود، ممکن بود ما چند هزار نفر اسیر می‌دادیم که وارد آن بحث نمی‌شوم؛ چراکه مربوط به عملیات و جنگ است و سخن به درازا می‌کشد.

خاطره دیگری که از ایشان داریم مربوط به عملیات والفجر ۸ است. در عملیات والفجر ۸ یکی دو روز قبل از عملیات، به ذهن من آمد که چون داریم وارد کشور عراق می‌شویم ممکن است این تداعی به وجود بیاید که ایران به دنبال اشغالگری است؛ از طرف دیگر عبور از رودخانه اروندر

داشتیم که بعضی از جاها عرض رودخانه به دوهزار متر می‌رسید؛ بر این اساس، نیاز به تکیه‌گاه معنوی داشتیم. به ذهنم رسید که خوب است به اولین فرماندهی که از رودخانه عبور می‌کند پرچم حضرت رضا (علیه‌السلام) را بدهیم، وقت هم کم بود. با آیت‌الله طبسی تماس گرفتم و از ایشان خواستم در اسرع وقت پرچم گنبد حضرت امام رضا (علیه‌السلام) را برای ما بفرستند. ایشان هم محبت کرده و فرستادند. چند ساعت قبل از صدور فرمان عملیات، تنی چند از خدام آستان قدس رضوی با پرچم بارگاه حضرت رضا (علیه‌السلام) به قرارگاه ما رسیدند. من و فرماندهان وقتی در قرارگاه، پرچم حضرت رضا (علیه‌السلام) را دیدیم سخت متقلب شدیم. فضای معنوی خاصی در قرارگاه، حاکم شد و ما آن را به فال نیک گرفتیم و سریعاً آن را با نامه‌ای مکتوب برای آقای مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که اولین یگان عبورکننده از رودخانه بود و قرار بود خط را بشکند و به فاو وارد شود، فرستادم.

البته همان شب حادثه عجیبی برای لشکر به وجود آمد؛ بیش از ۵۰۰-۴۰۰ غواص در حال عبور از رودخانه بودند که روبه‌روی آن‌ها نورافکنی روشن شد. سر غواص‌ها بالای آب بود و اسلحه هم همراه داشتند. آقای مرتضی قربانی با من تماس گرفت که چه کار کنیم، دشمن دارد تیراندازی می‌کند و من نگرانم همه بچه‌ها شهید شوند. یک لحظه به ذهنم آمد و به او گفتم بگویید حتی یک نفر هم تیراندازی نکند. دلایل هم این بود که بچه‌های ما هم باید شناسایی می‌کردند و بر جریان جزر و مد رودخانه غلبه می‌کردند و هم می‌خواستند تیراندازی کنند؛ ممکن بود مشکل ایجاد شود. به ذهنم آمد شاید دشمن ادامه ندهد. بعد از مدتی مرتضی با بی‌سیم تماس گرفت و گفت نورافکن خاموش شد.

رزمندگان خط دشمن را شکستند و از ساحل وارد شهر شدند و پرچم را بر فراز مناره مسجد فاو نصب کردند. فردا که فرمانده عراقی اسیر شد و او را به قرارگاه آوردند، پرسیدیم غواص‌ها را می‌دیدید؟ گفت

اگر موافق باشید وارد بحث همکاری‌هایی که آیت‌الله واعظ طبسی در دوران دفاع مقدس با فرماندهان و

رزمندگان داشتند، شویم. بفرمایید رابطه معنوی فرماندهان

دفاع مقدس به‌ویژه حضرت تعالی با حرم رضوی و مرحوم آیت‌الله

واعظ چگونه بود؟ آیامی‌توان از حرم رضوی به‌عنوان تقویت‌کننده

روحی فرماندهان دوران جنگ نام برد؟

در دوران دفاع مقدس، ارتباط معنوی فرماندهان با بارگاه ملکوتی حضرت رضا (علیه‌السلام) بی‌نظیر بود. در شرایط سخت جبهه‌ها، فرماندهان به پروردگار متعال توکل می‌کردند و به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) توسل می‌جستند و معمولاً این مهم از دو طریق انجام می‌شد؛ از طریق مراسم‌هایی عبادی-معنوی که در خود جبهه‌ها برپا می‌شد و نیز استمداد از محضر مبارک حضرت امام رضا (علیه‌السلام) و زیارت بارگاه آن حضرت.

بارها این موضوع در دوران جنگ اتفاق افتاد که عملیات بدر یکی از این اتفاقات بود. در اسفندماه سال ۶۳ ما فرماندهان را خدمت حضرت امام آوردیم، همچنین با آن‌ها با هواپیما به مشهد مشرف شدیم. بنده به آقای طبسی گفتم این عملیات برای ما سخت است، چون در خیبر هم موفق نشدیم، قبل از آن هم مشکلاتی در عملیات رمضان و والفجر مقدماتی داشتیم، از این‌رو با فرماندهان آمده‌ایم از حضرت رضا (علیه‌السلام) استمداد بگیریم. با عنایت و دستور ایشان (آیت‌الله واعظ طبسی) بعد از شست‌وشوی حرم مطهر، فرماندهان به زیارت حضرت رضا (علیه‌السلام) مشرف شدند. معنویت و نورانیتی خاص در مراسم زیارت بود، بعضی از فرماندهانی که در آن برنامه حضور داشتند شهید شدند، مثل آقای مهدی باکری یا آقای جعفرزاده که در آنجا به طور بی‌سابقه‌ای منقلب شده بودند. آقای طبسی هم قبل از تشریف فرماندهان، سخنرانی و بعضی از کرامات حضرت رضا (علیه‌السلام) را برای فرماندهان بیان کردند که سخنرانی ایشان هم در تقویت

آیت الله واعظ طبسی ادامه پیدا کرد؟

بعد از جنگ هم تا زمانی که فرمانده سپاه بودم ارتباطمان با آیت الله واعظ طبسی همچنان برقرار بود. به خاطر دارم رزمایشی در مشهد برگزار کرده بودیم که ایشان را دعوت کردیم و ایشان هم شرکت کردند. البته آیت الله واعظ طبسی به دلیل مشکلی که در ناحیه پا داشتند معمولاً به ندرت در مراسم های عمومی و در برنامه های نظامی حضور پیدا می کردند. به یاد دارم وقتی خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم که آیت الله طبسی را به رزمایش دعوت کردیم و ایشان هم حضور پیدا کردند، حضرت آقا خیلی خوشحال شدند و فرمودند «خوب کاری کردید». بعد از فرماندهی سپاه هم وقتی به مجمع تشخیص آمدم، ارتباطمان با ایشان خیلی بیشتر شد؛ چون ایشان معمولاً بنا داشت در جلسات مجمع شرکت کند. یک بار محضر مقام معظم رهبری بودیم (جلسه مجمع بود)، مرحوم آقای هاشمی گفتند آقای طبسی بیشتر در جلسات مجمع شرکت کند. من گفتم غیبت آقای طبسی از بقیه کمتر است. آقای طبسی از من تشکر کرد و گفت خوب شد شما از من دفاع کردید. من گفتم ما همیشه مدافع شما بوده و هستیم. ایشان مرتب در جلسات مجمع شرکت می کردند، بالینکه سفر از مشهد به تهران و بالعکس برایشان سخت بود.

قبل از اینکه مرحوم آیت الله واعظ طبسی به کما بروند شما دیداری با ایشان داشتید؟

بله. فکر می کنم حدود یک ماه قبل از این اتفاق خدمتشان رسیدیم. ایشان چون عمل جراحی کمر انجام داده بودند، ملاقات برایشان خیلی

«نه». گفتیم پس چرا نورافکن را روشن کردید؟ گفت دو هفته ای بود از ستاد کل عراق تقاضای ژنراتور کرده بودیم که آن شب تست کردیم و بعد خاموش کردیم.

علاوه بر روابط معنوی، آستان قدس و جناب آقای واعظ طبسی از حیث مالی به جبهه ها کمک می کردند و پس از جنگ نیز برای بازسازی مناطق جنگ زده همچون خوزستان که آسیب جدی دیده بود مؤثر واقع شدند. در این باره اگر نکته ای دارید، بفرمایید.

در زمان جنگ کاروان های فراوانی از خراسان می آمد. بسیاری از این کاروان های کمک رسانی با عنایت آیت الله واعظ طبسی فراهم و ایشان آن ها را تا دروازه شهر بدرقه می کرد. مردم هم وقتی کاروان های کمک رسانی آستان قدس را می دیدند انگیزه بیشتری پیدا می کردند و کمک های بیشتری می کردند؛ به همین جهت، کاروانی که از طرف آستان قدس راه می افتاد با استقبال مردم روبه رو می شد. این نکته هم باید گفته شود که آیت الله طبسی از جنگ زدگان نیز حمایت می کرد. ایشان از نظر غذا و اسکان، پیگیر حل مشکلات جنگ زدگان بودند و بعد از جنگ هم در بازسازی مناطق تلاش می کردند، چه به وسیله شرکت هایی که متعلق به آستان قدس بود (که آن ها کار پیمانکاری انجام می دادند) و چه از نظر منابع مالی.

بعد از جنگ آیا روابط صمیمانه سپاه و حضرت تعالی با

خدماتی که در مدت کوتاه در آستان قدس رضوی انجام داد

آیت الله واعظ طبسی فروردین ۱۳۶۲ در گفت و گویی که طی دو شماره مجله پیام انقلاب منتشر شد به بخشی از خدمات صورت گرفته در مدت پس از انقلاب و تصدیگری ایشان در آستان قدس رضوی اشاره کرده و گفتند: آنچه مسلم است بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز که من در خدمت شما هستم، این موضوع را در مصاحبه های عمومی و در سخنرانی ها هم اشاره کرده ام و به عنوان گزارش که امام همیشه توصیه می فرمودند که مطالب و مسائل را بگویید، اولین بار خدمت امام مطرح کردم. کلاً مجموع خدمات عمرانی و ساختمانی و رفاهی آستان قدس در ظرف این ۴ سال در مقایسه با کل حکومت شاهانه ۳۰ یا ۳۵ برابر است. خوشحال هستم از اینکه خداوند متعال عنایت فرمود و این توفیق را داد که ما وظیفه شناس باشیم و بتوانیم دین خودمان را نسبت به برادران و خواهرانی که سال ها طعم تلخ محرومیت را چشیده اند ادا بکنیم.

بنده از کارهایی که با کمک خداوند انجام داده ام، حساب نذورات را از بودجه آستان قدس در همان بدو امر جدا کردم و تا به حال رقمی حدود ۲۳۰ میلیون تومان از محل نذورات آستان قدس رضوی وام و مستمری و کمک های بلعوض برای مساجد و مناطق و مردمانی که در محرومیت بودند، داده ایم. کلاً می توانم بگویم که تحولی همه جانبه در آستان قدس به وجود آمده که هدف و مقصود اصلی ما این است که این تشکیلات را چه از بعد مادی و چه از بعد معنوی در جهت مرزبات حضرت رضا و تفکر و بینش ثامن الائمه علیه السلام قرار بدهیم و رضایت خداوند متعال را از این طریق جلب کنیم. البته بیشترین توفیق ما از جنبه های فرهنگی خواهد بود که تا به حال گام های بنیادین برداشته شده است که آثار و ثمرات آن ان شاء الله در آینده روشن می شود؛ از جمله دانشگاه علوم اسلامی است که امیدوارم با دعای برادران و خواهران در تنظیم و تدوین برنامه های آنجا توفیق داشته باشیم؛ و از کارهای آینده فکر می کنیم مسئله مهم همین دانشگاه علوم اسلامی است. برای این منظور کتابخانه جدیدی در صحن جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده و به نحوی کار شده که چه بنده باشیم و چه نباشم، تمام خواهد شد.

اما آنچه مهم است دانشگاه علوم اسلامی است که می تواند یک سازمان علمی و فکری وابسته به آستان قدس رضوی باشد؛ ان شاء الله. البته اطلاع دارید طرح اطراف حرم شریف هم از طرح های بسیار جالب و وسیعی است که می تواند در رابطه با خدمات فرهنگی و علمی این تشکیلات روحانی و معنوی ان شاء الله مؤثر باشد که به زودی کار را شروع خواهیم کرد.

گفت و گوی مجله پیام انقلاب با آیت الله واعظ طبسی- ۱۳ و ۲۷ فروردین ۱۳۶۲.

خاطرات



موضع گیری می کردند و حاضر نبودند خدشه ای به اقتدار نظام و رهبری وارد شود.

اگر اجازه دهید محورهای پايانی گفت وگو به استان قدس و خدمات توليت فقيد و توليت جديد اختصاص پيدا کند. خدمات مرحوم آيت الله واعظ طبسی در استان قدس را چگونه ارزیابی می کنید؟

آيت الله واعظ طبسی نسبت به بارگاه حضرت رضا (عليه السلام) خیلی عاشقانه کار می کرد، حتی سال های آخر عمر ایشان که به شدت از بیماری رنج می بردند، در کار خدمت به بارگاه منور حضرت رضا (عليه السلام) هيچ کم نمی گذاشتند و با همان دردی که بدنشان را فرا گرفته بود در جلسات استان قدس و از غبارروبی گرفته تا ساير امور شرکت می کردند؛ بنابراین، این تعبير که «آيت الله طبسی در زمره عاشق ترين خادمان حضرت رضا (عليه السلام) بودند» مبالغه نیست.

به عنوان سؤال پايانی، نظر خود را درباره توليت جديد و اقداماتی که در این مدت صورت گرفته بفرمایید.

جناب آقای رئیسی شروع خوبی داشته اند؛ از یک سو رسیدگی به محرومین و مستضعفین و از سوی دیگر، رسیدگی به زوار و سروسامان دادن به خدمات آنها، ضمن اینکه در بُعد فرهنگی هم کارهای خوبی شروع شده و امیدواریم تقویت و استمرار یابد. ان شاء الله با همکاری علمای بزرگوار مشهد و حوزه بزرگ خراسان، ایشان در تحقق انتظاراتی که مقام معظم رهبری دارند موفق شوند. جناب آقای رئیسی چهره های انقلابی و خوش سابقه اند. البته استان قدس مجموعه بزرگ فرهنگی است، مشهد پایتخت فرهنگی جهان اسلام قلمداد شده است؛ بنابراین استان قدس باید محور و کانون این پایتخت باشد، از این رو مسئولیت سنگینی بر دوش توليت محترم این استان است. امیدواریم ایشان با عنایت خاص حضرت ثامن الحجج (عليه السلام) بتوانند رهنمودها و انتظارات مقام معظم رهبری که در حکم ایشان تصریح شده را به نحو شایسته ای جامه عمل بپوشانند.



سخت بود؛ اما خیلی لطف کردند و حتی فرمودند که من مدتی است به دفتر نیامده ام، فقط چند روز قبل برای ملاقات با آيت الله صافی گلپایگانی آمده ام و امروز هم برای ملاقات با شما. در آن دیدار در ارتباط با مسائل سیاسی کشور و موضوعات مجمع تشخیص صحبت کردیم. گفتم فشار به رهبری زیاد است جناب عالی کمک کنید. گفتند چه کنیم؟ گفتم شما با بعضی از آقایان همچون آيت الله هاشمی و بعضی دیگر صحبت کنید. آقای طبسی استقبال کردند و گفتند قرار است آقای هاشمی بیایند مشهد، حتماً با ایشان صحبت خواهیم کرد. ایشان بالاینکه در مشهد حضور داشتند اما نسبت به مسائل تهران و وضعیت سیاسی کشور خیلی حساس بودند و پیگیری هم می کردند و چون شخصیت ها عموماً برای زیارت به مشهد سفر می کردند، فرصت خوبی برای گفت وگو فراهم می شد.

آقای دکتر رضایی، ولایت پذیری و موضع گیری مرحوم آيت الله واعظ طبسی در فتنه ۸۸ چگونه بود؟ این سؤال زاین جهت مطرح می شود که برخی تلاش کردند ایشان را به نفع خود و جریان متبوعشان مصادره کنند. نظر جناب عالی چیست؟

آيت الله طبسی نسبت به حفظ صولت نظام، حساس و با رهبری نیز ارتباط عاطفی و اعتقادی داشتند؛ از این رو به هیچ وجه حاضر نبودند کوچک ترین آسیبی به نظام و رهبری وارد شود. البته نسبت به گروه های سیاسی نظراتی داشتند، اما در دفاع از رهبری هیچ تردیدی به خود راه نمی دادند، از جمله موضع گیری های ایشان در فتنه و نسبت به فتنه گران بسیار شفاف و روشن بود و به موقع



گفت‌وگو با غلامعلی حدادعادل امانت‌دار انقلاب در آستان قدس رضوی

ایشان می‌فرمودند: مطمئن باش اگر روزی امر دایر شود که من بین فلانی و آقا یک کسی را انتخاب کنم، یک لحظه هم در اطاعت و ترجیح آقا تردید نمی‌کنم.

متین محبوب: «غلامعلی حدادعادل» از دوره ششم وارد نهاد قانون‌گذاری شد و ریاست فراکسیون اقلیت را بر عهده گرفت. از دوره هفتم تا نهم به‌عنوان منتخب اول مردم انتخاب و در دوره هفتم هم با رأی اکثریت نمایندگان بر کرسی ریاست قوه مقننه تکیه زد. مدیرعاملی بنیاد دائره المعارف اسلامی، ریاست فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و مدیر گروه واژه‌گزینی آن فرهنگستان، ریاست مرکز مطالعات و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام از دیگر مسئولیت‌های وی بوده است. حدادعادل هم‌اکنون مشاور عالی مقام معظم رهبری، رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی (به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی) است. گفت‌وگو با دکتر حدادعادل پس از پایان جلسات ثابت درس مثنوی ایشان در محل کتابخانه شخصی ایشان انجام شد.

گفت‌وگو با ایشان دربرگیرنده نحوه آشنایی با مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی آغاز و خدمات تولیت فقید آستان قدس رضوی در حوزه علمیه مشهد است. مشاور عالی مقام معظم رهبری در این گفت‌وگو خاطرات جالبی هم از مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی بیان کرد. آنچه می‌خوانید گفت‌وگو با دکتر غلامعلی حدادعادل است.



واعظ طبسی به تولیت آستان قدس منصوب شدند و ارتباط ما با ایشان روزبه‌روز بیشتر شد. یک جهت هم به علاقه من به مقام معظم رهبری و ارتباط رهبری با آقای طبسی برمی‌گشت.

خاطره‌ای از آن سال‌ها دارید؟

یکی از خاطره‌ها مربوط به اوایل انقلاب است، به سال ۵۹ برمی‌گردد. هنوز ۲ سال از عمر انقلاب نگذشته بود که آقای طبسی از ۱۰ نفر در تهران و مشهد دعوت کردند تا دو روزی با هم بنشینند پیرامون آینده فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس بحث و مشورت کنند و به آقای طبسی پیشنهاد دهند که بنده هم جزو آن عده بودم. آن موقع حدود ۳۵ سال سن داشتم. ما از تهران به مشهد رفتیم. به یاد دارم دکتر شهیدی، دکتر سروش و تعدادی دیگر هم از تهران

آقای دکتر با تشکر از وقتی که در اختیار روزنامه قدس قرار دادید، همان‌طور که در جریان هستتید در اولین سالگرد ارتحال آیت‌الله واعظ طبسی قرار داریم؛ به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید سابقه آشنایی شما با آیت‌الله طبسی به چه سالی برمی‌گردد؟

بنده چون مشهدی نبودم و قبل از انقلاب هم خراسان (مشهد) مثل بعد از انقلاب زیاد نمی‌رفتم. با مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی قبل از انقلاب آشنایی نداشتم، اما در جریان انقلاب ما ایشان را شناختیم و آن موقع متوجه شدیم که رهبری انقلاب در مشهد به دست ۳ نفر است: آیت‌الله خامنه‌ای، شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی. در گرماگرم انقلاب که ما اخبار انقلاب در تهران و استان‌ها را تعقیب می‌کردیم با ایشان آشنا شدیم. بعد از انقلاب مرحوم آیت‌الله



دارالحجه، پارکینگ‌ها و ... است؛ همه نتیجهٔ بینش و همت بلند این مرد در مدیریت بود.

خصوصیت دیگر ایشان استمرار مدیریت بود. ما همیشه می‌نالیم و انتقاد می‌کنیم که مدیریت‌های کوتاه‌مدت آفت کار کشور است؛ برای نمونه شما آموزش و پرورش را ببینید، از اول انقلاب تا به امروز ۱۴ وزیر آمده و رفته‌اند که من اگر بخوام نام ببرم عبارتند از دکتر شکوهی، شهید رجایی، شهید باهنر، مرحوم پرورش، اکرمی، نجفی، مظفر، حاجی، فرشیدی، علی احمدی، حاجی بابایی، فانی و هم‌اکنون دانش آشتیانی وزیر است. در وزارت آموزش و پرورش در ۳۷ سال، ۱۴ وزیر داشتیم، اما در آستان قدس رضوی در ۳۷ سال یک مدیر دیدیم؛ این سبب شد آستان قدس در یک مسیر جلو برود، ممکن است آن مسیر عیب و اشکالاتی هم داشته باشد، اما بالاخره مثل بقیهٔ دستگاه‌ها نشد که هر کسی می‌آید قلم عفو بر جرایم اعمال قبلی‌ها بکشد و همه‌چیز را پاک کند و همهٔ کارها از نو شروع شود و ما دور خودمان بچرخیم.

آقای دکتر حداد، باین حال ما شاهد بودیم در زمان حیات ایشان برخی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی را به اشراقیگری متهم می‌کردند. از آنجا که جنابعالی بعد از انقلاب شناخت خوبی از آیت‌الله واعظ پیدا کردید، نظرتان را دربارهٔ سادہ‌زیستی ایشان و اتهاماتی که به تولیت فقید مطرح می‌کردند، می‌فرمایید؟

نکتهٔ دیگری که در شخصیت آقای واعظ طبسی قابل توجه بود سادہ‌زیستی ایشان بود، برخلاف تصویری که بعضی از آیت‌الله واعظ طبسی ایجاد کرده بودند. آقای طبسی به دریایی از پول و امکانات دسترسی داشت و آن امکانات آستان قدس بود، ولی ایشان تا آخر عمر در همان خانه‌ای زندگی کرد که قبل از انقلاب در آنجا زندگی می‌کرد. من که چند بار در منزلشان ملاقاتشان کردم اتاق پذیرایی آیت‌الله واعظ طبسی به اندازهٔ فرش ۳ در ۴ بیشتر جا نداشت؛ و رهبری هم اگر به منزل ایشان می‌رفت در همان اتاق بود و مقامات کشور هم در همان اتاق بودند (اتاق ساده‌ای بود) و خیلی‌ها هم این موضوع را می‌دانستند که زندگی ایشان همین‌طور است. هیچ‌وقت شنیده نشد که آیت‌الله طبسی از امکانات آستان قدس به‌صورت شخصی استفاده کرده باشد، خیلی محتاط بودند. برای عده‌ای که به ایشان منصوب بودند حرف‌هایی در آمد، بنده وارد صحت و سقم این مسائل نمی‌شوم، اما نسبت به شخص آیت‌الله واعظ طبسی این مطلب گفتنی است: «واقعاً امانت‌دار خوبی برای انقلاب و حکومت در آستان قدس رضوی بودند.» خیلی از اموال از بین رفتهٔ آستان قدس را هم ایشان احیا کرد و برگرداند.

ولایت‌پذیری مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در زمان حضرت امام و رهبری مقام معظم رهبری چگونه بود؟

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در دوران امام پیرو خالص و مخلص امام بود، بعد از امام (ره) هم ایشان باینکه از نظر سنی بزرگ‌تر از مقام معظم رهبری بودند، اما ارادتی به آقا داشتند که برای همه درس آموز بود؛ و تمام هم و غمشان این بود که رهنمودهای رهبری محقق شود؛ از این‌رو آن مقداری که می‌توانستند در آستان قدس عمل می‌کردند و از تأثیر خود در خراسان و مشهد هم استفاده می‌کردند. ایشان به من می‌گفتند: من (مرحوم واعظ طبسی) اگر با بعضی که با رهبری زاویه‌ای دارند مدارا می‌کنم و دوستی خود را ادامه می‌دهم فقط و فقط برای این است که بتوانم در آن‌ها از طریق این دوستی اثر

حضور داشتند. ما دو روز تمام در مشهد در یکی از حجره‌های صحن عتیق جلسه گذاشتیم، خود مرحوم آیت‌الله طبسی هم در بخشی از جلسات شرکت داشت که قالب آن پیشنهادها در سال‌های بعد عملی شد.

ارتباط ما با ایشان بیشتر ارتباط فرهنگی بود. مدتی هم بنده به‌عنوان عضو شورای فرهنگی آستان قدس انتخاب شده بودم که البته توفیق حضور در جلسات متعدد را پیدا نکردم؛ چند جلسه‌ای در مشهد شرکت کردم. هر وقت به مشهد می‌رفتم علاقه داشتم با آیت‌الله واعظ طبسی دیدار داشته باشم، خصوصاً بعد از آنکه به مجلس رفتم مذاکره در باب مسائل سیاسی کشور و بعضی مسائل مربوط به خراسان ایجاب می‌کرد که من با ایشان دیدار کنم.

علاوه بر این گاهی هم راجع به کارهایی که می‌شود در آستان قدس کرد پیشنهادهایی می‌دادیم در همین راستا؛ در باب امور هنری، کتاب و کتاب‌خانه و کارهای آموزشی که آستان قدس انجام می‌داد من پیشنهادهایی به ایشان می‌دادم، از جمله در دههٔ ۶۰ که معاون پژوهشی وزارت آموزش و پرورش و همچنین عضو شورای عالی آموزش و پرورش بودم پیشنهاد دادم «آستان قدس هنرستان هنرهای اسلامی تأسیس کند» و از استادکارانی که در هنرهای اسلامی در آستان فعال بودند دعوت به تدریس و آن‌ها شاگرد تربیت کنند؛ مثلاً در گچ‌بری، سنگ‌تراشی آینه‌کاری، فرش‌بافی، خطاطی، کاشی‌سازی و ... برای اینکه این هنرها از بین نرود چنین پیشنهادی کردم و ایشان (آیت‌الله واعظ) هم موافقت کرد و من در برنامه‌ریزی‌اش فعال بودم و همکاری کردم. خودم به شورای آموزش و پرورش بردم و مصوبه‌ای آن را گرفتم و به مشهد دادم و این هنرستان تأسیس شد. این یکی از خاطرات من بود گرچه متأسفانه بعد از مدتی ادامه پیدا نکرد.

آقای دکتر در جلساتی که با مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی داشتید بیشتر چه نکاتی را مطرح می‌کردید؟

در سال‌های اخیر من بعضی از مسائل حاد و حساس کشور را با آقای طبسی در میان می‌گذاشتم؛ گاهی به انتخابات مربوط می‌شد، گاهی به مسائل مجلس و گاهی هم به رفتار بعضی از آقایان معروف و مشهور دیگر. بنده برخی اوقات از آقای طبسی خواهش می‌کردم که با نفوذ و حرمتی که نزد همگان دارند اقدام کنند و بعضی تذکرها را به افرادی برسانند و نتیجهٔ این کارها هم من از ایشان می‌پرسیدیم.

دربارهٔ ویژگی‌های مدیریتی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی توضیح می‌دهید؟ مهم‌ترین ویژگی بارز ایشان چه بود؟

آقای طبسی به لحاظ شخصی چند خصوصیت داشت که باید این خصوصیت‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست مدیریت ایشان؛ آیت‌الله واعظ طبسی در مدیریت بین روحانیون ممتاز بود. از یک جهات با شهید بهشتی شباهت داشت. در شهید بهشتی سرشت مدیریتی آشکار بود و در آقای طبسی هم سرشت مدیریتی آشکار بود. همه می‌دانستند که با آقای طبسی نمی‌شود در کارهای مملکت و آستان قدس شوخی کرد، ایشان در کار جدی بود.

دوم به همت بلند ایشان برمی‌گشت؛ آیت‌الله واعظ طبسی از کارهای بزرگ هراس نداشت. فقط کافی است اقدامات صورت گرفته در آستان قدس را (همان اطراف حرم مطهر) در سال ۵۷ با سال ۹۴ که ایشان از دنیا رفت مقایسه کرد. بدون اغراق می‌توانم بگویم که مجموعه‌های اطراف حرم به ۱۰ برابر آن چیزی که ایشان تحویل گرفت بالغ شد؛ مثلاً مهم‌ترین آن‌ها صحن جامع رضوی، زیرزمین

من بعضی از مسائل حاد و حساس کشور را با آقای طبسی در میان می‌گذاشتم؛ گاهی به انتخابات مربوط می‌شد، گاهی به مسائل مجلس و گاهی هم به رفتار بعضی از آقایان معروف و مشهور دیگر. بنده برخی اوقات از آقای طبسی خواهش می‌کردم که با نفوذ و حرمتی که نزد همگان دارند اقدام کنند و بعضی تذکرها را به افرادی برسانند.

بله حتماً ایشان کمک می‌کردند؛ البته کمک ایشان به اقتصاد کشور از طریق فعال کردن ظرفیت‌های اقتصادی استان قدس بود. استان قدس به دلیل امکاناتی که داشت در ۱۰۰ حوزه فعالیت اقتصادی می‌کرد؛ در تمامی این حوزه‌ها، کارآفرینی و اشتغال می‌شد.

استان قدس در دوران مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی رشد همه‌جانبه کرد، فقط رشد اقتصادی نبود، فقط توسعه‌ی اماکن نبود، بلکه مشهد از

[illegible]

عالم و مبارزی از مکتب خمینی کبیر (ره)



اسدالله بادامچیان

عضو شورای مرکزی
حزب مؤتلفه اسلامی

را پدید آورد که بر تارک هنر و تمدن و فرهنگ اسلام و ایران می‌درخشد؛ تأسیس گنجینه قرآن و موزه‌های هنر معاصر نمونه‌های ذوق و سلیقه و قدرت مدیریتی و گستره ذهنیت خلاق و جامع مرحوم طبسی است.

سامان‌دهی مرکز پژوهش‌های آستان قدس و تکمیل موزه بی‌نظیر آستان و تکامل و تجهیز کتابخانه آستان قدس و سایر مؤسسات نیز هریک نمونه مدیریت جامع مرحوم آیت‌الله طبسی است. گستره مهم آستان قدس و ساختن رواق‌ها و خیابان‌ها و توقفگاه و ساختمان‌های متعدد با به‌کارگیری مهندسان و هنرمندان، داستانی از لیاقت مدیریت مرحوم طبسی است.

اداره مؤسسات اقتصادی آستان که خود در حد چند وزارتخانه است، به همت و مدیریت این انسان بزرگ در ۳ دهه گذشته نموداری از تدبیر و شایسته‌سالاری است. تکمیل حوزه‌های علمیه و مدارس و دانشگاه‌ها نیز نمونه‌های دیگری از مدیریت یک روحانی روشن‌اندیش و مدیر و لایق و فداکار است. الحق که مرحوم طبسی خود به تنهایی وظایف چندین مدیر و وزارخانه را در ۴ دهه به نحو خوب و شایسته‌ای انجام دادند؛ در کنار این همه، مدیریت و لیاقت و گستره مسئولیت و ریاست مرحوم طبسی، ایشان را به انسانی متواضع، اخلاقی و پاک و سالم و خالص تبدیل کرده بود؛ ایشان تا انتهای عمر بر این رویه مانده بودند.

برای خودش چیزی برنداشت و هرچه بود برای آستان قدس، خدمت به مردم و اعتلای انقلاب اسلامی انجام می‌داد. خدمات آستان قدس در دوران مسئولیت وی گسترش و افزایش فوق‌العاده‌ای یافت، به گونه‌ای که نام ایشان در دوران مسئولیتشان در تاریخ جاودانه خواهد ماند. آیت‌الله مرحوم واعظ طبسی اسوه نمونه و مظهری برای نسل جوان روحانیت اسلام است تا ایمان بیاورند که با طلب توفیق از خدای متعال می‌توانند منشأ خدمات فراوان و مهمی باشند.

خاطرات من از آیت‌الله مرحوم واعظ طبسی بسیار است؛ از قبل از انقلاب تا پس از پیروزی انقلاب و در مسئولیت تولیت و در رابطه با حزب جمهوری اسلامی و در ارتباطات با حزب مؤتلفه اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و مسائل سیاسی خراسان رضوی که فرصت آن نیست، بگویم. آنچه در مجموع می‌توانم در این مختصر تقدیم دارم روحیه شاد و باصلابت ایشان بود که با وجود درد مستمر جسمی همواره بانشاط و مقتدر در همه جا حضور داشت و آخرین حضور وی انجام وظیفه در انداختن رأی خود به صندوق انتخابات بود. به‌راستی به فرموده شهید آیت‌الله بهشتی، راست‌قامتان جاودانه تاریخ این گونه‌اند.

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی یک روحانی نمونه و اسوه از نسل روحانیت مبارز بود، نمونه‌ای از پرورش‌یافتگان مکتب امام خمینی (ره) که می‌تواند اسوه‌ای برای آیندگان باشد. تدبیر و استقامت و تقوای او در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی شایسته تحلیل‌های عبرت‌آموز برای نسل جدید است.

از تاریخ زندگانی مرحوم طبسی می‌توان داستان‌های حماسی ساخت؛ از زندان‌ها و از منابر انقلابی وی، از حضور مردمی او در بین توده‌ها و در صف جلوی تظاهرات و از شجاعت در بازجویی‌ها، از تبعیت کامل از رهبری انقلاب اسلامی و مواردی از این قبیل.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان با تمام وجود در خدمت نظام و امام (ره) قرار گرفت و نمونه‌ای شد از فقیه و مجتهدی که ولایت‌محوری دارد. عناایات خداوندی به ایشان موجب شد که افتخار تولیت آستان مقدس حضرت ثامن‌الحجج را به او بدهند و توسط نائب امام زمان (عج) امام خمینی این مسئولیت خطیر را ببپذیرد و تا پایان عمر بابرکت در محضر امام هشتم (علیه‌السلام) انجام وظیفه نماید.

مدیریت کم‌نظیر آیت‌الله طبسی در آستان قدس نمونه‌ای از مدیریت شایسته فقه‌ای اسلام است. آستان قدس دنیای شگفت و چندبعدی است، مهمان‌سرای همه زائران و میهمانان امام معصوم است و مرحوم طبسی مسئولیت پذیرایی میهمانان و عاشقان زیارت امام را به بهترین شکل مدیریت نمود تا بتواند رضایت امام رئوف و آگاه را به‌نحوی جلب نماید و رضایت ولی امر مسلمین را نیز تأمین کند و میهمانان حضرت را نیز خشنود نماید؛ و این مدیریت والا بی است.

حرم حضرت در همه روزها پذیرنده میلیون‌ها نفر انسان است؛ تحصیل آرامش و سهولت تردد و هدایت اخلاقی زائران و رفع نیازهای آنان به یک بخش مهم از آستان قدس تبدیل شده است و مرحوم واعظ طبسی در این ۳۶ سال از عهده این مسئولیت خطیر به‌نحوی خوب برآمد.

به یاد بیاوریم که دولت سعودی همه‌ساله در پذیرایی ۲ میلیون نفر حاجی چگونه بی‌مدیریتی می‌کند، درحالی که در ایام نوروز مشهد پذیرای ۵ تا ۶ میلیون نفر است که به‌خوبی با خاطرات خوش سفر را به انجام می‌رسانند. آستان قدس مجموعه‌ای بی‌نظیر از میراث فرهنگی است؛ حرم مطهر، صحن‌ها، رواق‌ها و آثار فرهنگی-هنری و گران‌بهای آن‌ها در حد یک وزارت است. خدمات مرحوم طبسی در این زمینه بی‌نظیر است، او توانست ضمن حفظ کامل این میراث عظیم هنری، فرهنگی، معماری و مهندسی، اجتماعی، پیرامون آن زیباکاری‌های هنری فاخری



گفت و گو با آیت الله سعیدی

با شاگردانش ارتباط عاطفی داشت

و نیز بسیار خوش بیان بود، به طوری که شیرینی بیان ایشان و همچنین شمرده سخن گفتن در کنار استفاده از کلمات و عبارات متقن و محکم و آرام همراه با تن صدای مناسب حین سخن گفتن، هم درسشان را برای شاگردان شیرین و قابل تحمل می کرد و هم شاگردان به راحتی می توانستند مطالب استاد را یادداشت کنند. سبک بیان درس توسط آن مرحوم هم این گونه بود که کل مطالب هر درس را ابتدا از خارج بیان می کرد و پس از آن به تطبیق آنچه که گفته بود با عبارت کتاب می پرداخت. در این مرحله نیز برای تبیین کلام و مراد مصنف گاهی توضیحات مفیدی می داد که آن ها را نیز می توانستیم در حاشیه کتاب خود یادداشت کنیم.

اما درباره نوع نگاه مرحوم آیت الله واعظ طبسی نسبت به فضای درس، پاسخ آن است که در آن زمان که بنده در خدمت ایشان بودم (دوران رژیم سفاک شاه) ایشان یک نگاه داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی طبعاً نگاهشان متفاوت با نگاه قبل از پیروزی انقلاب بود. در زمان قبل از انقلاب هم اساتید و هم طلاب در اندیشه تدریس و تحصیل برای ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در عرصه های محدودی بودند که عمده ترین آن ها خدمت در سنگر محراب و منبر بود که آن هم با خطر زندان و تبعید روبه رو می شد؛ و عده ای هم به تدریس علوم حوزوی مشغول بودند که به همین خاطر گاهی درس ما به خاطر زندان رفتن اساتیدمان تعطیل می شد؛ اما بعد از پیروزی انقلاب، فضا و عرصه درس و تحصیل کاملاً متفاوت و نیازهای جامعه و انقلاب به روحانیون و طلاب در

رابطه شاگرد و استادی از روابط خاص و اثرگذار در فرهنگ اسلام است تا جایی که در معرفی بزرگان و تشریحشان و مقام علمی آن ها، همیشه به استادانشان نیز اشاره شده و اینکه فرد در محضر چه کسانی تلمذ کرده باشد در حیات دینی و اجتماعی وی نقشی بسزایی دارد. مرحوم آیت الله عباس واعظ طبسی، تولیت فقید آستان قدس رضوی نیز از شخصیت هایی است که چهره ها و بزرگانی نام آشنا قبل و بعد از انقلاب محضر درس ایشان را درک کرده و از آن دریای ژرف به قدر توان بهره برده اند. از جمله این شخصیت های بزرگ و اثرگذار آیت الله سید محمد سعیدی، تولیت آستان مقدس کریمه اهل بیت (علیهم السلام) است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی شاگردی در کلاس درس مرحوم آیت الله واعظ طبسی را تجربه کرده و در گفت و گوی ذیل گوشه ای از این تجربه شیرین و به یادماندنی را با ما به اشتراک گذاشته است.

با توجه به آنکه محضر مرحوم آیت الله واعظ طبسی را درک کرده اید، شاخصه اصلی درس ایشان را چه می دانید؟ نوع نگاه ایشان به فضای درس در حوزه و نوع ارتباط استاد و شاگرد چگونه بود؟

ابتدا یاد آن استاد عزیز را گرامی داشته و به روح پاک ایشان درود و سلام را هدیه می کنم و از خداوند علو درجاتشان را مسئلت دارم؛ اما در مورد این سؤال باید به ۳ وجه توجه کرد: نخست درباره شاخصه های اصلی درس ایشان باید گفت بسیار منظم

آمنه مستقیمی

خبرنگار

خاطرات



روایت وزیر بهداشت از منزل قدیمی آیت‌الله طبسی

سید حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت: من نیز سخنان بسیاری در مورد آیت‌الله طبسی شنیده بودم و برخی از آن‌ها حتی در باورم نیز جای گرفته بود؛ اما طی ۲ سال گذشته که به دلیل بیماری‌شان چند نوبت به دیدارشان رفتم، مشاهده کردم همچنان در خانه‌ای زندگی می‌کنند که از زمان انقلاب هم در آن ساکن بودند، خانه‌ای که در و دیوار و پنجره‌هایش فروت و روایتگر کهن‌سالی منزل بود. در این دیدارها روی همان میله‌هایی نشستیم که ۳۵ سال پیش رویشان نشسته بودم. با خودم گفتم اگر این ساده‌زیستی نیست، پس چیست؟ ای‌کاش صدا و سیما به این وجه از وظایفش نیز عمل می‌کرد و در مستندی زوایای گوناگون زندگی بزرگان دینی ما از جمله آیت‌الله طبسی را به تصویر می‌کشید تا مردم آگاه‌تر شوند. اینکه مسئولین نظام را صرفاً در موقعیت رسمی و پرزرق‌وبرق نشان دهیم، طبعاً به معنی سانسور نمودن حقایق وجودی و ساده‌زیستی بسیاری از آن‌هاست؛ ظلمی بزرگ.

منبع: روایت جالب وزیر بهداشت از «خانه کهن‌سال» آیت‌الله واعظ طبسی، خبرگزاری فارس، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴

کلاس آموزش اسلحه شهید اندرزگو برای آیت‌الله واعظ طبسی

حجت‌الاسلام سید مهدی اندرزگو فرزند شهید اندرزگو: عمده فعالیت شهید اندرزگو در مبارزه با رژیم غاصب پهلوی عبارت بود از واردات اسلحه و تأمین اسلحه مورد نیاز مبارزان و نیز وارد کردن اعلامیه‌های امام رحمه‌الله به داخل کشور. حاج احمد قدیریان هم که اخیراً به رحمت خدا رفت، برای من نقل کرد سلاح‌هایی که شهید اندرزگو از افغانستان وارد می‌کرد در اوایل انقلاب بسیار به درد خورد و همه آن‌ها در کمپته و جاهای دیگر مورد استفاده قرار گرفت. منزل ما در مشهد با منزل حضرت آقا چند کوچه بیشتر فاصله نداشت. به خاطر دارم که شهید اندرزگو برای این عزیزان کلاس آموزش اسلحه گذاشته بود؛ برای حضرت آقا، شهید هاشمی‌مژاد و آیت‌الله واعظ طبسی.

منبع: خاطرات رهبر انقلاب از شهید سید علی اندرزگو، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۲ شهریور ۱۳۹۳

عرصه‌های مختلف زیاد شد.

در نوع ارتباط استاد و شاگرد چطور؟ سیره عملی آن مرحوم چه اختصاصاتی داشت و چقدر این ارتباط فضای تلمذ و تعلیم و تعلم را دل‌نشین می‌کرد؟

ایشان هنگامی که شاگردی سر جلسه درس سؤال یا اشکالی را مطرح می‌کرد، اولاً با حوصله خوب گوش می‌کرد و سپس به پاسخ دادن می‌پرداخت، هرگز کم‌حوصلگی نمی‌کرد و یا خدای‌ناکرده به تحقیر سؤال‌کننده نمی‌پرداخت؛ ثانیاً با شاگردان ارتباط عاطفی داشت که می‌شد این جهت را در نوع حضور شاگردان بر گردن استاد یافت، یعنی وقتی استاد روی صندلی می‌نشست، شاگردان سریع تا حدی که ممکن بود به استاد نزدیک شده و دور ایشان حلقه می‌زدند و تعداد شاگردان هم به خاطر همین ویژگی فنی و اخلاقی که بیان شد، قابل توجه بود.

با توجه به نقش آفرینی خاص روحانیت در مبارزات انقلابی با رژیم طاغوت، آیا اندیشه‌های مبارزاتی و موضع‌گیری‌های سیاسی در جلسات درس ایشان جای داشت؟ خاطره‌ای از ایشان در این باره و مباحث مبارزاتی دارید؟

مرحوم آیت‌الله طبسی در دو زمان کاملاً متفاوت تدریس داشت: قبل از انقلاب و پس از انقلاب. من از شاگردان قبل از

انقلاب در جلسات درسی ایشان بودم. در زمان قبل از پیروزی انقلاب از جهاتی امکان موضع‌گیری سیاسی در جلسات عمومی درس نبود. جهت اول اینکه شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله طبسی به خاطر مبارزاتی که داشتند همیشه تحت نظر بودند؛ بنابراین، اگر در جلسات درسی موضع‌گیری صریحی علیه رژیم می‌داشتند به سرعت درس ایشان را تعطیل و خود ایشان را هم دستگیر می‌کردند. جهت دوم اینکه محل درس ایشان مسجد ملاهاشم بود که در آن زمان مرحوم آیت‌الله مروارید در آن اقامه جماعت داشتند و اگر آیت‌الله طبسی می‌خواست در جلسات درسی خود مسائل سیاسی را مطرح کند، درب مسجد ملاهاشم را می‌بست و نماز جماعت هم تعطیل می‌شد.

رابطه شما پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آن مرحوم چگونه بود و نقش آفرینی‌هایشان در حیات مبارکت انقلاب را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بنده چند سال قبل از پیروزی انقلاب برای ادامه تحصیلات به قم مهاجرت کردم، به طور دقیق در جریان این فعالیت‌ها نیستم؛ ولی اجمالاً با اطلاعی که از سوابق این استاد فرزانه و نوع مدیریت و نظم ایشان دارم به یقین موفقیت‌ها و آثار و خدمات ارزنده‌ای داشتند.

خداوند روح مطهر این عالم مجاهد و معلم بزرگ را با اولیایش محشور گرداند و در جوار مضجع شریف حضرت ثامن‌الحجج (علیه‌السلام)، این خادم مخلص را مورد الطاف خاص حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌السلام) قرار بدهد.



گفت‌وگو با آیت‌الله اعرافی
مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور

سیره و سلوک آیت‌الله طبعی تجلی حوزه انقلابی در واقعیت بود

تأثیرگذاری و نفوذ روحانیت در میان مردم در تاریخ معاصر به قدری واضح است که دشمن مبارزه با این قشر را همیشه اولویت خویش قرار داده و از راه‌هایی همچون تهدید، تبعید، ترور و تخریب کوشیده است تا این نفوذ را از بین ببرد. این کارشکنی‌ها و توطئه‌ها علیه روحانیت با مبارزاتی که منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد اوج گرفت و هنوز هم از مهم‌ترین خاک‌ریزهای دشمن برای مقابله با نظام و انقلاب است؛ اما همیشه بوده و هستند علما و روحانیونی که با ایثار و تدبیر راه را بر آن‌ها سد کرده‌اند؛ از جمله آن‌ها مرحوم آیت‌الله عباس واعظ طبسی، تولیت فقید آستان قدس رضوی است که پیش از انقلاب با مبارزات خود تنور انقلابیگری را به‌ویژه در خراسان و مشهد مقدس گرم نگاه می‌داشت و بعد از انقلاب اسلامی نیز با اتکا به آستان مقدس امام رضا (علیه‌السلام) و توانمندی‌های آن، دامنه انقلابیگری را به دیگر عرصه‌ها نیز گسترش داد. از این‌رو، با آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور درباره گوشه‌ای از زندگانی بابرکت آن مرحوم به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:

آمنه‌مستقیمی

خبرنگار



مرحوم آیت الله واعظ طبسی خصوصاً در ابعاد اجتماعی، سیاسی و خدمتگزاری به اسلام و انقلاب وجود داشت و مشهود بود؟

در خصوص حوزه انقلابی بحث و سخن فراوان است، اما به اختصار می‌توان گفت حوزه انقلابی یعنی حوزه‌ای که موقعیت کلان برخورد انقلاب و نظام اسلامی با جریان استکبار جهانی را درک کند و به‌درستی متوجه این رویارویی و مواجهه تمدنی و کلان باشد؛ علاوه بر این، حوزه انقلابی یعنی حوزه‌ای که تولیدات فکری و تربیت نیروی انسانی آن متناسب با نیازهای جدید دنیای امروز و نیازهای اجتماعی، سیاسی نظام اسلامی و جریان انقلاب باشد. به عبارت بهتر، حوزه انقلابی حوزه‌ای است که در دفاع از آرمان‌های امام و رهبری شور و شوق، غیرت و حمیت و شجاعت لازم را داشته باشد؛ این سه بُعد هویت حوزه انقلابی را می‌سازد. با توجه به این تعریف و مختصات، مرحوم آیت الله واعظ طبسی از چهره‌هایی بود که به این معنا از حوزه انقلابی و تحولی که لازم است حوزه‌ها برای رسیدن به طراز دنیای امروز طی کنند، اعتقاد داشت و ملتزم بود. ایشان در حوادث و شرایطی که رخ می‌داد و در اظهار مواضع، شجاعانه عمل می‌کرد؛ چنان‌که مواضع متعددی از ایشان سراغ داریم که بیانگر حضور آگاهانه و شجاعانه ایشان در این عرصه است.

مدیریت ایشان بر حوزه‌های علمی خراسان بزرگ چه امتیازاتی داشت و چقدر در حرکت در مسیر حوزه انقلابی کمک‌کننده بود؟ ابتکار ایشان در راه‌اندازی دانشگاه علوم اسلامی رضوی چقدر در تحقق اهداف نظام همچون وحدت حوزه و دانشگاه و تولید علوم انسانی اسلامی مؤثر بوده و است؟

از عناصر بارز در شخصیت مرحوم آیت الله واعظ طبسی، مدیریت خاص ایشان بود، چنان‌که در حکم امام راحل نیز به نحوه مدیریت ایشان اشاره و تأکید شده است. مدیریت ایشان قابل توجه و برجسته بود و نکاتی خاص دارد: یکی اینکه مدیریتی جامع داشت، یعنی هم به ابعاد سنتی مدیریت بر روحانیت که الگو است، نظر داشت؛ چراکه این سبک سابقه‌دار و سنتی در حوزه‌ها است و نظریه و الگو دارد و ایشان هم معادلات حوزوی و روحانیت را می‌فهمید و هم در مقام عمل، توان عملی اجرای منویات بر پایه الگوی مدیریت سنتی را دارا بود و می‌توانست با جریان‌سازی و مدیریت نیروها، سرمایه مادی و معنوی را در مسیر اهداف متعالی به کار گیرد.

علاوه بر این، ایشان این امتیاز را داشت که مفاهیم و سازوکارهای جدید مدیریت را (که با سازمان‌های امروزی معنا می‌شود) بدانند؛ پس جمع بین این دو نوع از مدیریت از نقاط ممتاز و بارز شخصیت ایشان بود، یعنی همه شرایطی که باید در یک مدیریت جمع باشد، مثل قدرت تحلیل و توانایی سامان‌دهی به امکانات و منابع در ایشان به وضوح وجود داشت؛ لذا آن مرحوم در طول چند دهه، از مدیران برجسته نظام اسلامی و مدیر ارشد

مرحوم آیت الله واعظ طبسی از نظر اثرگذاری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی برای پیروزی نهضت امام خمینی (ره) و روی کار آمدن دولت اسلامی چه فداکاری‌ها و نقش‌آفرینی‌هایی داشته است؟

تولیت فقید آستان قدس رضوی از چهره‌های برجسته و ممتاز روحانیت معاصر بود و در قلمروی مبارزات از پیش‌گامان نهضت امام راحل به شمار می‌رفت؛ برد و موضع مبارزاتی ایشان اگرچه پهنه ملی داشت، اما عرصه تجلی مبارزاتی ایشان بیشتر مشهد مقدس و استان خراسان بود.

این‌طور که ما به‌عنوان طلبه جوان قبل از انقلاب به یاد داریم، ایشان در راهپیمایی‌ها و ارتباط با مبارزان و جهت‌دهی به مبارزات استان خراسان در کنار رهبر معظم انقلاب و چهره‌هایی همچون شهید هاشمی‌نژاد نقش درجه یک داشت؛ به عبارت بهتر، چند شخصیت طراز اول و برجسته در استان، نقش جهت‌دهی و هدایتگری مبارزان و انقلابیون را بر عهده داشتند که مرحوم واعظ طبسی جزو آن چند تن اول بود.

هوش مدیریتی، جایگاه علمی و خانوادگی در کنار بیان رسا و جذاب، روحیه شجاعت و انقلابیگری، مرحوم واعظ طبسی را پیشران و پیشاهنگ مبارزات کرده بود و طبعاً آن‌هایی که از نزدیک در جریان مبارزات ایشان در مشهد بودند، خاطرات بسیاری از آن روزها و نقل‌هایی از جایگاه و نقش کلیدی ایشان دارند که باید آن‌ها را جمع‌آوری کرد و در اختیار نسل کنونی و آینده انقلاب گذاشت تا این‌گونه از تلاش‌ها و مجاهدت‌های این بزرگواران آگاه شده و نسبت به آن قدرشناسی داشته باشند و در شیوه‌ها و روش‌های خویش در مواجهه با استکبار جهانی به کار گیرند.

این روحیه انقلابیگری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در مواضع مختلف انقلاب به‌ویژه در سمت تولیت آستان قدس رضوی چه تجلیات، آثار و کارکردهایی داشت؟

مرحوم واعظ طبسی بر اساس اعتقادات خویش پایبند به ولایت فقیه و رهبری معظم انقلاب بود و با آنکه در مبارزات انقلابی همراه و همگام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بود، اما بلافاصله بعد از آنکه ایشان رهبری نظام را عهده‌دار شدند، کاملاً خود را تابع و پیرو معرفی کرد و بر این عهد و پیمان با رهبری تا پایان عمر استوار بود. مهم‌ترین شاخصه انقلابی بودن این است که فرد به رهبری و اندیشه‌های رهبری ملتزم باشد و آن آرمان‌ها را تداوم ببخشد؛ این روحیه در طول زندگی مرحوم آیت الله طبسی در زمان امام و رهبری وجود داشت و آن مرحوم هیچ‌گاه از آن تخطی نکرد.

با توجه به آنکه مقام معظم رهبری تعبیری با عنوان «حوزه انقلابی» را مطرح کرده و در مواضع مختلف بر آن تأکید دارند، چقدر ابعاد مختلف این تعبیر در زندگی

مرحوم آیت الله واعظ طبسی هم نگاه علمی‌داشت هم نگاه فرهنگی-ترویجی و هم نگاه بین‌المللی؛ و همه این‌ها به نحوی در برنامه‌ریزی‌های آستان قدس رضوی خود را نشان می‌داد. شخصاً در ملاقات‌هایی که با آن مرحوم داشتم، دریافت‌م که از کشورهای مجاور خراسان اطلاع و درباره مسائلشان تحلیل داشت. ایشان به ارتباط با خارج از کشور علاقه‌مند بود و برای حضور طلاب غیرایرانی در مشهد که در ۱۰-۱۵ سال اخیر سامان یافت، همراهی خوبی داشت.

بیشتر قرار می گرفت. این از هنر مدیریت ایشان است که فن و هنر را به هم آمیخته بود. همچنین، شجاعت لازم در اقدام و تدبیر، ضرورت مدیریت است که در برخی از آن ها، ایشان برجسته بود و معدل خوبی داشت. مدیریت ایشان در مجموع الگوی مدیریتی مطلوبی است که می تواند برای طلاب جوان و دانشجویان و نسل مدیران کنونی نقاط مثبت و قابل بهره گیری داشته باشد.

با توجه به آنکه آستان قدس رضوی عظیم ترین

قطب فرهنگی کشور است، مدیریت مرحوم آیت الله

واعظ طبسی در استفاده از این ظرفیت در راستای پیشبرد

اهداف عالی نظام و انقلاب چگونه بود و خروجی های این

مدیریت را در چه عرصه هایی می توان مشاهده کرد؟

مرحوم آیت الله واعظ طبسی هم نگاه علمی داشت، هم نگاه فرهنگی-ترویجی و هم نگاه بین المللی و همه این ها به نحوی در برنامه ریزی های آستان قدس رضوی خود را نشان می داد. شخصاً در ملاقات هایی که با آن مرحوم داشتیم، دریافتیم که از کشورهای مجاور خراسان اطلاع و درباره مسائلشان تحلیل داشت. ایشان به ارتباط با خارج از کشور علاقه مند بود و برای حضور طلاب غیر ایرانی در مشهد که در ۱۵-۱۰ سال اخیر سامان یافت، همراهی خوبی داشت.

اگرچه برنامه های فرهنگی آستان قدس در زمان ایشان کلید خورد، این بدین معنا نیست که ظرفیت های این مکان و آستان مقدس در مرزهای فرهنگی داخل و بین المللی در این حد و اندازه باید بماند، این ظرفیت ها خیلی فراتر از آن است که انجام

در آستان قدس رضوی بود.

در مباحث مدیریت حوزوی نیز شورای عالی حوزه خراسان با مدیریت آن مرحوم سامان گرفت و پیش رفت و تحولاتی که لازم بود در حوزه های استان اعمال شود توسط ایشان سامان دهی شد؛ از ویژگی های مدیریت ایشان این بود که علاوه بر مدیریت حوزه ها وارد کارهای دانشگاهی نیز شد که «دانشگاه رضوی» نمونه بارزی از تلاش و برنامه ریزی در این باره است که موفق هم عمل کرده و می کند. اما اینکه این دانشگاه چه نقشی در وحدت حوزه و دانشگاه داشته، باید گفت این مرکز هم از مراکز متعددی است که در تقویت روابط حوزه و دانشگاه و تولید علوم اسلامی با قلمروهای جدید نقش داشته و در حد و طراز خود، این مقوله را پیش برده است.

درباره سبک و سیره مدیریتی آن مرحوم که بتواند

برای مدیران امروز هم الگو باشد و به رفع

سوء مدیریت ها کمک کند چه نکاتی قابل برداشت و

استخراج است؟

در مدیریت باید به مسائل دینی یک نهاد و سازمان توجه داشته باشیم و در عین اطلاع از تئوری های وارداتی، تسلیم آن ها نباشیم؛ به نظر می رسد ایشان این جامعیت را داشت. علاوه بر این، در مدیریت، اخلاق، معنویت و پاکی نفس نقش مهمی دارد که در ایشان وجود داشت؛ و نیز در مدیریت، توانایی برقراری ارتباط با دیگران و جذب آن ها مهم است که ایشان از این روحیه نیز برخوردار بود، چنان که هر کس به ایشان نزدیک تر می شد در شعاع جاذبه اخلاقی ایشان

مرحوم واعظ طبسی
بر اساس اعتقادات
خویش پایبند به ولایت
فقیه و رهبری معظم
انقلاب بود و با آنکه
در مبارزات انقلابی
همراه و همگام
آیت الله خامنه ای
(مدظله العالی) بود،
اما بلافاصله بعد از
آنکه ایشان رهبری
نظام را عهده دار
شدند، کاملاً خود را
تابع و پیرو معرفی کرد
و بر این عهد و پیمان
با رهبری تا پایان عمر
استوار بود.

آیت الله واعظ طبسی در کنار شهیدان
هاشمی نژاد و بهشتی



عکس
روزبه

شده و امید است با نگاه کلان راهبردی شاهد باشیم آستان قدس رضوی در جایگاه رفیع علمی، فرهنگی به‌ویژه بین‌المللی قرار بگیرد.

با توجه به حیطة کاری شما که با طلاب خارجی ارتباط بیشتری دارید (به دلیل ریاست جامعه المصطفی) در دیدارهایی که با آن مرحوم داشتید، نگاه ایشان به توسعه ارتباط علمی، فرهنگی از طریق این طلاب و ظرفیتشان چه بود؟

به دلیل فاصله زیادی سنی میان من و مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، سابقه آشنایی نزدیک من با ایشان به یک دهه اخیر بازمی‌گردد، اما در همین یک دهه هر بار به آن مرحوم نزدیک‌تر می‌شدم و در جلسات معاشرت و انس بیشتری می‌یافتم، بیشتر به بزرگی و طراز بالای شخصیت ایشان پی می‌بردم. ایشان در حوزه مسائل بین‌المللی، روحانی دارای اطلاعات بسیار و تحلیل‌های مناسب بود و کاملاً روحانی بین‌المللی محسوب می‌شد. بارها در این جلسات وقتی سخن از دیگر کشورها پیش می‌آمد (ما به تناسب کارمان آشنایی بیشتری با دیگر کشورها داشتیم) می‌دیدیم که ایشان در آن فضا بود نه دور از صحنه (که مصادیق آن وجود دارد و فرصتی برای بیان آن نیست).

با توجه به آشنایی چندساله و حضور در جلسات مشترک با تولیت فقید آستان قدس رضوی، نگاه ایشان به مقام حضرت ثامن الحجج (علیه‌السلام) و خدمتگزاری به ساحت نورانی آن امام‌همام را چگونه یافتید؟

البته این مسئله جدیدی نیست و ما به‌خوبی لمس می‌کردیم که مرحوم طبسی غرق در خدمتگزاری به آستان قدس رضوی بود و به این خدمت با همه وجود افتخار می‌کرد. در عین اینکه در این عشق و علاقه پایبند و استوار بود و به آن افتخار داشت، اما با حکمت و عقلانیت به دور از موهومات و خرافات و گرافه‌گویی‌ها -که گاهی در افراد و مواضع وجود دارد- عمل و مدیریت می‌کرد و کاملاً نگاه عقلانی در عین عشق و علاقه به حضرت رضا (علیه‌السلام) در وجودشان موج می‌زد.

نقل خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی می‌تواند برای خوانندگان ما جذاب باشد.

مرحوم طبسی اولاً به لحاظ خانوادگی از جایگاهی ممتاز برخوردار بود و نیز سابقه مبارزات شجاعانه داشت، همچنین به لحاظ فضل علمی در جایگاهی بالا و در مدیریت ممتاز بود و در اخلاص و معنویت حس معنوی بالایی داشت. برای من در این جلسات همیشه این نکته جالب بود که تصویری که از ایشان در معاشرت نزدیک به دست می‌آمد، بسیار صمیمی‌تر و جذاب‌تر بود تا تصویر و شمای دور؛ و هر بار در این جلسات به این مهم بیشتر پی می‌بردم. اگرچه بعضاً چهره‌هایی را می‌شناسیم که از دور تصویری بهتری دارند که در نزدیکی به آن‌ها عکس آن را می‌بینیم؛ اما در ارتباط با مرحوم آیت‌الله طبسی هرچه پیش‌تر می‌رفتی به شمایی بهتر و جذاب‌تری دست می‌یافتی و اگر کسی به ایشان نزدیک می‌شد، ظرفیتش را بسیار بالاتر می‌یافت.



خاطرات



دستگیری و تحویل به ساواک پس از سخنرانی ضد آمریکایی

فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله واعظ طبسی در فروردین ۱۳۴۲ موجب شد تا در کمیسیون امنیت مشهد دستگیری مجدد ایشان مطرح شود. وی در یک سخنرانی در روز شهادت امام صادق (علیه‌السلام) آمریکارامورد حمله قرار داده و گفت: «آمریکایی‌ها و اجانب ما را متحرف کرده و زنان و دختران ما را به‌سوی نیستی می‌کشانند. ما اگر ببینیم خائنین مملکت یا آشوبگران در جایی پیشرفت کرده و قصد اختلال دارند، باید کور شویم و از مملکت دفاع کنیم.» بدین‌ترتیب، شهربانی مشهد روز ۵ فروردین وی و «شیخ حسن کافی» را دستگیر و به ساواک تحویل داد.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۴۸-۴۴.
(مشهد از مقاومت تا پیروزی: بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۴۲ تا ۵۷، تهران)

سوگند سه نفره

آیت‌الله واعظ طبسی می‌گوید: یکی هم جلسات خصومی خودمان بود که قبل از ظهرهای پنجشنبه با حضور من، آقا (مقام معظم رهبری) و شهید هاشمی‌نژاد در منازلان تشکیل می‌شد. در این نشست‌ها حساس‌ترین مطالب عنوان می‌شدند که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تلاش‌ها و فعالیت‌های سیاسی ما در حوزه و خارج حوزه داشت. در یکی از این جلسات، آقا مطلبی را فرمودند و به دنبال آن من این بحث را مطرح کردم که برای اینکه انگیزه ما مددِ صمد خالص باشد و دنبال هیچ چیز جز مسائل مربوط به مبارزات نباشیم، خوب است سوگندی یاد بکنیم که این سوگند کاملاً تعهدآور باشد. اولین بار این سوگند بین من و آقا بود، ما سوگند یاد کردیم که در این قسم قصد انشا داشته باشیم و متعلق سوگندمان هم این بود که برای تشکیل حکومت اسلامی و مرجعیت امام (ره) تلاش کنیم.

منبع: خبرگزاری فارس، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴
(سوگند مشترک رهبر انقلاب، آیت‌الله طبسی و شهید هاشمی‌نژاد)

گفت و گو با آیت الله حسن اختری
دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)

اخلاق و معنویات امام رضا (ع) در آیت الله طبسی انعکاس داشت

مرحوم واعظ شاگردان را بر مبنای فکر امام راحل و انقلاب تربیت می کرد

آمنه مستقیمی

خبرنگار

بی تردید تولیت بیش از سه دهه ای آیت الله واعظ طبسی توفیقی نیست که اتفاقی پیش آمده باشد و قطعاً شخصیت و سلوک آن روحانی نستوه و روح انقلابی و از پای ننشستن هایش در آن تأثیری شگرف داشته است؛ چنان که همه آن هایی که از دور و نزدیک با آن مرحوم ارتباط داشته اند، بر این مهم صحه گذاشته و معتقدند تولیت فقید آستان امام رضا (علیه السلام) از ویژگی هایی برخوردار بود که می تواند الگویی اثر بخش برای دیگر مدیران قرار بگیرد. در بررسی گوشه ای از این شاخصه های ویژه شخصیتی مدیریتی آیت الله واعظ طبسی با حجت الاسلام و المسلمین حسن اختری، دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) به گفت و گو پرداخته ایم که از نظراتان می گذرد.



مقام معظم رهبری تعبیری با عنوان حوزه انقلابی دارند که افقی خاص را پیش روی حوزه و حوزویان می گشاید. نگاه مرحوم آیت الله واعظ طبسی به حوزه انقلابی چگونه بود و ایشان این نگاه را چگونه در حوزه های علمیه خراسان بزرگ اعمال و دنبال می کرد؟

چهره های معروف حوزه علمیه مشهد از همان سال های ۴۰ و ۴۱ رهبری معظم انقلاب و مرحوم آیت الله واعظ طبسی بودند که با سخنرانی ها، منابر و دروس اخلاق و تفسیر، همواره ایده و اهداف امام راحل را بیان و دنبال می کردند؛ لذا ایشان عالمی وارسته بود و شاگردان بسیاری داشت. علاوه بر این، مرحوم آیت الله واعظ طبسی یکی از چهره های معروف علم فقه و اصول در مشهد مقدس بود؛ و همین روند را طی کرد و در این مسیر فداکاری های بسیار داشت و سختی ها و محرومیت های بسیاری را قبل از پیروزی انقلاب تحمل کرد.

از دیگر امتیازات آن مرحوم، تربیت و پرورش در مکتب مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بود. از نظر معنوی، روحانی و عرفانی از این مکاتب درس گرفته و خود عارف و دارای معنویت خاص بود و امتیازات خاصی هم در مسائل عرفان داشت که یکی از آن ها مسئله حرزهایی که بود که آن مرحوم داشت و در این راه و در موقع لازم استفاده می کرد؛ در دوران انقلاب این معروف بود و آن مرحوم در راه معنویت و روحانیت همیشه گام های بلندی برداشته است.

علاوه بر این، مرحوم آیت الله واعظ طبسی و مقام معظم رهبری نقش برجسته ای در حوزه علمیه مشهد به ویژه در ۵-۴ سال باقی مانده تا انقلاب ایفا کردند و شاگردان و مردم مشهد را تربیت و به راه انقلاب دعوت می کردند. در تظاهرات، حرکات دسته جمعی، نشست های میان علما و مبارزان در حوزه علمیه مشهد و ... محور و پیشرو بودند و همه آن ها را همراهی می کردند. مرحوم آیت الله واعظ طبسی با مقام معظم رهبری دو یار و برادر و دو انقلابی و جهادگر و در خط حضرت امام بودند و همواره حرکت انقلابی را در مشهد هدایت و دنبال می کردند.

در ابتدا گرامی می داریم یاد و خاطره مبارزاتی آن عالم بزرگوار، روحانی فداکار و عارف وارسته و باتقوا را. در آستانه سالگرد ارتحال ایشان لازم می دانم ضمن درخواست علو درجات برای این فقید بزرگوار و سعید و خادم اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، بگویم زندگانی مرحوم آیت الله واعظ طبسی مملو از مبارزات و جهاد در راه خداوند متعال و خدمتگزاری به بندگان الهی و اهل بیت (علیهم السلام) بود.

ایشان از چهره های بزرگ و برجسته حوزه علمیه خراسان، مخصوصاً مشهد مقدس به حساب می آمد. پیش از پیروزی انقلاب و در دوره طاغوت و سال های دوران مبارزاتی، آیت الله واعظ طبسی از اساتید برجسته و معروف فقه و اصول حوزه علمیه مشهد بود و شاگردان بسیاری از طلاب این حوزه از دروس ایشان بهره مند می شدند. تدریس آن مرحوم نیز توأم با درس های اخلاق و بینش دینی سیاسی بود. شاید صحیح باشد که (البته من برآورد احصایی ندارم) بگویم اکثر شاگردان ایشان و کسانی که از محضر درسشان استفاده کردند در خط مبارزه و امام (ره) و مسیر انقلاب بودند؛ به عبارت بهتر، مرحوم واعظ طبسی شاگردان را بر مبنای فکر امام راحل و انقلاب تربیت می کرد.

آن مرحوم و نیز رهبر معظم انقلاب، امام خامنه ای در مشهد دو چهره بسیار معروف و شناخته شده در مسیر انقلاب و پیروی و حرکت در مسیر حضرت امام (ره) بودند؛ و تقریباً از



آیت الله واعظ طبسی
عضو شورای عالی
مجمع جهانی اهل بیت
(علیهم السلام) بود و
در دیدارها و جلسات
در تمام مسائل
مرتبط با اهل بیت
(علیهم السلام) و نشر
مکتب آن حضرات
پای کار ایستاده و
فداکاری می کرد و
همه توان را به کار
می گرفت؛ چون آستان
قدس از پایگاه های
اصلی و مراکز استوار
و گسترده نشر
فرهنگ اهل بیت
(علیهم السلام) است.
امروز آشکار و نمودار
است که چه شده و این
مدیریت فرهنگی چه
ثمراتی داشته است

(علیه السلام) است؛ و همه می دانند این عشق و علاقه به قدری بود که در هر جلسه و مجلسی نام اهل بیت (علیهم السلام) می آمد، اشک می ریخت و اظهار ارادت می کرد به خصوص به حضرت ثامن الحجج (علیه السلام). بی شک آن عشق و علاقه باعث شد که ایشان افتخار خادمی حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) را برای سالیان طولانی داشته باشد. همین عشق و علاقه و مدیریت و تجربه و زحمات و خلوص ایشان باعث شد مقام معظم رهبری، امام خامنه ای نیز در دوران رهبری خود، مسئولیت و نمایندگی ولی فقیه در استان خراسان را بر عهده ایشان بگذارند و افتخار خدمتگزاری آستان قدس رضوی را برای آن مرحوم تثبیت کنند.

سبک زندگی فردی و مدیریتی ایشان چه ویژگی هایی دارد که بتوان آن ها را به مدیران کنونی جامعه به عنوان الگو و راهنمای راه معرفی کرد؟

عشق و علاقه به طلاب، مبلغان و علما باعث شد که قبل و بعد از پیروزی انقلاب، مرحوم واعظ طبسی همواره نقش اول را در مدیریت حوزه علمیه مشهد بر عهده داشته باشد؛ به طلاب و روحانیت مشهد رسیدگی می کرد و احترام خاصی برای علما قائل بود. شخصیتی متواضع، فروتن، وارسته و باخلاق و صمیمی بود، چنان که هر کسی به دیدار ایشان می رفت تمام قد می ایستاد و احترام می کرد و حتی دست بر سینه می گذاشت؛ اخلاق پسندیده و معنویات حضرت رضا (علیه السلام) در ایشان نمایان بود و این بهره مندی را داشت که در کلام و عمل، رضایت امام رضا (علیه السلام) را مدنظر داشته باشد و بکوشد تا رضایت حضرت (علیه السلام) را جلب کند. این رعایت و مراقبت همیشه در سبک زندگی ایشان نمایان بود. بعد از پیروزی انقلاب و

با توجه به آنکه آستان قدس رضوی عظیم ترین قطب فرهنگی کشور است، مدیریت مرحوم آیت الله واعظ طبسی در استفاده از این ظرفیت در راستای پیشبرد اهداف عالیه نظام و انقلاب چگونه بود و خروجی های این مدیریت را در چه عرصه هایی می توان مشاهده کرد؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با ورود امام راحل و تأسیس جمهوری اسلامی، آن مرحوم به عنوان نماینده امام و نیز به عنوان چهره برجسته حوزه و مدیر حوزه علمیه مشهد، مورد توجه و اعتماد امام خمینی (ره) بود و امام (ره) از همان روزهای ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب، ایشان را در مشهد محور قرار دادند. البته علمای دیگری همچون آیت الله شیخ حسن شیرازی که امام جمعه مشهد بود نیز در مشهد در مسیر انقلاب حرکت می کردند، اما آیت الله واعظ طبسی به عنوان نیروی فعال، شناخته شده و مورد اعتماد امام (ره)، تولیت آستان قدس رضوی را از جانب ایشان بر عهده گرفت و با مدیریت خوبی که داشت از همان آغاز، بازسازی، زیباسازی و توسعه حرم مقدس را از داخل حرم و رواق ها و صحن ها کلید زد؛ و اگر این خدمات و امکانات نبود، قطعاً حرم رضوی گنجایش چندین میلیون زائر را در مناسبت های ملی مذهبی نداشت؛ لذا از برجسته ترین فرازهای زندگانی و زحمات و مجاهدت های مرحوم واعظ طبسی این خدمات گسترده است که نقشه توسعه حرم به قدری گسترده شده و هنوز هم این نقشه و طرح در حال پیگیری و اجرا است.

این ابعاد برجسته از حیات اجتماعی و مدیریت، حاکی از عشق، معرفت، ارادت و علاقه و خلوص مرحوم واعظ طبسی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) و آستان مقدس امام رضا

خاطرات

تحصن در بیمارستان امام رضا (علیه السلام) در اعتراض به چماق داران رژیم

اواسط محرم برابر با ۲۳ آذرماه ۱۳۵۷، چماق داران وابسته به رژیم پهلوی با حمایت نیروهای امنیتی از در جنوبی وارد باغ بیمارستان شاهرضا (امام رضا فعلی) شدند؛ ابتدا ماشین های سواری پزشکان و کادر بیمارستان را مورد هجوم قرار داده و شیشه های آن را شکستند سپس در ادامه حرکت خود به بخش اطفال بیمارستان - که در قسمت جنوبی بیمارستان قرار دارد - هجوم آورده و ضمن شکستن اثاثیه داخل آن شروع به تیراندازی کردند. این تهاجم چندان دوام نیاورد، زیرا مردم به محض اطلاع به طرف بیمارستان حرکت کردند و هنگامی که به آنجا رسیدند چماق به دستان فرار را بر قرار ترجیح دادند. هدف اساسی از این اقدام غیرانسانی ضرب و شتم و یا کشتار مجروحین بستری شده در بیمارستان بود؛ اما قبل از رسیدن به بخش های مربوطه بیمارستان، به محض اطلاع از حرکت مردم صحنه را خالی کردند. اینک بیمارستان امام رضا (علیه السلام) به یکی از کانون های اصلی مبارزه در آمده بود و تظاهرات غالباً به آنجا ختمه می یافت.



عمل می کرد و شایستگی بسیار از خود نشان می داد؛ چنان که خدمات آستان قدس هریک گفت و گوی تخصصی با مسئولان و کارشناسان را می طلبید، از جمله امور عمرانی و ساختاری برای حرم، مسئله معنویت و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) که از مهم ترین کارهای آستان قدس رضوی است و به آن ها اهتمام داشته و این ها به واسطه ایشان زنده شد. قبل از انقلاب و با تولیت اشخاص فاقد صلاحیت، مسائل آستان به امور خدام و رسیدگی معمول به زائران خلاصه می شد؛ لذا مقایسه عملکرد آستان قدس رضوی در قبل و بعد از انقلاب نشان می دهد چه انقلابی در این عرصه رخ داده است. باید به این ها پرداخته شود که قبل از انقلاب تولیت آستان چه کرده و بعد از انقلاب، تولیت آستان در عمر بابرکت نظام چه کرده و تا کجا پیش رفته است. امروزه بسیاری از خدمات آستان در عرصه بین المللی در اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا پیش رفته و بناهایی به نام امام رضا (علیه السلام) ایجاد و از کمک ها و حمایت های آستان برخوردار شده اند. خدمت به زائران طبق نیت واقفان آستان قدس رضوی بدون هیچ چشمداشتی و با بیشترین تلاش برای حفظ و حراست از اوقاف رضوی و

رحلت امام خمینی (ره)، به عنوان یکی از چهره های ثابت و استوار، مدافع حریم ولایت و ولایت فقیه و شخص مقام معظم رهبری و در این راه ثابت قدم و ایستاده بود. در مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز مجلس خبرگان در همه ادوار، ایشان با همه وجود در دفاع از انقلاب و نظام و شخص رهبری هیچ کوتاهی و دریغی نداشت و همه گونه و با جرئت و شجاعت و صراحت دفاع می کرد. پای نظام ایستاد، در قبل و بعد از انقلاب لحظه ای از مسیر انقلاب جدا نشد، هر چند برخی چهره ها در مشهد به خاطر بی اخلاقی ها منحرف شدند، اما ایشان هرگز تمایلی به دیگر سو نداشته و همسو با اندیشه و خط امام (ره) و نظام، پای اهداف نظام و شخص مقام معظم رهبری با تمام قدرت و توان تا لحظه آخر ایستادگی کرد.

به مقامات خاص عرفانی مرحوم آیت الله واعظ طبسی اشاره داشتید، این مقامات از کجا ریشه می گرفت و چه تأثیری بر رفتارهای مدیریتی، سیاسی و اجتماعی ایشان داشت؟

درباره عرفان، معنویت و روحانیتی که در شخصیت مرحوم واعظ طبسی بود باید توجه داشت که ایشان شاگرد شخصیت های بزرگی همچون آیت الله شیخ مجتبی قزوینی و دیگر بزرگان مشهد بود؛ و مواهبی هم از سوی خدای متعال به ایشان شده بود که بر این معنویت می افزود، همچون خدمت به ساحت مقدس رضوی به دلیل مقام تولیت آن آستان نورانی.

اگرچه من در مشهد نبودم، اما به دلیل اطلاع دوردور قبل از انقلاب و به دلیل دیدار ایشان در مراسم ها و مناسبت ها بعد از انقلاب، آن مرحوم را نمونه تقوا و وارستگی و معنویت یافتیم که این معنویت از راه خلوص و تقوا حاصل شده بود و آن تورع و پارسایی خود به خود باعث رسیدن به مقامات عالیة معنوی می شد. همان طور که قرآن کریم می فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيُنْزِلْنَاهُ فِي الْجَنَّةِ هَيَّ الْمَآوَىٰ»

ایشان از کسانی بود که با مبارزه با نفس به این درجات و مقامات عالییه رسید؛ و در مسئله عرفان تقریباً با مشرب حضرت امام (ره) حرکت می کرد. شاگردی مرحومان مجتبی و هاشم قزوینی که از طرفداران کشف و شهود بودند، آیت الله واعظ طبسی را از طرفداران مدرسه کشف قرار داد که در راه اطاعت خدا و مبارزه با هوای نفس، بیشتر این راه را می پیمود تا مسیر دلیل استدلال و برهان؛ یعنی ایشان در این معنویت و روحانیت، مسلک و منهج کشف را دنبال می کرد و در این مسیر توفیقاتی شامل حالش می شد و مواهبی داشت که به جا از آن ها استفاده می کرد.

با توجه به آنکه آستان قدس رضوی عظیم ترین قطب اقتصادی و فرهنگی کشور است، مدیریت مرحوم آیت الله واعظ طبسی در استفاده از این ظرفیت در راستای پیشبرد اهداف عالیة نظام و انقلاب چگونه بود و خروجی های این مدیریت را در چه عرصه هایی می توان مشاهده کرد؟

مرحوم واعظ طبسی در مسئله عشق و ارادت به اهل بیت (علیهم السلام) و تولیت آستان قدس رضوی بسیار موفق

مرحوم آیت الله واعظ طبسی و مقام معظم رهبری نقش برجسته ای در حوزه علمیة مشهد به ویژه در ۴-۵ سال باقی مانده تا انقلاب ایفا کردند و شاگردان و مردم مشهد را تربیت و به راه انقلاب دعوت می کردند. در تظاهرات، حرکات دسته جمعی، نشست های میان علما و مبارزان در حوزه علمیة مشهد و ... محور و پیشرو بودند و همه آن ها را همراهی می کردند



مهم‌ترین واقعه بعد از حمله به بیمارستان، اقدام هوشیارانه جمعی از علمای مبارز در حمایت از پزشکان و کادر بیمارستان بود، آنان عبارت بودند از: آیات عظام سید علی خامنه‌ای، عباس واعظ طبسی، حاج آقا میرزا جواد تهرانی، شیخ حسنعلی مروارید، شیخ ابوالحسن شیرازی، سید کاظم مرعشی، میرزا مهدی نوقانی، محمدرضا محامی و محمدباقر حکمت که برای اعلام پشتیبانی خود در محوطه بیمارستان تحصن کردند؛ این تحصن به سرعت مورد حمایت سایر اقشار و طبقات مختلف قرار گرفت و حتی برخی علمای شهرهای دیگر نیز طی تلگراف‌هایی همراهی خود را با تحصن اعلام کردند. در پی وقوع این فاجعه بار دیگر وقایع مشهد در کانون توجهات انقلابیون کشور قرار گرفت و مراجع و علما و طلاب با صدور اعلامیه‌هایی عاملان آن را محکوم کردند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۲۳ آذر ۱۳۵۷
(بازخوانی حمله چماق‌داران رژیم به بیمارستان شاهرزای مشهد)



موزه بزرگ قرآن آستان که قبلاً در حد سلسله آثار قدیمی بود، امروز به موزه بزرگ فرهنگی معنوی تبدیل شده و کتب خطی و ارزشمند را در خود جای داده است. برگزاری جشنواره بین‌المللی امام رضا (علیه‌السلام) در ۱۵ دوره و ... از دیگر اقدامات در راه معرفت‌شناسی و پژوهش و نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

فعالیت پژوهش‌گدها و مؤسسات تحقیقاتی و تولیدات بسیار گسترده فرهنگی دینی که از برکت حضرت امام رضا (علیه‌السلام) انجام شده و می‌شود، از دیگر خدمات فرهنگی آستان قدس محسوب می‌شود.

مهم آنکه مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌البیت (علیهم‌السلام) بود و در دیدارها و جلسات در تمام مسائل مرتبط با اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و نشر مکتب آن حضرات پای کار ایستاده و فداکاری می‌کرد و همه توان را به کار می‌گرفت؛ چون آستان قدس از پایگاه‌های اصلی و مراکز استوار و گسترده نشر فرهنگ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است. امروز آشکار و نمودار است که چه شده و این مدیریت فرهنگی چه ثمراتی داشته است.

زنده کردن این موقوفات و بیرون آوردن این موقوفات از چنگ ظالمان و موقوفه‌خواران، همه با مدیریت آن مرحوم انجام شده است.

کارخانه‌ها و صنایع و تولیدات مختلف آستان در مکان‌های مختلف بخش مهمی از احیای موقوفات رضوی است، سرمایه‌های بزرگ اما تقریباً از دست‌رفته که ایشان آن را احیا کرد و بازگرداند.

مهم‌تر از این، بخش فرهنگی آستان قدس رضوی در پرتو مدیریت مرحوم واعظ طبسی با اتکا بر این سخن امام رضا (علیه‌السلام) است که فرمودند: «اگر مردم محاسن کلام را بدانند از ما تبعیت می‌کنند»، چنان که معرفی اهل‌بیت (علیه‌السلام) و نشر مکتب و آموزه‌های معصومان (علیهم‌السلام) و معارف قرآن و اسلام به زبان‌های مختلف و تولیدات و منشورات فرهنگی از خروجی‌های این رویکرد و نگاه است.

این‌همه کتب، تحقیقات، پژوهشگاه‌ها و تربیت طلاب و حوزویان و دانشجویان در دانشگاه جامع رضوی با محور تربیت و تحویل نخبگان به جامعه، احیای کتابخانه آستان و

گفتاری از آیت الله رضا استادی مجاهدتهای فرهنگی زیر سایه آستان قدس رضوی

آن آثار قاتل علینا

شنیدم برخی از ارادتمندان مرحوم آیت الله طبسی در صددند که برای فرارسیدن نخستین سال درگذشت آن عزیز به عنوان سپاس از خدمات ایشان یادنامه ای داشته باشند، حقیر هم که در مواردی مورد لطف آن بزرگوار بوده ام مناسب دیدم عرض ادبی نموده و در این یادنامه سهمی داشته باشم. موضوع نوشته بنده اشاره به برخی از خدمات مهم فرهنگی ایشان است. آن طور که در کتابهای مربوط به تاریخ خراسان، تاریخ مشهد و تاریخ آستان قدس به تفصیل بیان شده، از زمان صفویه که بارگاه رضوی علیه السلام از جهاتی توسعه پیدا کرد، یکی از افتخارات برخی از علما و شخصیت های بزرگ داشتن منصب خادمی و خدمتگزاری آن آستان بوده و هست. شیخ بهائی رضوان الله تعالی علیه خود را خادم آن بارگاه می دانسته و در منابع تاریخی به همین عنوان هم یاد شده است. چند سال قبل نسخه خطی برخی از تألیفات عالم بزرگوار مرحوم شیخ لطف الله (همان عزیزی که مسجد شیخ لطف الله اصفهان به نام اوست) به دستم افتاد که به خط خود ایشان بود و خود را به عنوان خادم الرضا معرفی کرده بود؛ چون ایشان قبل از آمدن به اصفهان در مشهد الرضا بوده است.

روشن است که تولیت آن آستان ملک پاسبان به همان معنی خدمتگزاری و خادمی آن بقعه مبارکه می باشد. از سده دهم تا زمان ما (با صرف نظر از زمان رضاخان و پسرش که وضع آن زمان باید جداگانه مورد بحث قرار گیرد) علما و دانشمندان و شخصیت های اجتماعی یکی پس از دیگری افتخار این خدمتگزاری و تولیت را داشته اند که آخرین آنها آیت الله طبسی رحمت الله علیه بود.

مرحوم حاج شیخ عزیز الله عطاردی که عمری درباره خراسان تحقیق و تتبع کرده بود، در خلال کتاب هفت جلدی خود درباره آستان قدس، ده ها نفر از متولیان آستان مقدس رضوی را یاد و معرفی کرده است. مناسب دیدم تعدادی از آنها که هریک منشأ خدماتی بوده اند را یادآوری کنم:

سده یازدهم

عالم فاضل عبدالوهاب بن محمد مؤمن؛ میر سیدعلی که به شهادت رسیده؛ میر کمال الدین استرآبادی؛ برادرش میر

ابوالقاسم استرآبادی؛ میرزا محمدابراهیم رضوی در سال ۱۱۰۰ متولی بوده؛ میرزا محسن که از میرداماد اجازه روایت (ظاهراً) داشته است؛ میرزا ابراهیم نواده میرزا بدیع که جدش در سده دهم متولی بوده است و او در سال ۱۰۷۱؛ میرزا ابوطالب در سال ۱۰۳۰ متولی بوده است؛ جد بزرگوار میر ابوالولی در اوایل سده یازدهم متولی بوده؛ عالم زاهد میرزا باقر فرزند میرزا محمدتقی متوفای ۱۰۷۳؛ عالم جلیل القدر محمدباقر که در زمان شاه عباس متولی بوده؛ محمد شفیع که از عالمان سده ۱۱ بوده است و میرزا محمدعلی فرزند میرزا محمدداود که در زمان شاه طهماسب متولی بوده است.

سده دوازدهم

میرزا محمدعلی مؤتمن در ۱۱۶۷ متولی بوده؛ میرزا ابوطالب که در ۱۱۸۷ متولی بوده؛ میرزا داود از شعرای عصر خود در ۱۱۱۴ متولی بوده؛ میرزا عبدالؤمن شهرستانی در ۱۱۱۰ متولی بوده؛ فرج الله فراهانی که از علمای مشهد و به عنوان خادم یاد شده است.

سده سیزدهم

میرزا موسی فراهانی برادر قائم مقام فراهانی متوفای ۱۲۶۲؛ میرزا عبدالباقی که در ۱۲۶۹ متولی بوده؛ حاج شیخ محمدرحیم بروجردی که در ۱۲۷۵ متولی بوده؛ حاج میرزا عبدالله خوئی که مردی عارف پیشه و متدین بوده و در ۱۲۶۴ شهید شده است؛ حاج میرزا علی اکبر شیرازی در سال ۱۲۷۹ متولی بوده و میرزا ابوالقاسم در سال ۱۲۸۹ متولی بوده است.

سده چهاردهم

میرزا مرتضی نائینی در سال ۱۳۲۹ به بعد متولی بوده؛ عالم فاضل ملقب به منصورالتولیه که چون زادگاهش هند بوده به سید هندی معروف شده بود؛ سید حسین عرب که در سال ۱۳۰۸ متولی بوده است.

یکی از علمای مشهد به نام محمد شریف به عنوان خادم معرفی شده (تاریخ آنکه در چه سده ای بوده معلوم نیست) و میرزا بدیع ۴ سال در سده دهم متولی بوده است. این حدود ۳۰ نفر که همه از علما و یا شخصیت های بزرگ



عصر خود بوده‌اند و نیز بقیه متولیان که نامشان برده نشد، همگی در طول این حدود ۴۰۰ سال با افتخار به آستان مقدس حضرت رضا (علیه‌السلام) خدمت کرده و هریک در ترتیب و تنظیم و توسعه، موجبات رفاه زائران حتماً سهمی داشته‌اند (رحمت‌الله علیهم اجمعین).

اما آیت‌الله طبسی با امکاناتی که در اختیارش قرار گرفت و نیز با تدبیر و توجه به نیازهای آینده در جهت توسعه و بهره‌برداری درست از موقوفات و نیز خدمت به زائران قدم‌هایی برداشت که متولیان پیش از ایشان این توفیقات را پیدا نکردند. به‌ویژه این بزرگوار عنایت خاصی به کارهای فرهنگی داشت و در این مسیر خدماتی به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و حضرت ثامن‌الحجج (علیه‌السلام) انجام داد که سابقه نداشت. مقصود بنده از نوشتن این مرقومه بیشتر بیان کارهای فرهنگی این دوران است که یکی از عوامل مهم انجام آن‌ها روحیه ولایتی و احساس مسئولیت ایشان در برابر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود.

برخی از خدمات فرهنگی

۱ در سال‌های آغازین تولیت، دو کنگره بسیار عظیم برای حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا و پدیر بزرگوارش حضرت موسی‌بن‌جعفر برپا و ده‌ها جلد کتاب در این باره تهیه و چاپ گردید.

۲ مدرسه میرزا جعفر و مدرسه خیرات‌خان مبدل به وضع جدید

و به‌عنوان دانشگاه رضوی در راه ترویج مکتب اهل بیت توفیقات فراوانی داشته و بحمدالله دارد.

۳ توسعه کتابخانه آستان قدس و شعبه‌های آن و تکمیل همه‌جانبه آن؛ در این مورد خاطره‌ای دارم که عرض می‌کنم: آیت‌الله طبسی همان‌طور که می‌دانید حق تولیت خود را که مبلغ کلانی بود دریافت نمی‌کرد و در راه خدماتی که پیش می‌آمد هزینه می‌شد. ریاست کتابخانه می‌گفت: آیت‌الله طبسی بخشی از حق تولیت را در اختیار کتابخانه قرار داده تا بتوانند برای حتی خرید نسخه‌های خطی از آن استفاده نمایند.

۴ در سال ۱۳۶۳ ایشان بنیاد پژوهش‌های اسلامی را پایه‌گذاری کرد که با جلب اساتید حوزه و دانشگاه در رشته‌های گوناگون آثار علمی خوبی را تولید و تاکنون حدود دوهزار جلد کتاب توسط این بنیاد منتشر شده است که برخی از این آثار که مستقیماً در راستای خدمت به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) است را یادآوری می‌نمایم:

■ تفسیر ابوالفتوح رازی در ۲۰ جلد که در سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹ به‌عنوان کتاب برگزیده پنجمین نمایشگاه قرآن و کتاب برگزیده همایش تجلیل از خادمان قرآن معرفی شد.

■ سفینه البحار محدث قمی در ۴ جلد که در سال ۱۳۷۶ به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد.

■ منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب، کتاب فقه مفصلی است از علامه حلی (ره) در ۱۵ جلد منتشر و به‌عنوان کتاب سال در ۱۳۷۲ برگزیده شد.

■ مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری در ۷ جلد. ■ المعجم فی فقه لغة القرآن که تاکنون حدود ۳۰ جلد از آن منتشر شده است. رهبر بزرگوار انقلاب هنگامی که این اثر بدیع را ملاحظه کردند، فرمودند: این اثر یک موسوعه و دائرةالمعارف قرآنی است. اسم معجم برای این کتاب کوچک است، این تنها کتاب لغت نیست بلکه در آن اقوال و آرا به تفصیل نقل و در پایان بحث‌های تحلیلی هم دارد؛ این کتاب بالارزش و مفیدی است که همانند آن را نداریم.

لازم می‌دانم عرض کنم در کتاب اخیر مرحوم آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی و در چند مورد دیگر که یاد شد برادر عزیزمان حجت‌الاسلام و المسلمین الهی خراسانی سهم وافری داشته‌اند؛ اما عامل اصلی را باید آیت‌الله واعظ طبسی رحمت‌الله علیه بدانیم.





گفت و گو با آیت الله اراکی
دبیر کل مجمع تقریب مذاهب

کمک های آستان قدس تسلای خاطر جنگ زدگان بود

کمک های آیت الله واعظ نقش بسزایی در بازسازی مناطق جنگ زده خوزستان داشت

«سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز»؛ اگرچه مصرعی کوتاه از یک شعر است، اما دنیایی از معنا را در خود جای داده و این تلنگر را به ذهن مخاطب می زند که تنها سوغات سفر کوتاه عمر نام نیک و خاطره ای شیرین است که یادآوری شان کام جان را شیرین می کند.

بنا بر گفته آشنا و غریبه، مرحوم آیت الله عباس واعظ طبسی تولید فقید آستان قدس رضوی از جمله مردان نکونامی است که دامنه نیک نامی اش از مبارزات انقلابی گرفته تا بازسازی های مناطق جنگ زده و تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی را دربرمی گیرد و قطعاً آنچه در این سال ها با پشتوانه آستان قدس انجام داده در کتاب تاریخ ثبت خواهد شد. از این رو و در مروری بر یکی از برگ های زرین کتاب زندگانی آن مرحوم با آیت الله محسن اراکی، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب به گفت و گو پرداخته ایم که به حضورتان تقدیم می شود:

مشهد از طریق دوستان داشتم، از همان روزهایی که انقلاب امام خمینی (ره) به اوج خود رسید و جریان ۱۵ خرداد و ماجراهای بعد از آن و جریانی که نهایتاً به پیروزی انقلاب انجامید، در تمامی این ادوار مرحوم آیت الله طبسی از یاران پرتلاش و بسیار زحمت کشیده و رنج دیده انقلاب محسوب می شد.

ایشان از کسانی بود که با مقاومت مقابل رژیم ستم شاهی و سخنرانی های تکان دهنده و بیدار کننده در مقاطع مختلف و افشای جنایات رژیم شاه از یک سو و حمایت از قیام امام راحل و

با توجه به مبارزات پر دامنه مرحوم آیت الله طبسی

با رژیم پهلوی، نقش آن مجاهد را در پیشبرد مسیر

انقلاب و بسیج مردم خصوصاً در مشهد مقدس و خراسان

چطور ارزیابی می کنید؟

آغاز آشنایی من با آن مرحوم و فعالیت ها و مبارزات انقلابی ایشان در سراسر کشور به ویژه در استان خراسان و مشهد مقدس به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی گردد. با توجه به حضور گهگاهی من در مشهد مقدس و ارتباطی که با خراسان و

آمنه مستقیم

خبرنگار

من شخصاً در
خوزستان نزدیک
به ۱۰ سال در دوران
جنگ و بعد از آن
امام جمعه دزفول
بودم و در جریان
مشکلات جنگی استان
به‌ویژه در دوران
بازسازی قرار داشتم.
نقش عظیم و مؤثر
مرحوم آیت‌الله واعظ
طبسی در بازسازی
بسیار ارزشمند شهر
هویره که از مهم‌ترین
دستاوردهای انقلاب
است را دیدم و لازم
است رسانه‌ها به این
دستاورد بپردازند و
توضیح دهند که چه
کار عظیمی در آن شهر
انجام شد

خدمات ارزنده‌ی استان با مدیریت مرحوم واعظ طبسی برخورداری می‌شدند، چنان‌که در شهر دزفول هم کمک‌ها و خدماتی را ارائه کرد که جای تقدیر دارد؛ اما برجسته‌ترین این خدمات مربوط به بازسازی هویره است که این پروژه باید هم مورد مطالعه قرار بگیرد و هم معلوم شود این دستاورد چه آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه‌ی خوزستان داشته است؛ چون آثار کاری که آن مرحوم انجام داد به شهر هویره محدود نمی‌شود و انعکاس آن همه‌ی استان خوزستان و همه‌ی کسانی که به شکلی رنج‌دیده‌ی جنگ بودند را متأثر کرد؛ به‌عبارت دیگر، اگرچه محدوده‌ی جغرافیایی این کمک شهر هویره بود، اما از نظر روان‌شناختی همه‌ی آسیب‌دیدگان جنگ را پشتیبانی کرد و از نظر روانی اثر بسیار مثبتی بر آن‌ها داشت.

مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در استفاده از ظرفیت عظیم فرهنگی استان قدس رضوی در راستای پیشبرد اهداف عالی نظام و انقلاب چه راهبرد و نگاهی داشت و این نگاه چه دستاوردهایی داشته است؟

در عرصه‌ی مدیریت فرهنگی یا به تعبیر دقیق‌تر فعال‌سازی خدمات فرهنگی استان قدس رضوی، آن مرحوم مدیریت بسیار اثرگذار و برجسته‌ای داشت که در چند بخش جلوه‌گر شد: نخست فعالیت‌های فرهنگی استان قدس در عرصه‌ی خدمات‌رسانی به زائران و مجاوران که می‌توان گفت در خدمت‌رسانی فرهنگی، انقلابی در این باره و دوره‌ی تولیت ایشان رخ داد، چه در پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و چه سخنرانی‌ها، انتشار نشریات و مجلات و ... که آمار تفصیلی آن در اختیار مسئولان استان است؛ به گونه‌ای که ما به‌عنوان ناظر بیرونی شاهد فعالیت ارزنده و اثرگذار در این عرصه بودیم. دیگر بُعد مهم فرهنگی مدیریت آن مرحوم، تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی بود که این‌پدیده فرهنگی نه فقط در

مردم علیه رژیم طاغوت از سوی دیگر و نیز تلاش برای واداشتن دیگران به‌ویژه چهره‌های برجسته‌ی دینی و توجیه و بسیج طبقات مختلف مردم برای حضور در عرصه‌های انقلابی، نقش بسیار برجسته و پراثر ایفا کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با توجه به اعتماد امام خمینی (ره)، تولیت استان قدس رضوی بر عهده‌ی ایشان گذاشته شد که مسئولیت خاصی بود و خوشبختانه آن مرحوم از عهده‌ی آن به‌خوبی برآمد، به‌ویژه در مشکلاتی که بقایای سوءمدیریت‌های دوره‌ی پهلوی بود؛ چراکه این استان در زمان شاه ابزاری برای تحکیم رژیم و بهره‌برداری‌های نامشروع عوامل رژیم از عواید و امکانات آن شده بود و برهم‌ریختگی‌ها، بی‌برنامگی‌ها و بی‌نظمی‌ها و سوءاستفاده‌هایی که در دوره‌ی طاغوت از این استان می‌شد، نیاز به مدیری نیرومند و قوی داشت که علاوه بر اصلاح آن ویرانه‌ها، این مجموعه را به نهادی سازمان‌یافته، شفاف و نیرومند تبدیل کند که خوشبختانه این کار بزرگ به‌وسیله‌ی مرحوم واعظ طبسی انجام شد و استان قدس توانست به‌عنوان یکی از مراکز مهم خدمت‌گزاری به دین و مردم فعال شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در مواضع حساس و پرخطر همچون دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی، این روحیه انقلابی و مبارزه‌جویی در مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی چگونه تجلی یافت و چه نمودهای عینی‌ای داشت؟

من شخصاً در خوزستان نزدیک به ۱۰ سال در دوران جنگ و بعد از آن امام‌جمعه دزفول بودم و در جریان مشکلات جنگی استان به‌ویژه در دوران بازسازی قرار داشتم. نقش عظیم و مؤثر مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی در بازسازی بسیار ارزشمند شهر هویره که از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب است را دیدم و لازم است رسانه‌ها به این دستاورد بپردازند و توضیح دهند که چه کار عظیمی در آن شهر انجام شد و چگونه با بهترین شیوه بازسازی و نهادهای فرهنگی، مساجد، مدارس، خانه‌های مردم احیا شد.

مدیریت و حمایت‌های تولیت استان قدس رضوی در بازسازی خرابی‌های جنگ در چه بخش‌هایی بود و چگونه اعمال می‌شد؟

اینجا باید به سه نکته اشاره شود: نخست اعمال مدیریت بر پاسخ‌گویی به انتظار زائران و مجاوران از استان در مشهد و خراسان؛ چراکه مدیریت درونی این سازمان عظیم و بسیار گسترده محدود به مشهد مقدس و حتی خراسان نیست و بسیاری از متعلقات این استان در دیگر استان‌ها و شهرها قرار دارد. دوم اینکه این مدیریت در حدی از توفیق باشد که انتظارات زائران و مجاوران و نیاز استان را پاسخ دهد؛ و سوم آنکه مدیریت بتواند امکانات استان را تا جایی پیش ببرد که در بازسازی‌های بعد از جنگ نقش پررنگی داشته باشد و شهری مانند هویره را احیا کند. البته خدمات ایشان به بازسازی‌های بعد از جنگ به هویره منحصر نمی‌شد و دیگر شهرها نیز از



وفاق ملی عجیبی بوده ایم. اینکه از ابتدای انقلاب تا امروز شاهد هیچ تنش‌ای میان مذاهب نبوده ایم و رؤسا و اقشار پیرو مذاهب را دیده ایم که چگونه با یکدیگر همیاری و همدلی داشته اند، آن هم نه فقط در خراسان مرکزی بلکه در جنوب استان، سیستان و بلوچستان، کرمان، بم و هرمزگان هم که به نوعی شعاع فعالیت ایشان، آن‌ها را نیز در برمی گرفت. مرحوم واعظ طبسی نقشی مؤثری در پشتیبانی تقرب و ایجاد روحیه وحدت و الفت بین مذاهب داشت و می توان و باید آن مرحوم را چهره تقریبی اثرگذار معرفی و از این همه تلاش آن مرحوم در عرصه های مختلف خدمت به اسلام، انقلاب و مردم قدر دانی کنیم.

خاطره ای از مرحوم آیت الله واعظ طبسی که همیشه در ذهنتان باقی است...

در دوران جنگ که من امام جمعه دزفول بودم، این شهر آسیب دیده بود و هر دم مردم آن شهر با اصابت موشک و بمباران هوایی مورد هدف قرار می گرفت. ما سه نوع آسیب را هر لحظه در سطح شهر متحمل می شدیم: نخست شهدایی که هر چند روز یک بار خبر شهدا تشنان را می شنیدیم؛ چرا که دزفول از جمله شهرهایی است که بیشترین تعداد شهید، جانباز، آزاده و ایثارگر را تقدیم انقلاب کرده است و از جمله شهرهای نیروخیز و متکی بر بسیج مردم برای جبهه ها بود و این فشار روانی بسیاری بر ما وارد می کرد. از کسانی که دم به دم ما را مورد تفقد و دلجویی قرار می داد، مرحوم آیت الله واعظ طبسی بود، چنان که به یاد دارم ایشان دو، سه مرتبه ما و برخی مردم آسیب دیده و جنگ زده را به مشهد مقدس دعوت کرد و با پذیرایی سبب تسکین خانواده ها می شد و این کمک معنوی افزون بر حمایت های مادی بسیار اثرگذار بود و دلسوزی، در صحنه بودن و هوش و ذکاوت آن مرحوم در درک آسیب پذیری و صبر حاضران و نیازشان به دلجویی، دلداری و تقویت روحیه و رسیدگی در خط مقدم را نشان می داد. در حالی که بسیاری از افراد در همان دوران از چنین مسئله ای غافل بودند اما مرحوم واعظ طبسی توجهی خاص به این نکته داشت و در تسکین آلام آسیب دیدگان نقش بسیار مهمی ایفا کرد؛ ان شاء الله خدا بر درجاتشان بیفزاید.

داخل کشور بلکه در خارج از کشور هم اثرات بسیار داشته و نیروهایی تربیت یافته این دانشگاه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی اند و دانشجویان در حال تحصیل و فارغ التحصیلان آن از دستاوردهای عظیم فرهنگی دوران تولیت مرحوم واعظ طبسی است.

سومین کار برجسته در مدیریت فرهنگی مرحوم آیت الله طبسی، تأسیس مرکز پژوهش های آستان قدس رضوی بود. من از همان اوایل تأسیس با این مرکز آشنا بودم و می دانم این پژوهشگاه نقش برجسته ای در نشر معارف دین و اهل بیت علیهم السلام در عرصه های تدوین، پژوهش، نشر و برگزاری نشست های علمی، فرهنگی و تحقیقی که من نیز در برخی آن ها مشارکت داشتم و شاهد سودمندی و اثرگذاری شان بودم، است. برای آن مرحوم علو درجات مسئلت داریم و برای خلف ایشان آیت الله رئیسی آرزوی توفیق می کنیم و امید است بر گام های بزرگی که مرحوم طبسی برداشت، بیفزاید.

مرحوم آیت الله واعظ طبسی از نظر نگاه به تقریب مذاهب و استفاده از ظرفیت آستان قدس رضوی برای این مهم چه خدماتی داشت و اقدامات ایشان چه دستاوردهای تقریبی برای نظام و جهان اسلام داشته است؟

مرحوم واعظ طبسی از چهره های تقریب برجسته به شمار می رود، چه در دوره واعظ زاده که دبیر کل نخست مجمع تقریب مذاهب اسلامی بود، چه در دوران آیت الله تسخیر و چه در چهارساله اخیر و تصدی من، ایشان حامی نیرومند و استوار در مسئله تقریب بود و ما را در بسیاری از برنامه ها همچون پذیرش مهمان های تقریب در کمک به برخی برنامه ها و پشتیبانی معنوی از فعالیت های تقریبی یاری می کرد و از چهره های برجسته تقریب به شمار می رفت.

حتی در اوایل انقلاب و قبل از تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب، ایشان در راستای تقریب و در استان خراسان گام های بلندی برداشت، به ویژه آنکه استان خراسان محل زندگی اقوام و طوایف گوناگون از نظر نژادی و مذهبی است؛ اما به لطف خدا و با مدیریت خوب و زحمات دیگران، در استان خراسان شاهد

بعد مهم فرهنگی مدیریت آن مرحوم، تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی بود که این پدیده فرهنگی نه فقط در داخل کشور بلکه در خارج از کشور هم اثرات بسیار داشته و نیروهایی تربیت یافته این دانشگاه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی اند و دانشجویان در حال تحصیل و فارغ التحصیلان آن از دستاوردهای عظیم فرهنگی دوران تولیت مرحوم واعظ طبسی است

پیامی که امام به آیت الله واعظ طبسی در برابر مخالفین دادند

حجت الاسلام علی یونسی: در رقابت های سیاسی اگر نگاه کنیم، در آن زمان یک جریان موسوم به خط امام بودند و یک جریان ملقب به گروه راست بودند؛ و در رقابت های سیاسی گاهی اخلاق و حدود رعایت نمی شد، ولی امام بدون تأسی از جریان ها، رابطشان را با تمام گروه های سیاسی حفظ می کردند و اگر چنانچه مثلاً آقای یزدی رای نمی آورد بلافاصله امام سمتی را در شورای نگهبان به ایشان می داد؛ و یا آن زمان انتقادهای تند در مورد آقای واعظ طبسی مطرح بود که می گفتند ایشان در خط امام نیستند، امام به ایشان پیام داد که شما جزو روحانیونی هستید که در خط ناب اسلام محمدی و ضد استکبار هستید.

خاطرات



گفت و گو با

آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی

مسلم بر عقیده و اهل تهذیب نفس

ساحل عباسی

خبرنگار

آیت الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد، ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه و اصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی، پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی - صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت - آیت الله خوئی و آیت الله حکیم در نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی از حوزویانی است که به آیت الله واعظ طبسی ارادت خاصی دارد و در کنار ایشان و آیت الله هاشمی رفسنجانی روزگار انقلاب را از نزدیک شاهد بوده است. قدس در گفت و گویش رو از دیدگاه آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی به بررسی زندگی سراسر برکت آیت الله واعظ طبسی (ره) پرداخته است.

آیت الله واعظ طبسی از آغازین روزهای نهضت انقلابی در حالی که طلبه ای جوان بود یا در مسیری گذاشت که امام خمینی رهبر آن بود. به عنوان اولین سؤال لطفاً آنچه از زندگی فردی و اجتماعی - سیاسی آیت الله واعظ طبسی می دانید، بفرمایید؟

مرحوم آیت الله واعظ طبسی از شخصیت های بارز، انقلابی و آرمان گرایی بود که در خانواده ای روحانی و متدین دیده به جهان گشود. زندگی در خانواده ای متدین از پدری که از بزرگترین واعظان و مبلغان اسلامی زمان خود بود و مادر پرهیزکاری که اسوه تقوی بود از او انسانی ساخت که از جمله متقیان زمان خود شد. علاقه او به دین و علوم اسلامی که از خانواده مذهبی به ایشان رسیده بود منجر به ادامه تحصیل در حوزه علمیه شد. آیت الله واعظ طبسی در آن دوره از محضر اساتید و علمای بزرگی چون حاج آقا مدرس یزدی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و مراجع عالی قدری چون آیت الله میلانی کسب فیض کرد. آیت الله واعظ طبسی از ابتدای نهضت امام خمینی (ره) در حرکت پرشور انقلاب قرار گرفت و با الهام گرفتن از الگوهای مبارزاتی صدرزیم های طاغوتی چون شهید سید مجتبی نواب صفوی به ظرفیت انقلابی خود آگاه شد؛ بنابراین در کنار سایر بزرگان در استان خراسان مشغول فعالیت های ضد طاغوتی شد. مهم ترین وجه شخصیتی آیت الله طبسی که بسیار ستودنی است شجاعت بی مثال ایشان در دوران خفقان و بگیروبیندهای دوران ستم شاهی است. از زمانی که امام خمینی (ره) دستگیر و سپس به ترکیه، نجف و نوفل لوشاتو تبعید شدند تا زمان بازگشت پیر جماران به ایران، آیت الله طبسی در زمره مبارزانی قرار داشت که تا پای جان از آرمان های انقلابی حضرت امام در نبود ایشان در کشور پاسداری کرد. در تمام این دوران مرحوم





است که تنها متقیان واقعی قادر به انجام آن هستند. انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و امام خمینی (ره) با سوابقی که از ایشان سراغ داشتند آیت الله واعظ طبسی را به عنوان تولیت آستان قدس تعیین کردند. تولیت آستان قدس رضوی با امکانات و موقوفات متعدد و گسترده ای که از قرن ها پیش در دست آستان قدس رضوی است مدیریت مهمی است که امام نمی توانست آن را به هر کسی محول کند، مگر در ایمان و ثبات قدم وی شکی نمی داشت. خوشبختانه تسلط بر عقیده و انقلابی ماندن از جمله دلایلی بود که آیت الله واعظ را تا پایان عمر شریف خود بر حراست دقیق از اموال و ارزش های معنوی حاکم بر آستان قدس رضوی واداشت. آیت الله واعظ طبسی منشأ خدمات فراوانی در مشهد مقدس به خصوص در آستان قدس بودند، به نحوی که با زائران امام رضا (علیه السلام) با رأفت برخورد کرده و آن ها را صاحب حق می دانستند؛ چراکه جایگاه میهمان امام رضا (علیه السلام) برای ایشان بالاترین جایگاه ها محسوب می شد. با آنکه در اواخر عمر شریف خود ضعف جسمانی طاقت را از ایشان گرفته بود، اما هرگز در برابر خدمتگزاری به مردم بی قراری نمی کردند و با صبر و متانت خاص خود انجام وظیفه می کردند. از نظر بنده ایشان بسیار با صداقت در آستان قدس خدمت کردند و با توجه به اینکه یک روحانی و فقیه عالی قدری بودند، نشان دادند که یک روحانی می تواند با امانت داری و فداکاری و استفاده از دانش روز، مدیریتی درخور توجه و تحسین داشته باشد. اینکه در ابتدای جمله عرض کردم که ایشان بسیار به اعتقاد خود مسلط بودند به این جهت است که درآمد تولیت ایشان رقم بسیار بالایی است، به نحوی که اگر آیت الله واعظ آن را برداشت می کردند در حال حاضر جزو یکی از ثروتمندترین مردم ایران بودند. بی شک اعتقاد به فانی بودن دنیا و بی توجهی به ثروت اندوزی از جمله مسائلی است که نشان می دهد ایشان دارای ثبات عقیده ای بودند که مثال زدنی است. اعتقاد داشتن به انقلاب و آرمان های امام و ایمان به راهی که از دهه های پیش در آن پای گذاشت، از آیت الله واعظ مردی به مردم ایران و شیعیان جهان معرفی کرد که یک مؤمن به تمام معنا به راه و اعتقاد و ایمان خود بود.

یعنی ساده زیستی زندگی ایشان را ناشی از همان

راسخ ماندن در اعتقادات انقلابی و ایمانی ایشان

می دانید؟ آیا از نزدیک از محل زندگی شان دیدن کرده اید؟

بله. روزی توفیق داشتم منزل ایشان میهمان باشم. یک خانه ۷۰-۸۰ متری که بیش از ۴۰ سال پیش خریداری کرده بود، منزلی بود که چنین مرد بزرگی در آن زندگی می کرد. به نظر من تمامی صفات ویژه و منحصر به فردی که مردم و مسئولین از ایشان توصیف می کنند تنها به یک عامل بستگی دارد و آن حفظ شرایط و زندگی طلبگی بعد از رسیدن به مقام و مسئولیت بود. انسان انقلابی که پیش از انقلاب به سادگی زندگی می کرد، بعد از انقلاب عهده دار یکی از مسئولیت های سنگین مذهبی و اعتقادی و مدیریتی یک مجموعه بزرگ شد. بی شک اگر ایشان همان رفتار طلبگی را بعد از به تولیت رسیدن نمی داشت، اینک نمی توانست به چنین جایگاه رفیعی برسد. امروز مردم و مسئولین به نیکی از وی یاد می کنند؛ چراکه ساده زیست و با آنکه عالمی برجسته بود، در عین حال همان زندگی طلبگی خود را حفظ کرد. بی تردید حفظ زندگی طلبگی

طبسی از جمله سردمداران نهضت امام در مشهد مقدس بودند که با سخت کوشی و جدیت مراحل مبارزاتی خود را علیه رژیم پهلوی برنامه ریزی و عملیاتی می کردند. هرچند ساواک بارها به آیت الله واعظ اعتراض می کرد و حتی ایشان را ممنوع المنبر کرده بود، اما هیچ یک از تهدیدات انجام شده موجب رعب و وحشت ایشان نشد و آیت الله طبسی پرشورتر از سابق به مبارزات انقلابی خود ادامه می داد.

زندانی شدن آیت الله واعظ طبسی و اعلام مواضع ضد غربی و پهلوی اش موجب وحشت دربار از این روحانی تازه نفس و جوان انقلابی شده بود، اما این وحشت هیچ گاه به ایشان سرایت نکرد و هرگز به خاطر از دست دادن جانش لحظه ای سکوت در برابر طاغوت را بر خود روا نداشت. آشنایی آیت الله واعظ طبسی با امام خمینی (ره) و الهام گرفتن از روحیات معنوی و ضد طاغوتی ستودنی ایشان مسیر مشخصی را برای مبارزات انقلابی پیش روی او گشود. قرار گرفتن در این مسیر ثمراتی داشت که از آن جمله می توان به ارتباط با دو مجاهد انقلابی چون آیت الله خامنه ای و شهید هاشمی نژاد اشاره کرد.

آرزیایی شما از مدیریت هماهنگ سه تن از

تأثیرگذارترین افراد در پیروزی انقلاب اسلامی در

مشهد مقدس که آیت الله واعظ یکی از آن بزرگواران است،

چیست؟

مرحوم آیت الله طبسی در کنار آیت الله خامنه ای و شهید هاشمی نژاد ارکان نفوذناپذیر و سد محکمی در برابر عوامل طاغوت در استان خراسان به وجود آوردند. مقام معظم رهبری، مرحوم طبسی و مرحوم شهید هاشمی نژاد از جمله سردمداران نهضت انقلابی در مشهد و استان خراسان بودند که نقش ویژه ای در به سرانجام رساندن پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند. بی شک از مهم ترین ویژگی های این گروه انقلابی مدیریت متناسب با شرایط زمان و الگوگیری و فرمان پذیری از سوی امام خمینی (ره) بود. مدیریت این سه بزرگوار در مشهد مقدس به قدری دقیق و با برنامه بود که مردم خراسان هم صدا و یک نوا در کنار هم دوشادوش در برابر ساواک و همه عوامل مخوف رژیم طاغوت در این استان ایستادگی کردند. هماهنگی تظاهرات بزرگ در مشهد و سراسر استان خراسان از جمله مهم ترین ویژگی این گروه بود که توانست مردم را در کنار هم علیه خاندان پهلوی بسیج کند. بی شک آیت الله واعظ طبسی در کنار شخصیت های ماندگار و تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی توانست تحول بزرگ و بنیادی را در به پیروزی رساندن اعتراضات مردمی و تشکیل جمهوری اسلامی ایجاد کند. سخنرانی های آتشین آیت الله واعظ طبسی در مشهد و رهبری مردم در این شهر مقدس ویژگی غیرقابل انکاری است که همچنان در یاد مردان و زنانی که از آن دوران خاطره ای دارند به یادگار مانده است.

ویژگی بارز آیت الله واعظ طبسی که ایشان را از

سایر مسئولین متفاوت کرده بود، چیست؟

از جمله ویژگی های آیت الله طبسی که نقش مهمی در حفظ و تداوم سایر ویژگی های شخصیتی بالارزش ایشان داشت، می توان به تسلط بر عقیده و اعتقاد ایشان اشاره کرد. همه می دانیم باقی ماندن بر یک عقیده درست و عدم خروج از آن کار بسیار سختی

آیت الله واعظ طبسی در کنار شخصیت های ماندگار و تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی توانست تحول بزرگ و بنیادی را در به پیروزی رساندن اعتراضات مردمی و تشکیل جمهوری اسلامی ایجاد کند. سخنرانی های آتشین آیت الله واعظ طبسی در مشهد و رهبری مردم در این شهر مقدس ویژگی غیرقابل انکاری است که همچنان در یاد مردان و زنانی که از آن دوران خاطره ای دارند به یادگار مانده است.

خاطرات



ایجاد اولین گروه امداد برای زلزله‌زدگان طبس

۲۵ شهریور ۱۳۵۷ در جنوب خراسان به مرکزیت طبس زمین‌لرزه‌ای به شدت ۷/۷ در مقیاس ریشتر روی داد که تلفات تقریبی آن را ۲۵ هزار تن گزارش کردند. پس از وقوع این زلزله خانمان‌سوز، آیت‌الله واعظ طبسی به همراه شهید هاشمی‌نژاد و آیت‌الله خامنه‌ای با عزیمت به طبس، اولین گروه امداد را تحت نام «امام خمینی» به وجود آوردند و به کمک مصدومین و خسارت دیدگان این حادثه شتافتند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۵ مهر ۱۳۸۸
(مبارزی از سال‌های چهل، شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد)

دلیل ارادت امام به آیت‌الله واعظ طبسی

در دیداری که آیت‌الله واعظ طبسی با امام خمینی (ره) داشت، معمار کبیر انقلاب در مورد ایشان فرمودند: «من به شما از دو حیث ارادت دارم، به خاطر خودتان و به خاطر مرحوم والدتان. چه بسیار افرادی غیرمسلمان بودند که تحت تأثیر منطق و کلام مؤثر و پرجاذبه او به اسلام مشرف شدند؛ و در کشور‌های عربی موقعیت ویژه‌ای داشت.»

منبع: خبرگزاری فارس، ۱۵ اسفند ۱۳۹۴
(دلیل ارادت امام خمینی (ره) به آیت‌الله واعظ طبسی)

بعد از رسیدن به جایگاه شغلی و مالی بسیار حائز اهمیت است و بسیار ارزشمند است، چون هرکسی توانایی ایستادگی در برابر وسوسه‌های مالی را ندارد.

جایگاه علمی و حوزوی آیت‌الله واعظ طبسی از نظر حضرت‌عالی در چه مرتبه‌ای قرار داشت؟

آیت‌الله واعظ طبسی از عالمان برجسته و اساتید بزرگی در مشهد مقدس بودند که بی‌هیچ شائبه‌ای می‌توان گفت در پرورش اساتید به نام حوزوی نقش برجسته‌ای ایفا کردند. مطالعه منظم و عمل به تعالیم اسلامی از جمله ویژگی‌های یک حوزوی است که با توجه به آن می‌تواند به مدارج علمی بالای حوزوی دست بیابد. آیت‌الله واعظ از جمله روحانیونی بود که توانسته بود محضر علمای بزرگ و گران‌قدر تشیع را درک کند. این مسئله در تهذیب نفس و در ساختار و بنیة قوی علمی ایشان بسیار حائز اهمیت و مشهود بود. ایشان درس سطوح را که علما به آن واقف هستند، خوانده بود و به علوم دینی تسلط داشت، درحالی‌که با مسائل روز سیاسی هم به‌خوبی آشنا بود و تحلیل‌های جامعی ارائه می‌داد. به نظرم می‌آید که فروتنی و تواضع ایشان الگوی خوبی برای سایر روحانیون باشد؛ چراکه روحانیون جوان می‌توانند با الگوگیری از چنین شخصیت‌های برجسته‌ای به این مهم برسند که با تواضع، احترام گذاشتن به مردم و خدمتگزاری در کنار سادگی و مطالعه و به‌روز بودن، می‌توان هم خداوند متعال را راضی نمود و هم با خدمتگزاری به مردم بخش دنیوی زندگی را به‌خوبی انجام داد. تهذیب نفس آیت‌الله واعظ نشان از ایمان بالای ایشان بود، به‌نحوی که آیت‌الله واعظ به‌خوبی نشان داد جایگاه تمام آنچه از دین فراگرفته را به‌خوبی و روشنی در زندگی فردی و اجتماعی خود و دیگران به منصه ظهور رسانده است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با آیت‌الله واعظ طبسی پیش از انقلاب و بعد از آن به‌عنوان دوستان و

همراهان و هم‌زمان انقلابی ارتباط مطلوبی داشتند. لطفاً در این باره توضیح دهید که ماندگاری این ارتباط ناشی از چه عواملی بود؟

وحدت نظری که بین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله واعظ طبسی بود این دو را همیشه در کنار هم نگه داشته بود. علاقه وافر این دو عزیز به یکدیگر قبل و بعد از انقلاب کاملاً مشهود بود. وحدت عقیده در به‌پیروزی رساندن انقلاب اسلامی و حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی اعم از حضور در راهپیمایی‌ها و پخش و رساندن اعلامیه‌های امام خمینی (ره) به دست مردم از مسائلی بود که وحدت نظر و رویه این دو بزرگوار را نسبت به هم نشان می‌داد. بی‌شک هدف مهم و مشترک آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله واعظ طبسی تشکیل حکومت اسلامی، تداوم آن توأم با عزت بود. چنانچه قبل از فوت آیت‌الله طبسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تعدادی از همراهان با همراهی حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی به زیارت امام رضا (علیه‌السلام) و دیدار ایشان در مشهد مقدس رفتند و در بازگشت میهمان آیت‌الله نورمفیدی بودند که فردای آن روز با بازگشتن به تهران متأسفانه خبر فوت آیت‌الله واعظ طبسی، آیت‌الله هاشمی و تمامی کسانی که ایشان را به‌درستی می‌شناختند داغدار کرد.

آیت‌الله واعظ طبسی در کنار مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی فلسفی در حرم مطهر رضوی

عکس نورپرد



[illegible][illegible][illegible]

● در سال اول دبیرستان بود که احساس کردم علاقه مفروضی به دفتر گرفتن علوم اسلامی و استفاده از محیط مدرسه علمی دارم

● تا سال ۴۱ مرتباً شبیه زندان و شبیه تبعید بودم اما پس از آن سال، در مشهد دستگیر و پس از چند روز بازداشتی در تهران منتقل شدم

[illegible]

در مقابلت اسرار داشتند، بیگار
شکارها در این اقلات داشتند از سواد
یاد می کرد که با مارا و روضا
مسلطه با تابستان بود و بنده بدست
ایشان می بردند. از شهرها مثل باران
از اقلات آمد و بدین نوع حسد می
گرفتیم و بنده بیچاره اقلات می
کردند همین سینه بود، دلف و کوهان
درس بود و جدول گفتار اندی می نوشتند
و ایشان در موزیاتی که شروع می نوشتند
می نمود ما و علاقه به همان رفته می
کرد کلی از گفتار که به دست می کرد
و اینها را می نوشتند و از بعضی
و بعضی از بزرگ است و بعضی از بزرگ
میلی را به ما معرفی می کرد ما بیشتر
و اینست که درس خواندن مشتاق می شد.

من: کلا طعمی بزرگ است اسم در فواجل
طعمی‌شان در مشکلاتی از قبیل مشکلات
ملکی روی آورده باشند از فواجل یاد
چنین مشکلاتی روی آورده‌اند
ج: عرض می‌شود که بنده هم کشاورز
و نه در کار کارگر (کارگر آغاجی)
پسوم سیرامه داده بود که می‌خواست
برای طعمی علم از طعمی به دستبرد دست
کند و پسترو او (پسترو چمن) پس از این
ساختند می‌کند اما طعمی به اصرار دیگر
رضای بنده را جلب کرده و طعمی در نزد
می‌کند.

همانطور که عرض کردم پیشنهاد اینکه
مجموعه جدید ما در کارهای املاک و کشاورزی
مقتضای این است که املاک برای ما به ارث
گذاشت و من در این خصوص این را فرودستم
که حدوداً به ۳۰ هزار تومان رسید و
پسندیدم هم کثرت می‌کردم تا بتوانم امورات
فردی را بگذرانم. البته مقدم این است
تکلیف بوده بود و بایستی ایشان را هم اداره
می‌کردم. من در این پیشنهاد کلی این سرمایه
را دست دادم.

[illegible]

والی پاک با تمام می‌رود و گاهی هم
تحت فشارات می‌ماند و با این همه تسلیم
نمی‌گردد. بلکه سبیل را در غلظت این استند
نهاد کرده و بعد از آن ما محروم از
سایه‌ی (مصرف به این معنی) آب
می‌شیم چون شاهد آب دانه‌ی آب
آب دانه‌ی که آب اول را می‌بیند
آب دانه‌ی دوم می‌باشد و در این
وضع و در این آب دانه‌ی دوم
مستطقی از موقع حاشیه‌ی ملائمه‌ی
سبیل و سبیل و قشای پا اول و
مستطقی و قشای و قشای پا اول و
از آن معلوم را بنده از محض آب
پاوری استفاده کردم. این استند که
برخیزد می‌گردد که آب را بیشتر
می‌توانیم پس و پیش و کشش و کشش
در سطح سبیل از آب استند که
بنده استفاده می‌نماید و در سبیل
در آب و در سبیل خود آب دانه
در آب و در سبیل خود آب دانه
در آب و در سبیل خود آب دانه
در آب و در سبیل خود آب دانه

آشنایی با زندگی
شخصیت‌های اسلامی معاصر

[illegible][illegible]

استوار است. این مأمور
اعلامی ثابت خواهد کرد
آفت ناشی از آن. پس به
مردم توصیه کرد تنس حفظ
جوهری خود را بر اثر نوبت
های دشمن هوشیار و بیدار
باشند و هر جا رفتاری مشکوک
از شخصی دیدند با دقت زیر
نظر بگیرند و با هم
و کمکها و مراکز اطلاعاتی
اطلاع دهند. به شعبات
وجه تکلیف را رانند



حجة الاسلام
واعظ طبسی
تولیت آستان قدس رضوی

از ایشان تمام تر باستان
افا هم بست. این جودها
به افلاک آسمانی اندوخته
خشد. امام بدون کت و هفت
قدما را حلقه خواست
کرد. ضد افلاک مصالح خود
گمان می کند می تواند با
این گونه زورخواه کنترل حکومت
را در دست بگیرد. اما
کور خوانده است. با
شهادت این عزیزان فصل
نارای در افلاک عاقلانه
ند. من بعنوان حکیمی

[illegible]

۳۰ سال ۴۱ سال از رهبر اسلام به تصویرهای خالص دولتی که در علم نهاده شده است و آیه تفسیر ولی بعد که فرمودم امام پس من سخنانی را در حدیث معتبر و چند روز به نشانی در تهران انتقال

حجة الاسلام خامنه‌ای
شهید هاشمی نژاد
و بنده
جمعی بودیم که در
حقیقت «یک فرد»
را تشکیل می‌دادیم

[illegible]

اما میرزا، علی بنده و بیع قورمضان
تقریباً از سال ۱۳۲۵ قمری در انزلی
و از آنجا به جانب القز خیلستان در مسیر
نقره رود تاختند و شیب ماشی را هم در
هم برد. با ماریان در آن زمان هم آشنا بودم
و خیلی وقت می‌آمدند. چویدانکه علی در
انزلی بود، افتخار علی را می‌گفت. چویدانکه
میرزا، هم (حاج میرزا احمد کفائی) در
انزلی بود.

نیست که گروهک
* طلی راه یمن
مشهد بیعت مجدد

* آت آله خره
 كشتن و رفتن نا
 را تبحر نموی
 و ن اساسی گوش فـ
 د ، دقایق زیادی مـ
 بد تا شعار دیناها خانـ
 آسمان ، آسمان
 تریبون قرار گرفت
 اب به خیل عظیم جمـ
 ن گفت :
 فاجعه عظمی نجات
 ندگان عزیز فداکارانـ
 امام مراد دلداده باسلام
 ضد را که در يك نوشته
 هیاه زشت دلها را به

گفت‌وگو با استاندار خراسان رضوی:

شهادت می‌دهم دل‌سوز مردم بود

آیت‌الله واعظ طبسی خود را محدود به چهار رواق نکرد

علیرضا رشیدیان استاندار خراسان رضوی در دولت یازدهم است؛ وی پیش از این مسئول نظارت و بازرسی حوزه، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و همچنین مدیرکل اطلاعات استان خراسان بود. گفت‌وگو با استاندار خراسان رضوی پس از حادثه پلاسکو در پایتخت انجام شد؛ او پس از اظهارنظر درباره این حادثه به پرسش‌های ویژه‌نامه قدس در قبال مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی پاسخ داد. آنچه می‌خوانید گفت‌وگو با استاندار خراسان رضوی است.

آقای رشیدیان در اولین سالگرد ارتحال آیت‌الله

واعظ طبسی قرار داریم. چه زمانی با آیت‌الله واعظ

آشنا شدید؟ آیا خاطره‌ای از اولین دیدار خود با ایشان

دارید؟

جا دارد مجدداً خدمت مقام معظم رهبری درگذشت آیت‌الله واعظ را تسلیت عرض کنم و از خداوند بخواهم عمر طولانی به این بزرگمرد انقلاب اسلامی بدهد. در یک سال اخیر ایشان (مقام معظم رهبری) دو بار قدیمی خود را از دست دادند، دو یاری که به نظر من در جامعه به آن دو بار دیرین جفاهایی شد. در فضای خراسان مطالب مختلفی پیرامون حضرت آیت‌الله طبسی گفته می‌شد و در مورد آقای هاشمی همین گونه بود. من به خیلی از دوستان عرض کردم که صحبت‌های آقای هاشمی و پیام مقام معظم رهبری برای مردم مکمل و درس بود. مکمل بود از این بابت که آقا در صحبت و پیامشان خیلی زیبا و ظریف اشاره‌ای داشتند به تفاوت آرا و اجتهادشان و درعین حال به دوستی دیرینه و استفاده از هوش سرشار مرحوم هاشمی هم پرداخته بودند، نکاتی که شاید آقا کمتر در مورد کسی با این فصاحت اشاره کرده باشند.

به نظر بنده حضرت آیت‌الله طبسی از سلاله بهشتی و هاشمی بود، از کسانی بود که به‌عنوان استوانه انقلاب شناخته می‌شد. من جایی در یکی از سخنرانی‌ها گفتم: وقتی به خراسان آمدم یکی از اولین کارهایی که کردم این بود که کل پرونده‌های آیت‌الله طبسی را خواندم. آن‌طور که به یاد دارم ۴ یا ۵ جلد پرونده داشتند، پرونده‌هایی که در زمان شاه برای ایشان تشکیل داده بودند (پرونده‌های ساواک)؛ پرونده‌های ایشان سند افتخاری برای





ما در دانشگاه تهران استادی داشتیم، استاد تاریخ سیاسی ایران بود. این آقا موقعی که تاریخ می گفت وقتی به رضاخان می رسید از وی خیلی تعریف می کرد، از مرحوم مدرس هم تعریف می کرد. به یاد دارم یک وقت جلوی استاد را گرفتیم و خطاب به او گفتیم: تکلیف ما را مشخص کن تو طرفدار مدرس هستی یا رضاخان؟ گفت: من طرفدار قدرت هستم. می گفت وقتی که رضاخان با آن قلدری آمد از او خوشم آمد، همچنین از مدرس هم خوشم می آمد. گفتیم چطور؟ پاسخ داد: وقتی این آدم با این قلدری در مجلس می آمد و چیزی طلب می کرد، مدرس جلوی او می ایستاد و رضاخان به عنوان آدم وحشی و قلدری در مجلس یقه مدرس را می گیرد، به مدرس می گوید سید از جان من چه می خواهی؟ می گوید می خواهم که تو نباشی. از این رو استاد ما می گفت: این شجاعت مدرس برای من بی نظیر است. به اعتقاد بنده، شجاعتی که امثال آیت الله طوسی در زمان مبارزه داشتند مثل شجاعت مرحوم مدرس مثال زدنی و باعث افتخار است.

ولین دیدار شما با آیت الله واعظ چه سالی بود؟



به صورت رسمی سال ۷۴ بود. این را هم بگویم که آیت الله واعظ طوسی برای بنده تداعی کننده شهید بهشتی بود. در زمانی که شهید بهشتی رئیس شورای عالی قضایی بودند با آقای علی ربیعی قرار گذاشتیم ساعت ۸ صبح برسیم خدمت شهید بهشتی. من از ۷/۵ صبح دل تو دلم نبود و تمایل داشتم هرچه زودتر شهید بهشتی را زیارت کنم. این نکته را هم بازگو کنم که آشنایی من با آیت الله بهشتی به قبل از انقلاب برمی گشت، قبل از انقلاب در زمان سازمان دهی انتظامات تظاهرات تاسوعا، شهید بهشتی برای بچه های انتظامات صحبت کردند. من از آنجا با شهید بهشتی آشنا شدم و شیفته ایشان به خاطر شخصیت و منشش شدم، اصلاً ویژه و بی نظیر بود. آن جلسه ای که قرار بود با آقای ربیعی خدمت ایشان (شهید بهشتی) برسیم، من از ساعت ۷/۵ آنجا بودم. پایین قدم می زدیم. آقای ربیعی با تأخیر آمد، موتورسواری او خوب نبود تازه یاد گرفته بود، شاید دلیل تأخیرش همین بود (خدا رحمت کند همسرش نرگس خانم را! او هم عضو خواهران حزب بود). بالاخره وقتی رسیدیم بالا، آقای مجیدی که عضو دفتر شهید بهشتی بود به ما گفت که آقای بهشتی از ساعت ۸ گفته بودند نه تلفن وصل کنید و نه کاری بیاورید. به محض اینکه وارد اتاق شدیم شهید بزرگوار نگاهی به ساعت کردند و گفتند: جواب این ۱۰ دقیقه عمر من را روز قیامت شما باید بدهید. گفتم آقای بهشتی من از ۷/۵ پایین بودم، گفتند به هر حال باید این ۱۰ دقیقه را جواب بدهید. بعد ایشان فرمودند: یکی از بزرگ ترین منکرات که کمتر افراد به آن توجه دارند «وفای به عهد است». شما عهد کردید ساعت ۸ با من دیدار کنید، وقت شناسی بسیار مهم است، سر ساعت ۸ باید اینجا می بودید، من هم ساعت ۸ و قتم را برای شما گذاشتم. حقیقتاً شهید بهشتی در زمان بندی دقیق بود. این خاطره نقل شد که به آیت الله واعظ طوسی برسیم. جلسه ای با آیت الله واعظ داشتیم با تأخیر وارد شدیم، آیت الله طوسی (ره) نگاهی کردند و گفتند: وقت این تعداد نفراتی که در این جلسه حضور دارند تلف شد، شما باید جواب بدهید. من گفتم: ما فکر کرده بودیم جلسه در دفتر شما است، ساختمان و راه های رسیدن را بلد نبودیم، بنابراین با تأخیر رسیدیم. هدف اینکه شهید بهشتی و مرحوم آیت الله واعظ طوسی از یک جنس بودند.

روحانیت بود. من می گفتم هم اکنون از شما می خواهند از انقلاب اسلامی دفاع کنید، آن هم در مشهد. این خیلی کار سختی نیست، اما شما تصور کنید در دهه ۴۰ آن هم در دوره حاکمیت شاه مستبد و با حمایت های امریکای جنایت کار شاهد خفقان در کشور بودیم. در آن شرایط اگر کسی مبارزه و در مقابل ساواک - که اسم او ریشه به تن ها می انداخت - ایستادگی می کرد، نشان می داد از چه استحکامی برخوردار بود. یکی از دوستان که الحمدلله در قید حیات است نقل می کرد: «من سه بار در کمیته مشترک خودکشی کردم، به خاطر شدت شکنجه ای که صورت می گرفت، قابل تحمل نبود.»

بنده زمانی پسران خود را به موزه عبرت بردم، گفتم اینجا را ببینید. توصیه هم می کنم دیگران موزه عبرت را ببینند، ضمن اینکه امیدواریم موزه عبرت ۲ هم در خراسان دایر شود. امیدواریم مکانی که کنار پادگان ارتش و محل نگهداری بزرگان انقلاب اسلامی بود، بزرگانی که در زمان دوران ستم شاهی مبارزه می کردند، زندان رفتند را بتوانیم بازسازی کنیم تا مردم مخصوصاً جوانان ببینند از آنجا بازدید کنند. الان هم برخی تاریخ نگاری جعلی صورت می دهند؛ پرویز ثابتی مصاحبه می کند، جعل تاریخ می کند و می گوید: «ما در ساواک شکنجه نداشتیم. ما آنجا توجیه می کردیم و ابهامات بیان می شد.» این جعل تاریخ است؛ چراکه بعضی از بزرگان همچون مقام معظم رهبری، آیت الله طوسی و هاشمی رفسنجانی و... در آن مقطع مبارزه می کردند و شکنجه نیز شدند، اما با همه سختی ها و شکنجه ها، ایستادگی می کردند؛ در جایی که جز خدا هیچ پشتیبانی ندارید و این استقامت، ایمان قوی می خواهد.

همان طور که گفته شد، پرونده آیت الله طوسی سراسر افتخار و مقاومت است. من تصاویری از آیت الله واعظ طوسی دیده بودم که در یکی از این تصاویر، محاسن ایشان تراشیده شده بود (عکس های دیگر آیت الله واعظ هم مربوط به مراحل مختلف اعم از دستگیری، شکنجه، اذیت هایی که شدند، موجود است، اما این عکس به خاطر تراشیدگی خیلی خاص بود) و عینک کائوچوی کج زده بودند، پلاک گردنشان بود و با حالت لبخند از ایشان عکس گرفته شد. گفتم چرا خندیدید؟ گفتند: این داستان دارد. گفتم داستانش چیست؟ گفت: من ممنوع المنبر بودم، مطابق خیلی از روحانیون انقلابی که در آن دوره ممنوع المنبر بودند، اما در یک مناسبتی در مشهد منبر رفتم و صحبت کردم، بعد بلافاصله از مشهد خارج و به قوچان رفتم. ساواک رد ما را در قوچان زد و دستگیرم کرد و من را به دفتر رئیس ساواک خراسان آوردند (دست بسته بودند). آیت الله واعظ نقل می کردند: او آمد، ریش من را گرفت و گفت: مثلاً فلان، فلان شده تو ممنوع الصحبت بودی به چه حقی صحبت کردی؟ ایشان می گفت من پاسخ دادم: من واعظ طوسی هستم، روحانی هستم، کارم سخنرانی کردن است. خیلی عصبانی شد و دستور داد ریش من را همان جا تراشیدند. وقتی تراشیدن من خنده ام گرفت. گفت برای چی می خندی؟ گفتم: ما آماده شده بودیم بیشتر از این ها در راه خدا بدهیم فقط یک ریش دادیم که آن گاه یک سیلی محکم به صورت من زد و گفت: «او را ببرید، ببریدش.» فردی که رئیس ساواک بود و در آن ایام برای خود ابهتی داشت با او چنین برخورد می کند، این گونه با او سخن می گوید. شاید شما این شجاعت را در امثال مدرس سراغ دارید.

آیت الله واعظ طوسی
خود را محدود به
چهار رواق نکرد، بلکه
نگاه بلندی داشت که
مشهد به عنوان نقطه
کانونی و پایتخت
معنوی ایران اسلامی
باید وسعت و جایگاه
پیدا کند. حتی به خاطر
دارم آیت الله واعظ
در مورد کاشی آستان
وسواس داشت. به یاد
دارم در مورد غذا
خدمت ایشان رسیدم
و گفتم این غذاها که
در مهمان سرا داده
می شود زیاد است،
اگر اجازه بدهید
آن ها را در ظرف های
یک بار مصرف قرار
دهیم و کم کنیم
تا به تعداد بیشتری
داده شود. ایشان
گفت: ابداً، اینجا
زائر سرای امام رضا
(علیه السلام) است،
بنابراین باید در شأن
امام از زائرین پذیرایی
شود.

است، اگر اجازه بدهید آن‌ها را در ظرف‌های یک‌بار مصرف قرار دهیم و کم کنیم تا به تعداد بیشتری داده شود. ایشان گفت: ایداً، اینجا زائرسرای امام رضا (علیه‌السلام) است، بنابراین باید در شأن امام از زائرین پذیرایی شود. حتی اگر چینی لب‌پر می‌شد ایشان وسواس نشان می‌داد. اعتقاد داشتند باید بهترین برنج، خورشت و به عبارتی بهتری مواد اولیه با بهترین کیفیت پذیرایی برای زائرین فراهم شود؛ بنابراین تولید فقید آستان روی این مطالب به شدت حساس بود، روی توسعه، کاشی کاری و معماری حساسیت داشت.

مرحوم آیت الله واعظ طبسی زمانی که راحت‌تر تردد می‌کردند، حتماً دقت می‌کردند اگر یک خادمی دکمه پالتو را نیسته بود یا لباسش مناسب نبود حتماً به او تذکر می‌دادند؛ یا اگر چراغی خاموش بود، لوستر آویزان بود، بلافاصله تذکر می‌دادند؛ از این جهت نظم و مدیریت بسیار دوراندیشانه، بلندنظرانه بر مسائل آستان داشتند و از طرف دیگر بر مسائل مالی آستان قدس در حد بسیار شدیدی دقت می‌کردند که اموال آستان قدس به ناحق جایی نرود و هر جایی که می‌رود با دقت و در جای خود هزینه شود.

یکی از چیزهایی که شاید خیلی به ایشان جفا شد پیگیری‌هایی بود که آیت الله واعظ برای اموال امام رضا (علیه‌السلام) و موقوفه آستان قدس انجام می‌دادند. شاید اگر یک عنصر سیاسی بود به دنبال مطامع دیگری غیر از خدمتگزاری به امام و زائرین امام بود و می‌گفت چرا خود را درگیر کنم؛ اما حقیقتاً هدف آیت الله طبسی خدمت به امام رضا (علیه‌السلام) و زائرین امام بود.

ولایت‌پذیری مرحوم آیت الله واعظ طبسی در دوران

امام (ره) و مقام معظم رهبری چگونه بود؟ پیرامون

ولایت‌پذیری ایشان مصداقی می‌توانید صحبت کنید؟

امام (ره) هم ایشان را خیلی دقیق و به‌صورت خیلی شاخص می‌شناختند. ایشان می‌گفتند: من هم از زمان حضرت امام و هم در دوره مقام معظم رهبری مسبوط‌الید بودم. مقام معظم رهبری هم تأکید داشتند: ایشان در مشهد محور هستند.

بنده (رشیدیان) شهادت می‌دهم بینی و بین الله آیت الله طبسی بسیار دل‌سوز مردم بود. از سوی دیگر ایشان به اموال و مخارجی که انجام می‌شد حساس بودند. ایشان مثل طبیعی بود که برای شفا ممکن بود گاهی داروی تلخ تجویز می‌کرد و به کام فرزندان و بیماران خود می‌ریخت، اما این داروی تلخ برای تلخ کردن کام این فرزندان و بیماران نبود، بلکه برای این بود که آن‌ها تنش‌ها سالم باشد؛ از این‌رو ایشان بر ورود مال حرام و مال وقف، زندگی دنیوی و اخروی‌شان حساس بود.

نکته دیگر آنکه آیت الله طبسی برای مصالح نظام، انقلاب و مردم با کسی تعارف نداشت، قاطعیت و صراحت لهجه ایشان مثال‌زدنی بود. من یک وقت برای جمعی از ایشان درخواست کردم وقت بگذارند و برای آن‌ها صحبت کنند. وقتی ما آن‌ها را بردیم هم‌زمان با جریانی شده بود که در سطح کشور رخ داده بود. این جمعیتی که ما آنجا برده بودیم نسبت به آن جریان واکنش منفی داشتند. آیت الله طبسی دقیقاً از همان جا شروع کرد. آن‌ها نیز همه نسبت به مسئله موضع نفی داشتند و خیلی به آن‌ها برخورد و مقداری سخت‌شان آمد. آقایان که رفتند خدمت حضرت آیت الله گفتیم شما خیلی زحمت کشیدید تا آن‌ها را بیاورید. ایشان گفتند: من برای اینکه آن‌ها از من

جناب آقای رشیدیان درباره مدیریت مرحوم

آیت الله واعظ هم توضیح می‌دهید؟ مهم‌ترین

ویژگی‌های ایشان در تولید آستان قدس رضوی چه بود؟

مدیریت ایشان بسیار قاطع و محکم بود، بسیار اخلاق‌مدار و باوفا بودند. آیت الله واعظ قدرشناس عناصر دل‌سوخته‌ای که در مبارزه و شرایط سخت با انقلاب همراهی کرده بودند، بود و از آن‌ها حمایت می‌کردند. من راجع به یکی از این افراد خدمتشان رسیدم، خیلی سخت‌شان بود که حتی در مورد آن فرد مطلبی را بشنوند؛ اما در عین حال بسیار هم قاطع بودند، اگر احساس می‌کردند آن طرف از خط قرمزهای نظام عبور کرده‌اند بسیار قاطع عمل می‌کردند.

به یاد دارم در مورد فردی خدمت ایشان رسیدیم فقط باب اینکه ایشان را در جریان امور قرار دهیم. ایشان اول امتناع می‌کرد بشنود، اما وقتی شنیدند و احساس کردند آن فرد از خط قرمز عبور کرده، تحمل نکردند که من از اتاق بیرون بروم؛ از این‌رو جلوی من زنگ زدند به آقای عسگری که معاون صادقی در دفتر بودند. او را صدا کرد و گفت: همین الان می‌روی فلانی را رد می‌کنی و می‌گویی «به هیچ وجه حق ندارد پایش را در آستان قدس بگذارد». بسیار در مطالبی که به خطوط قرمز مربوط بود قاطع و محکم بودند و نسبت به آن حساسیت بالایی داشتند؛ اما برای حفظ افرادی که احساس می‌کردند از سابقون هستند و باید آن‌ها را حفظ و صیانت کرد هم بسیار دل‌سوز بودند.

به طور مثال عرض می‌کنم، عزیز سفر کرده دیگری «آیت الله هاشمی رفسنجانی» را داریم. شاید یکی از انتقادهای و حملاتی که نسبت به شخص آیت الله طبسی صورت می‌گرفت میزبانی‌هایی بود که ایشان برای مرحوم هاشمی انجام می‌دادند. آیت الله طبسی واقعاً صادقانه، برادرانه و مشتاقانه از آقای هاشمی میزبانی می‌کرد. من روابط و ارتباطات ایشان را دیده بودم؛ در عین حالی که ایشان ممکن بود در بعضی مسائل با هاشمی اختلاف نظر داشته باشد، اما روابط کاملاً برادرانه بود و من می‌دانستم گاهی اختلاف نظر هم هست. یک وقتی ایشان در دلدلی با ما کردند و گفتند: خدا شاهد است بعضی اوقات مطالبی که این آقایان می‌گویند این قدر دلم درد می‌گیرد که می‌خواهم بروم فریاد بزنم، اما باز پیش امام رضا (علیه‌السلام) می‌روم و خود را آرام می‌کنم و تسکین می‌دهم. در واقع آیت الله واعظ طبسی ارتباط، دوستی و میزبانی از آیت الله هاشمی را خیلی وفادارانه تداوم می‌دادند و اصلاً این تصور حاکم نبود که مثلاً اگر از آقای هاشمی میزبانی می‌کنند این اقدام مغایر با نظر مقام معظم رهبری است؛ اصلاً، ایداً چنین نگاهی نبود؛ اما بعضی آدم‌های سطحی بودند، تعابیری می‌کردند که دل این مرد بزرگ را به درد آورند.

در زمینه مدیریت اجرایی هم باید بگویم آقای طبسی برای ما بهشتی دیگر بودند. ایشان از نظر مدیریت اجرایی بسیار توانمند بودند، نظرات بسیار بلندی داشتند. توسعه حرم یکی از آثار ماندگار مرحوم آیت الله طبسی است، این نشان‌دهنده افق و نگاه ایشان نسبت به توسعه حرم بود. آیت الله واعظ طبسی خود را محدود به چهار رواق نکرد، بلکه نگاه بلندی داشت که مشهد به عنوان نقطه کانونی و پایتخت معنوی ایران اسلامی باید وسعت و جایگاه پیدا کند. به خاطر دارم آیت الله واعظ در مورد کاشی آستان وسواس داشت. به یاد دارم در مورد غذا خدمت ایشان رسیدم و گفتیم این غذاها که در مهمان‌سرا داده می‌شود زیاد

مدیریت ایشان بسیار قاطع و محکم بود، بسیار اخلاق‌مدار و باوفا بودند. آیت الله واعظ قدرشناس عناصر دل‌سوخته‌ای که در مبارزه و شرایط سخت با انقلاب همراهی کرده بودند، بود و از آن‌ها حمایت می‌کردند. من راجع به یکی از این افراد خدمتشان رسیدم، خیلی سخت‌شان بود که در مورد آن فرد مطلبی را بشنوند؛ اما در عین حال بسیار هم قاطع بودند، اگر احساس می‌کردند آن طرف از خط قرمزهای نظام عبور کرده‌اند طبق تکلیف شرعی عمل می‌کردند.

خاطرات



پرچمی که بالای مسجد فاو به اهتزاز در آمد

محسن رضایی: «در زمان اجرای عملیات والفجر ۸ از ایشان تقاضا کردیم پرچم حضرت رضا (علیه السلام) را در اختیار ما قرار دهند و ایشان شبانه پرچم را به ما رساندند. با این پرچم از اروند عبور کردیم و بالای مسجد فاو پرچم حضرت رضا (علیه السلام) را به اهتزاز در آوردیم.»

منبع: آیت الله واعظ طبسی شبانه پرچم حضرت رضا (علیه السلام) را در اختیار ما قرار دادند، تسنیم، ۱۴ اسفند ۱۳۹۴

شاخص‌هایی مثل امام، انقلاب و ارزش‌های انقلاب قاطع بودند، اما جایی که حتی به نظر خودشان نسبت به فردی که به امام جفا کرده بود به شدت موضع داشتند، ولی وقتی مقام معظم رهبری در این حد انعطاف نشان دادند، ایشان گفتند: من هیچ بحث دیگری ندارم و از نظر من این مطلب تمام شده است. هر چه آقا بگویند از نظر ایشان تبعیت می‌کنیم؛ بنابراین تبعیت ایشان از آقا مثال‌زدنی بود. ارتباط دلی بسیار نزدیک با آقا داشتند و در این رابطه تبعیت ایشان بسیار بالا بود. بالینکه سن ایشان مثل آقای هاشمی از مقام معظم رهبری بزرگ‌تر بود، اما این ارتباط ربطی به سن نداشت، ارادت قلبی بود. تأکید این است: آیت الله واعظ خدمات بزرگی برای کشور، آستان و زائرین حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) انجام داد.

ساده‌زیستی مرحوم آیت الله طبسی چگونه بود؟ در زمان حیات عده‌ای ایشان را تخریب و به اشرافیگری متهم می‌کردند، حتی برخی از جریان‌ها تلاش می‌کرد آیت الله واعظ را به نفع خود مصادره کنند؛ نظر شما در این باره چیست؟

سلامت مالی آیت الله طبرسی مثال‌زدنی است. ایشان تولیتی بود که حق قانونی و مشروع خود را نگرفت و این حق قانونی و مشروع را به کتابخانه حرم مطهر که یکی از مدرن‌ترین مراکز در زمان خود بود، بخشید و آنجا احداث شد. کار به جایی رسیده بود که خیلی از دوستان و حتی نزدیکان ایشان خواهش می‌کردند اجازه دهید خانه را جابه‌جا کنیم. وسایل و امکانات خانه تغییری نکرده بود. من بعضی اوقات با بعضی از آقایانی که به ایشان جفا می‌کردند و حرف‌های ناروایی نسبت به ایشان نسبت می‌دادند، می‌گفتم: شما ایشان را نمی‌شناسید، نه با ایشان تماس داشتید، نه زندگی ایشان را دیده‌اید، نه تاریخ ایشان را می‌دانید.

من به بنده خدایی که در همان سال‌ها جفا به ایشان را از حد گذرانده بود، گفتم: متولد چه سالی هستی؟ گفت مثلاً ۴۰، سپس گفتم می‌دانید اولین پرونده ایشان برای چه سالی است؟ سن شما اندازه سن مبارزه ایشان نیست، حداقل به السابقون احترام بگذارید. همین آدم در جلسه‌ای حضور داشت، وقتی از جلسه بیرون آمدیم به من گفت: فلانی یک چیزی بگویم، گفتم بگو. گفت من آدمی با هوش و ذکاوت آیت الله طبسی ندیدم. ایشان خیلی باهوش و تیز و نکته‌بین است. می‌گفت این نکاتی که ایشان در مطالب و جمع‌بندی جلسه جمع کرد بسیار ذکاوت‌مندانه بود. این را آدمی می‌گفت که نسبت به ایشان موضع منفی داشت، هم از لحاظ جناحی و خطی با ایشان تعارض داشت و هم از لحاظ برخوردی که بینشان بود؛ اما وقتی در آن جلسه افراد از گروه‌های مختلف حضور داشتند او اذعان کرد که آیت الله واعظ مدیر باهوش و باذکاوتی است.

بسیار به امام رضا (علیه السلام) توکل و توسل داشت و همین عشق به امام باعث شد هیچ پیشنهاد دیگری جز خدمت به امام را نپذیرد. به نظرم همین خدمات و توسلی که داشتند هم ذخایر خوبی برای شخص ایشان بود و هم برای دیگران که از این ظرفیت استفاده کنند. من برای روح ایشان از خداوند رحمت و غفران الهی را آرزو می‌کنم و دعا می‌کنم خداوند به ما این قدرت را بدهد که از این بزرگان و کسانانی که استوانه انقلاب و نظام بودند برای خدمت صادفانه و مخلصانه به نظام، مردم و سربلندی کشورمان درس بگیریم.

خوششان بیاید، مطلب حق را نگویم؟
یا یک زمانی فردی در مشهد بود که مسائلی داشت، ما تلاش می‌کردیم جهت منفی این آدم را نسبت به نظام و انقلاب بگیریم. مقام معظم رهبری هم نسبت به این مسئله خیلی نظر مثبت داشتند. یکی از دوستان خیرخواه آن زمان به ما پیشنهاد کرد که شما قبل از اینکه سراغ این کار بروید، نظر آیت الله طبسی را هم دریافت کنید. ما هم رفتیم خدمت ایشان؛ آیت الله با بخش اول موافقت کرد، بنابراین آن فرد را آوردیم. او سه درخواست داشت، یکی از درخواست‌هایش به آستان قدس برمی‌گشت. من رفتم خدمت آیت الله طبسی و موضوع را گفتم. ایشان گفت: حاشا و کلا. کسی نسبت به حضرت امام توهین و جفا کرده! حاشا و کلا من بگذارم. ما دیدیم تمام کارمان خراب شد. یک وقتی خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم، آقا پرسیدند که آن کار را چه کردید؟ گفتیم به یک بن‌بست این‌طوری خوردیم. آقا نگفت من به آیت الله طبسی می‌گویم که مثلاً نظرشان را تغییر دهند، نگفتند من رهبرم ایشان تولیت را با حکم من دارند و من به ایشان می‌گویم که مثلاً علی‌رغم نظر شما این کار بشود؛ اما آیت الله طبسی پس از انعطاف مقام معظم رهبری تبعیت خود را اعلام کردند. بعدها که خدمت آقای واعظ طبسی (ره) رسیدیم، گفتم در مورد مطلب حاشا و کلا ما خدمت آقا رسیدیم و آقا سؤال کردند. ما توضیح دادیم، ایشان گفتند حکم همان است که آقا فرموده‌اند، هر چه آقا بگویند همان است. گفتیم شما فرمودید حاشا و کلا. گفت: این بحث دیگری است، اینجا هر چه که آقا بفرمایند همان است. می‌خواهم بگویم در عین حالی که در



گفت و گو با شهردار مشهد

صیانت از وقف باقیات الصالحات مرحوم واعظ طبسی است

سید صولت مرتضوی که در دولت دهم معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات بود، سال ۹۲ به عنوان شهردار مشهد انتخاب شد؛ اما آشنایی اش با آیت الله طبسی به قبل از این دوره و سالهایی که فرماندار بیرجند بود، برمی گردد، به طوری که برای پذیرش پیشنهاد شهرداری مشهد تلفنی از آن مرحوم استمجاز می کند. او در این سالها به عنوان یکی از مدیران ارشد شهری اختلاف نظرات بسیاری را در حوزه های اجرایی و مدیریتی تولیت فقید آستان قدس به چشم دیده است که شاید نحوه حل و فصل آن ها یکی از سؤالات جدی برای مخاطبان باشد.

دوران بروز و ظهور جریان های انحرافی و بعد از انقلاب در مبارزه فرهنگی با جریان منافقین نام و نشان خوبی از خود به جای گذاشت؛ و به همین سبب مورد کینه دشمنان اسلام قرار گرفت. ایشان مخصوصاً در دو دهه اول انقلاب در مدیریت آستان قدس رضوی، توسعه زیرساخت ها، اهتمام به امور موقوفات و افزایش کمی و کیفی در آستان قدس کارهای بسیار خوب و شایسته ای انجام داده اند. از شاخصه های مهم ایشان یکی امین امام و مقام معظم رهبری بودن و دیگری حریت و آزادی بود که این دو مؤلفه ایشان را به یک عنصر واجد صلاحیت و دارای صبر و بصیرت تبدیل می کرد. ایشان در زمره صابرين بود و در حوزه شناختی هم اهل شناخت. هر جا نیاز بود بر حسب ضرورت وارد میدان می شد و از اصل انقلاب و ولایت فقیه صیانت و در بعضی حوزه ها هم سربازی می کرد. اگر عشقی که ایشان به مقام معظم

از چه زمانی با آیت الله واعظ طبسی آشنا شدید؟



هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان جوانی که عاشق روحانیت مبارز بود و هم به واسطه فعالیت های آیت الله واعظ طبسی در شکل گیری انقلاب و خدمات و زجرهای طاقت فرسا در این راه با ایشان آشنا شدم. تقریباً در زمره اولین انتصابات نمایندگی ولی فقیه و نمایندگی حضرت امام در استان ها و هم زمان به عنوان تولیت آستان قدس رضوی با ایشان آشنا شدم. قبل از انقلاب اسلامی کسانی که متولی آستان قدس بودند نایب التولیه به شمار می آمدند. ایشان به واسطه اعتماد امام امت به تولیت آستان قدس منصوب شدند. ما همواره از دور رفتارها و دیدگاه های آقای واعظ طبسی را رصد می کردیم. می توانم از ایشان به عنوان یک الگوی موفق و برتر مدیریت اسلامی در جمهوری اسلامی یاد کنم. ایشان در حوزه فرهنگ در





شدن، تمام ذهنیاتی که برای ایشان ایجاد کرده بودند برطرف می‌شد.

در سفرها و دیدارهایی که مقام معظم رهبری به مشهد می‌آمدند ایشان در مورد آیت‌الله واعظ طبسی سخن یا نکته‌ای را بیان می‌کردند؟

خیلی توفیق اینکه در جلسات خصوصی باشم را نداشتم، اما در جلسات نیمه‌خصوصی یا در نماز جماعت که در تالار ولایت به حضرت آقا اقتدا می‌کردیم توفیق دیدار حاصل می‌شد. احترام و نگاه صمیمانه‌ای که حضرت آقا به آیت‌الله واعظ طبسی داشتند و نیز تواضعی که ایشان متقابلاً به حضرت آقا داشتند بسیار مثال‌زدنی و ستودنی است.

بالاترین باقیات‌الصالحات و چیزی که تاریخ بتواند از ایشان چه از نظر فرهنگی چه از نظر علمی یا توسعه به یادگار داشته باشد، چیست؟

صیانت از وقف و اصرار ایشان به انجام موقوفه و عمل به نیت واقف بود.

ایا زمانی که شهردار مشهد بودید با ایشان اختلافی داشتید؟

در تمامی ادوار، عواملی به دنبال اختلاف بین شهردار و آستان قدس بوده و هستند که ریشه آن در ذات شهرداری و همچنین ذات مجموعه آستان قدس است. بعضی وقت‌ها مباحثی برای ایشان مطرح می‌کردند از جمله کارها و خدماتی که در بعضی مناطق انجام می‌شد یا بعضی نقطه‌نظراتی که ما پیرامون مباحث مشهد داشتیم شاید به نظر ایشان به نوعی خدشه بر آن وارد می‌شد؛ ولی بعضی وقت‌ها که برای ایشان توضیحات داده می‌شد کاملاً رفع شبهه می‌شد (اگر صادقانه این مباحث مطرح می‌گردید هیچ‌گونه شبهه‌ای به وجود نمی‌آمد). ایشان کسی نبود که روابطش را بر اساس گزارش‌ها تنظیم کند.

به نظر شما الان حرم به چه سبکی اداره می‌شود؟

از ویژگی‌های منحصر به فرد دوران مدیریت جدید نگاه مستضعف‌نوازی و زائرمحوری است. اشرافی که آیت‌الله رئیسی به مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور دارند باعث می‌شود که نه تنها انسان احساس خلأ نکند، بلکه می‌توان گفت با یک انرژی مضاعف و روحیه مناسب وارد کار شدند که توانستند به توفیقات بسیار خوبی دست یابند. در پایان برای آیت‌الله واعظ طبسی طلب عفو و مغفرت می‌کنم. ان‌شاءالله خدا ایشان را بیامرزد و به ما توفیق ادامه راه مجاهدین انقلاب را بدهد. بدانیم که منصب‌ها ماندنی نیستند و این دنیا فانی است، طوری زندگی کنیم که بعداً چیزی که از انسان باقی می‌ماند مورد اقبال عمومی قرار گیرد.

رهبری و امام داشتند و نیز ارتباط صمیمانه حضرت آقا با ایشان را در نظر بگیرید، می‌توان گفت در حلقه خواص مقام معظم رهبری جای داشتند. در جریان فتنه با سران آن مماشات کرد، اما آنجایی که ضرورت داشت وارد شود در زمره اولین کسانی بود که پنجه در پنجه این جریان انداخت و مردانه وارد میدان شد. اوج بصیرت، دوراندیشی، اسلام‌پذیری و اعتقاد به مبانی را می‌توان در سخنان آیت‌الله طبسی بعد از ماجرای فتنه و ۹ دی شاهد بود. در یکی دو تا از سخنرانی‌هایی که ما نیز حضور داشتیم سران فتنه را در جایگاه ارتداد قرار دادند که البته کمتر شخصیت دینی چنین دیدگاهی داشت و در این زمینه نیز ادله کافی داشتند. طرح این موضوع و نسبت دادن صفت ارتداد و این طرز تلقی و تفکر ناشی از اوج اعتقاد، سربازی و ارادت ایشان به جمهوری اسلامی بود. ایشان در سخنرانی‌های خود نیز خواهان محاکمه این افراد شدند. در حوزه درون سیستمی شخص آیت‌الله واعظ طبسی بسیار ساده‌زیست بود؛ اما در عین ساده‌زیستی اقتدار مدیریتی داشت.

اولین دیداری که با ایشان داشتید چه در مقام مسئولیت شهرداری مشهد یا قبل از آن، چه وقتی بود؟

توفیق زیارت ایشان از نزدیک را برای اولین بار در سال ۷۴ و ۳-۲ سالی قبل از دوران اصلاحات داشتیم. زمانی که فرماندار شهرستان بیرجند بودم چندین مرحله خدمت ایشان رسیدم و در همین دوران ایشان یکی دو سفر استانی و یک سفر شهرستانی داشتند که محل اسکان و بیتوته‌شان در فرمانداری بود و ما افتخار میزبانی از ایشان و زیارتشان از نزدیک را داشتیم. بعد از فرمانداری در جاهای مختلفی که خدمت می‌کردم من جمله در استان خراسان جنوبی -و از آنجا که ایشان نماینده ولی فقیه در ۳ استان خراسان بودند- از نزدیک ارتباطاتی با ایشان داشتیم و این ارتباط بعدها هم ادامه داشت. بعد از اینکه پیشنهاد شهردار شدن از طرف شورا مطرح شد، از تهران در خصوص نظرشان مبنی بر آمدن یا نیامدنم با ایشان تماس تلفنی داشتم که ایشان قوت‌قلب به من دادند و بنده نیز برحسب اینکه ایشان به من لطف داشتند این سمت را پذیرفتم؛ در طول این دوران هم به‌صورت فردی و هم به‌صورت جمعی با ایشان ملاقاتی را داشتیم.

خاطره خاصی از ایشان به یاد دارید؟

دو ویژگی بارز از دوران مدیریت ایشان به یاد دارم، یکی قانون‌مداری که ایشان همیشه به ما متذکر می‌شدند آستان قدس هیچ فرقی با مردم ندارد و شما همیشه باید به قانون عمل کنید. ویژگی دوم، ایشان بسیار منصف بودند. بعضی اوقات که اخبار و اطلاعاتی به گوش ایشان رسانده می‌شد، در این مورد توضیحات می‌خواستند و بعد از شنیدن توضیحات و مجاب

اوج بصیرت، دوراندیشی، اسلام‌پذیری و اعتقاد به مبانی را می‌توان در سخنان آیت‌الله طبسی بعد از ماجرای فتنه و ۹ دی شاهد بود. در یکی دو تا از سخنرانی‌هایی که ما نیز حضور داشتیم سران فتنه را در جایگاه ارتداد قرار دادند که البته کمتر شخصیت دینی چنین دیدگاهی داشت و در این زمینه نیز ادله کافی داشتند. طرح این موضوع و نسبت دادن صفت ارتداد و این طرز تلقی و تفکر ناشی از اوج اعتقاد، سربازی و ارادت ایشان به جمهوری اسلامی بود.



گفت‌وگو با **امیر خوراکیان**

مواضع آیت‌الله واعظ در فتنه صریح و محکم بود

مهم‌ترین دستاورد آیت‌الله واعظ بهر هوری موقوفات در جهت توسعه حرم بود

امیر خوراکیان در سال ۱۳۴۴ در مشهد به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی و اسلامی را تا سطوح عالی در حوزه علمیه رضویه قم بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۳ گذرانده است. او سابقه فعالیت در آستان قدس رضوی همچون مدیرکل روابط عمومی آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی، دبیر شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی، کمیسیون فرهنگی تدوین چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه استراتژیک آستان قدس رضوی، رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی و چاپخانه بین‌المللی قرآن کریم، عضویت در هیئت‌مدیره مؤسسات آستان قدس رضوی از جمله بنیاد فرهنگی رضوی، مؤسسه آفرینش‌های هنری و مؤسسه فرهنگی قدس، هیئت‌مدیره مؤسسه مطبوعاتی همشهری، هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات خراسان رضوی و شورای فرهنگ عمومی استان خراسان رضوی دارد. عضویت در مؤسسه آفرینش‌های هنری و مؤسسه فرهنگی قدس، هیئت‌مدیره مؤسسه مطبوعاتی همشهری، هیئت‌منصفه دادگاه مطبوعات خراسان رضوی و شورای فرهنگ عمومی استان خراسان رضوی بخش دیگری از مسئولیت‌های او بوده است. همچنین دبیرکلی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان کشور در کارنامه «خوراکیان» ثبت شده است. وی در گفت‌وگو با ویژه‌نامه قدس از نحوه آشنایی خود با آیت‌الله واعظ طبسی گفت و خاطرات جالبی هم از نحوه مدیریت و خدمت‌رسانی تولیت فقید آستان قدس به محرومین بیان کرد.

در آن مقطع از آیت‌الله واعظ طبسی سخنرانی خاصی که از تریبون یا جلسه‌ای که در آن شرکت کرده بودید

به یاد دارید؟

من از خود ایشان چندین سخنرانی به یاد دارم که در آن حضور داشتم. یادم نیست چه مناسبتی و راهپیمایی بود، صحن امام که الان رواق امام خمینی است، ایشان در آنجا صحبت کردند. یادم هست سخنرانی ایشان درباره این بود: «انقلاب مبتنی بر اصول اسلام است.» آیت‌الله طبسی پیرامون این موضوع و تبیین آن سخنرانی می‌کردند؛ چون آن روزهای آخر که ما نزدیک به پیروزی انقلاب

از چه مقطعی ارتباط شما با مرحوم واعظ طبسی نزدیک شد؟

ارتباط حضوری و صمیمی ما به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران فعالیت انجمن‌های اسلامی در مدارس مربوط می‌شود. ما در آن مقطع به ایشان نزدیک‌تر شدیم و کم‌کم حضوری با آیت‌الله واعظ طبسی مرتبط شدیم و در جلسات شرکت می‌کردیم و یک مقداری آشنایی و روابطمان صمیمی و نزدیک‌تر شد.

چه سالی بود؟

سال ۵۶، ۵۷ بود.

داده بودند. ما سابقه بعضی از افرادی را که در این مجموعه‌ها فعال بودند، می‌دانستیم. خلاصه آنکه ما به‌عنوان یک عده جوان انقلابی معتقد به روحانیت و امام، نسبت به نیروهایی که در اتحادیه بودند تردید داشتیم و به خصوص در ارتباط با خراسان و افرادی که در آنجا حضور داشتند؛ بنابراین ما در همان مقطع همراه با شهید مهدوی و ۳-۲ نفر دیگر با آیت‌الله واعظ طبسی دیدار کردیم و این اولین ملاقات ما با ایشان بود.

چه سالی بود؟

بعد از پیروزی انقلاب، ۵۹-۵۸ بود. فکر کنم همان ۵۸ بود. در آن دیدار به آیت‌الله طبسی گزارش دادیم که بالاخره ما نظرمات این است و زورمان و دستمان به تهران نمی‌رسد، شما بیاید در مشهد یک روحانی را بالای سر ما بگذارید تا از نظر فکری به انحراف نیفتیم؛ چون معتقد بودیم حضور یک روحانی که به مسائل دینی و اخلاقی اشراف دارد لازم است. کتاب‌هایی خوانده و متوجه شده بودیم خیلی از جریان‌هایی که منحرف بودند اول با انگیزه‌های خیلی خوبی به وجود آمدند، اما چون به متن دین و به اصول اخلاقی اسلامی، رعایت حدود شرعی اشراف نداشتند، کم‌کم در متن کار هدف وسیله را توجیه می‌کرد و به خطر و انحراف افتادند.

پاسخ آیت‌الله واعظ طبسی به شما چه بود؟ آیا با پیشنهاد شما موافقت کردند؟

اول از وسیله شروع کردند، وسیله‌ای که نباید در جهت هدف مقدسی استفاده شود، بعد هم یواش‌یواش هدف‌ها قاتی شد و مسیر به انحراف رفت. این یک برداشتی بود که ما روی آن خیلی حساس بودیم و مدام دلوپس این بودیم که جریان انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در مدارس شبیه بعضی چیزهایی که در دانشگاه‌ها اتفاق افتاده بود (جریان انحرافی) نشود و جریان منطبق بر خط امام واقعی باشد؛ برای این اساس در آن جلسه از آیت‌الله طبسی خواستیم که شما یک فردی را به ما معرفی کنید، ما تهران کاری نداریم حداقل اینجا بالای سر ما باشد و نظارت و هدایت فکری داشته باشد؛ و ایشان هم یک نفر را معرفی کردند و خیلی خوشحال شدند از اینکه یک عده جوان که می‌خواهند کار انقلابی و فرهنگی کنند از همین اول توجه دارند به اینکه حرکت، حرکت سالم و منطبق بر اصول دینی و انقلابی و فکر و اندیشه امام خمینی باشد؛ این برای‌شان خیلی جذاب بود. این اولین دیدار بود و بعد از آن دیدارها و جلسات مختلف انجام شد.

باز در یک سالی در انجمن اسلامی دانش‌آموزان زمانی که هادی خامنه‌ای به‌عنوان نماینده آقای منتظری در اتحادیه منصوب شد مشکلاتی به وجود آمد و ما تصمیم گرفتیم از اتحادیه بیرون بیایم. در این مقطع باز ما به همراه تعدادی از دوستان خصوصی رفتیم. خیلی از دوستان شهید شده بودند یا در جبهه حضور داشتند. من و شهید آل‌شهیدی رفتیم که حاج آقا وقت نداشت. می‌خواستیم سریع کسب تکلیف کنیم. سالی بود که آقای منتظری هنوز قائم‌مقام رهبری بودند و او نماینده در اتحادیه گذاشته بود (هادی خامنه‌ای را رسماً به‌عنوان نماینده داشت). ما با ایشان پیرامون یک‌سری بحث‌ها در مشهد به مشکل برخوردیم و تصمیم گرفتیم از اتحادیه بیرون بیایم.

در بیرون انتخابات مجلس هم بود و خیلی سیاسی بود. آنجا می‌خواستیم سریع آیت‌الله طبسی را ببینیم و با ایشان مشورت کنیم و تصمیم بگیریم، ایشان هم وقت نداشت؛ اما در اداره مرکزی

می‌شدیم و حتی بعد از پیروزی گروه‌های انحرافی چه آن‌هایی که مثل چریک‌های فدایی که کلاً کمونیست بودند و چه جریان‌های دیگر که به ظاهر در انقلاب نقش داشتند ولی از نظر فکری با اسلام زاویه و انحراف داشتند، حضور داشتند؛ از این‌رو آیت‌الله طبسی بدون اینکه از آن‌ها نام ببرند خیلی دقیق و محکم تبیین می‌کرد که انقلاب بر اساس اصول اسلامی است و مثل انقلاب سایر کشورها فقط برای آزادی و مسائل این گونه نیست.

هدف اصلی انقلاب، اصول اسلام و حاکمیت اسلام است؛ این نکات را آیت‌الله واعظ طبسی به‌دقت تبیین می‌کرد و مقابل مواضع و حرف‌هایی که این گروه‌ها می‌زدند پاسخ می‌دادند؛ چراکه می‌خواستند کم‌کم در آستانه پیروزی انقلاب سهم‌خواهی کنند؛ به همین جهت ایشان (آیت‌الله واعظ) در مقابل این ایده‌ها اظهار نظر می‌کردند. آیت‌الله واعظ شخصیت دینی امام و همچنین خلاصه ماهیت انقلاب اسلامی را مفصل تبیین می‌کرد.

بایگه اصلی آیت‌الله طبسی در مشهد کجا بود؟ آیا در مسجد خاصی سخنرانی می‌کردند؟

یادم نیست؛ اما چند جا بود که محور حرکت‌های انقلابی بود و آیت‌الله طبسی آنجا حضور داشت. در مدرسه نواب آیت‌الله طبسی حضور فعالی داشت، دیگری مسجد کرامت بود و یک‌سری مراکز دیگری هم بود که عمدتاً در میدان شهدا بود، البته یک مسجد خاص نبود، ولی میدان شهدا مرکز خیلی از اتفاقات و تجمعات بود. این اماکن جاهایی بود که اتفاقات از آنجا شکل می‌گرفت.

انقلاب پیروز شد و آیت‌الله واعظ طبسی از سوی حضرت امام به‌عنوان تولیت آستان قدس منصوب شدند. آیا حدس می‌زدید ایشان به‌عنوان تولیت انتخاب شوند؟

ما اصلاً تصور نمی‌کردیم. البته اینکه آیت‌الله طبسی نماینده امام در خراسان باشد خیلی طبیعی بود. البته فکر می‌کردیم یا ایشان یا شهید هاشمی‌نژاد است، چون آقا (مقام معظم رهبری) رفته بودند تهران و کارهای مهم‌تری داشتند؛ ولی در مورد آستان قدس ما چیزی فکر نمی‌کردیم و بر ایمان روشن نبود که چنین تصمیمی گرفته شود. وقتی آقای طبسی هم نماینده امام و هم تولیت آستان شدند خیلی جالب بود و خیلی جایگاه خوبی برای محوریت انقلاب در خراسان و تداوم حرکت انقلاب و سازمان‌دهی نیروهای انقلاب در خراسان اتفاق افتاد.

آیا به یاد دارید اولین مواجهه کلامی که با آیت‌الله واعظ طبسی داشتید چه زمانی بود؟

انقلاب که پیروز شد ما آن موقع دانش‌آموز دبیرستان بودیم و انجمن‌های اسلامی در مدارس به طور خودجوش شکل گرفت. آن ایام جریان‌های سیاسی و جریان‌های فکری مختلف تلاش می‌کردند هر مجموعه‌ای را در اختیار بگیرند. ما احساس می‌کردیم مجموعه‌ای که هدایت انجمن‌های اسلامی را بر عهده دارد از نظر همفکری با جریان اصیل انقلاب مطمئن نیست.

انجمن‌ها در مدارس، بچه‌های انقلابی بودند، ولی مرکزیتی که آن‌ها را هدایت می‌کرد - آن وقت اتحادیه انجمن اسلامی دانش‌آموزان نامیده می‌شد - احساس می‌کردیم در همه جا مطمئن نیست؛ از این‌رو یک سری شبهاتی داشتیم، به همین جهت ما احساس کردیم این مجموعه باید نماینده‌ای از امام داشته باشد. قبلاً نماینده‌ای از امام به طور رسمی نداشت، بعدها امام به آقای امامی‌کاشانی در تهران ارجاع

را ادامه دهد آخرش به کجا می‌رسد؛ آقای طبسی چنین وظیفه‌ای برای خود احساس می‌کرد. جزئیات را نمی‌توانم بگویم، ولی می‌دانم گاهی بحث را در مورد بعضی از شخصیت‌های انقلاب و کشور چک می‌کرد که من همین لحظه می‌توانم رابطه‌ام را با فلان آدم قطع کنم. آقا فرمودند: نه، شما وظایف این است که با همه مرتبط باشید و آن‌ها را توجیه و حفظ کنید؛ این تکلیف را آیت الله طبسی داشت. کسانی که این برداشت را نداشته باشند ممکن است بعضی از رفتارهای آیت الله طبسی را حمل بر مسامحه یا عدم بصیرت یا تشخیص ندادن قضا یا بدانند، در حالی که این طور نبود و ایشان خیلی محکم بودند؛ به خاطر همین در این راستا تلاش می‌کرد. به نظر بنده در مورد قضاوت در رابطه با مواضع انقلابی آیت الله طبسی این نکته مهم است که ما بدانیم: «گاهی ایشان از سر تکلیف یک سری روابط و اقداماتی انجام می‌دادند که آن را نباید به حساب مواضع ضعیف ایشان دانست؛ واقعاً بحث دیگری بود.»

از ویژگی‌های مدیریتی مرحوم آیت الله واعظ طبسی بگوئید، نحوه برخورد ایشان با زیرمجموعه و اقداماتی که انجام می‌دادند چگونه بود؟

چندین بار در جلسات یادم است که آیت الله طبسی روی اینکه هر کس هر نسبتی با من داشته باشد و در هر شرایطی باشد تخلفی کند، آن تخلف قابل رسیدگی است و باید حتماً پیگیری و برخورد شود. بنده شهادت می‌دهم که چندین بار در جلسات اصلی آستان قدس نه در جلسات عمومی بلکه در جلسات با مدیران مثل هیئت امنا و شوراهای فرهنگی این نکته را بیان کردند و من از ایشان شنیدم. آیت الله واعظ طبسی واقعاً به این مسئله باور داشت، ضمن اینکه ایشان معتقد به حمایت از مدیر زیرمجموعه و تثبیت او بود و جوسازی را اصلاً قبول نداشت؛ یعنی به شدت مخالف جوسازی بود و معتقد بود به هیچ وجه نباید متأثر از جوسازی بود؛ از این جهات خیلی محکم بود، ولی از آن طرف می‌گفت اگر تخلفی صورت می‌گیرد، حرفی زده شود حتماً رسیدگی شود.

یک بار یادم است در مورد موضوعی که جزئیاتش قابل بیان نیست ایشان خودش به من زنگ زدند (مسائل مدیریتی بود؛ یعنی مربوط به ضعف مدیریت و به اصطلاح انجام ندادن بعضی از وظایف در یکی از مؤسسات فرهنگی آستان قدس بود که یک عده‌ای از جوان‌ترهای آن مجموعه یا با نامه یا حضوری ولی احتمالاً حضوری هم گله کردند و حاج آقا یک مدتی بررسی کردند و احساس کرده بودند این سیستم بازرسی آستان حرف این بچه‌ها را نمی‌فهمد و نمی‌تواند تشخیص بدهد این مدیر در این موضوع بد عمل کرده یا نه) و گفتند یک چنین مطالبی جوان‌ها گفته‌اند، سیستم آستان قدس نمی‌تواند دقیق ببیند، حرف و دلیلش چه بوده؟ شما با این جوان‌ها ارتباط خوبی دارید، بدون اینکه به کسی بگوئید و جوی درست شود خیلی خصوصی آن‌ها را بخواهید و حرفشان را بشنوید و بررسی کنید و نظر خود را به من بگوئید، به هیچ کس هم این موضوع را نگوئید. این آدم واقعاً در وظایفش کوتاهی کرده و این بچه‌ها، بچه‌های پر شور و انقلابی هستند، می‌خواهند حرفشان شنیده شود. گفتم چشم. من با آن‌ها ۳-۴ جلسه گذاشتم حرف‌هایشان را بررسی کردم و گزارش مکتوب کامل به حاج آقا ارائه دادم و بر اساس آن تصمیم گرفتند. ایشان (آیت الله واعظ طبسی) این قدر مقید بود که حتی جایی اگر ظاهر سیستم در رسیدگی به یک مسئله‌ای پاسخ‌گو نیست، از یک آدم خاصی دعوت کرده که به این موضوع رسیدگی کند.

آستان قدس ایشان قبل از جلسه به ما وقت داد که ما همان پایین در حیاط با ایشان حرف بزنیم. ما خیلی عجله داشتیم، در حیاط با ایشان قدم زدیم و گزارش دادیم که این جوری شده، شما ما را خیلی حمایت کردید، ما در مشهد به حمایت شما همه کارها را کردیم، خیلی از اموال برای شماسات ما چه کار کنیم؟ فضا و شرایط این جوری است و ایشان موافقت کرد که ما این کار را کنیم. بالاخره تعیین تکلیف کردیم، آنجا هم با ایشان خیلی صمیمی بودیم و بعد در طی سال‌ها ارتباطمان با ایشان صمیمی‌تر و نزدیک‌تر شد و کم کم به ما در آستان قدس کارهای متفرقه‌ای واگذار شد؛ مثلاً من اولین مسئولیتی که در آستان قدس گرفتم «عضو هیئت‌مدیره مؤسسه جوانان» بود که تازه این مؤسسه تأسیس شده بود و در آنجا عضویت داشتیم. کم کم در هیئت‌مدیره‌های مختلف و شوراهای مختلف بودیم تا اینکه بعد از دبیر کلی اتحادیه که به مشهد برگشتم، مسئول روابط عمومی شدم.

به عنوان فردی که مدت‌ها در کنار آیت الله واعظ طبسی حضور داشتید ولایت‌پذیری و مواضع ایشان در مقاطع حساس انقلاب به ویژه فتنه ۸۸ را چگونه دیدید؟

آیت الله طبسی به امام خیلی معتقد بود و اندیشه امام را خیلی تبیین می‌کرد. نسبت به مقام معظم رهبری همین‌طور بود؛ یعنی ایشان مشابهت بین مقام معظم رهبری و دیگران قائل نمی‌شد، اصلاً آن‌ها را قابل مقایسه نمی‌دانستند. اگر کسی به آیت الله طبسی نزدیک می‌شد و نگاه ایشان را نسبت به مقام معظم رهبری و دیگر شخصیت‌ها از جمله هاشمی رفسنجانی می‌دید، متوجه می‌شد قابل مقایسه نیست؛ از این رو رابطه صمیمی، محترمانه و خوبی با هاشمی داشت. البته جنس رابطه آیت الله طبسی با مقام معظم رهبری کاملاً متفاوت با جنس رابطه ایشان با هاشمی بود. باورپذیری و تبعیت ایشان از مقام معظم رهبری مشخص بود؛ ایشان کاملاً خود را ملزم می‌دانست که این اتفاقات بیفتد و نظر آقا حتماً محقق شود. این مدل رابطه با هاشمی نبود، در یک فضای دیگری بود. این یک نکته که باورپذیری و در واقع تبعیت ایشان از مقام معظم رهبری قابل مقایسه نبود، یعنی مدل و جنس رابطه متفاوت بود.

نکته دوم اینکه ایشان در عین حال که بسیار متعبد به نگاه رهبری بود، در تعامل یک وظایفی برای خود احساس می‌کرد که در حفظ نیروهای انقلاب، توجیه نیروها، هماهنگ کردن آن‌ها، فرصت دادن به بعضی برای اینکه خود را پیدا کنند، چنین رویکردی داشتند؛ این رویکرد برای کسانی که از دورتر آیت الله طبسی را می‌دیدند این شبهه ایجاد می‌شد که نکند آیت الله طبسی هم شک و شبهه‌ای و موضع دیگری دارند، ولی برای ما که از نزدیک مرتبط بودیم و مواضع ایشان را می‌دانستیم چنین نبود. ما گاهی سؤال می‌کردیم در مورد مراسم، سخنرانان و برنامه‌ها و ایشان کاملاً مواضع محکم و انقلابی داشتند.

در جریان فتنه ۸۸ ایشان خیلی صریح و محکم بود، نهایت ایشان یک تکلیف اضافه بر دیگران احساس می‌کرد، آن هم در مورد حفظ افراد، توجیه افراد و فرصت دادن به افراد. من این نکات را تعمداً می‌گویم چون کسی ممکن است الآن در یک موضعی باشد و در این موضع شما نمی‌توانید آن را توجیه کنید، شرایط نامیزانی ایجاد و یک فرصتی لازم است، در این فرصت شما اگر این آدم را کلاً حذف کردید یا راندید دیگر فرصت برگشت سلب شده، ولی اگر یک فرصتی به او دادید و حمایت کردید، کاری انجام دادید که فرصت فراهم شده که خودش را دوباره پیدا کند و بفهمد اگر این مسیر

چندین بار در جلسات یادم است که آیت الله طبسی فرمودند هر کس هر نسبتی با من داشته باشد و در هر شرایطی باشد تخلفی کند، آن تخلف قابل رسیدگی است و باید حتماً پیگیری و برخورد شود. بنده شهادت می‌دهم که چندین بار در جلسات اصلی آستان قدس نه در جلسات عمومی بلکه در جلسات مدیران مثل هیئت امنا و شوراهای فرهنگی این نکته را بیان کردند و من از ایشان شنیدم.



پیرامون خدمت‌رسانی آیت‌الله واعظ طبسی به محرومین هم توضیح می‌دهید (مصادق)؟ چرا که این لقاء صورت می‌گرفت که در دوره آیت‌الله واعظ زیاد به محرومین توجه نمی‌شد و حتی ایشان به اشرافیگری متهم می‌شدند. با توجه به اینکه جناب‌عالی در آستان قدس حضور داشتید در این زمینه خاطره‌ای از تولیت فقید آستان قدس دارید؟

در بحث مالی ایشان به شدت مقید بود. آیت‌الله طبسی تولیت آستان بودند و سیستم آستان قدس تفاوت‌هایی با سیستم‌های دولتی دارد. دولت اختیاراتی دارد، اما باز باعث نمی‌شد ایشان اجازه بدهد تداخلی ایجاد شود. یک بار یادم است برای افتتاح یک مدرسه دخترانه در منطقه محروم مشهد که آستان قدس ساخته بود - حاج آقا هم خیلی شرایطشان از نظر جسمی سخت بود، اما خواهش کردیم ایشان برای افتتاح آمدند - مراسم که تمام شد پیرزنی از وسط مجلس بلند شد و شروع کرد به صدا کردن که آقای طبسی من کار دارم، مشکل دارم. من پشت سر این پیرزن گفتم مادر جان بیا برویم. تا ما آمدیم جلو و خواستیم ایشان را به حاج آقا برسانیم که چه می‌گوید، محافظان حاج آقا متوجه نشدند و رفتند. من با این مادر صحبت کردم و شماره‌اش را گرفتم و آدمم که برویم، حاج آقا گفتند: آن خانم با من چه کار داشت؟ برو پیدایش کن و او را بیاور. گفتم حاج آقا من پرسیدم، خیلی شاکوی بود از اینکه شوهرم سال‌ها من را ترک کرده و من ۱۵ سال دارم بی‌شوهر زندگی می‌کنم و دیگر نمی‌توانم زندگی کنم، مشکل کوچکی دارم به آیت‌الله طبسی بگوئید به من رسیدگی کند. آدرسش را گرفتند و گفتند: خیلی خب اگر اشکالی ندارد شما بروید ببینید چه کاری دارد.

مراسم که تمام شد ما رفتیم آستان قدس بعد از ظهر من برگشتم و رفتم خانه پیرزن را پیدا کردم و دیدم خیلی اوضاع او خراب است؛ از نظر غذا مردم به او می‌رسند مشکل خاصی داشت که مبلغ کمی پول نیاز داشت، خودش هم این را می‌خواست. یک خانه تک‌اتاق داشت، گفت همین کافی است. مشکلی داشت، می‌خواست مشکلش حل شود. من به حاج آقا فردا گزارش دادم که این پیرزن این چنین وضعیتی دارد، اگر اجازه بدهید من پول را به او بدهم تا مشکلش حل شود. حاج آقا به من زنگ زد و گفت: از اینکه رفتی سر زدی خیلی ممنون، سریع این کار را انجام دادید، این پول را می‌دهیم. پول سیستم اداری جایش محفوظ است، درست است من می‌توانم خرج کنم، ولی این دلیل نمی‌شود ما سیستم مالی را به هم بزنیم. شما بیا بالا از من این پول را بگیر، الان برایت داخل پاکت می‌گذارم و می‌فرستم. پولی که برای این کار هست جداست. حاج آقا برای من پول نقد گذاشت، فردای آن روز قبل از اینکه بروم خانه، رفتم این پول را به دست پیرزن رساندم.

نکته این خاطره دقت در محل صرف منابع است، هم از جهت مسائل مالی هم از این جهت که در تصور عموم این است که حاج آقا به فقرا توجه نداشتند، در حالی که این گونه نبود. حاج آقا مؤسسه‌ای برای رسیدگی به فقرا تشکیل داد و خود ایشان شدیداً به این موضوع توجه داشتند، اما در عین حال حساب و کتاب هم دقیق بود.



به عنوان فردی که در مشهد به دنیا آمده‌اید و در آستان قدس هم مسئولیتی بر عهده داشتید، بفرمایید باقیات صالحات آیت‌الله واعظ طبسی چه بود؟

اولاً پیرامون مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله طبسی چند جمله

عرض کنم بعد به باقیات الصالحات اشاره خواهیم کرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان این بود که بسیار متدین بود، کاملاً در حدود شرعی دقت داشت. من واقعاً بارها در جزئیات امور دیدم که ایشان نسبت به یک تصمیم، نسبت به یک مصوبه، نسبت به یک جمع‌بندی از جهت شرعی و دینی فوق‌العاده حساس بود. اگر شبهه می‌کرد، دست نگه می‌داشت، تا وقتی ملاک‌های دینی به وضوح روشن نمی‌شد تصمیم نمی‌گرفت. ایشان نسبت به مسئله حدود شرعی، حد تصرف و اختیارات شرعی و شروط واقف خیلی حساس بودند. نکته دوم اینکه ایشان نسبت به جایگاه حضرت امام رضا (علیه‌السلام) و حفظ عظمت و قداست آستان قدس خیلی مقید بود (من در این مورد از ایشان نکات زیادی را در ذهن دارم). نکته سوم اینکه برای ایشان نتیجه فکری کار مهم بود، حتی در کارهای عمرانی، توسعه‌ای و حتی ساختمان‌ها و مجموعه‌هایی که ساخته می‌شد؛ مثلاً در مورد دانشگاه امام رضا (علیه‌السلام) بارها دغدغه‌های جدی داشت. نمی‌خواستیم فقط یک دانشگاه بسازیم، بلکه برای ایشان نتیجه فکری و تربیتی دانشگاه مهم بود.

ویژگی دیگر اینکه از نظر شخصیتی بسیار باصلاط و بسیار منضبط بودند؛ یعنی یک بحث جدی را به راحتی می‌شد با آیت‌الله طبسی مطرح کرد. ایشان به ابعاد بحث به شدت دقت می‌کرد و بسیار دقیق بود و با نظم با موضوعات برخورد می‌کرد. اصلاً حالتی که بشود جو داد، شلوغ کرد، شر به پا کرد، نبود و اصلاً ایشان به کسی میدان نمی‌داد که شلوغ کند. حرفی می‌خواستید جلوی آیت‌الله طبسی بزنید باید کاملاً شمرده و دسته‌بندی شده با استناد بیان می‌کردید. دستاوردهای ایشان به نظر من خیلی زیاد است، مهم‌ترین آن به نظر من بهروری موقوفات بود؛ یعنی ایشان موقوفات را احیا کرد، این احیا در دو، سه جهت بود. خیلی از اموال آستان قدس به تاراج رفته بود، آیت‌الله واعظ طبسی آن‌ها را به سختی برگرداند و حق موقوفه را احیا کرد. آقای رئیسی هم می‌گفت هر وقت من را با آقایان شاهرودی و آملی می‌دیدند، یک سره بحث موقوفات را داشت.

از سسوی دیگر جاهایی که با منافع مردم در تعارض بود، ایشان می‌گفت من نمی‌توانم از حق آستان بگذرم، دولت کمک کند. مال آستان قدس مال من نیست، این واقف این‌ها را برای امام رضا وقف کرد، یک جاهایی اگر با شرایط فعلی مردم در تعارض است دولت کمک کند، ما که چنین وظیفه شرعی نداریم، چنین پولی نداریم. در دوره آیت‌الله واعظ طبسی موقوفات با برنامه‌ریزی احیا شد و ایشان درآمد آستان قدس را از موقوفات به شدت افزایش داد. ضمن اینکه بخشی از احیای موقوفات، املاک و اموال است، یک بخش دیگر هم آثار و نتایج و مسائل معنوی آستان قدس است، مثل نسخ خطی، اشیای گران قیمت در موزه‌ها و خزانه آستان قدس؛ ایشان در نگهداری آن‌ها معتقد به روزترین شرایط و جدیدترین روش‌ها بود، ضمن اینکه بر تقویت مخازن معنوی آستان قدس خیلی تأکید می‌کرد.

وقتی بهروری موقوفات اضافه شد، منابع هم شکوفا شد؛ از این رو هم در حوزه توسعه حرم و هم در حوزه توسعه خدمات فرهنگی آستان قدس شما شاهد یک رشد کاملاً غیرقابل مقایسه با قبل از انقلاب هستید. قبل از انقلاب فقط آستان قدس یک واحد فرهنگی کوچک داشت، اما اگر این منابع احیا نمی‌شد، منابع مؤسسه‌ای که شکل گرفت از کدام منبع تأمین می‌شد؟ حاج آقا حقیقتاً به نورات مقید بودند. به نظر بنده مهم‌ترین دستاورد آیت‌الله طبسی احیا و بهروری موقوفات در جهت توسعه حرم بود.

از نظر شخصیتی بسیار باصلاط و بسیار منضبط بودند؛ یعنی یک بحث جدی را به راحتی می‌شد با آیت‌الله طبسی مطرح کرد. ایشان به ابعاد بحث به شدت دقت می‌کرد و بسیار دقیق بود و با نظم با موضوعات برخورد می‌کرد. اصلاً حالتی که بشود جو داد، شلوغ کرد، شر به پا کرد، نبود و اصلاً ایشان به کسی میدان نمی‌داد که شلوغ کنسید. حرفی می‌خواستید جلوی آیت‌الله طبسی بزنید باید کاملاً شمرده و دسته‌بندی شده با استناد بیان می‌کردید

گفت و گو با مصطفی پورمحمدی

معتقد و مؤمن به رهبری

در رفتار آیت الله طبسی
یک همخوانی و هم گرایی با نوع تفکر و نگاه و راه امام می دیدیم

فاطمه علی شاه

خبرنگار

«مصطفی پورمحمدی» زمستان ۱۳۲۸ در یکی از محلات قدیمی قم، متولد شد. وی که با پایان تحصیلات مقدماتی، علوم دینی را در حوزه های علمیه قم، تهران و مشهد خوانده، در سن بیست سالگی به عنوان جوان ترین نیروی قضایی کشور، دادستان انقلاب در مسجد سلیمان شد و پس از آن در دستگاه های قضایی بندرعباس مشغول به فعالیت می شود. در همین دوران که به واسطه تحقیق در مورد دوستی با سبقة انقلابیگری به مشهد سفر می کند، از نزدیک با مرحوم طبسی دیدار می کند؛ تا اینکه خرداد ۶۱ که به مدت ۵ سال دادستان انقلاب مشهد می شود مرادتش با تولیت سابق آستان به گونه ای می شود که به اذعان خودش تا آخرین لحظات عمر شریف آیت الله طبسی برقرار می ماند. با تکیه بر همین شناختی که وزیر دادگستری دولت یازدهم از مرحوم واعظ طبسی به خاطر سال های خدمتش در مشهد پیدا کرده، با وی به گفت و گو نشستیم که متن آن در ادامه آمده است.



درباره فعالیت های منحصر به فرد آیت الله طبسی در

دوران مبارزات انقلابی شان و همراهی ایشان با

بزرگان انقلاب صحبت کنید.

ایشان در استان خراسان جزو چهره های سرشناس انقلابی و از فضایی حوزه و خطبای مطرح و باصلاحت بودند و بعد از ۱۵ خرداد جزو همراهان برجسته حضرت امام (ره) و مدافعان راه امام و نهضت امام خمینی بودند؛ به همین دلیل هم ساواک پیگیری های زیادی و دستگیری های متعدّد و تعقیب و ممنوع المنبر بودن را نسبت به ایشان داشت و از همین جهت هم ایشان چهره شناخته شده ای بود. این وضعیت تا زمان انقلاب به شکل برجسته ای وجود داشت و نهضت اسلامی و مبارزات انقلابی با مدیریت مقام معظم رهبری، آیت الله طبسی و شهید هاشمی نژاد در خراسان تداوم داشت. البته چون من مقیم مشهد نبودم با فعالیت ها و اقدامات ایشان آشنایی و ارتباط و اطلاع چندانی نداشتم؛ این اطلاعات به نحوی بین انقلابیون مطرح بود، چنانچه شنیده بودیم ایشان یکی از چهره های بارز و شناخته شده انقلابی به خصوص در سطح استان خراسان بودند.

جناب پورمحمدی! سابقه آشنایی شما با آیت الله

طبسی به چه زمانی برمی گردد؟

آیت الله طبسی از چهره های فعال، مبارز و مقاوم و انقلابی در خراسان بودند و من اسم ایشان را زیاد شنیده بودم، ولی به دلیل عدم سکونت در مشهد ایشان را ندیده بودم. در سال ۱۳۶۰ که دادستان انقلاب بندرعباس و استان هرمزگان بودم و به دنبال جانشین می گشتم، برای تحقیق در مورد دوستی ساکن مشهد که سابقه مبارزاتی و انقلابی هم داشت، به مشهد سفر کردم. چون آیت الله طبسی ایشان را می شناخت، برای آشنایی بیشتر با احوالات ایشان توفیق زیارت آیت الله طبسی را پیدا کردم. شاید قبل از آن دیدارهای پراکنده ای داشتیم، ولی این اولین دیدار مستقیم و کاری ما بود. خرداد سال ۱۳۶۱ هم که به عنوان دادستان انقلاب مشهد انتخاب شدم، به دلیل مقیم شدن در مشهد مجدداً ایشان را زیارت کردم و طبعاً این آشنایی حدود ۵ ساله که در مشهد بودم به طور مستمر و بسیار از نزدیک برقرار بود؛ بعد از آن هم تا آخرین لحظات عمر شریفشان این ارتباط برقرار بود.



نسبت به آداب ظاهری و نظم در کار هم خیلی مقید بودند و بر رعایت اصول کار تأکید داشتند. در واقع نگاه ویژه‌ای به آراستگی، نظافت، پوشش لباس، تنظیم محیط و محل کار داشتند، به خصوص اینکه تولیت آستان قدس بودند و یک مرکز فرهنگی باید از آراستگی ویژه‌ای برخوردار باشد؛ می‌توان گفت که ایشان شخص فوق‌العاده ممتاز و یگانه‌ای برای ایجاد این آراستگی بودند. توجه ویژه جناب طبعی به نظم و آراستگی برای زواری که در طول این سال‌ها وارد حرم شدند، محسوس بود؛ در واقع محیط آراسته و دل‌نشین آستان قدس در عین هماهنگی اخلاق خدام آن، فضای زیارتی برجسته و دل‌نشینی برای زوار فراهم می‌کرد. هماهنگی و نظم واحد خدام نیز بسیار برجسته است و در واقع مدیریت ممتاز ایشان در آستان قدس باعث ایجاد فرهنگ ویژه‌ای در فعالیت‌های خدام در واحدهای مختلف کفشدارها، نگهبان‌ها، فراش‌ها و ... شده است. فرهنگ خدمت به زائرین امام رئوف به گونه‌ای نهادینه شده که از سطوح بالای تحصیلاتی و مدیریتی تا کف جامعه با اشتیاق در جایگاه یک کفشدار، نگهبان، دربان و نظافتچی به زائرین خدمت می‌کنند. ارج دادن به این کار و موقعیت‌سازی برای اینکه امثال بازرگان و دکتر، وزیر و وکیل به این مکان‌ها بیایند و خدمتگزار بارگاه رضوی باشند یک افتخار بزرگ است. در عین حال محیط و شرایط و فضا هم باید آماده باشد که خوشبختانه مدیریت خدام آستان الگویی برای سایر اماکن مقدسه، مساجد و عتبات و بارگاه‌ها و مقبره‌ها شده است. مرحوم آیت‌الله طبعی انسانی توسعه‌گرا، آینده‌نگر و بلندپرواز بود و ذهن بلندپرواز ایشان بود که طرح‌های بسیار کلان را می‌پذیرفت و اجازه می‌داد مشاورین و مستشاران و مهندسين و طراحان برجسته بیايند و طرح و ایده دهند؛ ایشان با جدیت از این طرح‌ها و ایده‌ها پشتیبانی می‌کرد. امروزه مجموعه آستان قدس به‌عنوان یک مجموعه بزرگ در بین مجموعه اماکن مقدس مذهبی و فرهنگی جهان شناخته می‌شود.

نکته بعدی و بسیار مهم، تقوا و زهد مرحوم آیت‌الله طبعی و وسواس ایشان در مراقبت و هزینه کردن اموال و نذورات و تبرکات مردم بود؛ گاهی ممکن بود واقعی محور وقفش را پهن کردن سفره‌هایی رنگارنگ قرار می‌داد و از همین رو ایشان علی‌رغم اینکه ممکن بود از اجرای این خواسته، تعبیر به پهن کردن سفره‌های طاغوتی شود، نظر واقف را ارج می‌نهادند و اجرائش می‌کردند و می‌گفتند دیگران هرچه می‌خواهند بگویند، واقف گفته است که فلان مهمانی و جشن را برگزار کنید و چند نوع غذا بدهید.

یخ‌هایی از انتساب ایشان به اشرافیگری مطرح شده است، نظر شما در این خصوص چیست؟

این مسئله را رد می‌کنم، ایشان همان منزلی که قبل از انقلاب داشت را تا آخرین لحظه حیاتشان با همان وسیله و تجهیزات خانه و هزینه و عملکرد حفظ کرد. حق عسری که از جایگاه تولیت به ایشان تعلق می‌گرفت حقی شرعی بود، اما ایشان به جای استفاده شخصی با توجه به اختیار در خرج، این مبلغ را به توسعه ضریح، سنگ قبور، حسینیه، فقرا، مستمندان اختصاص می‌دادند. تمام حق تولیت ایشان صرف فعالیت‌های فرهنگی و عمدتاً صرف همان آستان قدس می‌شد. امروز بلاشک می‌توان گفت خدماتی که آیت‌الله طبعی در دوران سی‌وهفت‌ساله

از لحاظ علمی تا چه اندازه آیت‌الله طبعی را می‌شناسید؟

ایشان به‌عنوان یکی از علما و فضایی شناخته‌شده و از مدرسین ممتاز حوزه علمیه مشهد بودند. وجهه علمی شاخصی داشتند و از شاگردان ممتاز علمای مشهد و صاحب‌نام مشهد مانند مرحوم آیت‌الله میلانی و دیگر بزرگانی چون آیت‌الله قزوینی و ادیب نیشابوری و دیگر اساتید بودند. در حوزه به‌عنوان یک عالم مبارز شناخته می‌شدند و همچنین در فضای انقلابی جوان‌ها، روشنفکران، مبارزین و علمای بلاد از وجهه مقبول و مطلوبی برخوردار بودند.

اگر بخواهید وجوه شاخص مدیریتی ایشان را در آستان قدس رضوی مطرح کنید، چگونه ایشان را معرفی می‌کنید؟

آیت‌الله طبعی فردی کاملاً هدفدار و معتقد بودند و باورهای عمیق و مستدلی داشتند. از نظر علمی، فکری و در عمل صادقانه رفتار می‌کردند. رفتار و منش متین چه نسبت به همکاران و چه بزرگان و نیروها و جوانان و مردم، جزء برجستگی‌های شاخص رفتاری ایشان بود. مدیریت دو بخش دارد: یک بخش ذاتی، خصلت‌های خدادادی و استعدادهای ذاتی است و یک بخش هم اکتسابی. ایشان از هر دو بخش به‌خوبی برخوردار بودند و از جنبه مدیریتی ویژگی‌های ممتازی داشتند. ایشان در دوره مبارزه و انقلاب یک شخصیت مدیریتی ممتاز از خودشان ارائه کرده بودند و جزو مدیران طراز اول کشور قرار داشتند. ایشان فردی بسیار منظم و با برنامه بودند و در کارهای مختلف فعالیت‌هایشان طبق برنامه و طبق نظم و متعهد به برنامه بود. یک نکته بسیار اساسی اینکه ایشان اهل مشورت بودند، باینکه اختلاف سنی مان با ایشان زیاد بود. ایشان آرام در مباحثات صحبت‌ها را گوش کرده و تأمل می‌کردند تا به یک تصمیم برسند. متانت و تأمل جزو ویژگی‌های بارز شخصیتی ایشان بود.

خاطره‌ای در همین زمینه بحث مشورتی با ایشان دارید؟

آن زمان به یاد دارم که استان خراسان و مشهد مانند جاهای دیگر کشور شرایط سخت و ملتهب و حساسی داشت؛ به خاطر همین جلسات مشترکی با محوریت آیت‌الله واعظ طبعی، استاندار، فرمانده سپاه و مسئول اطلاعات و بنده تشکیل می‌شد. این جلسات از همان سال ۱۳۶۱ تا سال ۶۵ به طور منظم برگزار بود. مرحوم طبعی به این مشورت و رایزنی اهتمام داشتند. به یاد ندارم که ایشان با وجود جایگاه والایشان در تولیت آستان قدس، نمایندگی امام در خراسان و ریاست حوزه علمیه خراسان مطلبی را دیکته کرده باشند. با وجود شأن ملی و منطقه‌ای برجسته‌ای که داشتند، ولی حرمت مجموعه‌ها و جایگاه‌ها را خیلی خوب نگه می‌داشتند.

ایشان همیشه به بنده لطف داشتند و بین ما همکاری نزدیکی برقرار بود؛ در عین حال هیچ‌گاه از موضع آمرانه، دستوری و به‌صورت دیکته‌ای مطلبی بین ما نبود که ایشان بخواهند برخورد کنند؛ این رفتار ایشان سبب علاقه‌مندی و همکاری خیلی صمیمانه و مطبوع با کسانی که با ایشان کار می‌کردند، شده بود و یک احساس لطیف و دل‌پسند و رضایت‌بخشی را از این همکاری ایجاد می‌کرد.

شورای مدیریت بحران
استان خراسان از
همان سال ۱۳۶۱ تا سال
۶۵ با حضور آیت‌الله
طبعی، استاندار،
فرمانده سپاه و بنده
به طور منظم تشکیل
می‌شد. به یاد ندارم
که ایشان با وجود
جایگاه والایشان در
تولیت آستان قدس،
نمایندگی امام در
خراسان و حوزه علمیه
خراسان مطلبی را
دیکته کرده باشند.
با وجود شأن ملی و
منطقه‌ای برجسته‌ای
که داشتند حرمت
مجموعه‌ها و جایگاه‌ها
را خیلی خوب نگه
می‌داشتند

از جمله در حوادث سال های اخیر و بحران هایی که در سال ۸۸ دچار آن شدیم؛ پس از آن نیز مرحوم آیت الله طبسی بسیار مقید به همراهی، پشتیبانی و وفاداری به رهبری و آرمان های رهبری بودند.

حمایت آیت الله طبسی در شرایط خاص فتنه ۸۸ از مقام معظم رهبری را نشات گرفته از چه اصلی می دانید؟

آیت الله طبسی یک عنصر انقلابی، استوار، استخوان دار، هوشمند و عمیق در مسائل انقلاب بود. ایشان حس مشترک و نگاه و فهم مشترکی با مقام معظم رهبری در مسائل داشتند و درک و بصیرت نزدیک و دقیقاً منطقی داشتند. می توان گفت انسان هایی با فهمی دقیق و عمیق که سبقة همراهی با امام و زندگی در فضای انقلاب را داشته، طبعاً دیدگاه و فهم مشترکی هم از حوادث دارند؛ از این منظر چنین انسان هایی با نگاه به حوادث به آسانی سایه و دست دشمن را می بینند. در واقع فهم مشترک مرحوم واعظ با مقام معظم رهبری در دشمن شناسی باعث شده بود ایشان در این مسئله بسیار مؤمنانه، وفادارانه در کنار رهبری قرار گرفته و از ایشان حمایت کند.

لطفاً در خصوص مواضع و اقدامات ایشان در دوران پس از دفاع مقدس و مسائل سیاسی کشور از جمله بنی صدر هم صحبت کنید.

ایشان جزو چهره های سرشناس و معتقد و وفادار و استوار انقلاب بود که از همان ابتدای انقلاب نقش آفرین در تمامی صحنه ها در کنار یاران صدیق انقلاب و حلقه های اول همراهان امام بودند و وفاداری و اثرگذاری شان تا لحظات آخر ادامه داشت. ایشان واقعاً شخصیت بی بدیل و کم نظیری بودند.

مصادقی در این خصوص مدنظر تان هست؟

ایشان جزو یاران اصلی و مدیران ارشد انقلاب بودند. وقتی بحث جنگ بود، با تمام ظرفیت و انرژی در خدمت جنگ بودند. در بحث مناقین و درگیری های شدیدی که با آن ها وجود داشت، ایشان بسیار محکم و استوار بود. آن زمان من دادستان انقلاب در آنجا بودم، درگیری ها شدید بود و ترورهای پی در پی در مشهد داشتیم، گروه های دیگر ضدانقلاب همچون کمونیست ها و توده های ها و براندازها آنجا بودند؛ اما ایشان خیلی محکم و استوار در کنار امام بودند و هیچ گاه خلل و سستی در اراده ایشان ندیدیم. هر جا سستی و تعللی بود ایشان آن را برطرف می کردند، محکم وارد می شدند و ما را در اجرای صحیح، دقیق، عادلانه و قاطعانه نظرات امام و نظام و انقلاب هدایت می کردند. ایشان در همه صحنه ها مداوم و پیوسته حضور داشتند و رکن و استوانه و پناهگاه بودند. واقعاً مصداق بارز این کلمات معصومین بودند که «وقتی یک مؤمن فقیه با عالمی از دست می رود واقعاً رخنه بزرگی ایجاد می شود که پرناشدنی است». مرحوم واعظ واقعاً از جمله مردانی بود که صادقانه پای پیمان و تعهدات خویش ایستاد، در حالی که از همان اول با مشکلات جسمی مواجه بود. در مقابل نقدهای غیرمنصفانه و مخرب با متانت و بردباری کار خودش را انجام می داد. می بینیم که چه آثار بزرگ و ماندگاری بر جای گذاشته است. ان شاء الله خداوند بر درجات ایشان بیفزاید و ایشان را مشمول عنایات خاصه مولایشان علی بن موسی الرضا قرار دهد و ما را نیز توفیق دهد این راه را با اخلاص ادامه دهیم.

مدیریتشان در آستان قدس داشته اند، با تمام دوران قبل از مدیریت ایشان یعنی از ابتدای تشکیل آستانه مقدسه تا مدیریت ایشان برابری می کند.

درباره رابطه آیت الله طبسی با امام و بعد از ایشان با مقام معظم رهبری، نگاهتان چگونه است؟

ایشان از مریدان امام بودند و از ابتدای انقلاب به عنوان نماینده امام و تولیت آستان قدس انتخاب شدند و فوق العاده نسبت به امام وفادار و مقید بودند. ایشان بلافاصله با طرح کوچک ترین مسئله ای از سوی حضرت امام کاملاً مقید بودند که نظر امام را چه موافق طبعشان باشد و چه نباشد، عمل کنند. البته آیت الله طبسی ذهنیت و دیدگاهشان نزدیک به امام بود. در رفتار آیت الله طبسی یک همخوانی و هم گرایی با نوع تفکر و نگاه و راه امام می دیدیم. حضرت امام هم نسبت به ایشان خیلی عنایت و لطف داشتند و اختیارات و توجهی که به ایشان بود و اعتمادی که به ایشان بود، حکایت از رابطه ای دوجانبه داشت و تا آخرین لحظه حیات امام به قوت ادامه داشت.

ایشان با مقام معظم رهبری از دوران طلبگی انس و حشرونشر داشتند و رفیق، هم فکر و هم مبارزه بودند، به خصوص در منطقه خراسان و مشهد از چهره های برجسته و شناخته شده انقلاب بودند، از این جهت علاقه و پیوند عمیقی با هم داشتند. ظاهراً و واقعاً این گونه بود که از نزدیک ترین افراد به مقام معظم رهبری، آیت الله طبسی بود، به گونه ای که اگر دایره نزدیکان مقام معظم رهبری را منحصر به انگشتان یک دست بدانیم، مرحوم طبسی در این محدوده قرار داشتند؛ همین ارتباط و اعتماد تا آخرین لحظات عمرشان برقرار بود و مورد توجه ویژه مقام معظم رهبری بودند. هروقت به تهران می آمدند و مایل به ملاقات با مقام معظم رهبری بودند، این دیدار انجام می شد؛ اشتیاقی دوطرفه بود. مقام معظم رهبری نیز سالانه دوره ای را برای زیارت به مشهد مشرف می شدند و آیت الله طبسی میزبان ایشان بودند؛ این انس در اوج خودش قرار داشت.

نوع توجه و علاقه و پذیرایی و دلدادگی بین ایشان و مقام معظم رهبری (چه در دوران ریاست جمهوری و چه در دوران رهبری آیت الله خامنه ای) این ارتباط را عمیق تر کرده بود. ایشان جزو چهره های امین و مورد اعتماد و توجه رهبری بودند. بسیاری از بزرگان برای رساندن مطالبشان به رهبری، ابتدا آن را با مرحوم واعظ مطرح می کردند تا از طریق ایشان مطلبشان به رهبری برسد. ایشان دانش ویژه و ممتازی در مسائل معنوی، حوزوی، مسائل ملی و سیاسی داشتند، همین مسئله هم باعث عنایت ویژه سایر علما، مراجع و مقامات عالی قوا و سیاستمداران و بزرگان کشور نسبت به ایشان شده بود؛ در واقع نظرشان بسیار تأثیرگذار بود.

اگر بخواهید در خصوص حمایت آیت الله طبسی از مقام معظم رهبری مصداقی را بگویید، آیا نکته ای را مدنظر دارید؟

ایشان فوق العاده معتقد و مؤمن به رهبری بود و در تمام این مسائل که ما می دیدیم وفادارانه نسبت به رهبری عمل، پشتیبانی و همراهی می کرد؛ به گونه ای که در همه موضوعات (کوچک و بزرگ) بسیار به همراهی با رهبری مقید بودند. از همان اوایل انقلاب و دوران ریاست جمهوری مقام معظم رهبری، این همراهی در تمام مسائل سیاسی و اجتماعی و حوادث و بحران ها و دستاوردها وجود داشت،

مدیریت دو بخش دارد؛ یک بخش ذاتی، خصلت های خدادادی و استعداد های ذاتی است و یک بخش هم اکتسابی. ایشان از هر دو بخش به خوبی برخوردار بودند و از جنبه مدیریتی ویژگی های ممتازی داشتند. ایشان در دوره مبارزه و انقلاب یک شخصیت مدیریتی ممتاز از خودشان ارائه کرده بودند و جزو مدیران طراز اول کشور قرار داشتند



مرحوم آیت الله طبسی انسانی توسعه گرا، آینده نگر و بلندپرواز بود و ذهن بلندپرواز ایشان بود که طرح های بسیار کلان را می پذیرفت و اجازه می داد مشاورین و مستشاران و مهندسين و طراحان برجسته بیایند و طرح و ایده دهند؛ ایشان با جدیت از این طرح ها و ایده ها پشتیبانی می کرد



گفت‌وگو با

محمدحسین صفارهرندی

یک انقلابی به تمام معنا

مواضع محکم آیت‌الله واعظ در قبال کژروی از اصول انقلاب حاکی از عدم توجه ایشان به برخی دوستی‌های دیرین بود

ساحل عباسی

خبرنگار

محمدحسین صفارهرندی سیاستمداری است که روزنامه‌نگاری را افتخار آشنایی خود با آیت‌الله واعظ طبسی می‌داند. از روزهای جوانی یاد می‌کند و جلساتی که در حضور آیت‌الله واعظ طبسی از نزدیک برنامه‌های فرهنگی آستان مقدس را دنبال کرده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت هشتم که عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه سیاسی خود دارد، از نزدیک افتخار آشنایی و همراهی با آیت‌الله واعظ طبسی را در دوران روزنامه‌نگاری، وزارت و مجمع تشخیص داشته است. شاید دورانی که وی با آیت‌الله واعظ طبسی گذرانده در مجموع به نسبت سایر مستولان نظام کمتر باشد، اما ویژگی‌هایی که از این عزیز سفرکرده به یاد دارند موجب شده است که با ارادت و محبت از ایشان یاد کنند. دکتر محمدحسین صفارهرندی در گفت‌وگو با قدس خاطرات خود را از آنچه در محضر آیت‌الله دیده و درک کرده را بازگو می‌کند.

به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید انتخاب آیت‌الله

واعظ طبسی به‌عنوان تولیت آستان قدس رضوی

از سوی امام خمینی (ره) بر اساس کدام یک از ویژگی‌های

شخصیتی و معرفتی این بزرگ سفرکرده بوده است؟

بی‌تردید مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی از ممتازترین چهره‌های پیش‌گام و جلوداران در پیروزی انقلاب اسلامی در استان خراسان و مشهد مقدس به شمار می‌روند. آیت‌الله واعظ طبسی از چهره‌های مبارز و زجر دیده‌ای است که در کنار رهبر معظم انقلاب، شهید هاشمی‌نژاد و شهید کامیاب نقش ویژه‌ای در پرچمداری مبارزه با رژیم طاغوت در سال‌های ۵۶ و ۵۷ بر عهده داشتند. مرحوم واعظ طبسی نزد امام خمینی (ره) از جایگاه رفیعی برخوردار بودند. ویژگی‌های شخصیتی و معنوی ایشان امام را بر آن داشت تا تولیت آستان قدس رضوی را به ایشان واگذار کنند؛ چراکه مدیریت بارگاه و آستان قدس رضوی مسئولیتی خطیر بود که هر کسی توان انجام درست آن را ندارد.

بنابراین، مهم‌ترین افتخار آیت‌الله طبسی سپردن این امانت رضوی و معنوی از سوی امام انقلاب به ایشان بود. هرچند تولیت آستان قدس رضوی پیش از انقلاب بر عهده شاه بود و کسانی که نایب‌التولیه بودند غالباً استنادارانی بودند که توسط شاه انتخاب می‌شدند، اما به واقع می‌توان گفت در رژیم گذشته نایب‌التولیه‌های آستان قدس رضوی در قیدوبند مسائل معنوی نبودند. بی‌تردید مقایسه شخصی همانند آیت‌الله واعظ طبسی با فردی همانند شاه و آخرین نایب‌التولیه او «ولیان» قیاس مع‌الفارق است؛ تفاوت‌های شخصیتی، اعتقادی، معنوی و پاکی تولیت آستان قدس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با نایب‌التولیه‌های زمان شاه به اندازه آسمان تا زمین است. از این رو می‌توان گفت امام خمینی (ره) با توجه به



خوشبختانه آیت الله واعظ طبسی سهم قابل توجهی در اعتلای برنامه‌های فرهنگی آستان قدس ایفا نمودند. بی‌شک این رویکرد در دوران تولیت آستان قدس رضوی از سوی آیت الله رئیسی با نگاه جامع‌تری دنبال می‌شود که ستودنی است و دنباله‌رو اهداف فرهنگی و معنوی است که آیت الله واعظ آن را دنبال می‌کردند؛ اما درگذشت ایشان این امکان را از این مرد بزرگ و خدمتگزار به آستان قدس رضوی گرفت

ویژگی‌های شخصیتی معرفتی و ایمانی و سوابق مبارزه ایشان با نظام طاغوت افتخار سرپرستی آستان مقدس رضوی را به آیت الله واعظ سپردند؛ چراکه می‌دانستند ایشان بهترین فردی است که می‌تواند عمر خود را وقف خدمتگزاری به امام رضا علیه‌السلام نماید.

مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مرحوم آیت الله واعظ طبسی که نظر شما را به خود جلب کرد لطفاً

به اختصار عنوان فرمایید؟

همه کسانی که آیت الله طبسی را از نزدیک می‌شناسند متفق القول از رقت قلب ایشان سخن می‌گویند. درحالی که انسان بسیار مهربان و رؤوفی بودند، اما بر اصول مورد نظر خود بسیار پافشاری می‌کردند؛ برای مثال خاطره‌ای از ایشان را نقل می‌کنم. زمانی که در وزارت بودم به یاد دارم روزی خدمت ایشان رسیدم، از من پرسیدند: آیا تا به حال خادم حرم بودید؟ گفتم خیر. ایشان گفتند که می‌توانید به این افتخار برسید. از شنیدن این پیشنهاد بسیار مسرور شدم. مرحوم آیت الله طبسی فرمودند شما به شرطی می‌توانی خادم شوید که حداقل ماهی یک بار برای خدمتگزاری به امام رضا علیه‌السلام به مشهدالرضا مشرف شوید. با تمام شوق و ذوقی که برای خادمی امام رضا علیه‌السلام داشتم به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب و ازدیاد برنامه‌ها عرض کردم، نمی‌توانم قول دهم که ماهی یک بار مشرف شوم، ممکن است یک ماه دو بار یا دو ماه یک بار افتخار تشریف داشته باشم. ایشان به هیچ وجه اهل تعارف نبود؛ بنابراین گفتند که شرط بنده جدی است. این مسئله از ویژگی‌های ایشان بود که با هیچ کس تعارف نمی‌کردند، بلکه بر اصول خود استوار بودند.

از دیگر ویژگی‌های شخصیتی ایشان رفتارهای اقتدارگرایانه ایشان بود. دوستان و نزدیکان مرحوم طبسی می‌دانند که مرحوم آیت الله واعظ طبسی در برخورد با اشخاص، انسان بسیار متواضعی بودند؛ اما مدیریت دستگاه بزرگی چون آستان قدس رضوی نیازمند اقتدار است که در ایشان به شدت وجود داشت. از سوی دیگر تواضع ایشان چهره‌ای متفاوت از ایشان به نمایش گذاشته بود. مرادوات دوستانه و خاشعانه ایشان را با مردم می‌دیدم. مثل افراد عادی در حرم میان مردم می‌نشستند و زیارت‌نامه می‌خواندند و به راحتی و سادگی با مردم ارتباط برقرار می‌کردند. ایشان نه تنها به مسئولین بلکه به عموم مردم و زائران حرم امام رضا علیه‌السلام احترام می‌گذاشتند و با بردباری و تواضع با همگان رفتار می‌کردند.

انتخاب آیت الله واعظ طبسی به عنوان تولیت

آستان قدس از سوی مقام معظم رهبری را پس از

رحلت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از سوی دیگر متأسفانه برخی به ایشان اتهاماتی می‌زدند یا

اظهارنظرهایی می‌کردند که با واقعیت زندگی شخصی و

اجتماعی ایشان سنخیتی نداشته است، در این باره چه

نظری دارید؟

از ویژگی‌های بارز آیت الله واعظ که بسیار قابل اعتنا است، اعتماد حضرت امام خمینی (ره) تا پایان عمر به ایشان و تداوم این اعتماد از سوی مقام معظم رهبری به آیت الله طبسی بود. آیت الله طبسی تارحلت بنیان‌گذار انقلاب به عنوان تولیت آستان

قدس رضوی خدمتگزار آستان نورانی امام هشتم علیه‌السلام بودند. با رحلت پیر جماران حضرت آیت الله خامنه‌ای به اعتبار سوابق انقلابی و مدیریتی بعد از انقلاب، تولیت آستان قدس رضوی را همچنان به ایشان سپردند که این مسئله بسیار جای اعتنا دارد؛ چراکه اعتماد دو رهبر جمهوری اسلامی به ایشان در طول ۳۷ سال خود حاوی نکات ارزنده‌ای از ویژگی‌های مثبت شخصیتی و اعتقادی ایشان است.

بدیهی است افراد درباره هم اظهارنظر می‌کنند، به خصوص درباره کسانی قضاوت می‌کنند یا از آن‌ها سخن می‌گویند که مدیریت‌های قابل توجهی بر عهده آن‌ها گذاشته شده است. تولیت آستان قدس رضوی در طی بیش از ۳ دهه نیز منشأ و محل قضاوت‌ها و اظهارنظرهای مختلفی بود؛ اما ویژگی منحصر به فرد آیت الله طبسی عدم شکنندگی ایشان در برابر

خاطره هاشمی از ترور نافر جام آیت الله توسط نفوذی منافقین

آیت الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۳۰ بهمن ۱۳۶۱ می‌نویسد: دیشب خبر رسید که در نماز جمعه مشهد، فیلم‌بردار تلویزیون با سیم برق اقدام به ترور آقای واعظ طبسی کرده که با دفاع به موقع ایشان و کمک پاسداران موفق نشده و خودش با گلوله محافظان کشته شده. تلفنی با آقای طبسی تماس گرفتم. معلوم شد همکارش را که احتمالاً در توطئه شریک بوده بازداشت کرده‌اند؛ و همچنین محافظ آقای شیرازی [امام‌جمعه مشهد] را که او را کشته، گرفته‌اند و بازجویی برای کشف شبکه ادامه دارد. منافقین هم در پاریس مسئولیت آن را به عهده گرفته‌اند. شواهدی پیدا شده که از عوامل نفوذی منافقین باشد. خاطره‌ای درباره حساسیت آیت الله واعظ طبسی به حجاب آیت الله علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی می‌گوید: در سفری با آیت الله طبسی به وسیله هواپیما عازم تهران بودیم، ایشان فرمودند، در هواپیما که می‌نشینم و وضعیت حجاب زنان میهمان‌دار و مسافر را می‌بینم، احساس تنگ و عار می‌کنم؛ آیا ما انقلاب کردیم که این فضا به وجود آید؟

خاطرات



منبع: خبرگزاری فارس، ۲۴ آذر ۱۳۹۵
(مسئله بی‌حجابی میهمان‌دارها باید حل شود)



ناملایمت‌ها و قضاوت‌های نادرست بود. بی‌شک دوره طولانی مسئولیت ایشان در آستان قدس موجب اظهار نظرهایی شده بود، هرچند بسیاری از انتقادهای صورت گرفته در خصوص مدیریت‌های پیرامون ایشان بود و به نحوه مدیریت خود ایشان ارتباطی نداشت، به نحوی که اکثر منتقدان شخص آیت الله واعظ را مبرا از انتقادهای می‌دانستند؛ اما آیت الله واعظ در عمل نشان داد از بسیاری اتهامات یا بی‌انصافی‌ها به دور هستند. زندگی ساده ایشان که از دید بسیاری از مسئولان و مردم مشهد پنهان نیست، نشان داد که ساده‌زیستی ویژگی شخصیتی و ایمانی ایشان است. بنده با استناد به دیده‌هایم و آنچه از افراد موثق شنیده‌ام به جرئت می‌گویم مرحوم آیت الله طبسی تا پایان عمر در منزلی زندگی کردند که قبل از پیروزی انقلاب در آن سکونت داشتند. زندگی سالم و ساده ایشان جای هیچ ابهامی نداشت. سادگی زندگی مرحوم طبسی ایشان را از هرگونه اتهام مال‌اندوزی تبرئه کرده بود. مراقبت از بیت‌المال در کنار ساده‌زیستی بارزترین ویژگی‌هایی بود که نشان می‌داد اصلی‌ترین علت انتخاب ایشان از سوی بنیان‌گذار انقلاب و مقام معظم رهبری به چه دلایلی بوده است.

اگر منصفانه درباره ایشان قضاوت شود، متوجه می‌شویم ایشان درآمدهای آستان قدس را با احتیاط‌های لازم صرف هزینه‌های آستان می‌کرده‌اند، حتی حق ده‌درصدی از درآمدهای آستان قدس که حق تولیت ایشان بوده نیز در خود آستان قدس خرج شده است. بی‌شک ۱۰ درصد حق تولیت سهم بسیار بزرگ و رقم سنگینی است که شاید کمتر کسی از دریافت آن چشم‌پوشی کند؛ آیت الله واعظ تمامی این مبلغ را صرف هزینه‌های عمومی و عمرانی و فرهنگی آستان قدس می‌کردند در حالی که می‌توانستند برای زندگی شخصی خود از آن برخوردار شوند. بنابراین از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان که می‌توان آن را ذکر کرد، ملتزم بودن به مسائل مادی حتی مسائل حلال مادی می‌باشد.



بعد از فتنه ۸۸ برخی آیت الله واعظ طبسی را به مماشات و تساهل و تسامح در رابطه با برخی از

حامیان فتنه یا برخی مسئولانی که در این باره متفاوت رفتار کردند محکوم نمودند، هرچند که مواضع انقلابی آیت الله طبسی باطل بودن این ادعاها را نشان داد، نظر شما در این باره چیست؟

آیت الله طبسی درباره انقلاب با هیچ شخصی رودربایستی نداشت. هرچند مدل برخورد ایشان در ارتباط با برخی شخصیت‌های سیاسی متأثر از روابط پیش از انقلاب و گذشته‌های دور مبارزه بود و متأثر از رویدادهای روزمره نبود، اما همواره موضع‌گیری‌های دقیق انقلابی و ولایی داشتند. آیت الله واعظ طبسی از دوران قبل از انقلاب ارتباط خوبی با آیت الله هاشمی رفسنجانی داشتند، این ارتباط در دوران بعد از انقلاب نیز با ارادت و احترام دنبال می‌شد؛ اما با مسائل فتنه ۸۸ سال از آنجایی که ایشان بین خود و خدا حجتی برای دفاع از کسانی که مرتکب گناه بزرگ در فتنه شده بودند، نداشت، هرگز حرکت و عمل فتنه‌گران و حامیان آن‌ها را توجیه نکرد. مواضع مستحکمی که از سوی ایشان مطرح می‌شد و رسانه‌ها آن را منعکس کردند نشان از عدم توجه به دوستی‌های دیرین ایشان داشت. آیت الله واعظ یک انقلابی به تمام معنا بود،

هرچند ارتباط عاطفی ایشان با آیت الله هاشمی بعد از فتنه ۸۸ ادامه داشت، اما همواره در مواجهه با مسائل انقلاب بسیار جوانمردانه وارد می‌شدند و در دفاع از حقانیت حرکت مقام معظم رهبری و اصل نظام با هیچ‌کس مماشات و رودربایستی نداشتند؛ از این رو، با جرئت می‌توان گفت شبیهاتی که برخی در فتنه ۸۸ در راستای موضع‌گیری و ارتباط‌های بعدی ایشان به راه انداختند به‌خودی خود منتفی است.



ایا از دوران حضورتان در مجمع تشخیص مصلحت نظام از آیت الله طبسی خاطره‌ای دارید؟

در دوره‌ای که در مجمع تشخیص حضور داشتم از نزدیک با تعهد ایشان به کار و حضور در جلسات آشنا شدم. مرحوم آیت الله واعظ طبسی با آنکه در این اواخر بیماری داشتند و به‌سختی حرکت می‌کردند، به دلیل اطاعت از فرمان و حکمی که از ولی امر دریافت کرده بودند، رنج هزار کیلومتر سفر را بر جان خریده و در جلسات حاضر می‌شدند. به یاد دارم برخی اوقات حالشان آن قدر نامساعد بود که تصور می‌شد بعد از اتمام جلسه راهی بیمارستان می‌شوند، اما باین حال با تکیه بر عصا و با کمک همراهان در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور می‌یافتند.



با توجه به اینکه آیت الله واعظ طبسی و مقام معظم رهبری دوستی دیرینه‌ای داشته‌اند، اگر بخواهیم این دوستی و همراهی را به نوعی به تصویر بکشیم، این دوستی و همراهی دو یار دیرین از نظر شما چگونه است؟

آیت الله طبسی درباره انقلاب با هیچ شخصی رودربایستی نداشت؛ هرچند مدل برخورد ایشان در ارتباط با برخی شخصیت‌های سیاسی متأثر از روابط پیش از انقلاب و گذشته‌های دور مبارزه بود و متأثر از رویدادهای روزمره نبود، اما همواره موضع‌گیری‌های دقیق انقلابی و ولایی داشتند

خوشبختانه آیت الله
واعظ طبسی سهم
قابل توجهی در اعتلای
برنامه‌های فرهنگی
آستان قدس ایفا
نمودند. بی شک این
رویکرد در دوران
تولیت آستان قدس
رضوی از سوی
آیت الله رئیسی با
نگاه جامع‌تری دنبال
می شود که ستودنی
است

نظیر آستان قدس یا مراکز زیارتی انتظار می رود ضمن حفظ چارچوب‌های معماری اصیل اسلامی و ایرانی متناسب با شرایط، طرح توسعه را عملیاتی نمایند. شاید یکی از شائبه‌هایی مطرح در این باره طولانی شدن ساخت‌وسازها در حرم رضوی باشد. برخی از طولانی شدن ساخت‌وسازها انتقاد می کردند در حالی که اهل فن باید پاسخ‌گوی این انتقاد باشند. بی تردید نمی توان برای گسترش توسعه حرم رضوی بر آیت الله واعظ طبسی ایرادی گرفت؛ چرا که طرح‌های توسعه‌ای دهه‌های آینده ضرورت این گسترش را روشن می کند. تمامی اماکن و حرم‌های متبرک طرح توسعه‌ای دارند. حجاجی که به سرزمین حج مشرف شده‌اند از نزدیک شاهد گسترش اماکن مقدس در سرزمین وحی بوده‌اند. هر چند این مسئله به علت حاکمیت طاغوتی صدام در عراق دنبال نشد، اما خوشبختانه بعد از سقوط حکومت بعثی عراق گسترش حرم با مشارکت خیرین و حاکمیت سرعت گرفته است.

شاید یکی از نقدهای قابل توجه به ساخت‌وسازهای اطراف حرم مربوط شود. متأسفانه شاهد ساخت‌وسازهایی در اطراف حرم هستیم که با روح معنوی حاکم بر حرم امام هشتم علیه السلام سازگاری ندارد و دور از فرهنگ ساده‌زیستی رضوی است. هر چند در ساخت‌وساز حرم باید جلال و شکوه مجموعه‌های آستان قدس رعایت شود، اما این مسئله به معنای تجمل‌گرایی نیست. بی شک آیت الله واعظ نیز به این مسئله توجه داشتند، هر چند عمر ایشان کفاف پاسخ‌گویی و بررسی چنین نقدهای سازنده‌ای را نداشت.

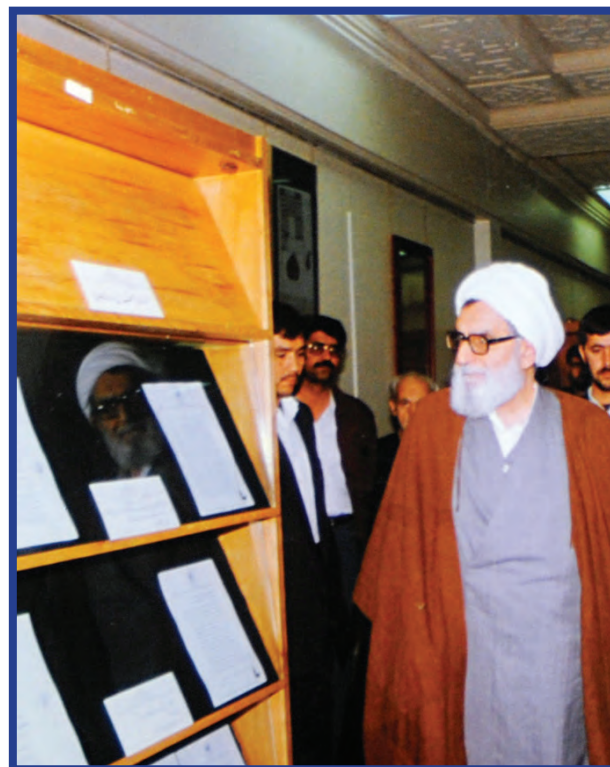
عملکرد فرهنگی آیت الله واعظ طبسی را در

دوران تولیت ایشان در آن بارگاه ملکوتی را چگونه

ارزیابی می کنید؟

بنده زمانی تغییر رویکردهای فرهنگی آستان قدس را پیگیری می کردم و معتقد بودم که باید از ظرفیت عظیم تشرف زائران به حرم رضوی استفاده کرد. با توجه به آمارهای منتشر شده، تعداد زائران آستان قدس رضوی در سال تا ۳۰ میلیون نفر برآورد شده است.

همیشه این سؤال را مطرح می کردم: مشهدالرضا از حضور ۳۰ میلیون زائر چه بهره‌های فرهنگی می برد؟ هر چند بهره معنوی زائران و ارتباط عاطفی و معرفت‌افزایی آن‌ها با امام رضا علیه السلام ستودنی و درخور تأمل است، اما خوشبختانه تغییر رویکرد فرهنگی در زمان مرحوم آیت الله طبسی منجر به ارائه برنامه‌های فاخر فرهنگی در آستان قدس به خصوص حرم مطهر رضوی شد. بنده سال‌های قبل حتی قبل از وزارت و زمان روزنامه‌نگاری، زمانی که به جلسات جنبی آستان قدس دعوت می شدم یا در آن حضور می یافتم از نزدیک شاهد گسترش برنامه‌های فرهنگی بودم که به همت تولیت آن دوره آستان قدس اتفاق افتاد. خوشبختانه آیت الله واعظ طبسی سهم قابل توجهی در اعتلای برنامه‌های فرهنگی آستان قدس ایفا نمودند. بی شک این رویکرد در دوران تولیت آستان قدس رضوی از سوی آیت الله رئیسی با نگاه جامع‌تری دنبال می شود که ستودنی است و دنباله‌رو اهداف فرهنگی و معنوی است که آیت الله واعظ آن را دنبال می کردند؛ اما درگذشت ایشان این امکان را از این مرد بزرگ و خدمتگزار به آستان قدس رضوی گرفت.



رفاقت و دوستی نیاز هر انسانی است؛ بنابراین دوستی به هیچ وجه زیر سؤال نمی رود. بی شک دوستی کوچک‌ترها و بزرگ‌ترها با هم متفاوت است؛ مبنای دوستی بزرگ‌ترها بر پایه تفکرات و حالات روحی و معنوی است، بزرگ‌ترها با کسانی دوست می شوند که هم‌سنگ باشند. دوستی و همراهی آیت الله واعظ با مقام معظم رهبری در قبل از انقلاب بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که به قولی این دو بزرگ پیش از انقلاب در سلاواک هم‌پرونده بوده و در مسیر پرفراز و نشیب انقلاب همراه یکدیگر بوده‌اند؛ لذا آیت الله واعظ طبسی همراه مقام معظم رهبری گذشته پرمعنا و هدفمندی را دنبال کرده بودند، بی شک این گذشته پربار در آینده زندگی و موضع‌گیری‌های آن‌ها مؤثر بوده است؛ از این رو بعد از رحلت حضرت امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری تنها فرد مورد وثوقی را که همچنان می توانست عهده‌دار تولیت آستان قدس باشند، آیت الله واعظ طبسی می دیدند. از سوی دیگر آیت الله واعظ طبسی جایگاه ویژه‌ای برای مقام معظم رهبری قائل بودند و با آنکه از مقام معظم رهبری بزرگ‌تر بودند، اما همواره در خط رهبری نشان دادند که تا آخرین لحظات عمر ولایی بودند و ولایی ماندند.

از جمله انتقاداتی که بعضاً به نحوه مدیریت

آیت الله طبسی در آستان قدس می شد مربوط به

توسعه حرم بود؛ آیا شما این انتقاد را به جا می دانید؟

بی شک مخالفت با طرح گسترش حرم خلاف فهم ابتدایی است. توسعه حرم امری الزامی است و از مدیران مجموعه‌هایی



گفت و گو با محمد هاشمی رفسنجانی

در زندگی شخصی اهل اسراف و تشریفات نبود

مهدی حسینی

خبرنگار

واعظ طبسی به عنوان طلبه جوان با ایشان آشنا می‌شوند و تحت تأثیر افکار نواب صفوی قرار می‌گیرند؛ چرا که زمینه‌های خانوادگی و میراث پدر را هم داشتند و این باعث می‌شود که ایشان در مسیر مبارزه قرار بگیرند.

در مشهد و آن‌طور که باز در زندگی‌نامه ایشان آمده و خودشان فرمودند: تقریباً دو، سه نفر در جبهه روحانیت نقش فعالی ایفا می‌کردند؛ مرحوم آیت الله واعظ طبسی، مقام معظم رهبری و شهید هاشمی‌نژاد این حلقه سه‌نفره را تشکیل می‌دادند و آن‌ها به عنوان محور، برنامه‌های مبارزاتی را در مشهد پیگیری می‌کردند. البته در یک زمانی ایشان می‌گویند که من مشهد تنها بودم، نه آقای خامنه‌ای بودند نه آقای هاشمی‌نژاد و ایشان تنها بودند. بعد از ۱۵ خرداد به تهران می‌آیند و در قم که می‌روند با امام (ره) که آن موقع به ایشان حاج آقا روح الله می‌گفتند آشنا می‌شوند و در جمعی که در محضر امام تشکیل شده بود مرحوم آیت الله واعظ طبسی پیرامون حادثه و واقعه ۱۵ خرداد سخنرانی می‌کنند. صحبت بسیار تحلیلی و عمیقی انجام داده بودند که بعد از آن سخنرانی امام به ایشان می‌فرماید (نقل به مضمون است) من به دو دلیل شما را دوست دارم و به شما علاقه‌مندم؛ اولاً به خاطر پدرتان -همان‌طور که گفتم پدر ایشان از علمای مبارز مشهد بودند- و ثانیاً به خاطر خودتان.

شما می‌دانید مشهد یکی از کانون‌های مبارزه علیه نظام پهلوی در دوره رضاخان و محمدرضاشاه بود و آیت الله واعظ طبسی از دوران جوانی وارد صحنه شدند و علیه ظلم و ستم مبارزه کردند و در طول دوران حیات خود همیشه با انقلاب و انقلابیون بودند و در این راه مبارزه کردند. حقیقتاً ایشان سهم خوبی را در دوران مبارزه از اول تا پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب داشتند؛ به همین جهت امام خمینی (ره) در همان سال ۵۷ حکمی برای آیت الله واعظ طبسی صادر و ایشان را به عنوان سرپرست آستان قدس رضوی منصوب و بعد از دو سال این حکم تبدیل به تولیت آستان قدس رضوی می‌شود. سؤال‌های بعدی شما شاید به خدمات مرحوم آیت الله واعظ طبسی در آستان قدس اختصاص پیدا کند که در آنجا به خدمات و نوع مدیریتی که ایشان در این مکان مقدس انجام دادند اشاره می‌کنیم.

محمد هاشمی رفسنجانی «رئیس اسبق سازمان صداوسیما، عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس دفتر مرحوم آیت الله هاشمی» از گفت و گو با ویژه‌نامه قدس پیرامون تشریح ویژگی‌های مرحوم آیت الله واعظ طبسی استقبال کرد و گفت: محورهای گفت و گو را اعلام کنید تا زمان گفت و گو تعیین شود. پس از ارسال محورها، زمان گفت و گو ساعت ۱۱ و مکان خیابان جامی ساختمان مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شد.

پس از ورود به مجمع تشخیص و عبور از گیت به طبقه دوم رفتیم. آیت الله هاشمی هنوز زنده بود و برادر این یار دیرین انقلاب در حال پیگیری امور دفتر بود. آنچه در دفتر او جلب توجه می‌کرد عکس‌های آیت الله هاشمی رفسنجانی بود.

کارهای دفتر انجام و گفت و گو آغاز شد. شمرده سخن می‌گفت، آشنایی خوبی هم از مرحوم آیت الله واعظ طبسی داشت؛ از این رو وقتی به بیان خاطره‌ای از تولیت فقید آستان قدس رضوی پرداخت بغض کرد و گفت: ایشان (مرحوم واعظ طبسی) سرمایه‌ای بود که ما او را از دست دادیم. آنچه می‌خوانید متن گفت و گو با محمد هاشمی رفسنجانی است:

با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید به عنوان

اولین سؤال، دیدگاه خود را درباره نقش آیت الله

واعظ طبسی در نهضت امام خمینی و پیروزی انقلاب

اسلامی بفرمایید.

آیت الله واعظ طبسی از یک خانواده روحانی-مبارز بودند، پدر ایشان از علما و منبری‌های مشهد بودند که در زمان رضاخان مبارزه می‌کردند و آن‌گونه که گفته شده، ایشان در سفری که به تهران برای سخنرانی علیه رضاخان داشتند در جاده تصادف و مرحوم یا شهید شدند. بیشتر این‌گونه مطرح شده که این تصادف عمدی بوده است و در حقیقت ایشان (پدر آیت الله واعظ طبسی) را به شهادت رساندند. آیت الله واعظ طبسی در چنین خانواده‌ای بودند و از ابتدای جوانی آن‌طور که خودشان نقل می‌کردند با شهید نواب صفوی آشنا شدند.

در سفری که شهید نواب صفوی به مشهد رفته بود، آنجا آیت الله

قبل از پرداختن به مدیریت آیت الله واعظ طبسی



زیارت بپردازند که این هم در نوع خود یک گام بی نظیری است، حتی کم نظیر نمی گویم کاملاً بی نظیر است؛ چون از ابتدایی که حرم ثامن الحجج در خراسان رضوی و در مشهد احداث شد به یک عدد خاصی رسیده بودند که ۱۲-۱۰ هکتار بود، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان تولیت مرحوم آیت الله واعظ طبسی به ۹ برابر وضع موجود تبدیل شد و این نشان دهنده تلاش زیاد، هزینه و مدیریتی است که ایشان در آستان قدس رضوی انجام و امکانات زیادی برای زوار فراهم کردند.

آقای هاشمی شما به تبیین خدمات و تلاش های مرحوم واعظ طبسی در حوزه علمیة مشهد و آستان قدس پرداختید، حال این سؤال مطرح می شود که تولیت ایشان برای آستان قدس با چه دستاوردهای اقتصادی همراه بود؟

حرم امام رضا (علیه السلام) دارای موقوفات بسیار زیادی است، در سراسر کشور و در جاهای مختلف موقوفه دارند و مردم ارادت داشتند و دارند؛ اما در گذشته، موقوفات ظاهراً صرف توسعه و گسترش حرم نمی شد و از آن استفاده بهینه نمی شد و یا دست کسانی بود که تشرع کافی نداشتند و از آن سوءاستفاده می شد و یا صرف کارهای دیگری می شد. در زمان آیت الله واعظ طبسی این امور سامان دهی شد و موقوفات در مسیر خود هزینه و به کار گرفته شد؛ بنابراین پیرامون حضرت امام رضا (علیه السلام) و با استفاده از موقوفات، مراکز خدماتی زیادی تشکیل شد، مثل بیمارستان رضوی و... امکاناتی که برای پذیرایی از زوار وجود دارد.

در حقیقت کاری که ایشان کردند، آمدند این موقوفات را تبدیل به یک هلدینگ کردند. در بعضی از منابعی که منتشر شده و در کتاب وجود دارد، آمده: هلدینگ موقوفات مشهد الآن جایگاه سوم را دارد و بسیار هلدینگ معتبر و بزرگی است و

در آستان قدس اگر موافق هستید نسبت به خدماتی که ایشان در حوزه علمیة مشهد هم انجام دادند توضیح دهید.

حوزه علمیة مشهد آن طوری که در مدارک و اسناد موجود است به عنوان سومین حوزه علمیة در ایران مطرح شده و این تلاش زیاد و مدیریت بسیار خوبی می خواهد و به دلیل شخصیتی که آیت الله واعظ طبسی، علما و طلاب داشتند و با مدیریتی که ایشان (مرحوم واعظ) اعمال کردند، توانستند حوزه علمیة مشهد را در جایگاه و مقام سوم قرار دهند و بعد هم در کنار حوزه، ایشان مدرسه ای تشکیل دادند که در آنجا هم تحصیلات دانشگاهی و هم تحصیلات حوزوی انجام می شد، در حقیقت مثل حوزه و دانشگاه بودند؛ طلابی که از آنجا فارغ التحصیل می شدند هم به علوم قدیم و علوم حوزوی و هم به علوم جدید مجهز می شدند و این یک کار ابتکاری بود که از حوزه علمیة مشهد شروع شد و بعد از آن جاهای دیگر هم تشکیل شد. در زمان ایشان در مشهد، دانشگاه رضوی هم شکل گرفت و از این جهت بسیار مؤثر بودند.

به خدمات مرحوم واعظ طبسی در آستان قدس اشاره کنید. به نظر شما شاخص های مدیریتی ایشان چه بود؟

وقتی به مشهد می رفتیم، می دیدیم که در اطراف حرم ثامن الحجج تکاپوی کافی برای زوار نبود، چون تعداد زواری که می آمدند زیاد بود و ظرفیت ها هم کافی نبود؛ بنابراین آیت الله واعظ طبسی توسعه مسیر دادند و آن طور که در اسناد دیدم توسعه چشمگیری پیدا کرده است؛ قبلاً در حد ۱۲ هکتار بود و در زمان حیات ایشان (اواخر عمرشان) توسعه پیدا کرد و رواق های مختلف ساخته شد و همچنین صحن ها توسعه پیدا کرد، به طوری که هم اکنون حرم مطهر گنجایش زوار را دارد و برای زوار تسهیلات خوبی هم فراهم شده و می توانند به راحتی به

اسراف کنند یا تشریفاتی برگزار کنند. درباره آن جایگاه و دفتری که ایشان داشتند، بعضی می گفتند باید از ۱۵۰ متر بگذرید تا به ایشان برسید، در صورتی که این جایگاه متعلق به حرم است و برای خود آیت الله واعظ طبسی هم نبود. بالاخره ایشان متولی بودند و آنجا حضور و دیدارهایشان را برگزار می کردند.

اما وقتی که وارد زندگی شخصی ایشان می شدید، با منزل شخصی ایشان که بسیار ساده بود روبه رو می شدید. منزل آیت الله واعظ طبسی کنار حسینییه ای بود و جالب آنکه از محله های عیان نشین مشهد هم نبود، تقریباً محله قشر متوسط و یا فقیر بود و ایشان در آن محل ساکن بودند و حقیقتاً زندگی بسیار ساده ای داشتند. حتی من در زندگی ایشان دیده بودم همان حقوق یا سهمی که ایشان از موقوفات داشتند استفاده و حتی مابقی آن را صرف اقداماتی می کردند که بعداً به عنوان یک موقوفه ای از ایشان باقی بماند؛ بنابراین همه حقوق خود را مصرف نمی کردند، از مصرف زندگی برمی داشتند و مازاد آن را برای امام رضا (علیه السلام) هزینه می کردند. به همین جهت، زندگی ایشان را می توان از منظر اول به امکاناتی که از جایگاه تولیت آستان قدس متعلق به امام رضا (علیه السلام) و در اختیار ایشان بود اختصاص داد و در همین نگاه باید گفت ایشان حقیقتاً در مصرف هزینه ها رعایت می کردند و آن طور نبود که تشریفاتی عمل و یا اسراف کنند، بسیار رعایت می کردند، این یک وجهه است؛ اما بخش دوم، زندگی شخصی ایشان بود که وقتی در خانه شان می رفتیم، می دیدیم وضع ساده ای داشتند و از حد متوسط مردم مشهد هم پایین تر بود (من از نزدیک دیده بودم).

با توصیفی که جناب عالی از ساده زیستی مرحوم آیت الله واعظ طبسی بیان کردید، چرا ایشان در

مظان تخریب ها و اتهامات قرار داشتند؟

بالاخره یک سری می خواستند امکانات متعلق به امام رضا (علیه السلام) را به ایشان نسبت دهند و بدین وسیله آیت الله واعظ را تخریب کنند؛ ولی ایشان آن قدر متدین و وارسته بودند

مدیریت و سازمان دهی شده و از سوء استفاده نیز جلوگیری شده است. به هر حال، مردم بسیار به حضرت امام رضا (علیه السلام) علاقه مند هستند و نتیجه این علاقه مندی موقوفات متعددی است که در بستر زمان در سال های گذشته انجام شده و در این زمان سازمان دهی شده و درآمدهای آن صرف توسعه حرم و یا زمینه هایی که مورد نظر واقف بوده، در آمده و در همان زمینه مصرف شده است؛ و این خود نشانه ای از مدیریت بسیار خوب مرحوم آیت الله واعظ طبسی است که اسمش را می گذاریم «مدیریت اسلامی»؛ چون وقتی یک روحانی مثل ایشان در رأس کار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مردمی قرار می گیرند و می توانند از ابعاد گوناگون هم نظارت قوی در مسائل و تأمین منابع داشته باشند تا به جای خود هزینه شود، این موارد خود حاکی از مدیریت است؛ بنابراین معتقدم با توجه به ویژگی های شخصی مرحوم آیت الله واعظ طبسی می توانیم مدیریت او را به عنوان یک مدیریت اسلامی نام ببریم.

با توجه به خدمات مرحوم واعظ طبسی، چرا ایشان در زمان حیات خود به اشراق گیری متهم می شدند؟

در خصوص پرسشی که مطرح کردید دو مطلب وجود دارد؛ اولاً باید به زندگی شخصی و خصوصی نگاه کرد و ثانیاً باید جایگاه حقوقی افراد در نظر گرفته شود. در جایگاه حقوقی، ایشان تولیت آستان قدس بودند و امکانات خوبی پیرامون حرم مطهر امام رضا وجود داشته و به وجود آمده و ایشان در آن محل و در دفتر کارشان حضور داشتند و به اصطلاح آنچه در آنجا بود متعلق به شخص مرحوم آیت الله واعظ طبسی نبود، بلکه متعلق به امام رضا (علیه السلام) بود و اگر فرض کنید تالار آینه بود، فرش وجود داشت، این ها وسایل شخصی و امکانات شخصی نبود. آیت الله واعظ طبسی به عنوان تولیت در آنجا مشغول بودند و ملاقات داشتند و مسائل گوناگون را می دیدند؛ اما در همان مکان بنده بارها شاهد نحوه پذیرایی ساده ایشان از میهمانان شان بودم؛ مثلاً معمولاً از یک نوع یا دو نوع غذا که یک سوپ هم کنار آن می گذاشتند استفاده می شد، آن گونه نبود که خیلی

مردم بسیار به
حضرت امام رضا
(علیه السلام) علاقه مند
هستند و نتیجه این
علاقه مندی موقوفات
متعددی است که
در بستر زمان در
سال های گذشته انجام
شده و در این زمان
سازمان دهی شده و
درآمدهای آن صرف
توسعه حرم و یا
زمینه هایی که مورد
نظر واقف بوده،
در آمده و در همان
زمینه مصرف شده و
این خود نشانه ای از
مدیریت بسیار خوب
مرحوم آیت الله واعظ
طبسی است.



به بیان خاطره‌ای که خیلی در من اثر گذاشت و تأثیر داشت، می‌پردازم.

من هروقت به مشهد سفر می‌کردم به دیدن ایشان می‌رفتم، معمولاً هم با خانواده می‌رفتم. در یکی از این دیدارها که با خانواده رفته بودیم نوه من هم که ۴-۳ سالش بود حضور داشت. از آنجا که ما در مراسم عزاداری زیاد شرکت می‌کنیم نوه من از کودکی با فرهنگ عاشورایی و فرهنگ اهل بیت عادت کرده بود؛ بنابراین یک‌سری شعر و مرثیه حفظ بود. وقتی خدمت آیت‌الله واعظ طبعی رفتیم، نوهام همراهم بود، معرفی‌اش کردم و آیت‌الله واعظ طبعی اسمش را سؤال کرد. اسمش را گفت. سنش را سؤال کرد و او جواب داد. بعد من گفتم ایشان (نوه من) نوحه‌سرایی هم بلد است. نوهام راجع به امام رضا (علیه‌السلام) متنی خواند که او را به جوادش قسم می‌داد که شفیع ما شود. دیدم وقتی نوهام شعر می‌خواند، آیت‌الله واعظ طبعی خیلی اشک می‌ریزد و این برای من خیلی آموزنده بود که یک روحانی با این جایگاه و با این وضع از مرثیه‌ای که توسط یک کودک سه، چهارساله خوانده می‌شود گریه می‌کند؛ و کلی نوه من را تشویق کرد.

یامثالاً وقتی که حرم می‌رفتیم (معمولاً سعی می‌کردیم شب‌های جمعه حرم باشیم) طبیعی بود که ایشان به‌عنوان تولیت امکانات و جایگاهی داشتند، اما آمده بودند یک گوشه‌ای از حرم و مثل زوار عادی به دیوار تکیه داده بودند، زیارت می‌کردند و اشک می‌ریختند و هیچ محافظی هم نبود.

آیت‌الله واعظ طبعی خصلت‌های خیلی زیادی داشت، اخلاق خوبی داشت و این نشان‌دهنده اعتقاد ایشان به اهل بیت و خدا بود. حقیقتاً رفتار ایشان اخلاقی و خیلی خوب بود. شب جمعه حرم امام رضا (علیه‌السلام) بسیار شلوغ است، همه زوار هستند امثال ما که حرم می‌رفتیم. چهارتا مخالف و موافق سیاسی حرف می‌زدند، بعضی بد می‌گفتند و بعضی خوب می‌گفتند، می‌خواستند بحث کنند، از این قبیل برخوردها در حرم بود؛ ولی ایشان با آن جایگاه و مزیت تک و تنها می‌آمد و کنار دیوار با فاصله از ضریح می‌ایستاد، تکیه به دیوار می‌دادند و زیارتشان را می‌کردند و می‌رفتند. این‌ها مسائلی است که ما واقعاً کمتر در افراد می‌بینیم. مسئولان اگر مسئولیتی داشته باشند هر جا که می‌خواهند بروند محافظ دارند، ولی ایشان خیلی مردمی رفتار می‌کردند. خدا رحمتشان کند.

به اعتقاد بنده، آیت‌الله واعظ طبعی را می‌توان به‌عنوان یک الگو برای جامعه اسلامی و جوانان معرفی کرد، الگویی که هم برگرفته از علم و دانش بود و هم از جایگاه مدیریتی بالایی برخوردار بود، نه یکی دو روز، بلکه به‌صورت طولانی در این سمت حضور داشتند؛ اما وقتی به زندگی او نگاه می‌کنیم از روز اول مسئولیت تا روز آخر هیچ تفاوتی نکرد.

دنیا آیت‌الله واعظ طبعی را نگرفت که مثلاً بخواهد به گونه دیگری رفتار کند. بعضاً می‌دیدم که نسبت به دوستانشان مروت و نسبت به دشمنانشان مدارا داشتند. حقیقتاً ما یک سرمایه‌ای را از دست دادیم. وجود چنین کسانی در نظام جمهوری اسلامی باعث خیر و برکت است. ان‌شاءالله خداوند ایشان را رحمت و درجانشان را عالی کند و به ما و جوانان توفیق دهد که بتوانیم راه ایشان را ادامه دهیم. باز به این نکته تأکید می‌کنم، آیت‌الله واعظ طبعی تا وقتی در مسند کار قرار گرفتند اصلاً خودشان را نباختند، تکبری نداشتند و متواضع و متدین بودند.

و پاسخ این موارد را کم می‌دادند و با این مسائل برخوردی نمی‌کردند. چون ایشان یکی از شخصیت‌هایی بودند که در نظام جمهوری اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشتند و مورد اعتماد امام و رهبر انقلاب هم بودند، دشمن روی این قضیه هدفمند حرکت می‌کرد و حرکت می‌کند. وقتی قصدشان تخریب انقلاب، نظام، تشیع و مکتب اهل بیت باشد، چیزی که ببینند از آن سوژه برای تخریب درست می‌کنند، درحالی‌که به شخص ایشان ارتباطی نداشت.

حرم امام رضا (علیه‌السلام) مجلل و دارای لوستر، فرش، صحن، رواق و ... است. آنجا مجلل درست شده و فرش‌های دستباف برای زوار استفاده می‌کنند، از مصالحی در شأن امام رضا استفاده می‌کنند و در بعضی جاهای دیگر همین‌طور است؛ اما وقتی دشمن می‌خواهد تخریب و حمله کند، یک جایی را دست می‌گذارد که از نظر ظاهر ممکن است چهارتا جوان ناآگاه این را ببینند و بگویند با خود چه کرده، درصورتی‌که امکاناتی که در حرم مطهر وجود دارد مربوط به امام رضا (علیه‌السلام) است مربوط به تولیت آنجا نیست.

آیت‌الله واعظ طبعی هم از نظر علمی و حوزوی شخصیت بالایی داشت و هم اینکه یک شخصیت مبارز بود، شخصیتی بود که مورد عنایت امام بود و امام ایشان را قبول داشتند و پس از امام هم مورد نظر مقام معظم رهبری بودند، ضمن اینکه مرحوم آیت‌الله واعظ طبعی از هر جهت خاری در چشم دشمنان بودند؛ بنابراین برای تخریب نظام فکری و تشیع و اهل بیت ایشان را هدف قرار می‌دادند.

ایشان از نظر اخلاقی واقعاً آدم متخلق به اخلاق اسلامی و بسیار مؤدب بود، رفتارشان با مردم و دوستان خوب بود، به طوری برخورد می‌کردند که آدم تصور می‌کرد آیت‌الله واعظ طبعی اصلاً هیچ خصلت بدی ندارد، وقتی می‌نشستی با او صحبت می‌کردی واقعاً به انسان آرامش می‌داد. در دین ما اخلاق جایگاه بسیار بالایی دارد تا آنجا که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌و آله) می‌فرمایند بعثت رسول برای تکامل اخلاق است. من سالیان طولانی (از اوایل پیروزی انقلاب تا اواخر عمرشان) با ایشان بودم. در شرایط گوناگون چه مسئولیت داشتیم چه نداشتیم همیشه با ایشان ارتباط داشتیم. من حتی یک بار ندیدم در جمع‌هایی که بودیم ایشان غضب و خشم کند، همیشه با آرامش بود و بسیار هم کم سخن می‌گفت. مصداق این بودند «کم گوی و گزیده گوی»، واقعاً آدم پرحرفی نبود که بخواهد در آن مجلس فضل خود را نشان دهد، اگر سؤالی می‌شد جواب می‌دادند. ویژگی‌های شخصی ایشان انصافاً ویژگی‌های بالایی بود و بسیار عاشق اهل بیت بود و قلب رئوفی داشتند. نسبت به اهل بیت خیلی زود در مجالس عزاداری یا مجلس ذکر اهل بیت تحت تأثیر زیاد قرار می‌گرفتند و حالت ایشان جمع را متأثر می‌کرد.

شما ارتباط و تعامل خوبی با مرحوم آیت‌الله واعظ طبعی داشتید، آیا خاطره‌ای از ایشان دارید؟

من خاطرات زیادی از ایشان دارم، ایشان را چند بار در سال می‌دیدیم. آیت‌الله واعظ طبعی «عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام» بودند؛ از این رو، دو هفته یک بار تشریف می‌آوردند و خیلی منظم هم بودند. ما هم سالی ۲-۳ بار به مشهد برای زیارت مشرف می‌شدیم و حتماً ایشان را می‌دیدیم.



وقتی که وارد زندگی شخصی ایشان می‌شدید، با منزل شخصی‌شان که بسیار ساده بود روبه‌رو می‌شدید. منزل آیت‌الله واعظ طبعی کنار حسینیه‌ای بود و جالب آنکه از محله‌های عیان‌نشین مشهد هم نبود تقریباً محله قشر متوسط و یا فقیر بود و ایشان در آن محل ساکن بودند و حقیقتاً زندگی بسیار ساده‌ای داشتند.

گفت و گو با محمدرضا عارف

مقام معظم رهبری را ولی امر می دانست

تدبیر و سعه صدر مهم ترین ویژگی آیت الله طبسی بود



محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور در دولت هشتم که پیش از آن هم در پست های اجرایی قرار داشت، هم اکنون رئیس فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی است. وی خاطراتی از دیدارهایش با آیت الله طبسی قبل و بعد از دوران مسئولیتش دارد و ایشان را فردی فراجناحی معرفی می کند. متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است:

از سوی دیگر سامان دهی فیزیکی اطراف حرم مطرح بود که حرم با چالش ها و مشکلات جدی روبه رو بود. همه قبول داشتند که به عنوان یک ضرورت فضای اطراف و حرم مطهر هشتمین امام معصوم باید سامان دهی شود، زیرا حرم امام رضا (علیه السلام) را با اماکن مقدس دیگر مقایسه می کردند. افرادی که به اماکن مقدس به خصوص مکه و مدینه سفر می کردند، توسعه فیزیکی این اماکن را با حرم امام رضا (علیه السلام) مقایسه می کردند.

با توجه به اینکه در جریان مدیریت ایشان بر استان بودید، توجه ایشان به محرومیت و محرومیت زدایی

به ویژه در استان خراسان چگونه بود؟
من گزارش دقیقی ندارم، به طور کلی فکر می کنم جزو برنامه هایشان بود. استان در زمان مدیریت ایشان دنبال نگاه اقتصادی صرف نبود، بلکه اولویت استان گسترش تولید و اشتغال زایی برای اقشار آسیب پذیر بود که می توان آن را در راستای محرومیت زدایی تفسیر کرد. سهم استان قدس در محصولات کشاورزی و در مهار قیمت ها در استان سهم بی بدیلی بود. می دانید که استان در محصولات کشاورزی با افزایش بهره وری عموماً حرف اول را می زد یا الگو بود؛ مثلاً زمانی که به صورت جدی بحث خودکفایی گندم را دنبال می کردیم، استان قدس جزو نهادهای پیشتازی بود که تولید گندم در هکتار را بسیار خوب افزایش داد، فکر کنم از ۸۰۰ کیلو به ۱۵۰۰-۱۴۰۰ کیلو

با توجه به اینکه آیت الله واعظ سال ها بر استان قدس مدیریت داشتند و آنجا را از نظر فیزیکی بسیار گسترش داده و کارهای زیادی انجام دادند، ویژگی های مدیریتی ایشان بر استان چگونه بود؟

آقای طبسی چهره شاخص و شناخته شده ای بودند. ایشان در مبارزات قبل از انقلاب به عنوان یکی از روحانیون همراه امام و پایبند نهضت نقش داشتند، بعد از انقلاب هم که شناخته شده تر بوده و در صحنه های مختلف حضور داشتند.

به نظر من در کنار ویژگی های عام رهبران نهضت می توان سعه صدر و تدبیری که مرحوم آیت الله طبسی در امور داشت را به عنوان ویژگی برجسته ایشان مطرح کرد که در زمانی که تولید استان را پذیرفتند این ویژگی خودش را نشان داد. شاید مهم ترین کاری که ایشان در دستور کار خود قرار داد، سامان دهی استان قدس رضوی بود که من در این بخش سامان دهی فرهنگی را در اولویت می گذارم. در کنار سامان دهی فرهنگی به خصوص با توجه به منابعی که در اختیار استان بود، سامان دهی موقوفات در جهت امور فرهنگی و تولیدی قابل ذکر است.

با نگاه اقتصادی بر فعالیت های استان وجود داشت؟
به نظر من نگاه صرفاً اقتصادی وجود نداشت، اقدامات استان در زمینه اقتصادی در راستای تقویت تولید داخلی و اشتغال زایی بود.

ایا این بدهی دولت به استان پرداخت شد؟

سال ۸۰ این بدهی تا حدود زیادی پرداخت شد و استان هم بسیار تشکر کرد.

عملکرد ایشان در مجمع تشخیص مصلحت نظام چگونه بود؟

در مجمع تشخیص مصلحت افتخار همکاری با ایشان را داشتیم. ایشان کم حرف بودند، اما مسائل را بسیار عمیق درک و اظهار نظر می کردند و در ایجاد فضای صمیمی که همیشه در مجمع حاکم بود، نقش کلیدی داشتند و چهره مؤثر و برجسته ای بودند.

ایا نگاه ایشان به انقلاب طی سال های بعد تغییر کرد؟

قدر انقلاب را می دانستند، چون از شروع نهضت در خدمت امام (ره) بودند. ایشان دارای دیدگاه عمیقی روی مسائل کلان کشور بودند که بیانگر دغدغه های ایشان روی ارزش ها و انقلاب بود، طبیعتاً کسانی که از یاران امام (ره) بودند مهم ترین دغدغه شان استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت ارزش هاست، مسائل نظام و ارزش ها در اولویت شان قرار داشت و همواره در این مسیر حرکت و تلاش می کردند.

قبل از انقلاب شناختی از ایشان نداشتید؟

ایشان هم شهری ما بودند، ریشه یزدی داشتند و در جوانی به هم شهری هایمان تعصب داشتیم. علاقه خاصی به ایشان داشتیم،

افزایش داد. ایشان در این زمینه ها نگاه علمی داشتند.

در بازدید سه، چهار ساعته که از یک مزرعه نمونه گاوداری و تولید شیر در مشهد داشتیم، انصافاً رعایت همه ویژگی ها، شرایط علمی و تخصصی برای افزایش بهره وری و کارایی در این مزرعه حس می شد که بیانگر نگاه علمی ایشان حتی در اداره بخش های تولیدی و کشاورزی بود.

چه چالش هایی در مسیر توسعه حرم امام رضا (علیه السلام) وجود داشت؟

آیت الله طیبسی انصافاً تلاش زیادی برای توسعه حرم رضوی انجام دادند. ایشان با چالش های جدی روبه رو بودند؛ طبیعتاً افرادی که منافع داشتند با اجرای این طرح بزرگ با مسائل و مشکلاتی روبه رو می شدند. ایشان با سعه صدر در مجموع مسائل را به خوبی مدیریت و سامان دهی کرد و سازمان دهی فیزیکی وضعیت قابل قبولی پیدا کرد. البته به نظر می رسد هنوز باید کار ادامه پیدا کند.

شما توسعه فرهنگی را یکی از دستاوردهای دوران مدیریت آقای طیبسی بر استان رضوی خواندید. دقیقاً آقای طیبسی در راستای توسعه فرهنگی استان رضوی چه اقداماتی انجام دادند؟

توسعه فرهنگی که مدنظر بنده بود فراتر از توسعه فیزیکی استان بود. ایشان در سطح ملی اقدامات مهمی را برای توسعه فرهنگی انجام دادند. بهر حال استان قدس در کشور موقوفات زیادی از جمله کتابخانه های مختلفی دارد که ایشان با نگاه فرهنگی به خوبی موقوفات را با جهت گیری فرهنگی سامان دهی کردند.

در دوران اصلاحات که شما معاون اول رئیس جمهور بودید نحوه تعامل آقای طیبسی به عنوان تولیت استان با مسئولان دولت شما در استان چگونه بود؟

بعد از انقلاب با ایشان ارتباط -البته نه خیلی نزدیک- داشتیم، به ایشان ارادت داشتیم و در سفر به مشهد سعی می کردم حتماً ملاقاتی با ایشان داشته باشم.

در ۸ سال دولت اصلاحات سعه صدر خوبی از ایشان دیدیم. نگاه ویژه ای که ایشان به جریانات سیاسی داشت، علی رغم اینکه ایشان را منسوب به جریانی می کردند، بنده شخصاً این موضوع را قبول نداشتیم؛ به خصوص بعد از روی کار آمدن دولت اصلاحات انصافاً نگاه ویژه و خوبی به خصوص به نمایندگان دولت در استان داشت. ایشان رابطه بسیار نزدیکی با استانداران ما داشت و در استان به عنوان یک مشاور عالی برای دولت کار کرده و به دولت کمک می کردند. هماهنگی و همراهی خوبی در اجرای برنامه های دولت در استان داشتند. در سفرهایم به مشهد عموماً با ایشان راینی ها و مشورت هایی داشتیم، واقعاً رهنمودهای ایشان کمک کار ما بود. هر وقت با ایشان مشورت می کردم، نگاه عمیق و درازمدتی که حتی به مسائل سیاسی و عمومی کشور داشتند برایم بسیار مفید و ارزشمند بود.

در استان خراسان اگر دولت در جایی مشکلی داشت ایشان کمک می کردند برای حل مشکل؛ دولت هم سعی می کرد خواسته های استان قدس را برآورده کند. استان قدس طلب دیرینه ای از دولت در زمانی که در سازمان مدیریت بودم، داشت و سعی کردم به این مسئله رسیدگی کنم و میزان بدهی را شفاف و مشخص کنم.

ایشان دارای دیدگاه عمیقی روی مسائل کلان کشور بودند که بیانگر دغدغه های ایشان روی ارزش ها و انقلاب بود. طبیعتاً کسانی که از یاران امام (ره) بودند مهم ترین دغدغه شان استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت ارزش هاست، مسائل نظام و ارزش ها در اولویت شان قرار داشت و همواره در این مسیر حرکت و تلاش می کردند

اما قبل از انقلاب ارتباط نزدیکی با ایشان نداشتیم. ارتباط ما از طریق دانشجویان یزدی بود که از نزدیکان ایشان بودند.

از ایشان در اوایل انقلاب شناختی دارید؟

بعد از انقلاب با ایشان آشنا شدم. البته با آیت الله طیبسی در اوایل انقلاب ارتباط کاری نداشتیم، پس از حضور در دولت و به خصوص در مجمع تشخیص، از سال ۷۶ به بعد با ایشان ارتباط کاری پیدا کردم.

در قبل از انقلاب با کدامیک از علما و مبارزان انقلابی مشهدی رفاقت و همراهی داشتند؟

تقریباً همه روحانیون مبارز با مرحوم آقای صدوقی ارتباط داشتند و ما هم جزو جوان های نزدیک آیت الله صدوقی و به طور طبیعی با همه این طیف روحانیون و روحانیت مبارز در ارتباط بودیم. مبارزات انقلابی ایشان در مشهد بود و جزو ۵-۴ نفری بودند که جوانان و دانشجویان یزدی مقیم مشهد با آن ها ارتباط داشتند. آیت الله



اصرار و تلاش
می کردیم با
روحانیونی که نزدیک
امام هستند تعامل
و همفکری داشته و
کار کنیم. ما در تهران
بودیم، دوستانی در
مشهد داشتیم. در هر
شهرستانی تعدادی از
بچه ها بودند، عده ای
در شیراز و اصفهان
بودند، با هم ارتباط
داشتیم؛ و طبیعتاً به
روحانیونی که همراه
امام بودند وصل
می شدیم که آقای
واعظ هم جزو این
گروه بود

خامنه‌ای هم یکی از پایگاه‌های اصلی دانشجویان در مشهد بودند. بیشتر ارتباط ما با آقای هاشمی‌نژاد بود و ایشان را برای سخنرانی به یزد می بردیم.

آقای دکتر با توجه به اینکه ایشان عضو مجمع بوده و شما هم در مجمع حضور داشتید، مواضع و اقدامات ایشان در مواقع حساسی انقلاب مانند دوران جنگ و اتفاقات کشور در زمان بنی صدر و ... را چگونه می دیدید؟

ایشان جزو رهبران نهضت بودند و با چنین نگاهی موضع گیری می کردند و در همه مقاطع بعد از انقلاب از یاران نزدیک امام و مقام معظم رهبری بودند.

آیا مرحوم طبسی در تصمیم گیری های حساسی که در مجمع مطرح می شد شرکت داشتند؟

بله. ایشان کم حرف بودند. نظرات ایشان از یک طرف کارشناسی بود، از طرفی هم طبیعتاً با توجه به منافع درازمدت کشور موضع گیری می کردند.

مواضع انقلابی ایشان در مجمع تشخیص مصلحت نظام چگونه بود؟
بسیار خوب بود. همیشه از ایشان موضع منطقی در چارچوب ارزش ها می دیدم.

رابطه ایشان قبل و بعد از انقلاب با مقام معظم رهبری و امام خمینی چگونه بود؟

ایشان در مشهد قبل از انقلاب همیشه همراه و دوست مقام معظم رهبری بودند و جزو روحانیون پیشتاز در مشهد بودند. ما در تهران درس می خواندیم و با انقلابیون در مشهد از طریق دانشجویان ارتباط داشتیم. اصرار و تلاش می کردیم با روحانیونی که نزدیک امام هستند تعامل و همفکری داشته و کار کنیم. ما در تهران بودیم، دوستانی در مشهد داشتیم. در هر شهرستانی تعدادی از بچه ها بودند، عده ای در شیراز و اصفهان بودند، با هم ارتباط داشتیم و طبیعتاً به روحانیونی که همراه امام بودند وصل می شدیم که آقای واعظ هم جزو این گروه بود. بعد از انقلاب هم نگاه ایشان به امام و اعتقادی که به امام داشتند مشخص است، بعد هم که همراه مقام معظم رهبری بودند.

رابطه ایشان با مقام معظم رهبری چگونه بود؟

تا آنجایی که من اطلاع دارم بهترین رابطه را با مقام معظم رهبری داشتند و نگاه ایشان به مقام معظم رهبری به عنوان ولی امر بود.

مهم ترین وجوه شخصیتی آیت الله طبسی که موجب شد تولیت استان به ایشان داده شود چه بود؟

ویژگی هایی که در یاران امام وجود داشت و آن ها را مورد عنایت و اعتماد مردم قرار می داد، در ایشان هم وجود داشت. نکته ای که می خواهم روی آن پافشاری و تأکید کنم، سعه صدر و تدبیر ایشان است در کنار ویژگی های دیگری که داشتند، واقعاً اهل تفاهم و صمیمیت بودند و دقت می کردند که این ویژگی بروز و ظهور پیدا کند. با وزرای دوره اول دولت آقای خاتمی روابطی صمیمی داشتند. در دور دوم روابط بسیار حسنه شد. معمولاً وزرایی که خدمت ایشان می رفتند، تعامل می کردند و واقعاً در مسائل خراسان کمک می کردند. آن زمان خراسان بسیار بزرگ بود، مسائل خاص خودش را داشت و ایشان بسیار همراهی می کردند که دولت بتواند در استان خراسان برنامه هایش را اجرایی کند.

آقای دکتر شما گفتید هر زمان برای زیارت به مشهد می رفتید با ایشان دیداری داشتید. خاطره خاصی از این دیدارها دارید؟

اولاً ایشان لطف خاصی به من داشت که نمی خواهم این حرف ها را بزنم، ولی فقط اشاره می کنم که معمولاً صحبت ها را با این جمله شروع می کرد که اگر همه مسئولین اجرایی مثل تو فکر می کردند و نگاه فرا جناحی داشتند، کشور چه می شد. معمولاً با هم در مورد ضرورت عملکرد فرا جناحی مسئولان کشور صحبت می کردیم. قبل از انتخابات مجلس شورای اسلامی خدمتشان رسیدم، بر لزوم نگاه فرا جناحی مسئولان و توجه به ارزش های اسلامی تأکید داشتند. وجود برخی اختلاف نظر را نفی نمی کنیم. با فرض رعایت منافع ملی و توجه به ارزش ها، اختلاف نظر می تواند خوب باشد و این نکاتی بود که ایشان به آن بسیار توجه می کرد. من ایشان را یک فرد ارزشی به مفهوم واقعی می دانم. ایشان را به مفهوم واقعی انقلابی، ارزشی و آرمانی می دانم و به نظر من هیچ زمانی از این ویژگی و خصلتشان عدول نکردند.

مواضع سیاسی ایشان در مواقع حساس چگونه بود؟
آیت الله طبسی همیشه مواضع شفاف، روشن و اعتدالی داشتند. در طول سال های انقلاب که با ایشان بودم این مواضع را حس می کردم و به نظر من اصرار داشتند این مواضع را داشته باشند.

آیا مواضع ایشان نسبت به ابتدای انقلاب تغییری کرده بود؟

انسان به طور طبیعی تغییر می کند، منتها تغییرات مثبت. به نظر من تغییرات ایشان بیانگر دغدغه مندتر شدن ایشان نسبت به ارزش ها، انقلاب، استمرار انقلاب و حاکمیت ارزش ها بود. در حدی نیستم بخوام در مورد این بزرگ حرفی بزنم. چهره شناخته شده ای بوده و هستند. خدمات ایشان به انقلاب و آستان قدس حتماً ماندگار هست و ان شاء الله خداوند ایشان را با اولیای خودش محشور کند و دوستان ما در آستان قدس بتوانند مسیر ایشان را ادامه دهند و طبیعتاً اصلاح کنند. می شود با کارهای بیشتری از آستان در جهت ارتقای فرهنگی کشور حتی در بحث های اقتصادی و تولیدی کمک گرفته شود.

گفت و گو با قدرت الله علیخانی

مرحوم طبسی جزو اصولگرایان بود

مورد عنایت و حمایت امام بودند

فاطمه علیشاه

خبرنگار

قدرت الله علیخانی از جمله مبارزین برجسته در دوران پیش از انقلاب بوده و در این راه متحمل زندان نیز شده است وی که در جرگه همراهان امام خمینی (ره) در زمان انقلاب قرار می گیرد، مسئولیت های اجرایی متعددی از جمله فرماندهی کمیته انقلاب اسلامی را در رزومه کاری خود دارد؛ در زمان همین مسئولیت بود که برای پیگیری یک گزارش از کمیته استانی انقلاب به خراسان سفر کرده و برای اولین بار با آیت الله واعظ طبسی که در آن زمان یکی از ۳ ضلع طلایی انقلاب در خراسان بود، آشنا می شود؛ دیداری که با هر بار تشریف آقای علیخانی به مشهد مقدس با تولیت سابق آستان قدس رضوی تازه می شد. از همین باب گفت و گویی با حجت الاسلام علیخانی در حیطه شناخت وی از مرحوم واعظ طبسی داشته ایم که در ادامه می خوانید.



از ایشان حمایت می کرد و ما می دیدیم که عنایت ویژه ای روی مرحوم آیت الله طبسی بوده و قطعاً ارادت ما نسبت به ایشان بر این اساس بیشتر شده بود.

گاهگاهی هم ایشان تهران می آمدند و ما در مجمع تشخیص مصلحت نظام به ایشان اظهار ارادت می کردیم و این ارتباط ما را بیشتر کرده بود. چند سالی هم درس فرهای مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی به خراسان در معیت ایشان با آیت الله طبسی دیدار می کردیم؛ تا سفر سال گذشته که به مشهد رفتیم، سر ناهار از ایشان درخواست کردم که یک پرده ای یا هر چیز متبرکی از امام رضا (علیه السلام) را به بنده هدیه کنند. ایشان هم بلافاصله به یکی از خدام دستور این کار را دادند، هرچند آن هدیه تحت شرایطی به بنده نرسید، اما ارادت بنده به ایشان در این برخورد زیبا و محترمانه بیشتر شد. در هر صورت ما به جز خاطره خوب از ایشان یاد نداریم.

تعریف شما از جایگاه انقلابی ایشان چگونه است؟

ایشان نقش مؤثری در پیروزی انقلاب داشتند و یکی از استوانه های اصلی انقلاب بودند. بعد از آن هم خدمات بسیاری در این انقلاب داشتند و همواره پشت سر امام (ره) و نماینده ایشان در خراسان بودند. با وجود حرف های بسیاری که پشت ایشان بود، امام هیچ گاه تحت تأثیر قرار نگرفتند و ایشان همواره مورد احترام، توجه ویژه و اعتماد خاص امام (ره) بودند.

فرمودید امام نسبت به مرحوم طبسی اعتماد خاصی داشتند. بفرمایید کدام ویژگی شخصیتی ایشان سبب شد که امام نسبت به آیت الله واعظ طبسی چنین اعتماد و احترامی داشته باشند؟

آقای علیخانی لطفاً برای ما بگویید آشنایی شما با مرحوم واعظ طبسی به چه زمانی بازمی گردد و بیشترین شناخت شما از این عالم مجاهد در چه حوزه ای است؟

در زمان کمیته انقلاب اسلامی که آقای سراج فرماندهی کمیته را داشت، گزارشی از کمیته استان خراسان تحت مسئولیت آقای رضایی با سبقت یک دوره نمایندگی مجلس آمده بود؛ البته در ظاهر امر آقای رضایی مسئول کمیته انقلاب استان خراسان بودند و در واقع ایشان زیر نظر مرحوم واعظ طبسی مسئولیت داشتند. آن زمان من هم مسئولیت نظارت کمیته های انقلاب را بر عهده داشتم؛ لذا مأموریت یافتم صحت گزارش ارسالی از کمیته خراسان را بررسی کنم. بنده هم به سبب اینکه ارتباط با آقای ناطق بالا بود و می دانستم آقای ناطق نیز با مرحوم طبسی ارتباط دارند، ایشان را در جریان گذاشتم و آقای ناطق نیز مسئله را با آیت الله طبسی هماهنگ کردند. آقای ناطق به من گفتند که وقتی برای بررسی مسئله به خراسان می روید خدمت آیت الله طبسی بروید و خودتان را معرفی کنید؛ البته آقای ناطق تلفنی بنده را معرفی کرده بودند و در نهایت بنده در خراسان خدمت آقای طبسی رسیدم و آنجا ایشان را ملاقات کردم و ابتدا مسئله را با مرحوم واعظ در میان گذاشتم. شناخت اولیه ما آنجا شروع شد. ایشان در همان برخورد اول محبت و صفا و صمیمیتی از خودشان نشان دادند و همین باعث شد گهگاهی که به خراسان می رفتم خدمت ایشان هم برای عرض ارادت می رسیدم.

البته در زمان حضرت امام (ره) هم نمایندگانی در مجلس بودند با عنوان چپ که البته امروز همه عاقل شدند و بعدها به آیت الله طبسی ارادت پیدا کردند؛ در هر صورت آن زمان پشت سر ایشان بگومگوهای بود، ولی امام، بیت و دفتر امام از جمله حاج احمد آقا



در خراسان بود. در هر استانی در آن زمان از این روحانیون ریشه دار زیاد بودند و در این استان هم آیت الله واعظ طبسی در کنار شهید هاشمی نژاد و آیت الله خامنه ای نقش مثبت و خاصی داشتند. همان طور که در هر استانی شخصیت های خاص و بزرگی در انقلاب نقش داشتند، در خراسان این ۳ شخصیت نقش ویژه ای داشتند. ایشان هم دوره انقلابی آیت الله دستغیب و آیت الله خزعلی بودند.

مرحوم واعظ بعد از انقلاب همان طور که همراه امام بودند همراه مقام معظم رهبری هم بودند. این مسئله را ممکن است با ذکر مصداق بیان کنید؟

ببینید همه آن هایی که در زمان انقلاب پشت سر و حامی امام خمینی (ره) بودند، همچنان که در قید حیات باشند، پشت سر مقام معظم رهبری و حامی ایشان هستند؛ به عبارتی همه این افرادی که در استان های مختلف هستند با اذن ولی فقیه زمان ما منصوب شده اند. آیت الله طبسی هم دوره مبارزاتی مقام معظم رهبری و دوست ایشان بودند، طبیعتاً ارادت و حمایت خاصی به سبب شناخت ها از ایشان داشتند.

جناب علیخانی آیت الله واعظ طبسی یک جاهایی به اشراق گیری منتهم شدند؛ در این خصوص با توجه به شناخت شما از ایشان چه نظری دارید؟

چنین اتهاماتی کاملاً دروغ و ناروا است. همه آن امکانات متعلق به حرم بوده است. دلیل هم این است با توجه به اینکه ایشان حقوقی از این طریق (تولیت آستان) دریافت نمی کردند.

امتیاز ویژه شخصیتی مرحوم طبسی از دیدگاه شما چیست؟

ایشان با اعتقاد و مخلصانه به امام هشتم خدمت کردند و هیچ گونه وابستگی به تعلقات دنیوی نداشتند و این یکی از امتیازات شخصیتی آیت الله واعظ طبسی بود.

امام طبعاً نسبت به آن هایی که در انقلاب نقش داشتند و بعد از انقلاب هم با صداقت پشت سر انقلاب بودند، اعتماد داشته و آن ها را محترم می داشتند. به خاطر دارم در زندان اوین بودیم به همراه عسکراولادی، شهید عراقی، حاج ابوالفضل حیدری و ... جمعی از این شخصیت ها را از زندان خراسان به بندی در زندان اوین آوردند که بیشتر شخصیت ها من جمله آیت الله منتظری، آیت الله مهدوی، هاشمی و گرامی هم آنجا بودند. آقای عسکراولادی خاطرات زندان خراسان را تعریف می کردند و از آیت الله طبسی هم یاد می کردند. بله آیت الله طبسی هم سابقه مبارزاتی و گرفتاری های پیش از انقلاب توسط ساواک را داشتند. اما آنچه بیش از همه مورد توجه خاص امام (ره) بود صداقت و اخلاص افراد بود که برای امام اهمیت خاصی داشت. در هر صورت، ایشان جزو شخصیت های بزرگ انقلاب در خراسان بودند. شخصیت زیاد بود ولی این هایی که خاص بودند آیت الله خامنه ای و آیت الله طبسی و شهید هاشمی نژاد بودند. امام توجه ویژه ای به این شخصیت ها داشتند و از طرفی آیت الله طبسی انصافاً برای توسعه حرم حضرت امام رضا (علیه السلام) زحمات بسیاری کشیدند. در هر استانی شخصیت های بزرگی بودند و ایشان هم جزو شخصیت های بزرگ و مورد توجه و احترام خاص امام (ره) در خراسان بودند. وزنه های بسیاری در انقلاب داشتیم که امروز جای شان خالی است. کتاب انقلاب و تاریخ ایران را که ورق می زنیم به حوادث عجیب و غریب زیادی می رسیم.

ز منظر شما چه نقش مستقل و خاصی برای آیت الله واعظ طبسی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران می توان تعریف کرد؟

اوایل انقلاب که خط و خطوط خاصی در کشور نبود، صفا و صمیمیت اش هم به همین بود که این جور مسائل در کار نبود مثل قبل از انقلاب و اگر هم بود پررنگ نبود و آقای طبسی هم در جرگه تقسیم بندی جزو اصول گرایان بود ولی حالت مستقلی داشتند. سهم ایشان در پیروزی انقلاب در همان مبارزات انقلابی

محل اختفای مرا فقط او می دانست!

در سال ۱۳۴۰ که مدتی مخفی زندگی می کردم، تنها کسی که به محل اختفای من می آمد شهید هاشمی نژاد بود. ایشان گاهی صبح ها حدود ساعت ۹ می آمد و ظهر با هم غذا می خوردیم. محل اختفای مرا فقط ایشان می دانست. جای خوبی برای مذاکره و بحث حول مسائل اجتماعی و علمی بود؛ اگر چه دوران اختفا برای یک انسان اهل کار و تلاش و حرکت و سروصدا نمی تواند دوران خیلی خوبی باشد. آن زمان رهبر معظم انقلاب برای مدتی در مشهد نبودند، اما در کنار شهید هاشمی نژاد به من خیلی خوش می گذشت و همیشه منتظر بودم که ساعت ۹ و ۹/۵ صبح برسد و ایشان بیایند و با هم صحبت کنیم. بنده در خلال ۵-۶ باری که زندان رفتم ۲ بار با شهید هاشمی نژاد در یک زندان بودم؛ از جمله زندان پادگان مشهد. با وجودی که شرایط زندان شرایط سختی بود و در یک سلول یک و نیم متر در یک و نیم متر، تاریک و مرطوب محبوس بودیم، اما در عین حال چون سلول ما در کنار سلول شهید هاشمی نژاد بود و صدای هم را می شنیدیم و گاه در هواخوری یکدیگر را می دیدیم، به ما خیلی خوش می گذشت؛ به نحوی که وقتی از زندان آزاد شدم به خاطر جدایی از ایشان، درست حالت آن انسانی را داشتم که بیرون از زندان باشد و او را بگیرند و به زندان ببرند.

منبع: خبرگزاری فارس، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ (سوگند مشترک رهبر انقلاب، آیت الله طبسی و شهید هاشمی نژاد)

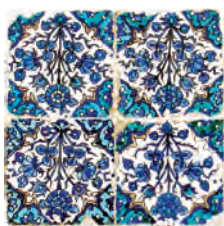
خاطرات



در عین اقتدار از رأفت اسلامی و انعطاف‌پذیری برخوردار بود

جواد آرین‌منش

نماینده سابق مردم مشهد در مجلس هفتم و هشتم



اقتصادی و اجتماعی برخوردار بود را به شایستگی مدیریت کند، به‌طوری‌که پس از ارتحال ایشان، مقام معظم رهبری برای اداره مجموعه تحت مدیریت ایشان (آیت‌الله واعظ) انتصاب‌های متعددی داشتند؛ بدین معنی که هرگز کسی قادر به اداره مجموعه‌های متعدد و متنوع تحت مدیریت ایشان نیست.

۴

خدمات در آستان قدس رضوی:

آیت‌الله واعظ طبسی در جهت توسعه و ارتقای آستان قدس به‌عنوان نهاد پشتیبانی‌کننده حوزه‌های فرهنگی گام‌های بلندی برداشت و مؤسسات آستان قدس به بیش از ۸۰ مؤسسه و شرکت دست یافت، به‌طوری‌که در اکثر عرصه‌های اقتصادی اعم از صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات و گردشگری سرمایه‌گذاری‌های گسترده و فرصت‌های شغلی فراوانی به وجود آورد.

۵

ولایت‌پذیری:

آیت‌الله واعظ طبسی در عین توانمندی‌ها و اقتدار فوق‌العاده، ولایت مدار صدیق و مطیع بود و همواره مواضع سیاسی خود را با دیدگاه‌های رهبر انقلاب تنظیم می‌کرد و ذره‌ای از این مشی عدول نکرد و در مواردی نزدیک‌ترین دوستان خود را از رده‌خاطر کرد که فتنه ۸۸ از جمله این موارد بود.

۶

مظلومیت آیت‌الله طبسی:

مروحوم آیت‌الله طبسی هرگز حاضر نبود اقدامات و خدمات خود را به نمایش بگذارد، حاضر نبود به هیچ‌کس امتیاز ویژه بدهد، حاضر نبود از حقوق موقوفات به نفع شخص یا گروه خاص استفاده شود؛ به همین دلیل برخی شخصیت برجسته او را تخریب می‌کردند. با حضور به‌یادماندنی مردم و مقام معظم رهبری در مراسم تشییع پیکر مطهر ایشان، پرده از این مظلومیت برداشته شد.

۱

مبارزات آیت‌الله واعظ طبسی در زمان قبل و بعد از انقلاب:

آیت‌الله واعظ طبسی را باید بدون تردید برجسته‌ترین چهره انقلابی پیش‌تاز انقلاب اسلامی در خراسان دانست که همراه با شخصیت‌هایی همچون مقام معظم رهبری و شهید هاشمی‌نژاد در کنار امام خمینی (ره) با عزمی راسخ و خلل‌ناپذیر، مدیریت انقلاب را در خطه شرق کشور و خراسان بزرگ بر عهده داشت و در این راه سختی‌ها، مرارت‌ها، شکنجه‌ها و سرزنش‌های ارتجاع را به جان خرید.

۲

خدمات در حوزه مشهد:

آیت‌الله واعظ طبسی دومین حوزه علمیه بزرگ کشور را در شرایطی بر عهده داشت که همه سلاقی و نحله‌های فکری حتی مخالفان مشی و روش انقلابی او در حوزه حضور داشتند و فعال بودند؛ اما با سعه‌صدر و آزادی بیان از تمامیت و استقلال حوزه حمایت مادی و معنوی می‌کرد و در جهت توسعه و فضاهای فیزیکی حوزه و شورای مدیریت و نظام‌مند کردن آن گام‌های ارزنده‌ای برداشت.

۳

ویژگی‌های مدیریتی:

مروحوم آیت‌الله واعظ طبسی چهره‌ای از مدیریت توانمند اسلامی را در جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرد که در عین اقتدار از رأفت اسلامی و انعطاف‌پذیری برخوردار بود و توانست در سال‌های پس از انقلاب نمایندگی رهبری در ۳ استان خراسان و مدیریت حوزه‌های علمیه و مجموعه عظیم آستان قدس رضوی که علاوه بر مجموعه اماکن متبرکه از ۱۵ دانشگاه و مؤسسه فرهنگی و همچنین حدود ۸۰ مؤسسه



گفت و گو با **علی محمد بشارتی**

چپی ها و زاویه داران با انقلاب از اصلی ترین مخالفان آیت الله طبسی بودند

آیت الله واعظ طبسی را با ما در میان بگذارد. شنیدن نام آیت الله واعظ طبسی و درخواست مصاحبه در خصوص شخصیت انقلابی و ایمانی ایشان با نهایت ادب و تواضع دکتر بشارتی مواجه شد. ایشان گفت هرگز نمی توانم از کنار آنچه در سال های دورودراز گذشته از بزرگ مرد فقیه و عالمی چون آیت الله طبسی دیده ام به سادگی بگذرم و آن همه عظمت و جان فشانی و خدمت بی چون و چرا و بی چشمداشت به اسلام، میهن و امام رضا (علیه السلام) را در سینه ام نگه دارم و جوانان و سرمایه های این کشور را از آشنایی هرچه بیشتر با عالم فقیه و فقیهی چون آیت الله طبسی بی بهره بگذارم. آنچه در ادامه می آید گفت و گویی است در راستای عرض ارادت به خدمات این عزیز سفر کرده از زبان دکتر علی محمد بشارتی.

«در خدمت آیت الله واعظ طبسی بودم، یکی از سران قوا تلفن زد و خواهش کرد اگر آستان قدس مهمان سرایی دارد برای سفر چندروزه در اختیار ایشان قرار دهد. مرحوم آیت الله طبسی به صراحت پاسخ داد جا نداریم، طوری که بنده از این جواب به شدت تعجب کردم. به یاد دارم ایشان در برابر این گونه درخواست ها به شدت ایستادگی می کردند به نحوی که این درخواست ها دیگر از سوی مسئولان نظام تکرار نمی شد.» این ها بخشی از خاطره ای از امانت داری مرحوم آیت الله واعظ طبسی از زبان دکتر علی محمد بشارتی، ادیب، شاعر و وزیر کشور در دولت دوم مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی است. دکتر علی محمد بشارتی در صبحی بارانی پذیرای ما شدند تا در دقایقی کوتاه خاطرات ده ها سال دوستی و رابطه خانوادگی و سیاسی با

ساحل عباسی
خبرنگار



آیت‌الله طبسی را برای صیانت از جایگاه ولایت فقیه و حفظ اصول ناب و ارزش‌های اصیل اسلامی-انقلابی راسخ‌تر نمود. بی‌شک خاطرات مبارزات انقلابی دوران پهلوی نشان می‌دهد ۳ تن از مهم‌ترین کسانی که در روند پیروزی انقلاب اسلامی نقش برجسته‌ای داشتند آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طبسی و شهید هاشمی‌نژاد بودند. با توجه به دوستی دیرینه آیت‌الله طبسی با آیت‌الله خامنه‌ای، بعد از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، ولایت‌پذیری و اعتقاد به ولایت مقام معظم رهبری در آیت‌الله طبسی عمیق‌تر، همه‌جانبه‌تر و جدی‌تر شد. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری هرساله سفرهای غیررسمی به مشهد مقدس دارند و ایام نوروز به‌صورت رسمی در مشهد حاضر می‌شوند؛ بنابراین مقام معظم رهبری از نزدیک در جریان فعالیت‌های آستان قدس قرار گرفته و می‌گیرند. هرساله عید نوروز در پی سخنرانی مقام معظم رهبری در حرم مطهر، آیت‌الله طبسی به افتخار ورود ایشان علماً را به ضیافت شام ساده و مختصری دعوت می‌کردند.

ازجمله موضوعاتی که درباره ایشان بسیار قابل تأمل بود سخنرانی‌های آیت‌الله طبسی درباره مقام معظم رهبری بود؛ سخنانی که نشان از شدت ولایت‌مداری ایشان داشت، در کنار

آیت‌الله واعظ طبسی ازجمله شخصیت‌های نظام اسلامی بودند که در طول حیات مبارک خود به ولایت‌مداری شهرت داشتند. بی‌تردید مهم‌ترین دلایل دشمنی برخی با آیت‌الله طبسی که از همان آغاز انقلاب مشهود بود و تا پایان عمر ایشان مشاهده شد تعصب فوق‌العاده وی به ولایت فقیه بود

تواضع و ادب چهره‌ای دوست‌داشتنی و قابل احترام از ایشان ساخته بود. بعد از سخنرانی عموماً مسئولان، مقامات، علما و طلاب در دفتر آیت‌الله طبسی حاضر می‌شدند و بعضاً اکثر آن‌ها حتی اینجانب درباره مسائل اظهارنظر کرده یا توضیحاتی ارائه می‌دادند، درحالی‌که ادب و تواضع آیت‌الله طبسی به‌قدری بود که هرگز در محضر مقام معظم رهبری به خود اجازه اظهارنظر نمی‌دادند.

با توجه به دوستی دیرینه شما با آیت‌الله واعظ طبسی، بارزترین ویژگی شخصیتی ایشان در چه صفاتی خلاصه می‌شد؟

بنده در طول دوران کاری و فعالیت‌های دولتی که داشتم افتخار آشنایی و همراهی با بسیاری از بزرگان ازجمله علما و مقامات را داشتم، اما به‌جرت می‌توانم بگویم در تمامی سال‌های گذشته، روحانی باتواضع و بادبی چونان آیت‌الله طبسی ندیدم. بی‌شک ادب و تواضع دو بال عرفان است. آیت‌الله طبسی با توسل به بال تواضع که از ویژگی‌های انبیا و اولیا به‌شمار می‌رود، توانستند راه عروج را بر روی خود باز کنند. یقیناً آیت‌الله طبسی نشان داد تواضع وجه افتراق وی با برخی از مدیرانی است که درهای اتاق خود را بر روی مردم و مراجعه‌کنندگان می‌بندند. مسئولینی که با رسیدن به اندک

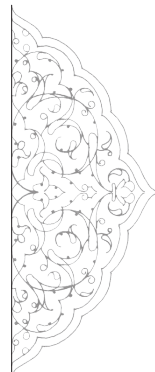
اگر بخواهیم آیت‌الله واعظ طبسی را از زبان و دیدگاه شما بشناسیم، حضرت تعالی ایشان را چگونه توصیف می‌کنید؟

گفتن درباره آیت‌الله طبسی سهل ممتنع است؛ ازاین‌جهت سهل است که آیت‌الله واعظ طبسی به‌عنوان تولیت آستان قدس رضوی هرگز همانند برخی مسئولان پشت درهای بسته، خود را از مردم پنهان نکرد و تمامی موانع دیدار مردمی و متقاضیان را برداشته بودند. ازآن‌جهت ممتنع است که ایشان در زمره معدود مدیرانی قرار دارد که از شخصیتی برجسته برخوردار بود و ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشتند. آیت‌الله طبسی از دیدگاه امام خمینی (ره) فردی دین‌دار و مجتهدی عالم بود. حضرت امام خمینی (ره) در اولین احکام صادره، آیت‌الله واعظ طبسی را به‌عنوان تولیت آستان قدس رضوی منصوب نمودند. ازجمله مسائل دل‌نشینی که در رابطه بین آیت‌الله واعظ طبسی و امام خمینی (ره) وجود داشت احساسات و جملات زیبایی بود که از زبان حضرت امام در خصوص شخصیت و مدیریت بانشاط ایشان در آستان قدس شنیده می‌شد.

آیت‌الله واعظ طبسی ازجمله شخصیت‌های نظام اسلامی بودند که در طول حیات مبارک خود به ولایت‌مداری شهرت داشتند. بی‌تردید مهم‌ترین دلایل دشمنی برخی با آیت‌الله طبسی که از همان آغاز انقلاب مشهود بود و تا پایان عمر ایشان مشاهده شد تعصب فوق‌العاده وی به ولایت فقیه بود. مشهد شهر صد فکر و صد حزب با مدیریت انقلابی آیت‌الله طبسی ازجمله محفوظ‌ترین شهرهای امانت‌دار انقلاب اسلامی است که همچنان با اصالت از انقلاب و ولایت فقیه دفاع می‌کند؛ و یقیناً این مسئله مرموز تلاش‌ها و خدمات ارزنده دینی و سیاسی این عزیز سفر کرده است. به یاد دارم فردی به نام احمدزاده (پدر دو چریک فدایی خلق) اوایل انقلاب در دوره دولت موقت به‌عنوان استاندار مشهد انتخاب شده بود. ایشان آن زمان به آقای طبسی پیشنهاد می‌دهد بهتر است ملک‌آباد را به چند قطعه کوچک تقسیم کنید و آن را به کارگران بدهید. آقای طبسی هم با رد این درخواست گفته بودند مگر می‌توان اموال امام رضا (علیه‌السلام) را که در زمره موقوفات آستان قدس به‌شمار می‌رود اهدا نمود؟ بی‌شک چپی‌ها و کسانی که به نوعی با انقلاب زاویه داشتند از اصلی‌ترین مخالفین آیت‌الله طبسی به‌شمار می‌رفتند. حفظ اموال آستان قدس گناه نابخشودنی آیت‌الله طبسی از نظر بسیاری از مخالفین بود.

با توجه به دوستی دیرینه آیت‌الله واعظ طبسی با مقام معظم رهبری می‌خواهیم از زبان حضرت تعالی دورانی را به تماشای بنشینیم که آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی رسیدند. همکاری و همراهی آیت‌الله واعظ طبسی در این دوران بسیار مهم است و یقیناً در سرنوشت انقلاب نیز تأثیر گذار بوده، لطفاً در این باره توضیح دهید؟

اعتقاد آیت‌الله طبسی به ولایت‌مداری به‌قدری بود که ایشان در هر فرصتی تلاش می‌کرد تا با برهان و ادله محکم طلاب جوان را به موضوع ولایت و پابندی به ولایت ترغیب و تشویق کند. پابندی به ولایت و بودن در خط امام تا زمان رحلت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در ایشان به قوت خود باقی بود. انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی عزم



شهرت و جایگاهی به زیردستان اعتنا نمی کنند، از نظر آیت الله طبسی دور از مردم و جدای از این انقلاب و نظام هستند که به فرموده حضرت امام خمینی (ره) متعلق به پابرهنگان و مستضعفان است. آیت الله طبسی همانند حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری به این جمله اعتقاد و یقین قلبی داشتند که جمهوری اسلامی برای پیوستگی هر چه بیشتر مردم و مسئولین ایجاد شد، نه اینکه مسئولین خود را تافته جدا بافته و دور از مردم بدانند. آیت الله واعظ طبسی مصداق مدیری با رفتار اسلامی بود، رفتاری که نشان می داد بیش از اینکه پست و مقام دنیوی او را به خود مشغول کند، بلکه وی پست را برای خدمتگزاری به مردم و انقلاب و اسلام به خدمت گرفته بود.

نظر ایشان درباره روحانیت چگونه بود؟



هر چند ممکن است این موضوع به مذاق برخی خوش نیاید، اما روحانیون از اصلی ترین گروه های پایه گذار انقلاب به شمار می روند. با شکست همه احزاب، گروه ها و سازمان های مبارزاتی ضدپهلوی در سال ۵۴ روحانیون در کنار مردم اصلی ترین گروهی بودند که توانستند بر روند پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر بگذارند. حضور روحانیون در شهرهای مختلف منجر به تقویت انسجام و یکپارچگی ملت در برابر طاغوت بود. هر شهری با اتکا به راهبردهای روحانی برجسته ای در پیروزی انقلاب مشارکت داشت؛ مثلاً مرحوم دستغیب در شیراز محور مبارزات بود، مرحوم شهید طباطبایی، آیت الله صدوقی و در اصفهان آیت الله خادمی در رأس مبارزات قرار داشتند؛ اما در مشهد آیت الله خامنه ای، آیت الله طبسی و شهید هاشمی نژاد در کنار هم دوشادوش یکدیگر بار سنگین مخالفت با نظام پهلوی را به دوش می کشیدند. همراهی و همکاری این ۳ بزرگوار مسئله ای واضح و مبهرن است که یادگارهای آن به عنوان سخنرانی های این بزرگواران در جماعات ضدپهلوی در دسترس همگان قرار دارد.

بنابراین این ۳ بزرگوار قبل از انقلاب اصلی ترین چهره هایی به شمار می رفتند که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش برجسته ای داشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای به تهران عزیمت کرده و آقای هاشمی نژاد شهید شدند. آیت الله واعظ طبسی نیز به عنوان یک روحانی انقلابی و تلاشگر در مشهد باقی ماندند تا عهده دار وظیفه سترگی شوند که حضرت امام خمینی (ره) بر عهده ایشان گذاشته بود؛ بنابراین مشهد در مسیر ولایت، امنیت و امانت ماند. بی شک ارتباط پیوسته آیت الله واعظ با علما، ائمه جمعه و اساتید حوزه علمیه مشهد به پیوستگی هر چه بیشتر و ثبات قدم در ولایتمداری جامعه روحانیت مشهد مقدس منجر شد. آیت الله طبسی اهمیت خاصی به قشر روحانیت فهمید و انقلابی می داد و معتقد بود روحانی که لباس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بر تن دارد باید در مسیر الهی و انقلابی گام بردارد؛ ازین رو تلاش داشتند تا همواره در سخنرانی ها و مراسم آستان قدس از توانمندی روحانیت استفاده کنند.

به یاد دارم رئیس سازمان تبلیغات (آقای سلطانی) بنده را برای سخنرانی ۲۲ بهمن سال ۸۹ به آستان قدس دعوت کرده بودند. ایشان گفتند که آقای طبسی هنگامی که نام شما را برای سخنرانی شنیدند خوشحال شدند و گفتند: هر چند انتخاب آقای بشارتی خوب است، اما بهتر است من بعد از روحانیون برای سخنرانی دعوت به عمل آورید! ایشان به شدت نسبت به روحانیت تعصب داشتند و علاقه مند به درس و بحث در حوزه علمیه بودند. ایشان به بسیاری از روحانیون و طلبه ها شهریه می دادند. آیت الله واعظ طبسی هر چند در سال های پایانی حیات مبارکشان با سختی و مشکلات جسمی مواجه بودند، اما هرگز از بازدیدهای سرزده و ارائه خدمات به آستان قدس غافل نشدند. شاید اصلی ترین دلیل موفقیت ایشان در طول دوره مبارک تولیتشان محبت و لبخندی بود که نسبت به کارمندان و به خصوص زوار امام هشتم علیه السلام داشتند.

خاطره استاندار خراسان از تواضع بی نظیر آیت الله

حسن غفوری فرد: از هفتم دی ماه سال ۵۸ توفیق آشنایی و درک محضر عالم ربانی آیت الله واعظ طبسی را داشتم. آشنایی بنده با ایشان پس از قرار گرفتن در سمت استانداری خراسان صورت گرفت که توفیق بودن در محضر آیت الله طبسی منشأ خیرات و برکات زیادی در زمان استانداری اینجانب در خراسان شد. یکی از ماندگارترین خاطرات بنده با ایشان روز آغاز کار در استانداری خراسان است که آیت الله طبسی با وسعت قلبی که داشتند به بنده قول همه گونه مساعدت و همکاری دادند که این مسئله مایه پشتگرمی اینجانب در کار شد. دکتر غفوری فرد با ذکر خاطره ای از آیت الله واعظ طبسی از تواضع بزرگمردی می گوید که کمتر مدیری شاید همانند وی باشد: به یاد دارم روزی به منشی دفتر گفتم با دفتر آیت الله واعظ طبسی تماس بگیرد تا بنده با ایشان مطلبی را در میان گذاشته و مشورت نماییم. چند ساعتی گذشت و آیت الله واعظ طبسی در نهایت سادگی خود وارد دفتر شدند. من که از دیدن ایشان تعجب کرده بودم، پرسیدم مسئله ای پیش آمده یا فرمایشی داشتید که تشریف آورده اید؟ حضرت آیت الله با گشاده رویی جواب دادند که از دفتر خواستند من خدمت استاندار برسم. بنده هیچگاه آن تواضع، فروتنی و بی توجهی به عنوان و مقام دنیوی که از معظم له دیدم را فراموش نکردم و همیشه مدیون محبت و بزرگواری ایشان بودم.

منبع: قدس آنلاین، ۱۴ اسفند ۱۳۹۴

(کمتر مدیری به تواضع و فروتنی آیت الله طبسی دیده ام/ خدمات ایشان در توسعه حریم مطهر بی نظیر است)

خاطرات





انقلابی و ولایی حساس بودند که گاه پیش می‌آمد به برخی از نمایندگان اجازه ورود به اتاقشان را نمی‌دادند. اینکه بعد از فتنه ۸۸ برخی از آیت‌الله طبعی انتقاد می‌کردند و شبهاتی را درباره ایشان مطرح می‌کردند، به دلیل همان مسائلی است که خدمتتان عرض کردم. دشمنان حرفی برای تخریب ایشان نداشتند و بهانه‌ای برای سیاه‌نمایی درباره عملکرد ایشان نداشتند؛ کاش آن‌ها ایشان را به زیاده‌روی در استفاده از مال دنیا متهم می‌کردند تا عدم ولایی بودن. بنده به یاد دارم بارها در دیدارهای نزدیک و صمیمی که در منزل ایشان داشتیم، می‌فرمودند همه چیز ما از انقلاب است، بنابراین باید در راه انقلاب باشد. مگر یک جان بیشتر داریم؟ اگر خدای ناکرده دشمنان عرصه را بر رهبر و انقلاب تنگ کنند با هر آنچه داریم از جمله جسم و جانمان به جنگ دشمن می‌رویم.

یکی از اتهاماتی که به ایشان زده می‌شد بحث نگاه اشرافی آیت‌الله واعظ بود. با توجه به اینکه شما از دوستان قدیمی ایشان بودید و رفت و آمد خانوادگی داشته‌اید، آیا این اتهام را بر ایشان روا می‌دانید؟ لطفاً مختصری از آنچه در زندگی خانوادگی و مدیریتی ایشان دیده‌اید عنوان فرمایید.

اینکه می‌گویند آیت‌الله طبعی زندگی اشرافی داشته است بی‌شک اتهامی ناجوانمردانه به ایشان است. اگر من در دوران حیات آیت‌الله طبعی از ایشان دفاع می‌کردم شاید شائبه‌ای پیش می‌آمد، اما حال که ایشان در قید حیات نیستند عرض می‌کنم؛ بنده به اتفاق اعضای خانواده گه‌گاهی به منزل ایشان می‌رفتیم -از سادگی زندگی‌شان می‌گویم- منزلی قدیمی در میدان شهدا که از همان دوران جوانی و ازدواج خریداری کرده بودند محل سکونت ایشان و خانواده‌شان بود. اینکه بنده در عدم حیات آیت‌الله طبعی این مسائل را بازگو می‌کنم تنها به دلیل به‌جا آوردن حق‌شناسی از عظمت روحی و سخاوت طبع بلند ایشان است.

دو اتاق تودرتوی تاریک با میلمان قدیمی که جهیزیه همسر ایشان بوده با وسایلی قدیمی کل زندگی آیت‌الله واعظ طبعی را تشکیل می‌داد؛ درحالی‌که اگر اراده می‌کردند، می‌توانستند در بهترین مهمانسراهای آستان قدس زندگی کنند و کسی هم نمی‌توانست به ایشان اعتراض کند. از همه کسانی که ایشان را به سلطنت در آستان قدس یا زندگی اشرافی متهم کرده‌اند و یا از مردم باانصاف می‌پرسم: آیا زندگی در خانه‌ای قدیمی ۴۰-۳۰ سال ساخت که حتی سرویس بهداشتی مناسبی برای راحتی یک مرد مسن هم نداشت با وسایل کهنه و زواردررفته، زندگی اشرافی محسوب می‌شود؟ بنده به چشم خود دیدم ایشان بارها شام نیمرو میل کرده‌اند.

مرحوم واعظ طبعی در آستان قدس مانند هزاران نفر کارمند و خادم این آستان یک پرس با یک دوغ و کمی سبزی خوردن میل می‌کردند. اگر این زندگی پادشاهی است پس با جرئت می‌توان گفت همه مردم ما پادشاهی می‌کنند! بی‌شک کسانی که چنین اتهاماتی را به ایشان وارد کردند، چون نتوانستند در سایر حوزه‌ها ایراد و اشکالی به شیوه مدیریت ایشان وارد کنند، راهی جز مسموم کردن ذهن مردم و اتهام اشرافیگری پیدانکرده‌اند.

آقای طبعی محبت را در عمل، لبخند زیبا و عاری از هر تصنعی با ارباب رجوع به نمایش گذاشتند. شاید در آن زمان دیدار برخی از مسئولین مشهد به این سادگی هاشدنی نبود، اما ارباب رجوع به آسانی می‌توانست به دیدار ایشان بروند؛ چراکه در اتاقشان به روی همه باز بود. آیت‌الله طبعی مصداق روایت شریفه است که می‌فرماید: مردم را به عملتان به امر نیک و خیر دعوت کنید نه به کلامتان. ایشان هرگز اجازه نمی‌داد کسی ساعت‌ها پشت در اتاقش انتظار بکشد؛ چراکه دل وی لبریز از محبتی بود که خداوند متعال به امانت به ایشان سپرده بود.

با توجه به اینکه مرحوم واعظ طبعی سال‌های زیادی عهده‌دار تولیت آستان قدس رضوی بودند، حضرت تعالی مدیریت ایشان را چگونه ارزیابی می‌کنید و به نظر شما شاخص‌ترین ویژگی‌های مدیریتی ایشان در کدامین رفتارها و تصمیمات نهفته است؟

مرحوم آیت‌الله طبعی از جمله معدود مدیران چندبعدی بودند که در مدیریت آستان قدس رضوی بسیار موفق و سرآمد شدند. با مثالی چندبعدی بودن شخصیت و توانمندی ایشان را برایتان بازگو می‌کنم؛ مثلاً وزیر کشور عهده‌دار ۲۷ مسئولیت است، درحالی‌که آیت‌الله طبعی به‌عنوان تولیت آستان قدس رضوی عهده‌دار ۸۰ مسئولیت بودند که از جمله آن‌ها می‌توان به مسئولیت توسعه حرم، ساختن صحن، رواق، هنرهای معماری و ... در آستان قدس اشاره کرد. شاید باورکردنی نباشد فردی عالم و روحانی که تنها در حوزه علمیه در درس و بحث حضور داشته تا این حد بتواند انواع کاشی را از هم تشخیص داده و با هنرهای مختلف ایرانی-اسلامی آشنا باشد. ایشان با یک نگاه می‌توانستند کاشی‌کاری‌های انجام‌شده در صحن‌های حرم مطهر را شناسایی کرده و ایراد آن را تشخیص دهند. بی‌تردید آیت‌الله واعظ طبعی ویژگی‌های قابل توجهی داشتند که توانستند در دوران تولیت خود آستان منور امام رضا علیه‌السلام را به یک میلیون مترمربع گسترش دهند.

امروز آستان قدس با عظمت و ویژگی‌های خدماتی و زیارتی که در اختیار زائران قرار داده است، یادگار زحمات روحانی عالم و فداکاری است که عمر خود را در راه حفظ و گسترش فرهنگ رضوی اختصاص داد؛ مدیریتی که توأم با بردباری و قاطعیت بود. ایشان معتقد بودند با برخی باید با صلابت و استواری برخورد کرد و با برخی با ملاطفت و مهربانی؛ یعنی قوه تشخیص ایشان در مواجهه با افراد و گروه‌ها از جمله ویژگی‌های ایشان بود که توان مدیریتی ایشان را در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها به نحو چشمگیر و قابل توجهی افزایش داده بود.

برخی بعد از فتنه ۸۸ به آیت‌الله واعظ ایراد گرفتند که در برابر فتنه‌گران سکوت یا مماشات کرده‌اند، تحلیل شما از این اتهامات چیست؟

شاید از جمله دلایلی که مشهد نسبت به سایر شهرها مشکلات سیاسی کمتری داشته است اقتدار شایان توجه آیت‌الله طبعی در برخورد با کسانی بود که به‌نحوی با انقلاب زاویه داشتند. ایشان در برخورد با برخی از مسئولانی که بعضاً با راهبردهای انقلابی در تضاد و مخالفت بودند به‌قدری با قاطعیت و تندی برخورد می‌کردند که از لطافت روح و مهربانی ذاتی ایشان به دور بود. آیت‌الله طبعی به‌قدری نسبت به امام و مواضع

با توجه به دوستی
دیرینه آیت‌الله طبعی
با آیت‌الله خامنه‌ای
بعد از انتخاب ایشان
به‌عنوان رهبر انقلاب
اسلامی، ولایت‌پذیری
و اعتقاد به ولایت
مقام معظم رهبری
در آیت‌الله طبعی
عمیق‌تر، همه‌جانبه‌تر
و جدی‌تر شد. از جمله
موضوعاتی که درباره
ایشان بسیار قابل تأمل
بود سخنانی‌های
آیت‌الله طبعی درباره
مقام معظم رهبری
بود؛ سخنانی که نشان
از شدت ولایت‌مداری
ایشان داشت، در کنار
تواضع و ادب چهره‌ای
دوست‌داشتنی و قابل
احترام از ایشان
ساخته بود.

گفت و گو با محسن رفیق دوست

آیت الله واعظ باید الگوی ساده زیستی مدیران نظام باشد

اصول انقلاب اسلامی و رهبری خط قرمز ایشان بود



ساحل عباسی

خبرنگار

محسن رفیق دوست از اعضای جمعیت مؤتلفه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است و با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس سپاه پاسداران از سال ۶۲ به عنوان یک سپاهی خدمت می کند. محسن رفیق دوست که تحصیلات ابتدایی خود را در دیپستان رازی در میدان خراسان می گذراند، در سال دوم به دلیل فعالیت های سیاسی اخراج می شود. مخالفت و اعتراض و مبارزه با رژیم پهلوی در کنار چهره های شناخته شده ای چون آیت الله خامنه ای، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله واعظ طبسی و شهید اندرزگو از سوابق پیش از انقلاب ایشان به شمار می رود. هرچند دوران پیش از انقلاب بسیار جوان بوده اما با اشتیاق خاصی خاطرات آن دوران را بیان می کند، گویی با عنوان کردن هریک از آن ها به همان شور و هیجان دوران جوانی اش نزدیک می شود. ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ روز ورود خمینی کبیر به ایران است و این افتخار

محسن رفیق دوست است که راننده خودرو روح خدا باشد. این سرتیپ سپاه پاسداران از دوران مبارزات انقلابی و روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی خاطراتی دارد که بخشی از آن با مجاهدت ها و الگوهای رفتاری آیت الله واعظ طبسی گره خورده است. ویژه نامه قدس به مناسبت سالگرد درگذشت خادم الرضا، آیت الله واعظ طبسی برای بازخوانی خاطرات این مرد خدا گپ وگفتی با سرتیپ محسن رفیق دوست داشته است.

لطفاً به عنوان اولین سؤال بفرمایید چگونه با آیت الله واعظ طبسی آشنا شدید و مهم ترین ویژگی آیت الله



از نظر شما چیست؟

از سال ۴۲، پس از آشنایی با مرحوم آیت الله هاشمی هم زمان مقام معظم رهبری و سپس آیت الله واعظ طبسی در مشهد را ملاقات نموده و در کنار آن ها دوران مبارزات انقلابی ام را آغاز کردم؛ بنابراین آشنایی بنده با آیت الله طبسی به آغازین روزهای نهضت انقلابی حضرت امام خمینی (ره) بازمی گردد. زمانی که حضرت امام نهضت انقلابی خود را آغاز کردند بنده بسیار جوان بودم با ۲۳

طبسی بسیار رقیق القلب و مهربان بود، اما این رقت قلب را در اداره آستان قدس رضوی از نزدیک‌ترین دوستان و همکاران و آشنایانش دریغ می‌کرد، به‌نحوی که اموال امام رضا (علیه‌السلام) خط قرمز ایشان بود.

آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و آقای طاهری خرم‌آبادی و شهید باهنر از روحانیون مبارز تهران بودند. قبل از انقلاب هر زمان که مشهد می‌رفتم علاوه بر دیدار با آیت‌الله طبسی به محضر آیت‌الله خامنه‌ای هم می‌رسیدم، البته زمان‌هایی که ایشان در تبعید یا در زندان به سر نمی‌بردند؛ از این رو می‌توان گفت آشنایی بنده با آیت‌الله طبسی به مبارزات انقلابی برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی بازمی‌گردد.

آیت‌الله واعظ طبسی در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب در استان خراسان چه نقشی داشتند؟ لطفاً در این باره توضیح دهید.

به‌طور قطع در سراسر ایران روحانیون و مبارزان انقلابی بسیاری با حضرت امام خمینی در ارتباط بودند؛ این افراد به‌عنوان شاگردان و یاوران امام نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی و اعتلای جهاد و فرهنگ اسلامی

ایفا می‌کردند. بی‌شک در میان خدمتگزاران به انقلاب، آیت‌الله طبسی نقش حائز توجهی در مشهد مقدس ایفا نمودند و در انسجام مبارزاتی مردم این شهر بسیار تأثیرگذار بودند. هرچند آیت‌الله واعظ در مبارزه با نظام شاهنشاهی بسیار تلاش داشتند، اما وجه علنی ایشان کمتر از وجه مبارزاتی مقام معظم رهبری نمود داشت؛ مثلاً در تهران شهید باهنر فعالیت‌های متفاوت و متنوع و

تأثیرگذاری در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایفا می‌کردند، اما مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چهره‌علنی‌تر مبارزاتی نسبت به شهید باهنر داشتند؛ بنابراین با این توصیفات می‌توان گفت آیت‌الله طبسی یکی از بازوهای پرتوان و کارآمد انقلاب اسلامی بود که با دستان قدرتمند و نگاه نافذ و اسلامی خود توانست بسیاری از مردم مسلمان مشهد را در مخالفت با رژیم پهلوی با خود همراه و هماهنگ نماید.

ایا خاطره‌ای از دوران خادمی خود در حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) از آیت‌الله واعظ دارید که بازگوکننده اوصاف اخلاقی ایشان باشد؟

زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله واعظ طبسی بنده را به مشهد دعوت کردند. جناب آقای طبسی قبلاً مرا به خادمی امام رضا علیه‌السلام مفتخر کرده بودند، بی‌شک خادمی امام را مرهون لطف و محبت آن بزرگوار هستم. یک روز با لباس خادمی در حرم حضور داشتم، آن روز چند موزه و کتابخانه توسط آیت‌الله واعظ طبسی و آیت‌الله هاشمی افتتاح شد، در آن مجموعه ایشان طی یک سخنرانی عنوان نمود که تمامی موارد افتتاح‌شده را در آستان قدس با حق توفیتی که به اینجانب اختصاص دارد، ساخته‌ام. شیرین‌تر از آن این بود که از

سال سن. از سال ۴۲ تا سال ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی هرگاه به مشهد مقدس سفر می‌کردم در محضر آیت‌الله طبسی حاضر می‌شدم. با آنکه آیت‌الله طبسی چند سالی از بنده بزرگ‌تر بود، اما بودن در کنار ایشان لذت و حظ معنوی خاصی داشت؛ از این رو هرگز از دیدن و بودن در کنارشان کوتاهی نمی‌کردم، سعی داشتم از فرصت استفاده کنم و ایشان را به هر نحوی ملاقات کنم.

با مروری به گذشته تقریباً دورودراز و با کاوشی در پنجاه‌وچند سال دوستی و حضور در محضر ایشان، در یک کلام می‌توانم شخصیت و منش و راه و روش زندگی این عالم فرزانه را به تصویر بکشم. ساده‌زیستی؛ عاری از تکلف و صریح‌اللهجه بودن از مشخصات بارز رفتاری آیت‌الله طبسی بود. به یاد دارم قبل از پیروزی انقلاب همراه شهید اندرزگو به مشهد مقدس منزل یکی از روحانیون رفتم. وارد کوچه که شدیم بوی غذاهای مختلفی کوچه را پر کرده بود. به منزل آن روحانی که رسیدیم موقع ناهار بود، سفره‌ای آماده با چندین نوع غذا آماده کرده بودند. شهید اندرزگو با صراحت با آن روحانی برخورد کرد که برای ۳ نفر نیاز به این همه اسراف و تجمل‌گرایی نبود. تجملات منزل آن روحانی که مورد اعتراض شهید اندرزگو و بنده قرار گرفت -البته ایشان

یک بار به منزل ایشان دعوت شدم هرگز سادگی آن خانه از یادم نمی‌رود، خانه‌ای که از زمان ازدواج تا پایان حیات ایشان دست‌نخورده، در عین سادگی و بی‌مبالاتی باقی ماند. شاید در بین همه روحانیونی که زندگی ساده‌ای داشتند، همانند آیت‌الله هاشمی و آیت‌الله بهشتی که وضعیت مالی مناسبی داشتند اما همیشه ساده‌زیست بودند، باید در ساده‌زیستی به آیت‌الله طبسی نمرة ۲۰ داد

بعد از انقلاب خلع لباس شد- و این موضوع دیدار ما را به پایان رساند. از آنجا مستقیم به منزل آیت‌الله طبسی رفتم و از آنچه در منزل آن روحانی دیده بودیم تعریف کردیم. جالب است بدانید با آنکه آیت‌الله طبسی از نحوه زندگی چنین روحانیونی بسیار متأسف شدند، اما از ما خواهش کردند که در منزل ایشان غیبت نکنیم و آن روحانی‌نما را به خدا واگذار کنیم!

ازجمله مواردی که همیشه درباره آیت‌الله طبسی قابل ذکر است، ساده‌زیستی زندگی ایشان است؛ هرچند به این مسئله قبلاً هم اشاره کردم، اما پرداختن به این نکته مهم خالی از لطف نیست. یک بار به منزل ایشان دعوت شدم؛ هرگز سادگی آن خانه از یادم نمی‌رود، خانه‌ای که از زمان ازدواج تا پایان حیات ایشان دست‌نخورده، در عین سادگی و بی‌مبالاتی باقی ماند. شاید در بین همه روحانیونی که زندگی ساده‌ای داشتند، همانند آیت‌الله هاشمی و آیت‌الله بهشتی که وضعیت مالی مناسبی داشتند اما همیشه ساده‌زیست بودند، باید در ساده‌زیستی به آیت‌الله طبسی نمرة ۲۰ داد. با اینکه آیت‌الله





۱۳۶۰؛ غبارروبی از حرم رضوی، شهید آیت‌الله ربانی املشی و آیت‌الله جوادی آملی در کنار آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی داخل ضریح امام رئوف دیده می‌شود.

زبان خود ایشان شنیدیم که آن قدر به رعایت حق امام رضا علیه‌السلام مکلف هستند که یک بار لوله‌کشی منزلشان خراب شده و آن لحظه پولی برای تعمیرات در دسترس نداشتند تا به کارگران بدهند (نه اینکه توانایی پرداخت ۱۲۰ هزار تومان را نداشته باشند، آن لحظه ایشان دسترسی به پول یا حساب بانکی نداشتند) اما برای تعمیرات منزل مسکونی‌اش به حق تولیت دست نزدند، بآنکه حق تولیت حق شرعی و قانونی ایشان بود، اما یک ریال آن را برنداشتند و برای رفع حاجت، پول تعمیرات را از یکی از دوستان قرض می‌گیرند و پس می‌دهند.

بی‌شک هر کسی که از پول و سرمایه آن هم از حق خود بگذرد، می‌تواند از جانش برای انقلاب و ایشار در راه اسلام بگذرد. آیت‌الله طبسی نشان داد هیچ چشمداشتی به حق تولیت نداشته است. شاید گفتن این مسئله به زبان ساده باشد، اما در یک حساب سرانگشتی با محاسبه مدت‌زمان تولیت ایشان می‌توان دریافت که چه رقم میلیاردری و قابل توجهی بوده که ایشان همه را در راه توسعه حرم مطهر رضوی هزینه کردند. در مقایسه با بسیاری از انقلابیونی که زندگی پاک و

بی‌شائبه‌ای داشتند، آیت‌الله طبسی نمونه و الگویی بی‌مثال بود. بنده باصراحت و باتوجه به آنچه از ایشان دیده‌ام معتقدم که ایشان بالاترین جایگاه را در نزد امام رضا (علیه‌السلام) در بهشت دارد.

از ویژگی‌های آیت‌الله واعظ طبسی که نزدیکان ایشان بر آن تأکید دارند حفاظت از اموال آستان

قدس است، آیا شما در این باره خاطره‌ای دارید؟

آیت‌الله واعظ در بازستاندن اموالی که احساس می‌شد به آستان قدس رضوی تعلق دارد با هیچ‌کس حتی با نزدیک‌ترین دوستان و هم‌زمان قبل از انقلاب تعارف نداشت. به یاد دارم در شرکت سپاد خراسان با ۵۰۰ میلیون تومان که از سرمایه‌های بسیجیان و سپاهیان فراهم کرده بودیم اقدام به ساخت مراکز تجاری، اقتصادی و مسکونی نمودیم، به‌نحوی که از محل آن ۱۰ هزار خانواده بسیجی منتفع شدند. به یاد دارم مدارکی به آقای واعظ طبسی رسیده بود مبنی بر اینکه بخشی از زمین‌های یادشده متعلق به آستان قدس است. بآنکه بنده و ایشان دوستی چندساله‌ای داشتیم، اما هرگز تعارف نکردند و برای اعاده حق آستان قدس کار ما تا دادگاه و دادسرا هم کشیده شد. پیگیری اموال آستان قدس از ویژگی‌های مدیریتی قابل توجهی بود که در ایشان وجود داشت. هرچند در آن پرونده ثابت شد که این زمین‌ها متعلق به آستان قدس نیست، اما پای کار بودن و حراست و حفاظت از اموالی که به امام رضا علیه‌السلام تعلق داشت نشان از همت مضاعف ایشان در رعایت حقوق مربوط به آستان قدس داشت.

یک روز در جماران بودم که متوجه حضور آیت‌الله طبسی برای دیدار با امام خمینی شدم. مسئله جالبی را مطرح کردند و از آن جالب‌تر امام راهکار مناسبی به ایشان ارائه دادند. آیت‌الله

طبسی گفتند درآمد یکی از موقوفات آستان قدس برای خوراک چارپایان زوار امام رضا (علیه‌السلام) در نظر گرفته شده است. واقف صدها سال پیش خواسته که درآمد ناشی از این موقوفه خرج کاه و یونجه چارپایان زائرین شود، حالا که ما به کاه و یونجه برای چارپایان نیاز نداریم چه کنیم؟ امام فرمودند بنزین بخرید برای سوخت اتومبیل‌های زائران هزینه کنید.

حرم مطهر رضوی از زمان واگذاری تولیت تا زمان رحلت آیت‌الله واعظ طبسی شاهد توسعه

کسترده‌ای بوده است، آیا شما با توسعه حرم به شکل امروزی که محصول نگاه و زحمات تولیت آن است موافق هستید (البته این سؤال به‌رغم برخی مخالفت‌هایی که بعضاً انجام شده پرسیده می‌شود)؟ دیدگاه شما در این باره چیست؟

به نظر بنده وسعت بخشیدن به حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) امری بسیار قابل توجه و قابل تقدیر است. خوشبختانه الگوی توسعه‌ای حرم مطهر رضوی در عتبات عالیات اجرا می‌شود و از نیازهای روز ما به شمار می‌رود؛ چراکه افزایش جمعیت نیازمند افزایش خدمات است و توسعه حرم نیز از الزامات امروز جمعیتی و توسعه‌ای ما است. بی‌شک توسعه حرم در افزایش حضور شیعیان و مشتاقان امام رضا (علیه‌السلام) بسیار حائز اهمیت است؛ از جمله آن‌ها بنده به موضوعی اشاره می‌کنم که بسیار جای تأمل دارد. جمعیت تعاون اسلامی که توسط مقام معظم رهبری و آیت‌الله غیوری بنیان گذاشته شد با هدف گسترش فرهنگ تشیع در مناطق سنی‌نشین مدرسه و حوزه علمیه می‌سازد. این مؤسسه که ۲۰ هزار نفر عضو دارد، تحت پوشش خدمات فرهنگی است،

با مروری به گذشته تقریباً دورودراز و با کاوشی در پنجاه‌وچند سال دوستی و حضور در محضر ایشان، در یک کلام می‌توانم شخصیت و منش و راه و روش زندگی این عالم فرزانه را به تصویر بکشم. ساده‌زیستی؛ عاری از تکلف و صریح‌الوجه بودن از مشخصات بارز رفتاری آیت‌الله طبسی بود.



به نحوی که هر ساله دانش آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان سنی مذهب در قالب تورهای زیارتی به مشهد مقدس اعزام می شوند. به جرئت می گویم که اعزام آن ها در رویکرد دینی و گرایش به مذهب تشیع بسیار تأثیر دارد. بی شک با گسترش امکانات اعم از ساخت وسازها و فعالیت های فرهنگی و معنوی و مذهبی می توان بر آحاد بیشتری از مردم بخصوص اهل سنت تأثیر گذاشت. خوشبختانه آستان قدس رضوی با رویکردهای قابل توجهی در حال برگزاری برنامه هایی است که بسیار حائز اهمیت است. نگاه نو به موضوع زیارت و تسهیل زیارت از جمله برنامه هایی است که آستان قدس با برنامه ریزی درست و اصولی آن می تواند سهم زیادی در اعتلای فعالیت های فرهنگی و دینی جامعه ایفا کند. مسلماً اعزام کسانی که تاکنون موفق به زیارت امام هشتم (علیه السلام) نشده اند؛ حمایت های مادی و معنوی از تهیه مکان، حمل و نقل و تهیه غذا تا حتی پرداخت هزینه های توجیبی سفر، خدمت ارزنده ای است که از زمان آیت الله واعظ شروع شد و اینک با همت تولیت جدید این آستان نورانی وارد مراحل ویژه و تأثیرگذاری بیشتری بر فعالیت های فرهنگی این آستان نورانی شده است.

آستان قدس داده شد. هر چند مذاکرات بسیار طولانی بود، اما طعم شیرین بازگرداندن اموال امام رضا (علیه السلام) به صاحب اصلی آن قابل وصف نبود. بعد از آن خدمت رهبر بزرگوار رسیدم و گزارشی از پس دادن اموال آستان قدس که در اختیار بنیاد بود ارائه نمودم که ایشان هم ما را دعا فرمودند. بد نیست در اینجا خاطره دیگری را که به اموال آستان قدس مربوط است عنوان کنم. یکی از فعالیت هایی که در بنیاد مستضعفان داشتم برگرداندن اشیای عتیقه ای بود که به آستان قدس تعلق داشت. لوسترها و قندیل های عتیقه ای که از سال ها قبل وقف آستان قدس شده بود توسط محمدرضا شاه پهلوی به تهران آورده می شود و به جای آن ها لوسترهای ایتالیایی خریداری می شود. یکی از دوستان به نام مرحوم قدیریان که عتیقه شناس بودند مأمور بررسی آن ها شدند و زمانی که دریافتیم به آستان مقدس امام رضا (علیه السلام) تعلق دارد، خدمت آیت الله طبسی رفتیم. با اینکه ایشان از نظر جسمی وضعیت خوبی به خصوص در پا نداشتند، بنده را بغل کرده و مورد لطف خود قرار دادند. چون ایشان بنده را خیلی بامحبت خاص در آغوش گرفته و فشار می دادند، خدمتشان عرض کردم امروز خیلی به بنده محبت کردید. آیت الله طبسی در جواب گفتند: چون شما به امام رضا (علیه السلام) خدمت کردید.

موضع گیری های سیاسی آیت الله واعظ طبسی را

چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا درباره منش سیاسی

ایشان می توان به برخی ادعاها و ایجاد شائبه ها به خصوص بعد از فتنه ۸۸ اعتنا کرد؟

از نظر من سیاسی تفکر مشابه با آیت الله طبسی داشتم و معمولاً عقاید و اظهار نظرهای سیاسی ایشان را دوست داشتم. وقتی در مشهد بودم گاهی زمانی را در کنار ایشان بودم که معمولاً به صرف ناهاری می گذشت و درباره موضوعات سیاسی روز صحبت می شد. حالا که از منشی سیاسی ایشان صحبت شد بد نیست به این شبهه اشاره ای کنم که برخی بعد از سال ۸۸ به خاطر تداوم برخی روابط و دوستی ها بر ایشان خرده می گرفتند. با توجه به اینکه چند هفته ای از درگذشت آیت الله هاشمی رفسنجانی می گذرد بهتر است به این نکته بپردازم که آیت الله طبسی به آیت الله هاشمی محبت داشتند، دوستی چندده ساله و بودن در کنار یکدیگر در دوره های مختلف انقلاب این دوستی را مستحکم ساخته بود؛ از این رو در پی اتفاقات سال ۸۸ برخی شبهاتی را درباره تداوم ارتباط این دو بزرگوار مطرح می کردند. بنده معتقد هستم آیت الله طبسی و آیت الله هاشمی بر دو موضع بسیار حساس پافشاری می کردند، یا بهتر است بگوییم اصول انقلاب اسلامی و رهبری خط قرمز این دو بود که تا آخرین لحظات عمر خود ثابت قدم بر آن باقی ماندند. بنده بر این باور هستم که بهتر بود سایر مسئولان و افراد در این باره اظهار نظر نمی کردند و حل این مسئله را به خود این بزرگان واگذار می کردند.

خدای من شاهد است که بنده جمله «آیت الله خامنه ای بدیل ندارد» را بیش از ده ها بار از زبان آیت الله هاشمی شنیده ام. همچنین این جمله را در بسیاری از ملاقات و اظهار نظر ها از آیت الله طبسی شنیده ام که تأکید می کردند کسانی که امروز از رهبر انقلاب انتقاد می کنند همان کسانی هستند که امام را قبول نداشتند.

از خاطرات خود در دورانی که در سپاه

می کردید و سپس در بنیاد مستضعفان

بفرمایید. همکاری شما با آیت الله طبسی و آستان قدس در

این زمان به چه شکلی بوده است؟

ده سالی که در سپاه پاسداران خدمت می کردم مرتب با آیت الله طبسی دیدار داشتم. آن دوران، سپاه خراسان ارتباط گسترده ای با آیت الله طبسی داشت. تولیت سابق آستان قدس همکاری بسیار مطلوبی با سپاه خراسان در تهیه امکانات کمک به جبهه و سایر ملزومات مورد نظر سپاه و رزمندگان اسلام داشتند. بنده هم به عنوان یکی از مسئولین سعی می کردم در برخی از امور مربوط به خصوص در امور مربوط به سپاه خراسان با آیت الله طبسی مشورت کرده و گزارش کار به ایشان ارائه دهم. یقیناً با توجه به اینکه آن زمان حضرت آیت الله خامنه ای در تهران حضور داشتند مسئولیت خراسان بر عهده آیت الله طبسی بود؛ بنابراین سپاه خراسان نیز مأمور به هماهنگی با آیت الله طبسی بودند.

در بدو ورود اینجانب به بنیاد مستضعفان متوجه شدم اموال ارزشمندی از موقوفات حضرت امام رضا (علیه السلام) توسط رضاشاه غصب شده است. این اموال که با فریب و استفاده از زور رضاشاه از آستان قدس رضوی جدا شده بود اموال باارزشی بود که شامل برخی از زمین های شهرک غرب بود که هتل های گران قیمتی نیز در آن منطقه وجود دارد. رضاشاه در عوض این زمین های غصبی، ۱۲ هزار هکتار زمین بیابانی در سرخس را به آستان قدس داده بود. باغ بزرگ «خوردین» که هم اکنون در تهران در اختیار آستان قدس است تکه ای از آن مجموعه عظیم بود که رضاشاه به بنیاد پهلوی داده بود. در اولین اقدام باغ «خوردین» را به آستان قدس بازگرداندم و بابت زمین هایی که در آن هتل ساخته بودند آن زمان مبلغ ۱۹ میلیارد تومان به



احیای موقوفات؛ مهم ترین اقدام آیت الله در مدیریت آستان قدس رضوی

غلامرضا مصباحی مقدم
سخنگوی جامعه روحانیت مبارز

و مستغنی بود، اما ساده زیستی و مشی طلبگی را مبنای زندگی خود قرار داده و تا پایان زندگی نیز همین روند را ادامه داد. آیت الله طبسی محبتی نیز به بنده داشت و گاهی که به مشهد مشرف می شدم مرا در دفتر خود می پذیرفت. در مدیریت آستان قدس رضوی هم مرحوم آیت الله واعظ طبسی بی نظیر بود و باید گفت که خودش را وقف امام رضا (علیه السلام) و موقوفات آن حضرت، توسعه حرم مطهر رضوی و اداره آستان و اموال و سرمایه های آن کرد.

وی شخصیتی امانت دار بوده و به شدت حریم امام رضا (علیه السلام) و مصالح آستان را رعایت می کرد؛ و البته به همین جهت مورد بی مهری هایی هم در مشهد مقدس قرار گرفت. وی علی رغم اینکه می توانست از موقوفات آستان قدس رضوی سهم عشر (۱۰ درصد) برای شخص خود بردارد، از آن چشم پوشی کرد. به خاطر دارم که یک بار عنوان کرد که صحن قدس را با حق عشر ساخته و همه هزینه های

بنده مرحوم آیت الله واعظ طبسی را از سال ۱۳۴۴ می شناسم، وی استاد حوزه بوده و در مدرسه نواب مشهد تدریس می کرد. من نیز توفیق حضور در کلاس درس مختصر ایشان را پیدا کردم. مرحوم آیت الله واعظ طبسی به عنوان یک عنصر پیشواز در عرصه فعالیت سیاسی همراه با حضرت آیت الله خامنه ای و شهید هاشمی نژاد در حال فعالیت بود. مردم این ۳ بزرگوار را به عنوان ۳ روحانی برجسته نطق، سخنور، متدین و انقلابی می شناختند؛ به گونه ای که آیت الله واعظ طبسی مورد تعرض توسط رژیم شاه بازداشت و ممنوع المنبر شده و به طور مداوم نیز تحت فشار ساواک قرار گرفتند.

صحن قدس از سهم آیت الله طبسی از آستان ساخته شد

ایشان از نظر اخلاقی شخصیتی بسیار متخلق و برای طلاب الگویی خاص بود، اگرچه به واسطه وضعیت مالی جدش از نظر زندگی بی نیاز



احیای موقوفات و زمین‌های بسیار وسیع آستان قدس رضوی که به‌عنوان استیجاری در اختیار مردم قرار گرفته، مهم‌ترین اقدام وی در مدیریت آستان قدس رضوی بود. بخش اعظم مشهد، موقوفه آستان قدس است که به‌ارزش اندک و با اجاره‌های طولانی مدت و نودونه‌ساله به افراد اجاره داده شده است. مرحوم آیت‌الله طیبی در دوران حیات اقدامی سنگین و خطرناک انجام دادند و آن هم به‌روز کردن اجاره‌بهای املاک استیجاری بود. از نظر ایشان مصلحت آستان اقتضا می‌کرد که اجاره‌بها به قیمت سابق گرفته نشود، به همین دلیل طی مصوبه‌ای این امر محقق شده و همین امر منشأ آغاز پروژه بزرگ توسعه اطراف حرم شد.

آستان قدس خودش به تنهایی یک مملکت است

بالا بردن درآمد آستان قدس، بالا بردن بهره‌وری مجموعه‌های اقتصادی آستان قدس؛ چراکه آستان قدس خودش به تنهایی یک مملکت است و در مقابل ایران خودش عظمتی دارد و این موقوفات منحصر به مشهد و استان خراسان و حتی ایران نمی‌شود، بلکه در هند، پاکستان، عمان و کشورهای عربی منطقه و حتی برخی از کشورهای آفریقایی و آسیای میانه هم موقوفاتی دارد. شناسایی، اداره، به‌روز کردن و اقتصادی کردن این موقوفات نشان‌دهنده نگاه درست اقتصادی آیت‌الله طیبی بود و همین رویکرد باعث شد که موقوفات آستان قدس هم به‌صورت کامل و جامع مدیریت شود و هم پروژه‌های متعددی از این طریق ساخته شود؛ یکی از این اقدامات، ساخت حرم امامزاده حسین بن موسی بن جعفر در طبس است که در واقع یک حرم بسیار کوچک و غیرقابل توجهی بود، ولی الآن به یک حرم بزرگ تبدیل شده و مورد زیارت زوار (زمینی) عازم از یزد، کرمان و بندرعباس قرار می‌گیرد. با این اقدام نام فرزند موسی بن جعفر و برادر امام رضا (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) در آن مجموعه زنده شد و جایگاهی پیدا کرد.

به توصیه امام خمینی (ره) آستان قدس اقدام به بازسازی مقبره مرحوم مدرس کرد که هم‌اکنون به‌صورت وسیع مورد توجه مردم قرار گرفته است.

همراهی قاطع آیت‌الله طیبی با نظام در مقابل فتنه ۸۸ سال

خاطرم هست که جریان فتنه ۸۸، بعضی از شخصیت‌های برجسته نظام به یک حالت شبهه‌دار افتاده و به نوعی خواسته و ناخواسته به جریان فتنه کمک کردند؛ اما مرحوم واعظ طیبی با قاطعیت در مقابل آن ایستاد و با نزدیک‌ترین دوستان خودش که در این قضیه موضع متفاوتی گرفته بودند، برخورد کرد و موضع قوی حمایت خودش را از رهبر انقلاب در جریان فتنه و در صحبت‌ها و سخنرانی‌هایش نشان داد. اولاً فهم درست از انقلاب و ثانیاً تجربه همراهی با رهبر معظم از قبل از انقلاب و شناخت درست از شخصیت ایشان موجب شد که مرحوم آیت‌الله طیبی این حمایت و همراهی را در جریان فتنه و مقابله با فتنه با کمک آیت‌الله خامنه‌ای داشته باشد.

ان‌شاءالله خداوند روح ایشان را شاد کرده و اجر عظیمی بابت خدمات بسیار زیاد وی به اسلام، انقلاب و آستان قدس رضوی و امام رضا (علیه‌السلام) و به زوارشان به ایشان عنایت کند؛ و ان‌شاءالله به بازمانده‌ها و آقازادگان وی صبر جمیل مرحمت کرده و آثار و برکات وجود ایشان برای صدها سال از این پس باقی بماند و آنچه کرده ذخیره آخرت باشد و درجات آخرتش را بالا ببرد.

آن را از حق عشر پرداخت کردم. تا زمان رحلت وی، بقیه حق آیت‌الله طیبی در پروژه‌های دیگر آستان قدس استفاده و خرج شد.

آیت‌الله طیبی شخصیت مورد اعتماد امام و رهبری

وی آستان قدس را به‌عنوان یک مجموعه فرهنگی می‌دید که باید از حیث فرهنگی به زوار و مجاوران و مردم شریف مشهد خدمت کند. به‌هرحال، وی آن چنان امانت‌دار بود که مورد اعتماد مطلق امام (ره) رهبر معظم انقلاب قرار داشت؛ این قضیه تا حدی بود که نه امام و نه رهبر انقلاب به اظهارات مناقشه‌آمیز مطرح‌شده در مورد آیت‌الله طیبی توجهی نمی‌کردند و این امر نشان‌دهنده شخصیت برجسته، ممتاز، کم‌نظیر و مورد احترام یک‌چنین فردی بود. همه بزرگان و شخصیت‌های نظام که به مشهد مشرف شدند، خاطره خوشی را از مرحوم آیت‌الله طیبی در ذهن دارند.

نقش آیت‌الله طیبی در بسیج مردمی در حمایت از امام و انقلاب

در دوران انقلاب، ۳ شخصیت برجسته در بسیج مردم در حمایت از امام (ره) و قیام علما در مقابل رژیم و مظالم شاه نقش مهمی را ایفا کردند؛ یکی از آن افراد مرحوم آیت‌الله طیبی بود و سخنرانی‌های وی در منزل مرحوم آیت‌الله قمی در سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ و بعد از آن، بسیار برجسته، مهیج و همراه با شجاعت تمام بود. قدرت فصاحت و بلاغت وی در منبر کم‌نظیر بوده و در ذهن و فکر و احساسات مردم تأثیر مهمی می‌گذاشت تا حدی که جمعیت‌های عظیمی پای سخنرانی ایشان می‌آمد و با یک روحیه شارژشده از پای منبر ایشان خارج می‌شدند. بسیاری از منبرهای وی منتهی به نوعی تظاهرات و حرکات انقلابی و شعارهایی علیه رژیم شاه می‌شد. در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب، آیت‌الله طیبی یکی از میدان‌دارهای معرکه انقلاب بود.

اقدام آیت‌الله طیبی در تحریم کمک مالی شاه به طلاب تا مطرود شدن طلبه‌های اوقافی

تأثیرگذاری در میان طلاب و فضایی مشهد و جذب آن‌ها یکی از نکات مثبت عملکرد آیت‌الله طیبی بود. قبل از انقلاب حوزه مشهد بافت غیرانقلابی داشت و وجود شخصیت‌هایی مانند ایشان بافت غیرانقلابی را به یک بافت انقلابی تبدیل کرد. به خاطر دارم که آیت‌الله طیبی و سایر بزرگان مانع اقدامات روحانیون مواج‌بگیر رژیم شاه در هدایت جوانان طلاب به رژیم پهلوی شدند. آن زمان طلاب غالباً در فقر و فلاکت به سر می‌برده و کمک‌های مالی برایشان بسیار مهم بود و دفتر اوقاف مشهد در مدارس سعی می‌کرد به طلبه‌ها کمک‌های مالی کند؛ اما آیت‌الله طیبی و سایر بزرگان این کار را تحریم کردند که مؤثر واقع شد. در آن زمان در بین طلبه‌ها برخی به طلبه اوقافی معروف بودند و همین امر کافی بود تا شخص از جامعه طلاب مطرود شود؛ و همین اقدامات موجب گسترش روحیه انقلابی در مشهد شد.

احیای موقوفات؛ مهم‌ترین اقدام آیت‌الله در مدیریت آستان قدس رضوی

ایشان چندین مسئولیت داشتند: مدیریت آستان قدس رضوی، سرپرستی حوزه علمیه خراسان بزرگ که شامل ۳ استان می‌شد، نمایندگی ولی فقیه در ۳ استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی؛ این ۳ کار یک حجم سنگینی از مسئولیت را بر دوش ایشان گذاشته بود که در همه آن‌ها بسیار خوب و موفق عمل می‌کردند.

وی علی‌رغم اینکه می‌توانست از موقوفات آستان قدس رضوی سهم عشر (۱۰ درصد) برای شخص خود بردارد، از آن چشم‌پوشی کرد. به خاطر دارم که یک بار عنوان کرد که صحن قدس را با حق عشر ساخته و همه هزینه‌های آن را از حق عشر پرداخت کردم. تا زمان رحلت وی، بقیه حق آیت‌الله طیبی در پروژه‌های دیگر آستان قدس استفاده و خرج شد.

آیت الله واعظ طبسی به روایت اسناد

روزهایی که ساواک خراسان از دست بهلول دوم عاصی شده بود!



نامه ساواک به لشکر ۱۲ خراسان درباره آیت الله واعظ طبسی

ساواک خراسان که قصد برخورد با آیت الله طبسی را داشت، همزمان با این اقدام، نامه‌ای نیز برای لشکر ۱۲ خراسان فرستاد تا نسبت به دستگیری وی اقدام کند؛ ولی فرمانده لشکر ۱۲ در پاسخ ضمن اشاره به «ضابط قضائی» بودن ساواک، نوشت: «دستور فرمایید در اجرای ماده ۱۲۶ قانون دادرسی ارتش، اقدام قانونی معمول و مدارک مربوطه را در اجرای ماده ۱۲۷ قانون مزبور به لشکر ارسال دارند.»

ساواک با دریافت این پاسخ در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۴۰ شمسی، موضوع را در کمیسیون امنیت استان مطرح و جلوگیری از ادامه منبر آیت الله واعظ طبسی را توسط شهربانی به تصویب رساند و گزارش آن را به شرح زیر برای اداره کل سوم ساواک ارسال کرد: «نامبرده از وعظ مشهد و از اطرافیان آیت الله قمی می‌باشد که در گذشته پیشینه بدی نداشته، ولی در سال جاری که از تاریخ ۴۰/۳/۲ الی ۴۰/۴/۱۵ در منزل آیت الله قمی و سرای محمدیه منبر رفته است، در طی بیانات خود حمله به دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و افسران ارتش و فرهنگیان و فرق غیر شیعه نموده و حتی در پرده کنایه و ایهام نسبت به مقام شامخ سلطنت مطالبی ابراز داشته است.»

به دنبال این گزارش، رفتار، اعمال و ارتباطات آیت الله واعظ طبسی تحت مراقبت قرار گرفت و موضوع سخنرانی‌های ایشان نیز در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۴۰ برای بار دوم در «کمیته اطلاعاتی استان» طرح و بررسی شد و با این استدلال که «اظهارات وی موجب تحریک و عصیان در مردم خواهد شد» بر ممنوع المنبر بودن آیت الله واعظ طبسی تأکید گردید.

نگاهی به زندگی‌نامه سراسر مجاهدت آیت الله عباس واعظ طبسی نشان می‌دهد که ایشان در طول حیات جز به انجام وظیفه و حرکت در مدار خط امام به چیزی دیگر نیندیشیده بود؛ از روزهایی که ساواک خراسان از دست او عاصی شده و با مرکز مکتبه می‌کرد تا برای امنیت استان او را به مرکز فرا بخوانند تا روزهای دیگری که مردم خراسان به آیت الله واعظ طبسی لقب بهلول دوم داده و با این کار یاد و خاطره قیام گوهرشاد را زنده کرده بودند؛ همه و همه نشان از آن داشت که قیام امام خمینی (ره) به سراسر کشور تسری پیدا کرده و از سوی شاگردان ایشان پیگیری می‌شود.

به دنبال وفات آیت الله بروجردی در دهمین روز فروردین ۱۳۴۰، شاه طی پیام تسلیتی به آیت الله حکیم قصد داشت مرجعیت را از ایران خارج کند؛ جبهه ملی نیز با اشاره آمریکایی‌ها در حال ورود به صحنه سیاسی کشور بوده و نهضت آزادی نیز اعلام وجود کرده بود. در این شرایط سخنرانی‌های افشاگرانه یک طلبه بیست و شش ساله به نام شیخ عباس طبسی در بیت آیت الله قمی، سرای محمدیه بازار بزرگ و مسجد بناهای شهر مشهد به مشکلی بزرگ برای ساواک این شهر بدل شده بود. ساواک تلاش داشت تا با بهره‌گیری از قدرت شهربانی به جمع‌آوری و ارزیابی چگونگی اظهارات آیت الله واعظ طبسی در منبر بپردازد. شهربانی مشهد که نسبت به چگونگی سخنرانی‌های آیت الله واعظ طبسی شناخت داشت و پیش از این نیز در این خصوص با او برخورد کرده بود، در پاسخ نوشت: «در منبر خود بسیار تندروی می‌نماید و در هر محل دیگری منبر برود به همین نحو خواهد بود.» شهربانی همچنین در گزارش خود به ساواک از سخنرانی آیت الله واعظ طبسی در مسجد بناها در شب‌های بعد نیز خبر داد تا رئیس ساواک دستور دهد: «مأموری برای این کار اعزام، گزارش جامع مطالب وی را ارسال دارند.»

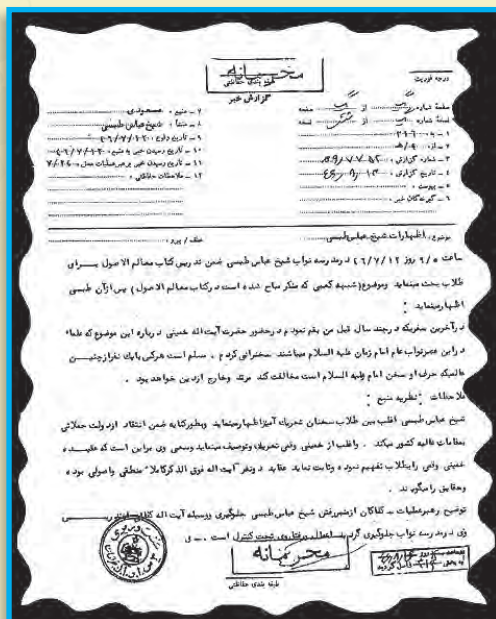
نخست‌وزیری اسدالله علم و حساسیت ساواک به آیت‌الله طبسی

به دنبال سقوط دولت علی امینی و روی کار آمدن اسدالله علم سخنرانی‌های آیت‌الله واعظ طبسی در بیت آیت‌الله قمی مورد حساسیت شدید ساواک قرار گرفت. آیت‌الله واعظ طبسی در این برهه، مسافرت شاه به شمال و بازدید اسدالله علم از اردوی سازمان جوانان در کنار دریا را سوژه یک سخنرانی داغ انتقادی قرار داد، سخنانی که انتقاد شدید استاندار خراسان را در پی داشت و به دستگیری آیت‌الله در روز دوم مرداد ۱۳۴۱ و سپس آزادی ایشان منجر گردید.

به دنبال قیام خونین ۱۵ خرداد، آیت‌الله واعظ طبسی همگام با حضرت امام خمینی (ره) پای به میانه میدان گذاشت. ایشان در این برهه از سلاح منبر به‌صراحت علیه رژیم طاغوت بهره می‌گیرد تا مأمور ساواک درباره وی بنویسد: در این اواخر [در] موضوع اعتراض علما به تصویب‌نامه شرکت بانوان در انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی، او تنها کسی بود که در تهییج مردم و بدگویی به شخص جناب آقای نخست‌وزیر و انتقاد شدید از دولت، از استعمال جملات ناهنجار امتناع ننموده و هر بار که به او تذکر داده شد، به محض اینکه بالای منبر رفت اظهار نمود: «باینکه به من گفته شده است این موضوعات را مطرح نکنم، ولی تا پای جان ایستادگی کرده، خواهم گفت.»

بخشی از سخنان صریح ایشان در این ایام خطاب مستقیم به اسدالله علم و انتقاد از اقدامات او با تعریض به سرنوشت رضاخان در جزیره موریس بود که به شرح زیر مورد بازجویی قرار گرفتند:

سؤال: در تاریخ ۴/۱۶ در منزل آقای مقدسیان در بالای منبر خطاب به جناب آقای نخست‌وزیر [گفته‌ای] که نمی‌شود با قرآن و خدا جنگید، خدا می‌گوید کشف حجاب نکن، خدا می‌گوید قانون تساوی حقوق زن و مرد را به تصویب نرسان؛ و پس از توهین اضافه‌نموده‌ای که خداوند تو را هم به جزیره مرگ ببرد، منظور از بیان این قبیل مطالب تحریک‌کننده چه بوده است؟ جواب: من در منبر در موضوع حجاب از نظر قرآن بحث کرده‌ام و نسبت به قانون تساوی حقوق زن و مرد از نظر قرآن سخن گفته‌ام؛ آن‌گاه خطاب به جناب آقای نخست‌وزیر کرده‌ام [که] حاج آقا روح‌الله خمینی فرموده‌اند اگر برای شما ابهامی در قوانین روحانیت است، ممکن است با آقای خمینی مکاتبه بفرمایید و موضوع جزیره مرگ اصلاً به آقای علم خطاب نشده است، بلکه گفته‌ام آنان که با قوانین قرآن مبارزه کنند خداوند آن‌ها را به جزیره مرگ می‌فرستد.



واکنش گسترده علما و مراجع نسبت به ممنوع‌المنبر شدن آیت‌الله طبسی

ممنوع‌المنبر شدن آیت‌الله واعظ طبسی بازتاب‌های گسترده‌ای میان علما و مراجع یافت. آیت‌الله شیخ مهدی نوغانی برای مقابله با این حرکت ساواک به سراغ آیت‌الله سید محمدهادی میلانی رفت و از این مرجع تقلید شنید: «من از هیچ چیز درباره طبسی مضایقه ندارم... و باید او منبر برود... و به همین زودی‌ها منبر هم خواهد رفت.» آیت‌الله زاده قمی هم نامه‌ای مستقل نوشت که ذیل آن را آیت‌الله سید محمد بهبهانی نیز امضا نمود و دیگر علمای مشهد نیز طی تلگرافی از آیت‌الله سید محمد بهبهانی خواستند تا در این خصوص وساطت کند.

با وجود این پیگیری‌ها، ساواک خراسان که از منبر رفتن آیت‌الله واعظ طبسی بیمناک بود، در توجیه این تصمیم نوشت: «این سازمان با توجه به اینکه تاکنون چند نوبت تذکرات لازم را به نامبرده داده و تعهداتی اخذ کرده بود که گزارش آن طی شماره پیرو به عرض رسیده است و مصادف بودن با ایام اربعین و نزدیکی روز قیام ملی ۲۸ مرداد، نمی‌توانست با رفتن منبر وی موافقت نماید. با آقای استاندار و رئیس شهرنای خراسان مذاکره و موافقت به عمل آمد کماکان از رفتن منبر وی جلوگیری شود.»

با این وجود، ساواک خراسان در نهایت مجبور شد تا ضمن مطرح کردن موضوع در کمیسیون امنیت استان به تاریخ ۱ شهریور ۱۳۴۰ و اخذ تعهد نسبت به اینکه در بالای منبر به‌جز مسائل دینی به مطالب سیاسی اشاره ننماید، رفع ممنوعیت از منبر ایشان را تصویب نماید.

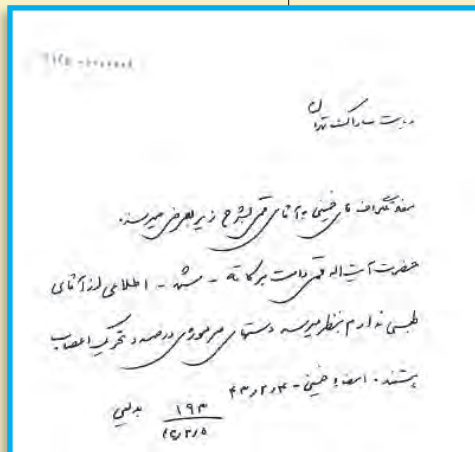
مراقبت از منبرهای آیت‌الله واعظ طبسی در این برهه به میزانی بود که حدود ۱۰ ماه بعد از این ماجرا، زمانی که هیئت حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) کاشان او را برای سخنرانی در آن شهرستان در ایام محرم دعوت کرد، ساواک تهران به تحت تعقیب بودن ایشان اشاره و پیگیر سوابق او شد.

سردرگمی ساواک در برابر بهلول دوم

آیت الله واعظ طبسی در این برهه چنان علاقه و اعتقادی نسبت به امام خمینی (ره) داشت که با صراحت می گفت: «هر کس با چنین عالمی که حرف او سخن امام علیه السلام است مخالفت کند، مرتد و خارج از دین خواهد بود.»

سخنان آیت الله واعظ طبسی به میزانی ساواک خراسان را دچار عصبانیت و بی تعادلی کرده بود که برای مقابله با او نوشت: «به سبب حساسیت وضع صلاح نبود در آن روزها با این شخص شدت عمل نشان داده شود و بهانه های به دست روحانیون و سایر افراد منتظر فرصت بدهد؛ ولی حالا که موضوع منتفی شده است... نسبت به تعقیب او اقدام گردد. با مشورتی که با مشاور قضائی به عمل آمد، تعقیب او با قوانین ساواک امکان پذیر نبوده و کمیسیون امنیت استان نیز اختیاری برای تبعید و غیره ندارد، تنها راهی که به نظر می رسد این است

نامبرده دستگیر و به تهران اعزام و مدتی به عناوینی در آنجا زندانی و یا تحت نظر باشد. برای تثبیت امنیت در استان خراسان، اعمال یک چنین عملی در وضع حاضر نهایت ضرورت را دارد؛ زیرا اظهارات بی پرده مشارالیه و اینکه کوچک ترین عکس العملی نشان داده نشده است، سایر وعاظ را جری نموده؛ از طرفی بین مردم شایع شده است که او بهلول دوم می باشد.» با وجود این درخواست، اداره کل سوم ساواک نیز شرایط را برای دستگیری او مساعد ندانست و پاسخ



داد: «در حال حاضر با توجه به فعالیت روحانیون در سراسر کشور، دستگیری و اعزام نامبرده بالا به مرکز به مصلحت نمی باشد. دستور فرمایید به مشارالیه تذکر داده شود که ادامه این رویه در آینده برای او گران تمام خواهد شد. بدیهی است به محض آنکه این موضوع خاتمه پیدا کرد، بایستی طبق مقررات تحت تعقیب قرار گیرد.» رئیس ساواک خراسان که از فعالیت های آیت الله واعظ طبسی به شدت عصبانی بود، در ذیل این نامه نوشت: «تذکر در او مفید نیست و حال که تصویب نامه لغو شده، ایجاب می نماید یک چنین شدت عملی درباره او به عمل آید و تعقیب او در مشهود عملی نخواهد بود.» پس از بررسی سوابق و تهیه گزارشی دوباره، حسین فردوست که در این موقع در سمت معاونت ساواک قرار داشت، نوشت: «من شخصاً با عقیده رئیس ساواک خراسان موافقم، ولی نمی توانم دستوری بدهم. خوب است موضوع را به عرض تیمسار ریاست ساواک برسانید و از نتیجه من را هم مطلع نمایید.» و پس از آن، رئیس ساواک که تیمسار حسن پاکروان بود دستور داد: «اعمال و رفتار نامبرده بالا را تحت مراقبت قرار داده و چنانچه لازم باشد بعد از ماه رمضان اقدام گردد.»

با وجود صراحت دستور رئیس ساواک مبنی بر دستگیری وی بعد از ماه رمضان، ساواک خراسان در روز هفتم بهمن ماه ۱۳۴۱، درست ۳ روز بعد از اینکه شاه به قم رفت و ضمن اهانت به علما و حوزه های علمیه از آنان به عنوان «ارتجاع سیاه» نام برد، آیت الله واعظ طبسی را دستگیر و با این استدلال که «چون نگهداری وی در مشهد در ماه رمضان صلاح نیست»، پس از یک دوره بازجویی، به اتهام «تحریک به قیام و آشوب و بلوا» وی را به تهران اعزام کرد تا در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۴۱ تحویل زندان قزل قلعه شود.

بازجویی های صورت گرفته در تهران نتیجه ای نداشت و همین مسئله موجب شد تا اداره کل سوم بنویسد: «عضویت و فعالیت خود را در احزاب انکار و اتهامات منتسبه را تکذیب می نماید.» وی در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۴۱ به مشهد بازگردانده شد و ۳ روز پس از آن نیز آزاد گردید.

انقلاب سفید و خروش آیت الله واعظ طبسی

به دنبال به اصطلاح انقلاب سفید شاه و رفتارندوم کذابی و مخالفت صریح امام، آیت الله واعظ طبسی در روز دوم فروردین ۱۳۴۲ شمسی بر فراز منبر در منزل آیت الله قمی فریاد برآورد: «ای مردم! اگر در راه دین بخواید جان مردم در خطر باشد، برای من هیچ اشکالی ندارد، طبسی کشتن آسان است. امروز روز اتمام حجت است... آقایان شاید زنده نماندم، شاید فردا نباشم، فعلاً به شما عرض می نمایم... چون سرنوشت خود را می دانم باید بگویم امروز، روز انقلاب روحانیون نیست، بلکه همیشه خواهد بود؛ تا دولت دست از روش جابرانه خود برندارد، همین انقلاب هست. من به تمام دستگاه های حاکمه عرض می کنم، امروز شما تقلید از آمریکایی ها و خارجی ها می کنید، کشور ما مسلمان است، مذهب جعفری دارد... این اجتماع و این روحانیت بر جای خود قرار نخواهند گرفت. حوزه علمیه مرکز، حوزه علمیه قم، حوزه علمیه نجف و مجاهدین دین با این رویه مخالف هستند.»

چند ساعت پس از این سخنرانی، کمیسیون امنیت استان

خراسان در ساعت ۸ شب تشکیل جلسه داد و دستگیری مجدد وی را مورد تصویب قرار داد. در این نوبت، آیت الله طبسی که از دستگیری خود اطمینان یافته بود به پنهان کاری روی آورد، ولی این شیوه چندان دوامی نداشت و در شرایطی که بین مسئولین شهری از قبیل استاندار و رئیس شهربانی و رئیس ساواک در چگونگی برخورد با روحانیون اختلاف نظر وجود داشت و مسئله تبعید آیت الله قمی نیز در دست بررسی و اقدام بود، در تاریخ ۴ خردادماه ۱۳۴۲ دوباره آیت الله واعظ طبسی دستگیر گردید. البته از گزارش سخنرانی هشتم خردادماه ایشان در بیت آیت الله قمی که ۴ روز بعد از تاریخ اعلام این دستگیری به اداره کل سوم می باشد، چنین استنباط می گردد که ایشان زمان زیادی را در زندان نبوده است. هر چه سخت گیری نیروهای انتظامی و امنیتی بیشتر می شد، صراحت لهجه آیت الله واعظ طبسی نیز بیشتر می شد تا جایی که به صورت علنی در سخنرانی خود اعلام می کند: «من از سازمان امنیت باک ندارم و دو مرتبه هم زندانی شده ام و اگر برای مرتبه سوم هم زندانی بشوم، نمی ترسم. ما با دولت مخالف نیستیم، فقط حرف ما این است، آن هایی که کرسی نشین هستند، بایستی از روی احکام قرآن و دستورات دین عمل کنند.»

مبارزانی که رژیم را مجبور به عزل استاندار خراسان کردند

پس از یورش به مدرسه فیضیه در دوم فروردین ماه و متعاقب آن قیام خونین ۱۵ خرداد و دستگیری امام خمینی و همچنین بازداشت و تبعید آیت الله قمی، در مشهد از سوی علما ۵ روز عزای عمومی، تعطیلی نمازهای جماعت و بستن بازارها به منظور همدردی و اعلام انزجار از اقدامات ضداسلامی رژیم پهلوی اعلام شد و مردم نیز با آتش زدن طاق نصرت‌هایی که برای ورود شاه آذین بسته شده بود، خشم خود را نشان دادند. وضعیت عمومی در مشهد به گونه‌ای بود که استاندار خراسان، سید جلال‌الدین تهرانی عزل و سپهد امیر عزیزی جایگزین او شد.

در این اوضاع و احوال، گزارشی در خصوص چگونگی فعالیت‌های آیت الله واعظ طبسی تهیه نگردید و علت آن نیز به «مخفی بودن» ایشان ربط داده شد؛ ولی پس از گذشت مدت کوتاهی دوباره سخنرانی‌های ایشان از سر گرفته شد. در این موقع سمت‌وسوی سخنان وی، بهره‌گیری از وقایع تاریخی و تمثیل‌های آن، مانند قیام مختار ثقفی و انتقام‌گیری از قاتلین امام حسین (علیه‌السلام) و حکومت جابرانه متوکل عباسی و تعدی‌های حجاج بن یوسف و البته سخنانی چون: «ما که این حرف‌ها را می‌زنیم، می‌گویند ارتجاع سیاه هستیم» و اینکه «آقایان! اگر بدانید علمای نجف چه وضعی دارند، تمام پرچم‌ها در نجف نیمه برافراشته است، بیشتر از این اجازه حرف زدن ندارم» بود.

با وجود فشارهای شدیدی که در این زمان نسبت به ایشان وجود داشت و تهدیدی که از او گرفته شده بود، روح آزاده وی طاقت منبر رفتن و پرداختن به مسائل انتقادی فرعی را نداشت؛ به همین علت بود که بر فراز منبر می‌گفت: «من امروز نمی‌توانم در منبر حقایق را بگویم، برای اینکه از طرف مقامات صلاحیت‌دار جلوگیری می‌شود و خود نمی‌فهم چه بگویم که برای اسلام و مسلمانان نفع داشته باشد.»

از این رو، پس از چند ششی که از سخنان صریح خودداری نمود،

در روز بیست و پنجم تیرماه، بازاریان و کسبه مشهد را مورد خطاب قرار داد:

«شما کسبه بازار از آن مسلمانانی هستید که صبح دکان خود را باز کنید و تا شب ۲۰ تومان کار کرده و پس از آن دکان خود را ببندید و نزد زن و بچه خود بروید، ولی حاضر نیستید برای دین قیام کنید و حتی یک شب به زندان بروید، شماها چطور مسلمانید؟

بایید و بیدار شوید. دین شما رو به نابودی می‌رود، تا کی باید خواب باشید؟»

و باز با صراحت، اساس رژیم شاهنشاهی را به سخره گرفت و گفت: «من از هیچ‌کس ترس و واهمه ندارم، ملکه ایران حضرت زهرا و شاهنشاه ایران اعلیحضرت ولی عصر امام زمان است.»

و ۲-۳ روز بعد نیز بیان نمود: «در کشور ما اشخاص مسلمان و باایمان را ارتجاعی می‌گویند. چون حرف اثر دارد، ماها را ملتزم نموده‌اند که حرف حسابی نگوئیم، زیرا می‌خواهند طبقه روحانیون که راهنمای شما هستند را از بین ببرند که به ریاست خود ادامه دهند.»

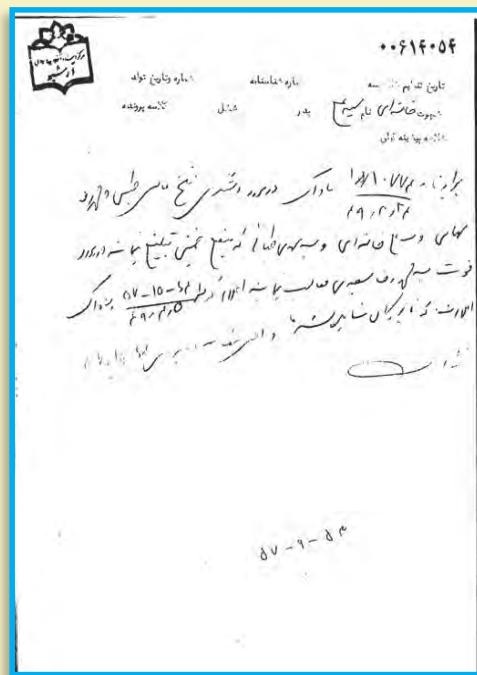
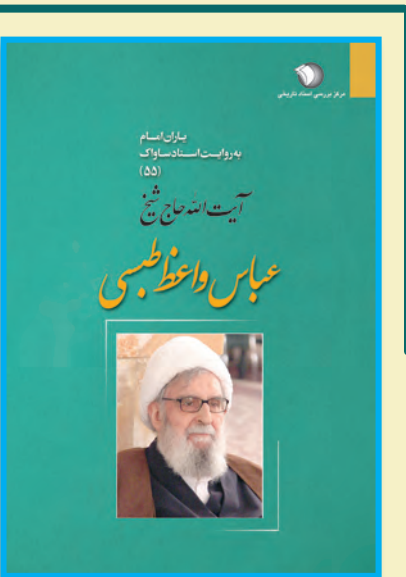
واعظ طبسی عنصری ناراضی و ناراحت

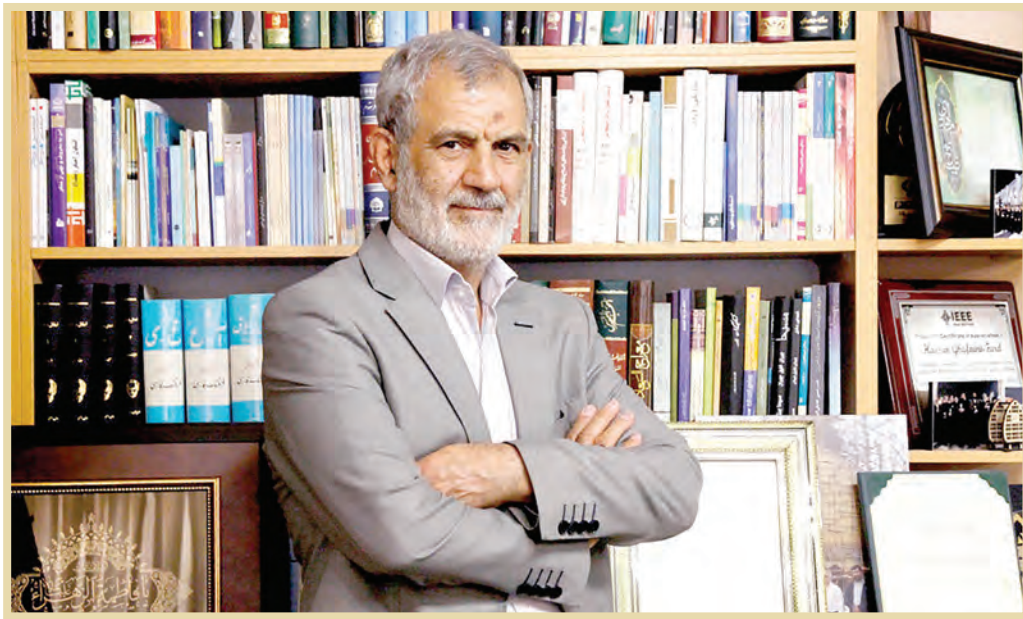
ساواک خراسان که از سخنرانی‌های او به تنگ آمده بود در گزارشی خطاب به اداره کل سوم نوشت: «این شخص عنصری ناراضی و ناراحت می‌باشد به‌طوری که مکرر، چه شفاهاً و چه کتباً متعهد گردیده که به هیچ وجه مطالبی که برخلاف مصالح عالیه کشور باشد ابراز ننماید، ولی تاکنون حاضر به اجرای تعهدنامه‌های خود نگردیده

و در هر فرصت و موقعیتی که برایش پیش آمده حملات و انتقادات خود را چه علنی و چه در لافافه به شدیدترین وضع ممکنه ایراد نموده؛ حالیه هر گونه تصمیمی در مورد وی بسته به نظر عالی است.»

و بنا بر نظر مرکز، دستگیری مجدد وی در دستور کار قرار گرفت و دادستانی لشکر خراسان نوارهای سخنرانی ایشان در بیت آیت الله قمی را جهت تکمیل سابقه و استناد به «مدارک مستند و مدلل» برای تحت تعقیب قرار دادن او درخواست نمود؛ و در تاریخ نوزدهم آذرماه نیز این دستگیری صورت گرفت.

از چگونگی و مدت‌زمان این بازداشت اطلاعی در سوابق موجود نیست، ولی در گزارشی که حدود ۴۵ روز بعد از آن تهیه شد، آمده است: «آقای شیخ طبسی اظهار می‌دارد: اکنون رگ‌های بدنم آتش‌فشانی دارد، اگر یک روزی قدرت پیدا کردم، می‌دانم چه کنم و چه بگویم؛ فعلاً با تضمین دادن مخالفم.»





گفت و گو با **حسن غفوری فرد**
استاندار خراسان در سال های نخستین انقلاب

سفارشی ویژه امام برای حفاظت از آیت الله واعظ

گفت و گوی زیر با «حسن غفوری فرد»، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی که عنوان نخستین استاندار خراسان را داشته و از نزدیک در ارتباط با مجاهدت ها و راهگشایی آیت الله واعظ طبسی قرار داشت صورت گرفته است. نوع تعامل حسن غفوری فرد با مرحوم واعظ و خاطرات وی از ایشان از نکات جالب این مصاحبه است که در پیش روی شما قرار دارد.

فاطمه علی شاه

خبرنگار

شدم.

سال ۵۸ استاندار خراسان شدم و اولین ملاقاتم با ایشان همان زمان بود. بنده مستقیم با ایشان ملاقات و درخواست همکاری و مساعدت کردم. قبل از انقلاب رسم بود که تولیت آستان قدس رضوی و استاندار یک نفر باشد. ایشان عنوان کردند که بعد از انقلاب (در دوران دولت موقت) هم به ایشان پیشنهاد شده بود که هر دو مسئولیت را بپذیرند ولی قبول نکردند و عنوان کردند هر شخصی استاندار باشد به او کمک خواهیم کرد؛ و واقعاً متواضعانه به بنده کمک کردند.

این را هم بگویم که اولین استاندار با ایشان در تضاد قرار گرفته بودند و با توجه به حساسیت بالای استان خراسان و هم‌مرزی آن با شوروی سابق و فعالیت خان‌ها و دیگر موارد، اگر بین نماینده امام و استاندار اختلافی ایجاد می‌شد چندان جالب نبود. در هر صورت ایشان استانداری را

جناب غفوری فرد بفرمایید شناخت شما از

مرحوم واعظ طبسی به کی و کجا برمی‌گردد؟

کدام ویژگی شخصیتی ایشان بیش از همه مورد توجه بود؟

من با اسم آیت الله واعظ طبسی از قبل از انقلاب آشنا شدم. ما در آن زمان علما و بزرگان انقلابی بلاد مختلف را شناسایی و بعد با آن‌ها ارتباط می‌گرفتیم. در خراسان هم دو، سه اسم بیش از بقیه در میان رهبران انقلابی مردم شاخص بود که نام مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای، آیت الله واعظ طبسی و شهید هاشمی‌نژاد بود.

وقتی قرار شد خبرگان اول رهبری تعیین شود، در حزب جمهوری اسلامی بنده مسئول تماس با خبرگان استان خراسان بزرگ شدم و طبیعی است که مرحوم واعظ طبسی، حاج آقا تهرانی و شهید هاشمی‌نژاد جزو آن‌ها بودند؛ بنده همچنین مسئول پذیرایی از آن‌ها در تهران

مشکلات بسیار زیادی داشت؛ یکی اینکه مرکز اصلی منافقین در طبرستان بود و گروه‌های چپی و کمونیست به‌ویژه در شمال استان بسیار زیاد بود. مشکل قاچاق دیگر مشکل استان بود. حضور و فعالیت و قدرت خان‌ها و خان‌سالاری به خصوص در شمال خراسان ادامه داشت. علمای بزرگ هم در مشهد خیلی حضور داشتند و حفظ احترام آن‌ها با وجود نظرات متفاوتی که در بین هریک از علمای وقت مشهد مطرح بود خیلی اهمیت داشت. اینکه بتوان تمام این‌ها را مدیریت کرد، جز از آقای طبسی از عهده کسی بر نمی‌آمد تا کوچک‌ترین ناامنی هم ایجاد نشود.

بنده از سال ۵۸ تا سال ۶۰ در مشهد بودم. تقریباً کوچک‌ترین درگیری در آنجا ایجاد نشد، حتی در زمان حمله آمریکا به طبرستان نیز کوچک‌ترین ناامنی در منطقه ایجاد نشد. تا اوایل جنگ تمام نیروهایی که به مناطق آسیب‌دیده از جنگ مثل ترکمن‌صحرا، پاوه و کردستان کمک می‌کردند، از استان خراسان و زیر نظر مرحوم واعظ

قبول نکردند. بنده به‌عنوان استاندار راهی خراسان شدم، با این توضیح که تا آن زمان بنده سابقه کار اجرایی نداشتم و به خاطر اینکه افراد به‌جامانده از سیستم قبلی (قبل از انقلاب) قابل اعتماد نبودند، یک نفر از دانشجویان مشهدی خود را به‌عنوان تلفنچی همراه خود بردم. چون می‌خواستم با مرحوم واعظ صحبتی داشته باشم به تلفنچی خود گفتم با دفتر ایشان برای انجام کارم ارتباط بگیرد.

آن بنده خدا هم از سر ناگاه و تازه‌کار بودن با این تصور که استاندار شخص مهمی است با دفتر مرحوم واعظ تماس گرفتند و اشتباهی به جای آنکه بنده را با ایشان تلفنی ارتباط بدهند به ایشان گفتند که استاندار با شما کار دارند. بنده هم به لحاظ مشغله یادم رفت این قضیه را پیگیری کنم تا اینکه دیدم مرحوم طبسی به استانداری آمدند. بنده از ایشان دلیل حضورشان در استانداری را جویا شدم و خدمتشان عرض کردم، حاج‌آقا امرتان را بفرمایید در خدمت شما هستم. ایشان فرمودند که شما بنده را احضار کردید و آمد. در واقع ایشان در کمال تواضع شخصاً به استانداری تشریف آوردند در حالی که اشتباه شده بود.

در طول مدت خدمت بنده در خراسان کوچک‌ترین اختلاف‌نظری بین ما رخ نداد و صددرصد همکاری وجود داشت؛ تقریباً هر روز هم با ایشان ملاقاتی داشتم و گزارش‌های لازم را خدمت ایشان ارائه می‌کردم. ایشان هم در تمامی موارد بنده را راهنمایی و کمک می‌کردند. بنده کسی را در مشهد نمی‌شناختم و ایشان به‌عنوان مشورت بنده را در مورد انتصاب افراد راهنمایی می‌کردند، اما هیچ‌گاه اعمال نفوذ نمی‌کردند.

نواری اخیراً از مقام معظم رهبری پخش شد که عنوان می‌کنند دو شخصیت در فتنه ۸۸ با تمام وجود حضور پیدا کردند و همه دوستی‌ها و مناسبت‌ها را کنار گذاشته و با همه وجود برای مبارزه با فتنه ۸۸ به میدان آمدند؛ یکی از این دو شخصیت مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی و دیگری مرحوم آیت‌الله خزعلی بودند

طبسی بودند.

درايت و مدیریت خوب آیت‌الله طبسی در جریان انقلاب نیز تا آنجایی بود که لشکر ۷۷ خراسان تنها پادگانی بود که حتی یک فشنگ هم از آن خارج نشد و این در حالی بود که تمامی پادگان‌های کشور بدون استثنا غارت شده بودند. مدیریت هسته انقلابی که دست ایشان بود اجازه نداد منافقین به پادگان‌ها وارد و آن را غارت کنند، درحالی که در پادگان‌های تهران تانک هم به سرقت می‌رفت. در واقع آیت‌الله طبسی طی تماس‌هایی با سران ارتش در مدیریت و هماهنگی عمل لشکر ۷۷ خراسان نقش متمرکز داشتند. در این بین نباید از قدرت کلام نافذ و درایت بالایی که مرحوم واعظ طبسی برای مدیریت و رهبری افراد داشتند غافل شد و حرفی نزد.

در زمان حکومت نظامی، مشهد جزو شهرهایی بود که کمترین ساعت حکومت نظامی در آن روی داد؛ یعنی زمان حکومت نظامی در مشهد از ساعت ۱۲ نیمه‌شب تا ۴ صبح بود، درحالی که در خیلی از شهرهایی که حکومت نظامی برقرار بود این زمان به ۷ تا ۱۰ ساعت هم می‌رسید. کم بودن ساعت حکومت نظامی در مشهد به خاطر هماهنگی‌ها و ارتباطات غیرمحمسوس و غیرمستقیمی بود که از درون ارتش با مرحوم واعظ طبسی یا به بیان دقیق‌تر با مثلث مبارزاتی مشهد یعنی مقام معظم رهبری، آیت‌الله طبسی و شهید هاشمی‌نژاد گرفته می‌شد. این مثلث طلایی در دوران مبارزات انقلابی مشهد بسیار هماهنگ و مورد اعتماد هم و اثرگذار بودند.

اگر بخواهید در خصوص شخصیت مبارزاتی ایشان صحبت کنید چه ویژگی داشتند که در

مثلث مبارزان خراسان قرار گرفتند؟ به‌طور کلی نقش ایشان را در مبارزات انقلابی چطور توضیح می‌دهید؟

خراسان جزو اولین استان‌هایی بود که به انقلاب پیوست و مشهد جزو ۱۱ شهری بود که در آن حکومت نظامی شد. تربت‌حیدریه جزو اولین شهرهایی بود که مجسمه شاه را پایین آوردند و عکس شاه را پاره کردند و صحن پهلوی هم اولین مکانی بود که اسم شاه از آن پاک و نام امام خمینی (ره) به جای آن گذاشته شده بود. این‌ها اطلاعاتی بود که من قبل از شروع استانداری از خراسان به دست آوردم.

با توجه به جنس همکاری‌ها با ایشان در دورانی که استاندار خراسان رضوی بودید، نمونه‌هایی از ویژگی‌های مدیریتی ایشان را ذکر می‌کنید؟

مرحوم طبسی مدیر بسیار توانمندی بودند و بسیار به نظرات مشورتی افراد توجه می‌کردند. در واقع ایشان مدیرپرو بودند و در تماس با افراد سعی می‌کردند به آن‌ها حس اعتماد به نفس دهند و با بالا بردن شخصیت افراد سعی می‌کردند آن‌ها را برای پذیرش مسئولیت‌ها آماده کنند.

ایشان علی‌رغم مشکلات بسیاری که خراسان در آن زمان داشت، بر این مشکلات مسلط بودند. استان خراسان

از یک رابطه صمیمانه بالاتر بود؛ چراکه مبنای آن ایمانی و معنوی و اسلامی بود. یقیناً ایشان از جمله کسانی بودند که اعتقاد داشتند نه تنها کسی مانند مقام معظم رهبری پیدا نمی شود، بلکه شخصیتی نزدیک به جایگاه و شرایط ایشان هم وجود ندارد؛ البته این نگاهی دوطرفه بود و مقام معظم رهبری نیز چنین عنایتی را نسبت به مرحوم واعظ طبسی داشتند.

حمایت از رهبری در جریان فتنه ۸۸ مصداقی بر این مدعاست. نواری اخیراً از مقام معظم رهبری پخش شد که عنوان می کنند دو شخصیت در فتنه ۸۸ با تمام وجود حضور پیدا کردند و همه دوستی ها و مناسبت ها را کنار گذاشته و با همه وجود برای مبارزه با فتنه ۸۸ به میدان آمدند. یکی از این دو شخصیت مرحوم آیت الله واعظ طبسی و دیگری مرحوم آیت الله خزعلی بودند. طبق آنچه مقام معظم رهبری اعلام می کنند این دو نفر خیلی در این راه سرمایه گذاری کردند و بالاترین نقش را داشتند.

این خرج کردن از خودشان با تمام وجود بود. آقای طبسی با همه وجود این نظام را یک نظام الهی می دانستند و برای آن هم بسیار سرمایه گذاری کردند. ایشان این نظام را یک نظام ولایی و صاحب الزمانی و مقام معظم رهبری و امام راحل را نایب امام عصر می دانستند و خدمت به آن ها را وظیفه خود می دانستند. آیت الله علم الهدی به نقل از مرحوم واعظ طبسی به بنده گفتند که آقای طبسی

بعد از پیروزی انقلاب هم آیت الله طبسی

همچنان مورد اعتماد امام (ره) بودند، این

اعتماد از کجا نشأت می گرفت؟

امام (ره) شناخت بسیاری از آیت الله طبسی داشتند و اعتماد ایشان هم روی همین شناخت بود. من از یک نفر شنیده ام که امام (ره) در مورد مرحوم واعظ طبسی سفارش کرده بودند اگر برای حفاظت از ایشان هزار نفر هم لازم است، بگذارید. امام به شدت به مرحوم واعظ اعتماد داشتند تا جایی که تمام اختیارات خارج از حوزه آستان قدس از جمله امور مربوط به مسجد گوهرشاد و مقبره شهید مدرس را نیز به ایشان تفویض کرده بودند.

بعد از فوت امام ایشان در کنار مقام معظم

رهبری قرار گرفتند. اگر بخواهید مصداقی

بیابید، در چه برهه ای حمایت ایشان از رهبری

پرنگ تر بود؟

از همان روز اول. اعتماد حضرت امام (ره) به آیت الله طبسی باعث شده بود یک نسخه از وصیت نامه امام دست ایشان سپرده شود. بعد از امام راحل و جایگزینی مقام معظم رهبری به جای امام نیز مرحوم واعظ طبسی با تمام وجود از همان ابتدا پشت سر مقام معظم رهبری قرار گرفتند. به نظر من رابطه ایشان با مقام معظم رهبری

درايت و مدیریت خوب
آیت الله طبسی در جریان
انقلاب نیز تا آنجایی بود
که لشکر ۷۷ خراسان تنها
پادگانی بود که حتی یک
فشنگ هم از آن خارج
نشد؛ و این در حالی بود
که تمامی پادگان های
کشور بدون استثنا غارت
شده بودند. مدیریت
هسته انقلابی که دست
ایشان بود اجازه نداد
منافقین به پادگان ها وارد
و آن را غارت کنند

پیامی که امام (ره) برای هیچ کس نداده بود

که تحت تعقیبیم.

هنگام آماده شدن برای مراجعت، آقای مدرس گفتند نمی توانند با ماشین برگردند؛ بنابراین همان جمع تصمیم گرفتیم با قطار برگردیم... در راه آهن قم نشسته بودیم تا قطار آماده شود که متوجه شدیم وضع غیرعادی است. شجاع وسیعی از اطراف ما را خلوت کرده بودند و چند مأمور هم آنجا را محاصره کرده بودند. یکی از آن ها جلو آمد و گفت: جناب آقای طبسی! لطفاً چند دقیقه ای تا اطلاعات شهربانی تشریف بیاورید. گفتم شهربانی یا ساواک؟ گفت پس خودتان می دانید! ما را سوار لندورر کردند و بعد هم رفتیم طرف تهران. آنجا هم ما را به یکی از ادارات ساواک تهران تحویل دادند... صبح آمدند من را برای دومین بار به قزل قلعه منتقل کردند... فردای آن روز در حالی که در باز بود، شهید باهنر شنیده بود که من به آنجا آمده ام، خودش را رساند پشت در زندان عمومی که به سلول ها باز می شد و از آنجا نسبت به من اظهار محبت کرد. آنجا آقای مرورید به من گفت که امام درباره شما پیامی داده که قبلاً برای هیچ کس این کار را نکرده است. ایشان خطاب به ساواک گفته اند که شما مهمان من را گرفتید، پس در حقیقت خود من را گرفتید.

منبع: راه دانا، ۱۵ اسفند ۱۳۹۴

(ماجرای دستگیری آیت الله واعظ طبسی توسط ساواک قم)

در سال ۱۳۴۱ به دنبال یک سخنرانی علیه رفراندم شاه، بار دیگر این روحانی انقلابی بازداشت شده، پس از آن به تهران رفته و در حضور امام (ره) از مظالم رژیم در ۱۵ خرداد گفتند. او خاطر اتش از این دیدار را چنین پی می گیرد: «امام آمدند و صحبت هایی کردیم. بعد هم این طرف و آن طرف جلساتی داشتیم تا اینکه رفتیم تهران و یک شب منزل آقا سید احمد فاطمی (عموی آقای فاطمی قاری قرآن) بودیم. فردا هم با یک فولکس به اتفاق آقایان آمدیم قم. قم هم که آمدیم، مستقیم رفتیم خدمت امام (ره) که منتهی شد به آن سخنرانی... امام (ره) خواستند که ما صحبت کنیم. من دستم را گرفته بودم به بالای آن چهار چوب پنجره های قدیمی منزل امام... و جمعیت هم عجیب بود... من وقتی گزارش می دادم امام (قدس سره) به شدت اشک می ریخت و بدن ایشان تکان می خورد. امامی که در شهادت آقا مصطفی آن فرزند ممتاز و برجسته اش اشک نمی ریخت، اما آنجا...»

سخنرانی واعظ طبسی در این روز نقش مهمی در فعالیتهای بعدی او داشت. خودش ماجرا را این طور ادامه می دهد: بعد گفتم که ما آمده ایم برای عرض سلام و بیعت مجدد با جناب عالی و برای اینکه مراتب ایمان و اعتقاد خودم را به نهضتی که شما آغاز کردید نشان بدهم، می خواهم عرض کنم که بهره من از زندگی تنها یک فرزند است که آماده ام این فرزند را هم در راه این انقلاب تقدیم اسلام کنم. اینجا هم امام (قدس سره) خیلی اشک ریخت. صحبت من در آنجا حدود ۳۵ دقیقه طول کشید. از آنجا که آمدیم مشخص بود

خاطرات



برهه‌ها به انقلاب و نظام خیلی کمک کرد. خاطره بعدی بنده از سخنرانی‌ام در حرم بود. در حرم مشغول سخنرانی بودم که یادداشتی از آقای طبسی رسید که خبر مهمی است زودتر سخنرانی را به اتمام برسانید. به حضور ایشان رسیدم و گفتند که خبر رسیده که چند نفر از داخل لشکر ۷۷ قرار است کودتا کنند. فرمودند فرمانده لشکر سرهنگ قبادیان و چند نفر از سربازان را بازداشت کنید؛ و این کار را کردیم اما بعد مشخص شد دروغ بوده است.

شهردار مشهد در آن زمان خیلی توطئه و شلوغ کاری می‌کرد؛ مثلاً در زمان جنگ که بنزین کوپنی شد ما به همه ادارات ابلاغ کردیم که اسناد ماشین‌هایتان را بیاورید تا کوپن بنزین برایشان صادر کنیم. شهرداری هم همه ماشین‌هایش را دور استانداری چیده بود. قبل از زمان بنده در زمان آقای احمدزاده هم یک درگیری شده و یک نفر هم در استانداری کشته شده بود. شهرداری‌های شهرهای مختلف هم آن زمان گروه‌های قلچماقی برای خود داشتند که به‌ویژه در زمان شاه تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم را برهم می‌زدند. تنها راه چاره این بود که خودمان وارد برهه شویم. آقای طبسی هم با برپایی نماز مغرب و عشا و بعد سخنرانی ایشان و کلام نافذشان غائله را خواباندند. در هر صورت همراهی قدم‌به‌قدم ایشان با استانداری، مشورت و کمک فکری ایشان خیلی بارزش و کمک‌کننده بود.

فرموده بودند از برخی از دوستان صمیمی و سابقه‌دارشان هم به خاطر مقام معظم رهبری عبور کردند؛ این نشان می‌دهد مقام معظم رهبری خط قرمز مرحوم واعظ بوده است.

خاطره خاصی از ایشان دارید؟

برای من همان تواضع آیت‌الله طبسی از همه بارزش‌تر بود؛ همان تواضعی که طی اشتباه منشی بنده در استانداری سبب حضور شخصی آیت‌الله طبسی در محل استانداری شد و فرمودند شما بنده را احضار کردید! بسیاری از کسانی که با انقلاب نسبتی پیدا کردند روی تواضعشان بود و در مقابل آنچه سبب بدبختی افراد می‌شود تکبر آن‌ها است، همچون بنی‌صدر که تکبرش باعث زاویه‌اش با انقلاب شد. به نظر من معیار اصلی در شناخت افراد تواضع است؛ البته این یک مورد است که مهم‌ترین ویژگی مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی از دیدگاه بنده است. خاطره دیگر بنده در جریان حمله آمریکا به طیس بود. شایعات بسیاری در آن زمان شروع شد که هواپیماهای آمریکایی به همه شهرها حمله می‌کنند و این تشویش عمومی زیادی ایجاد کرده بود. کمک آیت‌الله طبسی در آن برهه و ایجاد آرامش در جو عمومی با خطابه‌ها و سخنرانی‌هایشان خیلی بارزش بود. نقش مراجع بسیار تعیین‌کننده است و تواضع و کلام آیت‌الله طبسی در این

۱۳۵۹؛ آیت‌الله عباس واعظ طبسی در کنار شهید آیت‌الله بهشتی و دکتر حسن غفوری فرد (استاندار وقت خراسان) در حرم مطهر رضوی

عکس
روزنامه



گفت و گو با **محمدنبی حبیبی**

استاندار خراسان در سال های ۶۰ تا ۶۲

در غائله بنی صدر پشتیبان قاطع شهید بهشتی و تفکر او بود

مهدی حسینی
روزنامه نگار

محمدنبی حبیبی در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در تمامی تظاهرات فعال بوده و علیه رژیم ستم شاهی فعالیت های سیاسی داشته است. حبیبی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از استان های کلیدی ایران استاندار بوده است؛ وی استانداری تهران، فارس و خراسان را در کارنامه سوابق خود دارد. محمدنبی حبیبی که دارای فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه تهران است، سال ۶۰ به عنوان استاندار خراسان انتخاب و راهی این استان شد؛ اولین دیدار او با مرحوم آیت الله واعظ طبسی در صحن امام انجام شد. وی اکنون دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی است، دبیرکل یکی از قدیمی ترین احزاب سیاسی کشورمان که به عنوان جریان راست سنتی شناخته می شود. گفت و گو با این فعال سیاسی در رسانه ها بیشتر به کنش و واکنش احزاب در فضای سیاسی، عملکرد دولت، ائتلاف اصول گرایان در ایام انتخابات و نحوه حضور حزب متبوعش در آوردگاه انتخابات سال آینده اختصاص پیدا می کند؛ اما «حبیبی» در گفت و گو با ویژه نامه «قدس» از ویژگی های مرحوم آیت الله واعظ طبسی، ولایت پذیری او نقش و تأثیرگذاری آیت الله واعظ در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سخن گفت.

تا چه زمانی استاندار خراسان بودید؟

بنده بعد از فارس استاندار خراسان شدم و بعد در اردیبهشت سال ۶۲ به مدت کوتاهی استانداری تهران را بر عهده داشتم؛ استانداری خراسان به مدت ۲۲ ماه و تهران به مدت ۷ ماه بود.

با توجه به اینکه ۲۲ ماه استاندار خراسان بودید پیرامون مواضع انقلابی و خدمات مرحوم آیت الله واعظ طبسی در دوره نهضت حضرت امام (ره) توضیح دهید؟

آنچه درباره مرحوم آیت الله واعظ طبسی شنیده بودم این بود که ایشان یکی از مبارزان روحانی کاملاً شناخته شده و اثرگذار بر کل حرکات مبارزاتی علیه رژیم شاه بودند. ایشان در همین رابطه مورد شکنجه های فراوانی قرار گرفته بودند و مدت های قابل توجهی هم زندان بودند. به هر صورت آیت الله واعظ طبسی با توجه به سابقه مبارزاتی بسیار قوی و روشنی که داشتند بعد از پیروی انقلاب اسلامی از طرف حضرت امام به عنوان تولیت آستان قدس رضوی انتخاب شدند.

آقای حبیبی، به حکم امام برای آیت الله واعظ طبسی به عنوان تولیت آستان قدس اشاره کردید؛ ولایت پذیری ایشان در دوران امام و مقام معظم رهبری چگونه بود؟

اگر کسی ولایت پذیری مرحوم آیت الله واعظ طبسی را ۹۹ درصد تلقی کند، به نظر بنده در حق او ظلم کرده است، ایشان کاملاً



آقای مهندس شما اوایل انقلاب به عنوان استاندار خراسان انتخاب شدید. چه زمانی با آیت الله واعظ

طبسی آشنا شدید؟

بنده اولین بار که به صورت حضوری توفیق زیارت مرحوم آیت الله واعظ طبسی را پیدا کردم ۱۴ شهریورماه سال ۱۳۶۰ بود که به عنوان استاندار خراسان منصوب شده بودم. به مناسبت همین روز (۱۷ شهریور) و همچنین هشتم شهریور مراسمی از طرف آیت الله واعظ طبسی «تولیت فقید آستان قدس رضوی» در صحن امام برگزار شد و من آنجا ایشان را زیارت کردم. مرحوم آیت الله واعظ در آن مراسم سخنرانی کردند و چند دقیقه هم بنده به عنوان استاندار جدید استان خراسان سخنرانی کردم.

با توجه به ولایت پذیری آیت الله واعظ طبسی و موضع گیری ایشان در فتنه سال ۸۸ چرا تولیت فقید استان قدس مظلوم واقع شدند و حتی برخی شخصیت ایشان را به نفع خود مصادره و تلاش می کردند چهره آیت الله واعظ را به گونه ای دیگر نشان دهند؟

آنچه درباره شخصیت ایشان می توان گفت این است: «آیت الله واعظ طبسی» تسلیم جو نمی شدند، اما در هر صورت اختلافاتی بین برخی از نظرات ایشان با افراد دیگر که آن ها هم پشتیبان انقلاب بودند به تدریج پیش آمد. بنده معتقدم که مرحوم آیت الله واعظ طبسی مدیری متدین، خط شناس و با سلامت کامل بود؛ ضمن اینکه ایشان را باید با تبعیت کامل از حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری توصیف کرد.

من باز سؤال را تکرار می کنم: «مظلومیت آیت الله واعظ طبسی» را چگونه ارزیابی می کنید؟ این سؤال را از این جهت مطرح می کنم که ما شاهد بودیم برخی از جریانات تلاش می کردند ایشان را به گونه ای دیگر معرفی کنند، حتی اتهاماتی مبنی بر تجمل گرایی رئیس فقید استان قدس مطرح می شد. نظر شما در این باره چیست؟

بنده معتقدم آیت الله واعظ طبسی متدین واقعی و انقلابی واقعی بود و بعد از انقلاب هم تولیت حرم امام رضا (علیه السلام) را بر عهده گرفت. با توجه به اختیارات بسیار وسیعی که داشتند ایمان ایشان مثال زدنی است.

به هر حال عده ای اتهاماتی به ایشان می زدند و می خواستند با نشان دادن آیت الله واعظ طبسی به عنوان فردی تجمل گرا او را از دایره نیروهای انقلابی و مدیری ساده زیست دور کنند.

من ۲۲ ماه استاندار خراسان بودم؛ از این رو نمی توانم بگویم ایشان روحیه اشراقیگر داشت، پس طرح چنین مسائلی یک اتهام به آیت الله واعظ طبسی بود. باز تأکید می کنم او به هیچ وجه روحیه اشراقیگری نداشت، اما تشریفاتی هم که هیچ تعارضی با موازین اسلام نداشت اجرا می کرد؛ به عبارتی آن برنامه و تشریفات را در چارچوب اصول اسلامی اجرا و در آن نه افراط و نه تفریط می کردند.

اگر موافق هستید از این سؤال فاصله بگیرم و به دستاوردها و خدمات مرحوم آیت الله واعظ طبسی در آستان قدس رضوی بپردازیم. شاخص های مدیریتی ایشان چه بود و به نظر شما چه دستاوردهای را در آستان قدس انجام دادند؟

آیت الله طبسی از مدیران موفق جمهوری اسلامی بود و طی ۳ دهه گذشته آثار وجودی خود را در سامان دهی ساخت بارگاه امام رضا (علیه السلام) نشان دادند که افتخار همه ایرانیان است. به اعتقاد بنده آیت الله واعظ طبسی مدیری کلان نگر بود؛ نمونه آن توسعه هایی که برای حرم مطهری رضوی انجام و صحن هایی که در زمان ایشان ساخته شد، است. اکنون که جمعیت و زوار در مشهد نسبت به ده ها سال پیش افزایش پیدا کرده، نشان می دهد مرحوم آیت الله واعظ از چه مدیریتی برخوردار بودند؛ این مدیریت کلان نگر بودن مرحوم آیت الله واعظ طبسی را نشان می دهد و این دیدی درست و صحیح بود و باید همین پیش بینی ها برای اداره آستان قدس رضوی صورت می گرفت.

تابع ولی فقیه بودند؛ از این رو اگر حداکثر عدد را ۱۰۰ بگیریم تبعیت آیت الله واعظ از ولی فقیه صد درصد بود. آیت الله واعظ طبسی از انقلابیون اولیه نهضت اسلامی امام خمینی بودند؛ او یار امام و رهبری در قیل و بعد از انقلاب بودند و تا آخر پای ارزش ها و مبانی انقلاب ایستادند.

نظر شما درباره مواضع مرحوم آیت الله واعظ در برهه های حساس انقلاب به ویژه اوایل انقلاب (غائله بنی صدر و مرحوم منتظری) چیست؟

مرحوم آیت الله واعظ طبسی در غائله بنی صدر پشتیبان قاطع شهید بهشتی و تفکر او بود و علیه بنی صدر نیز موضع مشخص داشتند. در خصوص مواضع ایشان نسبت به مرحوم منتظری هم باید بگویم آیت الله واعظ طبسی تا زمانی که مرحوم منتظری زاویه ای با حضرت امام خمینی (ره) پیدا نکرده بود آقای منتظری را تأیید می کرد؛ اما از زمانی که این زاویه ها بین منتظری و شخص حضرت امام خمینی (ره) پیدا شد، آیت الله واعظ طبسی هم در صف کسانی قرار گرفتند که بی چون و چرا از نظر امام (ره) در قبال آقای منتظری تبعیت کردند و بنابراین مخالف آقای منتظری شدند.

فتنه سال ۸۸ برهه ای دیگر بود که در انقلاب اتفاق افتاد، مواضع آیت الله واعظ در آن ایام چگونه بود؟

توجه داشته باشید در فتنه ۸۸ فهرستی از خیانت ها و جنایت های فتنه گران وجود دارد که هیچ گاه از صفحه تاریخ معاصر پاک نمی شود؛ متهم کردن نظام به دروغ، تقلب و پافشاری کردن بر آن، رمز آشوب های ماه های اول سال ۸۸ بود. این رویکرد با قانون گریزی و عدم پذیرش رأی نهادهای فیصله بخش شروع شد و سرانجام سر از براندازی نرم و هم زبانی با رسانه های دشمن بر آورد. کمترین جرم بازی خورده های فتنه، ایجاد شکاف در وحدت و انسجام ملی و تبدیل یک پیروزی بزرگ به آشوبی کور بود.

حرمت شکنی، اهانت به مقدسات و حمله به ارزش ها رویکرد اصلی مخالفان نتایج انتخابات بود تا جایی که شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه را برای همراهی با منافقین و ضدانقلاب علناً در روز عاشورای ۸۸ سر دادند؛ ضمن اینکه در روز قدس سال ۸۸ سردمداران فتنه در راهپیمایی خود در مقابل مردم حضور داشتند و شعار «نه غزه، نه لبنان» سر دادند. فتنه گران تمام تجربیات انقلاب های رنگی در دنیا را در سال ۸۸ به میدان آوردند؛ بنابراین باید اذعان داشت سران فتنه دشمن را در دخالت در امور داخلی ایران امیدوار کردند و امید او را به بی ثبات سازی در داخل افزایش دادند.

ده ها تن از مردم بی گناه در این آشوب ها کشته و زخمی شدند و میلیاردها تومان به اماکن خصوصی و دولتی خسارت وارد شد؛ اما آن ها از شرارت دست برنداشتند. کسی که کمترین اطلاع حقوقی داشته باشد فعل فتنه گران را «بغی» و «محاربه با نظام» می داند.

با توصیف این خیانت ها و جنایت هایی که صورت گرفت و با توجه به اینکه بنده مشی مرحوم آیت الله واعظ طبسی را درک کرده بودم؛ از این رو می توانم بگویم مواضع ایشان در قبال موسوی و کروبی در فتنه ۸۸ کاملاً هماهنگ با بقیه مردم بود و ایشان هم علیه آن ها (سران فتنه) موضع گیری داشتند.



من ۲۲ ماه استاندار خراسان بودم؛ از این رو نمی توانم بگویم ایشان روحیه اشراقیگر داشت، پس طرح چنین مسائلی یک اتهام به آیت الله واعظ طبسی بود. باز تأکید می کنم او به هیچ وجه روحیه اشراقیگری نداشت، اما تشریفاتی هم که هیچ تعارضی با موازین اسلام نداشت اجرا می کرد؛ به عبارتی آن برنامه و تشریفات را در چارچوب اصول اسلامی اجرا و در آن نه افراط و نه تفریط می کردند.

گفت و گو با **محسن مهرعلیزاده**
استاندار خراسان در دولت هفتم

هرگز اختلافی بین ما رخ نداد!

درآمدهای آستان قدس صرف حسینیه
و ساخت کتابخانه می شد

مهدی حسینی

روزنامه نگار

ابتدا فرصت را مغتنم می شمارم و بار دیگر درگذشت آیت الله واعظ طبسی را به خانواده محترم، آقازاده ها و سایر بستگان تسلیت عرض می کنم. یک سال از درگذشت ایشان گذشت، انگار همین دیروز بود که آیت الله واعظ از دنیا رفت. رضوان الهی را برای آن مرحوم از پروردگار متعال مسألت می نمایم. پیرامون سؤالی که مطرح کردید باید بگویم آیت الله واعظ طبسی از مبارزان قبل از انقلاب و همچنین از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) بودند و به شکل مشخص از دوستان بسیار نزدیک و از همزمان مقام معظم رهبری بودند. حتی بنده خاطره های گذشته ایشان را یکی، دو بار از زبان مقام معظم رهبری شنیدم.

وقتی که از طرف دولت به عنوان استاندار تعیین شدم و بنا بود مأموریت خود را آغاز کنم، خدمت مقام معظم رهبری رسیدم که اگر توصیه ای، نظری، فرمایشی دارند، ارائه دهند تا استفاده کنیم. رهبر انقلاب به مبارزات آیت الله واعظ طبسی اشاره کردند و بر مبارزات ایشان قبل از انقلاب و خدماتی که بعد از انقلاب در استان انجام دادند تأکید کردند و آیت الله واعظ طبسی را از چهره های اثرگذار قبل و بعد از انقلاب معرفی و بر همراهی، همکاری و تعامل با ایشان (آیت الله واعظ طبسی) توصیه کردند.

به هر حال بنده به عنوان نماینده دولت باید در استان حاضر می شدم و آیت الله واعظ طبسی هم نماینده مقام معظم رهبری بودند؛ بر این اساس، شرط عقل، تدبیر و حفظ وحدت در نظام جمهوری اسلامی ایران این بود که این مسائل رعایت شود؛ بنابراین ما توصیه ها را جدی گرفتیم. همچنین به یاد دارم ایشان در خصوص مبارزه های قبل از انقلاب آیت الله واعظ، نقش او در پیروزی انقلاب، نقش او در اوج انقلاب (اواخر سال ۵۶) و اوایل سال ۵۷ نکاتی فرمودند. در مشهد راهپیمایی های زیادی انجام می شد، از این رو آیت الله واعظ طبسی حضور فعال در مبارزات داشتند به طوری که در رأس روحانیونی که در مشهد فعال بودند، دیده می شدند. ضمن اینکه مرحوم واعظ طبسی در شکل دادن ذهن و فکر جوانان انقلابی در خراسان، برگزاری کلاس های درس موعظه و جمع کردن جوانان و بسیج کردن نیروها در خراسان نقش ویژه ای ایفا کردند.

آیت الله واعظ طبسی نیمی از عمر بابرکت خود را صرف مبارزه

محسن مهرعلیزاده متولد ۱۳۳۰، شهرستان مراغه در استان آذربایجان شرقی است. او از سال ۷۶ تا ۸۰ استاندار خراسان و از ۸۰ تا ۸۴ معاون رئیس دولت اصلاحات و رئیس سازمان تربیت بدنی بوده است. مؤسس جهاد سازندگی و هیئت های هفت نفره در آذربایجان شرقی، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان عمران کیش، معاون امور نیروگاه های سازمان انرژی اتمی، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری شاهد، رئیس فدراسیون بین المللی زورخانه ای و معاون صنعتی و بهره برداری وزیر صنایع سنگین و عضو هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از دیگر سوابق اجرایی وی محسوب می شود. نخستین استاندار دولت اصلاحات در خراسان که هم اکنون در اتاق بازرگانی حضور دارد در گفت و گو با ویژه نامه «قدس» به تشریح ویژگی های مرحوم آیت الله واعظ طبسی پرداخت و سعی کرد در طول گفت و گو خاطره هایی از تولیت فقید آستان قدس رضوی بیان کند. وی در این گفت و گو خاطرات جالب از جلسات خود با مقام معظم رهبری برای حضور در خراسان رضوی به عنوان نماینده دولت در خراسان و جلساتی که به صورت منظم با مرحوم آیت الله واعظ طبسی برگزار می کرد بیان و تأکید کرد: آیت الله واعظ طبسی میانه روی را به عنوان مشی غالب زندگی سیاسی خود در منظر دید همگان قرار داد.

اگر موافق هستید پرسش اول را به نقش آیت الله

واعظ طبسی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب

اختصاص دهیم. نظر شما درباره مبارزات ایشان در زمان

قبل از انقلاب و خدماتی که پس از انقلاب انجام دادند،

چيست؟

هیچ وقت کلمات ایشان را فراموش نخواهم کرد. آیت الله واعظ طبسی فرموده بودند: «آقای مهرعلیزاده به شما قول می دهم در طول مدیریت شما در استان هیچ گونه تعارض، تداخل، تراحم و تضادی از ناحیه من و اطرافیانم نسبت به جنابعالی و دولت در اینجا (خراسان) نخواهد دید».

نقشی که مردم می توانند انجام دهند نکاتی مطرح می کردند. دیدگاهها و نظرات آیت الله واعظ در خصوص مسائل مختلف بسیار روشن ارائه می شد و به نظر بنده از نظم، انضباط و دیسیپلین خاص برخوردار بودند. آیت الله واعظ حد و حدود در شرح وظایف را رعایت می کردند به شأن و شئون افراد احترام می گذاشتند.

آقای مهرعلیزاده، فعالیت استان قدس در حوزه مسائل اقتصادی و خدماتی که در دوره مرحوم آیت الله واعظ انجام داد چه بود؟

توجه داشته باشید که استان قدس امکانات بسیار وسیعی دارد؛ از این رو هم در بعد عمرانی و هم در بعد صنعت و اقتصاد فعالیت بسیار خوبی انجام شد. به خاطر دارم یکی از اهرم های تقریباً وزین در مسائل اقتصادی و تولیدی خراسان در دوره ای که بنده در استان به عنوان نماینده دولت حضور داشتم، مراکز تولید استان قدس در حوزه های مختلف اعم از کشاورزی، تولیدی، صنعتی و سایر جنبه های اقتصادی دیگر بود؛ اما این نباید به این منزله تلقی شود که ایشان دخالت می کردند، ایشان به طور مستقیم هرگز دخالت نمی کردند.

یعنی ایشان هیچ اعمال نظری نمی کردند؟

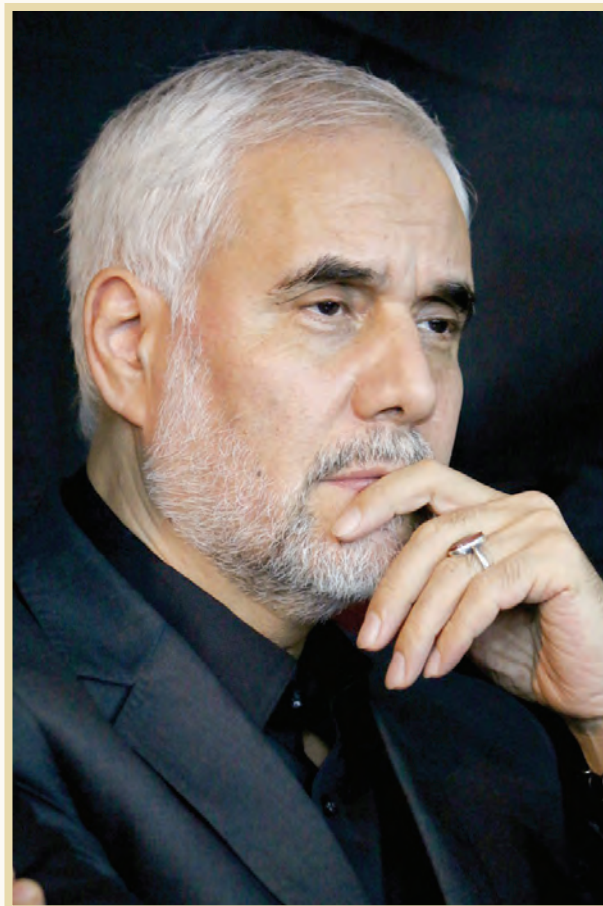
به یاد ندارم ایشان یک کلمه در خصوص مسائل اقتصادی صحبتی کرده باشند، چرا که ما هر هفته با هم جلسه دوساعته برگزار می کردیم و بخش های اقتصادی که تحت نظر قائم مقام تولیت بود فعالیت ها را انجام می دادند؛ البته آنجا نه دولتی بود که بخواهد با قوانین دولت اداره شود و نه خصوصی که یک نفر مالک باشد و بخواهد اعمال نظر کند، اما با این حال همین مرکز بخشی از فعالیت های استان را در بر می گرفت.

شما اذعان داشتید حتی مرحوم آیت الله طبسی وارد مسائل اقتصادی نمی شدند و فعالیت ها توسط قائم مقام انجام و به ایشان گزارش داده می شد، با این وجود چرا در زمان حیات خود به اشراقیگری متهم می شدند؟

بنده از نزدیک با زندگی و روحیات ایشان آشنا شده بودم، برخلاف آنچه تبلیغ می شد ایشان حقیقتاً زندگی ساده ای داشتند. البته باید بگویم قبل از انقلاب مرحوم واعظ طبسی تفاوتی با دیگران داشتند، این تفاوت هم به خاستگاه خانوادگی و اجتماعی ایشان برمی گردد. ایشان در یک خانواده مرفه حضور داشتند، اما هیچ گاه اشرافی عمل نکردند و حقیقتاً زندگی خیلی ساده و معمولی داشتند. برای مرحوم آیت الله واعظ طبسی رعایت چارچوبها و احترام متقابل به افراد مهم بود. آدم متظاهری نبود که بخواهد خود را ساده زیست نشان دهد و مصنوعی عمل کند.

در عین حال که زندگی معمولی و ساده ای داشتند، در لباس پوشیدن، راه رفتن، برخورد کردن و احوال پرسی چارچوب مشخص را رعایت می کردند و این اصلاً به منزله اشراقیگری او نبود، بلکه تربیت خانواده بود.

جالب آنکه بنده تا آنجایی که اطلاع داشتم آیت الله واعظ طبسی ربالی از درآمدهای استان قدس که از نظر قانونی و شرعی متعلق به تولیت است را به نفع خود استفاده نکرد و هزینه آن را صرف حسینییه و ساخت کتابخانه کرد.



برای پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی کردند و پس از پیروزی انقلاب نیز همواره در کنار انقلاب ماندند و به مجاهدت های خود ادامه دادند.

ایشان راه میانه روی را به عنوان مشی غالب زندگی سیاسی خود در منظر دید همگان قرار داد. بنده هم در دورانی که به عنوان استاندار خراسان در آن خطه به خدمت مشغول بودم، ضمن آشنایی بیشتر با فضایل و ویژگی های شخصیتی آن عالم مجاهد، از همراهی های ایشان بهره بردم.

آقای مهندس به شناخت خود از مرحوم آیت الله واعظ طبسی پرداختید، با توجه به شناختی که از تولیت فقید پیدا کردید نحوه مدیریت ایشان در استان قدس رضوی را چگونه ارزیابی می کنید؟ به عبارت دیگر، شاخص های مدیریتی آیت الله واعظ چه بود؟

ابتدا باید به یک نکته اشاره کنم، اینکه بنده معمولاً اعمال مدیریت دقیق، روشن و همه جانبه را در بعضی از روحانیون دیده ام و در آیت الله واعظ طبسی به شکل ویژه ای مشاهده کردم؛ همین روحیات را در جناب آیت الله هاشمی رفسنجانی که اخیراً به رحمت خدا رفته اند، می دیدم.

آیت الله واعظ طبسی در مدیریت بسیار جدی، منظم، دقیق و روشن بودند. به یاد دارم چندین بار با هم در مورد مسائل مختلف از جمله نظم استان و زوار با هم صحبت می کردیم؛ ایده های خیلی جالبی داشتند به ویژه در خصوص اینکه نظم، انضباط، امنیت در استان و امنیت زوار چگونه تأمین شود. ایشان در همین راستا مثال های می زدند، مثلاً در خصوص



آقای مهندس، شما ۴ سال در خراسان حضور داشتید، آیا خاطره‌ای از مرحوم واعظ طبسی دارید؟ در جلساتی هم که با یکدیگر برگزار می‌کردید چه نکاتی مطرح می‌شد؟

خاطره با ایشان خیلی زیاد دارم. اول این را بگویم که تعامل آیت الله واعظ طبسی با دولت اصلاحات بسیار خوب بود. از این جهت می‌گویم بسیار خوب که دولت اول اصلاحات بود و علی‌القاعده مرحوم آیت الله واعظ طبسی در جرگه اصلاح طلبان قلمداد نمی‌شد، ایشان شخصیت مستقل و جداگانه‌ای داشتند و عده‌ای هم در مخالفت با ایشان توقع داشتند اختلافاتی پیش بیاید؛ اما هم بنده و هم ایشان به‌عنوان نماینده دولت و نماینده ولی فقیه در استان سعی کردیم همکاری‌های خوبی با یکدیگر داشته باشیم. در جلسات اول که با یکدیگر صحبت کردیم بنده به وظایف خود اشاره کردم و گفتم به‌عنوان نماینده دولت چنین وظایف و از چنین جایگاهی برخوردارم و شما نیز نماینده محترم ولی فقیه هستید و از وظایف و جایگاهی برخوردار هستید.

ایشان گفتند مطمئن هستم اگر به حیطة هم تعارضی نداشته باشیم طبیعی است اختلافی پیش نمی‌آید؛ از این رو موافقت شد هر کس کار خود را به‌صورت مطلوب انجام دهد و هر هفته جلسه‌ای خواهیم گذاشت و هماهنگی‌ها را در صورتی که اختلافی پیش آمد انجام می‌دهیم.

به یاد دارم ایشان ۴ کلمه عنوان کردند و هیچ‌وقت کلمات ایشان را فراموش نخواهم کرد. آیت الله واعظ طبسی فرموده بودند: آقای مهرعلیزاده به شما قول می‌دهم در طول مدیریت شما در استان هیچ‌گونه تعارض، تداخل، تزاخم و تضادی از

ناحیه من و اطرافیانم نسبت به جنابعالی و دولت در اینجا (خراسان) نخواهید دید و اگر شما هم مطلبی را احساس کردید این شماره مستقیم دفترم است، خودتان شخصاً تماس بگیرید و بدون واسطه با من در میان بگذارید. خدایی هم هرگز چنین اتفاقی رخ نداد و من در طول ۴ سالی که در خراسان حضور داشتم هفته‌ای یک جلسه منظم با یکدیگر برگزار می‌کردیم، صحبت‌ها هم در جلسات بیشتر رفاقتی و دوستانه بیان می‌شد و حقیقتاً ایشان در جلسات گله و گله‌گذاری از اقدامات نمی‌کردند و ما با همان پیمانی که با هم بستیم عمل کردیم و بنده به‌عنوان نماینده دولت و ایشان به‌عنوان نماینده رهبر انقلاب با اختیار کامل و با اقتدار کار کردیم.

علی‌رغم اینکه برخی تصور می‌کردند اختلاف‌هایی پیش خواهد آمد، اختلافی که پیش نیامد هیچ، زمانی که بنده می‌خواستم در دولت دوم اصلاحات در جایگاه معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی حضور پیدا کنم جلسه‌ای مشترک (بنده و مرحوم واعظ طبسی) با مقام معظم رهبری در خراسان داشتیم. ایشان به مقام رهبری فرمودند: ما از شما می‌خواهیم از رئیس‌جمهور بخواهید یک دوره دیگر آقای مهرعلیزاده اینجا حضور داشته باشند و تهران نروند؛ به خاطر اینکه مابعد انقلاب، این دوره، دوره‌ای آرام، پر تحرک و پرتعامل بود و انصافاً هم از مسائل عمرانی و هم توسعه سرمایه‌گذاری پرکارترین دوران را در این زمان داشتیم و بیشترین همکاری بین مدیران استان با هم شکل گرفت، دعوی نبود و توجه به کار بود (این گفته‌های مرحوم واعظ طبسی بود). اما چون تعیین شده بود که دیگر من باید در معاونت رئیس‌جمهور حضور داشته باشم نظر ایشان قابل عمل نبود.

۱۳۷۱؛ آیت الله عباس واعظ طبسی در کنار آیت الله خامنه‌ای و مرحوم حاجت الاسلام اسماعیل فردوسی‌پور در بازدید از یکی از مدارس علمیه مشهد

عکس
روزبه



هماهنگی استاندار با استاندار

محمود صلاحی

استاندار خراسان رضوی در دولت نهم و دهم

محمود صلاحی استاندار خراسان رضوی در دولت دهم است که اگرچه قبل از دوران مسئولیت اجرایی اش دیداری جمعی با مرحوم آیت الله طبسی داشته، ولی آشنایی رسمی خود با تولیت سابق آستان قدس را در همان روزهای استاندار بودنش مطرح و از صمیمت و هماهنگی بالا فی مابین شان صحبت می کند. صلاحی مدیریت مرحوم واعظ طبسی در اداره امور آستان قدس رضوی را منحصربه فرد برمی شمرد و می گوید برگزاری عالی مراسم احیا با حضور جمعیتی بالای یک میلیون نفر در آستان قدس نشان دهنده هماهنگی بالا در جای جای آستان است.

آغاز استانداری در ۸/۸/۸۸ و پشتوانه محکمی به اسم آیت الله واعظ

همان طور که می دانید استانداران با رأی هیئت دولت انتخاب شده و به استان هایشان می روند؛ بنابراین نامزدها قبل از انتخاب به تهران رفته، رزومه خود را ارائه داده، مخالف و موافق صحبت می کنند و در نهایت رأی گیری انجام می شود؛ در صوت رأی آوردن فرد، استاندار با وزیر کشور به استان مربوطه رفته و معرفی می شود. ۴ شهر یورماه ۱۳۸۸ به همراه هیئت دولت و رئیس جمهور وقت به مشهد رفته، قرار بود رأی گیری در حرم صورت گیرد و البته این امر نیز افتخاری برای بنده بود؛ زیرا اولین استانداری بودم که در حرم امام رضا (علیه السلام) به این سمت نایل می شد.

هفته قبل نیز دولت از مجلس رأی اعتماد گرفته و برای زیارت راهی مشهد شده بودند و این دومین سفر هیئت دولت به این شهر مقدس بود. هنگام پیاده شدن از هواپیما، آیت الله علم الهدی، شهید شوشتری و مسئولان استان از رئیس جمهور استقبال کردند، از آن ها جویای حال آیت الله طبسی شدم که گفتند کمر و پایشان را عمل کرده و در منزل بستری هستند؛ بدین صورت رئیس جمهور و وزرا برای زیارت به حرم و من به عبادت آیت الله طبسی رفته. این دیدار اولین آشنایی رسمی با آیت الله طبسی بود، البته ۲۰-۱۰ سال پیش به همراه فرماندهان سپاه در سفری به مشهد خدمت ایشان رسیده و آشنا شده بودیم، اما آشنایی رسمی ما همان ۱۴ رمضان سال ۸۸ بود. در دیدار آن روز ایشان مرا با روی خوش پذیرفت، بعد از صحبت با یکدیگر نمی دانم چطور، ولی با هم خیلی هماهنگ شدیم. آیت الله طبسی همان جا به آقای علوی (قائم مقامش) سفارش کرد هر چه بنده به عنوان استاندار گفته و یا سفارش کردم، دستورات ایشان است. غروب به حرم رفته و بعد از



نماز جماعت به تالار آینه رفتیم. آن روز مرحوم چاوز هم در حرم حضور داشت و در حین بازدید وی از حرم، جلسه هیئت دولت تشکیل شد. در زمان رأی گیری اجازه خواستم از جلسه خارج شوم تا اگر وزیری قصد دادن رأی منفی داشت در رودربایستی قرار نگیرد. جز یک رأی مخالف، همگی موافق بودند و بدین صورت فردای آن روز که مصادف با میلاد امام حسن (علیه السلام) بود در سالن صبا به صورت پخش مستقیم، بنده به عنوان استاندار خراسان معرفی شدم.

آغاز استانداری من در روز ۸/۸/۸۸ مصادف با میلاد امام هشتم (علیه السلام) بود. از ابتدای همان سال قرار داشتم که ۸/۸/۸۸ مشهد باشم، ولی نمی دانستم که آن زمان استاندار مشهد می شوم. در این تاریخ با کمک برخی از نمایندگان خراسان در مجلس، حدود ۱۵۰ نفر از نمایندگان مجلس را برای این تاریخ به مشهد دعوت کردیم؛ در همین سفر موضوع پایتخت معنوی ایران تصویب شد و این هم توفیق دیگری بود که در زمان استانداری بنده اتفاق افتاد.

مزاح استاندار با آیت الله

توجه به آستان قدس رضوی و زائرین امام هشتم (علیه السلام)



و متولد ۱۳۱۳ بوده و دورانی را در زندان ستم‌شاهی گذرانده بود که آثار شکنجه و صدمات آن دوران همچنان پابرجا بود. آیت الله طبسی قبل از انقلاب به عنوان مبلغی سخن‌دان و ناطق و تأثیرگذار بود که جوهره کلام بسیار گیرا و سخنرانی‌های غرایبی داشت (می‌توان شهید هاشمی‌نژاد را با ایشان مقایسه کرد).

انبوه خدمات به زوار امام رضا (علیه السلام)

درباره خدمات آیت الله طبسی باید بگوییم که ایشان حتی به لحاظ فیزیکی خدماتی داشتند. آستان قدس را با چند میلیون زائر در اوایل انقلاب تحویل گرفت و در پایان عمرشان با چندین میلیون زائر تحویل دادند. زمانی که در خانه تان ۱۰ نفر گنجایش مهمان دارید ولی ۴۰ نفر را دعوت می‌کنید، دچار مشکلاتی می‌شوید و هیچ‌کس به این نکته اشاره نکرده است. وقتی ایشان تولیت آستان قدس رضوی در اوایل انقلاب شد -نگاه کنید که این استان به چند میلیون زائر سرویس می‌دهد، درحالی‌که نظافت، نور، صوت، فرش، گرما و سرما، گلاب‌پاشی و ... همگی موضوعیت دارد و باید مورد توجه قرار بگیرد- چند برابر قبل از مدیریتشان (در هزار سال گذشته) رواق، صحن و ... ساختند. اگر بگوییم که از موقوفات بوده که موقوفات، هزینه‌ها و نذورات قبل از آیت الله طبسی هم بوده است. در مجموع خدمات ایشان بسیار قابل قدرانی است.

یکی از شب‌های احیا از میزان حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بطری آب توزیع شده، متوجه شدیم که چقدر زائر به حرم آمده‌اند؛ و قرار بود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر را در یک محوطه جای دهند و این تعداد بسیار زیاد بود و محلی بسیار وسیع با امکانات بهداشتی، نور، فرش و خدمات صوت و رفت‌وآمد و کفشداری باید برای این کار در نظر گرفته شود. در عید نوروز حدود ۵ تا

باعث هماهنگی بیشتر بین استاندار و تولیت آستان قدس رضوی می‌شد. ایشان به بنده می‌گفتند آقای استاندار و من به شوخی به ایشان می‌گفتم آقای آستان‌دار؛ من می‌گفتم آستان‌داری جایی که مرکز نور همه عالم است از استاندار بالاتر است. قرار شد ما سه‌شنبه یک هفته در میان، جلسه‌ای با هم داشته و مشکلات را با یکدیگر در میان بگذاریم. بنده از ایشان خواهش کردم که مشکلات استان را در جلسات یا به صورت تلفنی با خودم در میان بگذارند و من هم قرار شد مسائل را به ایشان اطلاع دهم؛ درحالی‌که الآن مسئولان برای یکدیگر پیغام داده و در روزنامه‌ها با هم صحبت می‌کنند و این امر ضربه بیشتری به ارتباطات می‌زند. جلسات ما سه‌شنبه‌ها به صرف ناهار و بحث و تبادل نظر برگزار می‌شد، البته ممکن بود اواسط هفته نیز تلفنی با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازیم. ایشان علاقه من به آستان قدس رضوی و زائران را کمک به حل مشکلات می‌دانست و شاید به همین دلیل با من و استانداری بسیار هماهنگ بود. شاید اگر از قائم مقام ایشان هم بپرسید، این دوره را هماهنگ‌ترین دوره بین آستان قدس و استانداری تلقی کنند.

یک زمانی تصمیم گرفتم که مطالعه کمی و کیفی زیارت امام هشتم (علیه السلام) را انجام دهم و دکتر علم‌الهدی (رئیس پارک علم و فناوری خراسان) را به عنوان مدیر پروژه انتخاب -تعدادی از علما و اساتید با ایشان همکاری می‌کردند- کردم؛ این طرح یک طرح بسیار جدی علمی بود و تا زمانی که شخصاً استاندار بودم ۴۰ جلد از آن منتشر شد. یک زمانی نیز به رئیس جمهور گفتم که استاندار خراسان مانند استانداران دیگر معاون‌های مرسوم امنیتی، برنامه‌ریزی و عمرانی و پشتیبانی و ... دارد، ولی در خراسان که ۳۰ میلیون زائر می‌آیند و می‌روند و مشکلاتی مانند تأخیر در پروازها و ... داریم، این امر نیازمند ایجاد یک معاونت دیگر است و رئیس جمهور نیز قبول کرد معاونت امور زیارت به استانداری خراسان اضافه شود. پس از آن معاونت دیگری با عنوان معاونت امور زائرین ایجاد و تاکنون نیز در حال فعالیت است.

آیت الله طبسی مطیع رهبر انقلاب

هرچه ارتباط ما ادامه پیدا می‌کرد با ابعاد شخصیتی وی بیشتر آشنا می‌شدم. اگر بخواهم به صورت خلاصه بگویم، وی عالمی فقیه و مجتهدی مسلط به امور روز بود، با مدیریت کم‌نظیر، با اشراف همه‌جانبه به امور فرهنگی، دینی و اقتصادی آستان قدس رضوی؛ و به علت استمرار مدیریت ایشان تجربیات زیادی در این زمینه کسب کرده بود. آیت الله طبسی عالمی فرزانه بود که در مجمع تشخیص مصلحت و مجلس خبرگان رهبری عضویت داشت. تا زمان حیات وی، مقام معظم رهبری نمایندگی ولی فقیه در دو استان خراسان شمالی و جنوبی که تفکیک شده بود، به غیر از وی به کسی واگذار نکردند و دلیل آن نیز مدیریت وی و اعتماد رهبر انقلاب به آیت الله طبسی بود. ایشان کاملاً مطیع رهبر انقلاب بود و بنده در جلسات این موضوع را به وضوح مشاهده می‌کردم. یک بار در جلسه خدمت رهبر انقلاب، آیت الله طبسی، آیت الله مهدوی کنی و جناب گلپایگانی بودم، وقتی رهبر انقلاب وارد شد و آیت الله طبسی خواستند بلند شوند، رهبری گفتند که بنده اذیت می‌شوم، شما بلند نشوید.

آیت الله طبسی وضعیت ویژه‌ای داشتند به خصوص اواخر عمرشان با دو عصا حرکت می‌کردند و پادرد و کمردرد شدیدی داشتند. وی مقید بود که هر روز به دفتر بیاید، البته سنی از ایشان گذشته بود



۶ میلیون زائر به‌راحتی به مشهد رفت‌وآمد می‌کنند؛ ولی کربلا و نجف را نگاه کنید، افراد برای رفتن به حرم به‌زحمت می‌افتند.

شخصیت آیت‌الله طبسی در مدیریت را در جای دیگری ندیده‌ام

شخصیت آیت‌الله طبسی در مدیریت را در جای دیگری ندیده‌ام؛ چراکه وی تسلط خاصی داشت و با نگاه و گفتن یک جمله همه نیروهایش کار می‌کردند. آیت‌الله طبسی خیلی صحبت نمی‌کرد و در جواب گزارش‌ها، تنها دو یا سه جمله می‌گفتند. نگاه عمیقی به مسائل داشت. در جلسات ایشان در شورای عالی فرهنگی می‌دیدم که وقتی می‌گوید آنجا فلان کار را انجام دهید، نیروها متوجه می‌شدند که باید کار را انجام داد؛ یک زمانی هم خودشان سر می‌زدند. دیده بودم وقتی ایشان به حرم امام رضا (علیه‌السلام) مشرف می‌شدند - آنجایی که قبر آیت‌الله مروارید قرار دارد - درست در پایین دارالزهد اذن دخول را می‌خواندند و مانند زائران عادی رفتار می‌کردند.

یک خاطره: راهکار آیت‌الله طبسی در حل مشکل حضور رئیس‌جمهور پاکستان

هرگاه از ایشان درخواستی کردم جواب منفی نشنیدم. یک روز رئیس‌جمهور پاکستان با رئیس‌جمهور ملاقات داشته و به طور ناگهانی گفت که می‌خواهم به مشهد بروم. درحالی‌که برای سفر رئیس‌جمهور باید برنامه‌ریزی‌های زیادی را در حوزه‌های مختلف مانند امنیت داشته باشیم، ولی ساعت ۱۰ صبح با من تماس گرفتند که رئیس‌جمهور پاکستان می‌خواهد به مشهد بیاید. شب سوم شعبان و میلاد امام حسین (علیه‌السلام) بود و حرم بسیار شلوغ بود و ما باید خط سبز را از فرودگاه تا حرم ایجاد می‌کردیم،

درحالی‌که مشهد آن زمان شلوغ بود و نمی‌خواستیم خیابان‌ها را ببندیم. از آیت‌الله طبسی خواهش کردم و ایشان هم دستور دادند به آقای علوی که شرایط را مهیا کنند. به ایشان گفتم که وقت زیادی هم نداریم و دیگر نمی‌رسیم به استانداری برویم و ایشان دستور دادند که در دارالزهد صندلی و میز گذاشته و جلسه همان جا برگزار شود. به ایشان گفتم که رئیس‌جمهور پاکستان غذای حضرتی هم می‌خواهند ولی نمی‌توانیم به خاطر جمعیت زیادی را ببریم. در همان دارالزهد اتاق مخصوصی قرار دارد که دستور دادند درب آن را باز کنند و غذای حضرتی بدهند. هرچه گفتم ایشان آماده کردند.

همانگی‌ها بسیار زیاد بود و بسیار همراه بودند و دست‌پداری ایشان را در استان حس می‌کردم. وقتی از استانداری در ۹۱/۸/۷ عزل شدم، آیت‌الله طبسی به من گفت که در جلسه سه‌شنبه‌ها شرکت کن. گفتم اگر بروم دیگر نمی‌توانم مرتب حضور داشته باشم. گفتند هروقت به مشهد آمدم اولین ناهار را پیش ایشان بروم؛ و تازمانی که ایشان در قید حیات بودند هروقت که به مشهد رفتم، زنگ می‌زد به آقای طاهری (منشی دفتر آیت‌الله طبسی) می‌گفتم که به مشهد می‌آیم و با ایشان هماهنگ می‌کردم. همان روزی که به مشهد می‌رسیدم، ناهار را خدمت آیت‌الله طبسی می‌خوردم.

آخرین دیدار

آخرین دیدار دوشنبه قبل از رحلت ایشان بود. برای ملاقات به بیمارستان رفتم، البته وی در کما بود و تنها توانستم چهره‌اش را ببینم و جمعه از دنیا رفتند. امام رضا حدیثی با این مضمون دارند که هرکس یک بار به دیدن من بیاید، سه بار به زیارتش می‌آیم. به آیت‌الله طبسی می‌گفتم شما بیش از ۳۰ سال خادم این آستان بودید و حتماً امام رضا (علیه‌السلام) شما را مورد توجه خاص قرار می‌دهند که دعوت کردند بیش از ۳۰ سال خادم این آستان باشید. من از استان می‌روم و شما اگر ما را یادتان بود، وقتی به حرم می‌روید از طرف ما هم سلام دهید. وقتی خدا حافظی کردم دوباره گفتم یک درخواست دیگر هم دارم و اینکه پدر و مادرم هر دو از دنیا رفته‌اند و علاقه خاصی هم به امام رضا (علیه‌السلام) داشتند، شما یک دعای خاص هم برای پدر و مادرم در حرم بخوانید. آیت‌الله طبسی قول داد که همیشه پدر و مادرم را دعا کنند. وی اضافه کرد که از نشانه‌های فرزند صالح است این است که به فکر پدر و مادرش است. هروقت که ایشان را می‌دیدم، می‌گفتم پدر و مادرم را یادتان هست؟ می‌گفتند بله و برایشان دعا می‌کنم.

آیت‌الله واعظ، فقیهی میرز

آیت‌الله فقیهی میرز بود. اجتهاد مسلم وی هم در سخنرانی‌ها و هم در دروس حوزوی و هم در حرف‌شنوی و استفاده‌ای که فضلا از ایشان می‌کردند، مسلم بود. حوزه علمیه مشهد را مقام معظم رهبری کامل به ایشان سپرده بودند. همان‌طور که می‌دانید حوزه‌های سراسر کشور باید هماهنگی با حوزه علمیه قم داشته باشند؛ استقلال حوزه علمیه مشهد تنها به خاطر مدیریت و وجود آیت‌الله طبسی بود. حقیقتاً که شخصیت بسیار بزرگی را هم در عرصه مدیریت دینی و هم در فقه و اصول و هم در حمایت از امام و رهبری از دست دادیم. درعین حال از پیشگاه امام رئوف می‌خواهیم که از این خادم باخلاص و قدیمی خودش آن‌گونه که شایسته خدمات ایشان است پذیرایی کند و از ایشان هم می‌خواهیم که در سر سفره امام رضا (علیه‌السلام) ما را فراموش نکنند.



شخصیت آیت‌الله
طبسی در مدیریت
را در جای دیگری
ندیده‌ام؛ چراکه وی
تسلط خاصی داشت
و با نگاه و گفتن یک
جمله همه نیروهایش
کار می‌کردند. آیت‌الله
طبسی خیلی صحبت
نمی‌کرد و در جواب
گزارش‌ها، تنها دو یا
سه جمله می‌گفتند.
نگاه عمیقی به مسائل
داشت. در جلسات
ایشان در شورای عالی
فرهنگی می‌دیدم که
وقتی می‌گوید آنجا
فلان کار را انجام
دهید، نیروها متوجه
می‌شدند که باید کار را
انجام داد.

جرای



بیرون می‌شد و به چوبه
اندام می‌پارده. مشش یعنی
که با همه این کمپل‌ها و
محکم و ایمن است و
توان می‌خورد. اوایل حرکت
انضامی ما بود، امام‌آزاد
یک عضو هورای هورای
فرودند راه دور و دزدی
در پیش داریم و قربانی‌های
زنی خودی داد امام
نهایتا ما پیروزیم و تمام
ترتیب‌های ضد انقلاب را نابود
خواهیم کرد.

دور راه ممکن است تصادف
از پاران امام از دست‌بروند
اما مهم نیست. این‌چون‌ها
به انقلاب اسلامی آسیب‌خواهد
زداد امام
بجای امام بدون شک همه
قضا را حاشون خواهد
کرد. ضد انقلاب خیال‌جو
گمان می‌کند می‌تواند با
این‌گونه ترورها کنترل‌حکومت
را در دست بگیرد اما
کور خوانده است. بسا
شهادت این عزیزان فصل
نامی در انقلاب ماگونه
شد. من معاون حقوقی
مردم متحد اعلام میکنم.

ما کوهی کرد. اما به
کوری چمن او زمینستان
امام تمام فرقه‌هایی با
خفت می‌دهد. ما با
مرکز این شهادت زندگی
این انقلاب را بنست آوردیم
و آمریکا و ایالت‌های
ایری را. ملت ماغالی-
فهد که چرا رکن‌پوشایی
بیگانه علیه پسرده امیر
آفتاب (جوب جمهوری اسلامی)
نظیر بد می‌گفتند پایایی
این حزب حالا روی ناله
میلیون‌ها نریت و زین
مرد و جوان کن
استوار است. این‌ها در
انقلاب ثابت خواهد کرد.

آقای عاشی‌زاد. پس به
مردم توجه کرد ضد خط
حسرتی‌جود در برابر توطئه
های دشمن و هیات و ییاد
باشو هر جا رفاری مشکوک
از شخصی دیدند با دقت زیر
نظر بگیرند و مراتب را
به‌کمیته‌ها و مراکز امنیتی
اطلاع دهند. به شایعات
وجه نگیرد. به رادیو
نزدان گفت. فدا نهاد

سوء قصد ناجوانمردانه بجان نماینده محترم امام در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی خنثی شد



پیام حجت الاسلام والمسلمین واعظ طیسی و تشریح توطئه سوء قصد با انتشار بیانیه‌هایی از گناهان و نهادهای انقلاب اسلامی. مشهد جان نه سوء قصد به جان نماینده امام و تولیت آستان قدس را محکوم کردند

امام: خداوند تعالی را شکر که توطئه جنایتکارانه منحرفان در باره جنابعالی خنثی شد



خراسان (وابسته به بنیاد مستضعفان) پيام‌رادیونی امام‌جمعه مشهد ص ۸ بنیاد پایداری کمیته مرکزی انقلاب اسلامی مشهد در مشهد

مراسم شکرگزاری مردم مشهد به مناسبت عقیقه ماندن توطئه سوء قصد بجان نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی

افاقه نماز جمعه در شهرستانهای خراسان قذافی: ماتا پای جان در مقابل امریکا خواهیم ایستاد

ترور، منطق ضدانقلاب
در استان خراسان
در استان خراسان، روز جمعه نماز جمعه در شهرستانهای خراسان با شعار «ماتا پای جان در مقابل امریکا» برگزار شد. در این مراسم، امام جمعه خراسان، آیت‌الله العظمی خراسانی، با اشاره به توطئه جنایتکارانه ضد امام و تولیت آستان قدس رضوی، گفت: «خداوند تعالی را شکر که توطئه جنایتکارانه منحرفان در باره جنابعالی خنثی شد».

در این مراسم، امام جمعه خراسان، آیت‌الله العظمی خراسانی، با اشاره به توطئه جنایتکارانه ضد امام و تولیت آستان قدس رضوی، گفت: «خداوند تعالی را شکر که توطئه جنایتکارانه منحرفان در باره جنابعالی خنثی شد».

محاکمه ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد

در جریان محاکمه ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد. در این محاکمه، ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد. در این محاکمه، ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد.

صهیونیست‌ها از نداشتن تکبیر گوی بازداشتگاه انصار جنوب لبنان را به گلوله بستند

صهیونیست‌ها از نداشتن تکبیر گوی بازداشتگاه انصار جنوب لبنان را به گلوله بستند. در این حمله، صهیونیست‌ها از نداشتن تکبیر گوی بازداشتگاه انصار جنوب لبنان را به گلوله بستند.

شرایط نقیبه در کشورهای حال توسعه در آینده وخیم خواهد شد

شرایط نقیبه در کشورهای حال توسعه در آینده وخیم خواهد شد. در این گزارش، شرایط نقیبه در کشورهای حال توسعه در آینده وخیم خواهد شد.

ترور آیت‌الله واعظ طیسی ناکام ماند

۲۹ بهمن ۱۳۶۱ منافقین قصد داشتند آیت‌الله واعظ طیسی تولیت آستان قدس رضوی و نماینده امام در خراسان را ترور کرده و به شهادت برسانند.

بر اساس گزارش جراید روز شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۱، منافقین از طریق لخت کردن سیم‌های برق پروژه کتور فیلمبرداری صداوسیما جمهوری اسلامی مرکز مشهد، قصد استفاده از جریان برق برای انجام مقاصد شوم خود را داشتند که به موقع توطئه آن‌ها خنثی شد و یکی از منافقین به هلاکت رسید و دیگری دستگیر شد.

این گزارش می‌افزاید: «بین فاصله خطبه‌های اول و دوم نماز جمعه امروز مشهد دو تن از منافقین به نام‌های بابایی و میرزاد قصد ترور آیت‌الله واعظ طیسی نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی را داشتند که خوشبختانه قبل از انجام این عمل، یکی از آنان به‌وسیله پاسداران حاضر از پای درآمد و منافق دیگر نیز دستگیر شد.»

به دنبال این ترور، امام خمینی (ره) در پیامی خطاب به آیت‌الله واعظ طیسی تأکید کردند: خداوند تعالی را شکر که توطئه جنایتکارانه منحرفان از اسلام درباره جنابعالی خنثی شد؛ و خداوند را سپاس که هر روز این جنایتکاران ورق سیاهی بر اوراق جنایت خود می‌افزایند؛ و اکنون که به خواست خدای تعالی دستشان از هر جا کوتاه و هر گروهی از آنان گروه دیگر را لعن می‌کند و از رسیدن به آنچه در خیال خود به آرزوی آن بوده‌اند مأیوس شده‌اند، چاره‌ای جز خرابکاری برای اظهار وجود ندارند که آن هم برایشان جز رسوایی در پی ندارد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت جنابعالی و سایر متعهدان به اسلام و خدمتگزاران به جمهوری اسلامی را خواستارم.



خبرهای خراسان

مجم حجت الاسلام طیسی

مهاد در رابطه با فرزندانشان

طیسی

مشهد

در جریان محاکمه ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد. در این محاکمه، ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد. در این محاکمه، ۳۰۰ نفر از انقلابیون مسلمان مصری از سر گرفته شد.

صهیونیست‌ها از نداشتن تکبیر گوی بازداشتگاه انصار جنوب لبنان را به گلوله بستند. در این حمله، صهیونیست‌ها از نداشتن تکبیر گوی بازداشتگاه انصار جنوب لبنان را به گلوله بستند.

شرایط نقیبه در کشورهای حال توسعه در آینده وخیم خواهد شد. در این گزارش، شرایط نقیبه در کشورهای حال توسعه در آینده وخیم خواهد شد.

ترور آیت‌الله واعظ طیسی ناکام ماند. منافقین قصد داشتند آیت‌الله واعظ طیسی تولیت آستان قدس رضوی و نماینده امام در خراسان را ترور کرده و به شهادت برسانند.

بر اساس گزارش جراید روز شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۱، منافقین از طریق لخت کردن سیم‌های برق پروژه کتور فیلمبرداری صداوسیما جمهوری اسلامی مرکز مشهد، قصد استفاده از جریان برق برای انجام مقاصد شوم خود را داشتند که به موقع توطئه آن‌ها خنثی شد و یکی از منافقین به هلاکت رسید و دیگری دستگیر شد.

این گزارش می‌افزاید: «بین فاصله خطبه‌های اول و دوم نماز جمعه امروز مشهد دو تن از منافقین به نام‌های بابایی و میرزاد قصد ترور آیت‌الله واعظ طیسی نماینده امام و تولیت آستان قدس رضوی را داشتند که خوشبختانه قبل از انجام این عمل، یکی از آنان به‌وسیله پاسداران حاضر از پای درآمد و منافق دیگر نیز دستگیر شد.»

به دنبال این ترور، امام خمینی (ره) در پیامی خطاب به آیت‌الله واعظ طیسی تأکید کردند: خداوند تعالی را شکر که توطئه جنایتکارانه منحرفان از اسلام درباره جنابعالی خنثی شد؛ و خداوند را سپاس که هر روز این جنایتکاران ورق سیاهی بر اوراق جنایت خود می‌افزایند؛ و اکنون که به خواست خدای تعالی دستشان از هر جا کوتاه و هر گروهی از آنان گروه دیگر را لعن می‌کند و از رسیدن به آنچه در خیال خود به آرزوی آن بوده‌اند مأیوس شده‌اند، چاره‌ای جز خرابکاری برای اظهار وجود ندارند که آن هم برایشان جز رسوایی در پی ندارد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت جنابعالی و سایر متعهدان به اسلام و خدمتگزاران به جمهوری اسلامی را خواستارم.

گفت و گو با **امیرحسین قاضی زاده**
عضو هیات رئیسه مجلس دهم و نماینده مشهد

برخی نگاه ابزاری به مرحوم واعظ داشتند

امیرحسین قاضی زاده نماینده دوره های هشتم، نهم و دهم مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی که به روایت خود از سن سیزده سالگی به واسطه خانواده اش آیت الله طبسی را می شناخته است، ایشان را فردی ساده زیست، مدیر انقلابی می داند. متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است:

شاخص های مدیریتی آقای طبسی در این مدت طولانی که در آستان قدس حضور داشتند چه بود؟

خدا حضرت آیت الله طبسی را رحمت کند. ایشان یکی از مؤثرترین افراد در تأسیس انقلاب در خراسان، چهره ملی و مورد اعتماد امام (ره) و مقام معظم رهبری بودند؛ نگاه نافذ و شناخت دقیقی از مسائل سیاسی و اجتماعی داشته و نیروی مقتدر و قوی بودند. فردی بودند که چه در جریان پیروزی انقلاب و چه در جریان اداره آستان قدس و مسائل مرتبط با انقلاب بسیار قدرتمند عمل می کردند.

از نظر من می توان دو، سه خصوصیت برای مدیریت ایشان ذکر کرد؛ یکی از این خصوصیات بحث ثبات مدیریت است.

می دانید در اول انقلاب آستان قدس غارت شده تحویل آقای طبسی شد؛ هیچ اموال و دارایی وجود نداشت، فقط املاک، موقوفات و آن حرم کوچک مانده بود که نتوانسته بودند، ببرند. بعد از انقلاب هم دولت ها از منابع آستان قدس استفاده کردند، اما کمکی به آستان نکردند. بسیاری از زمین هایی که متعلق به آستان قدس است برای ارائه خدمات به دستگاه دولتی داده شد و هنوز که هنوز است آستان قدس حجم زیادی طلبکار است.

یادم است زمانی که در مجلس هشتم به عنوان نماینده انتخاب شدم، تا آن زمان بسیاری از بدهی های دولت داده نشده بود و ما ردیفی ایجاد کردیم که بخشی از بدهی های آستان قدس داده شود؛ هنوز که هنوز است طلب های آستان قدس از دولت بیشتر شده که کمتر نشده است.

آستان قدس به بازسازی هویزه کمک کرد و حتی به دولت در جنگ کمک مالی کرد. از آن طرف اذیت و کارشکنی زیادی را شاهد بود، دولت نه تنها کمک نکرد بلکه حاضر نشد در مورد منطقه ویژه سرخس به آستان قدس مجوز بدهد و هنوز که هنوز است این مجوز داده نشده است.

حضرت آیت الله طبسی در چنین شرایطی آستان قدس را

توسعه دادند. اکنون حرم امام رضا (علیه السلام) بزرگ ترین حرم مذهبی زیارتی و مرکز زیارتی جهانی است. می گویند مجموع مسجدالنبی و مسجدالحرام به اندازه حرم امام رضا (علیه السلام) نمی شود و اگر تمام حرم های عراق را با هم جمع کنید به اندازه حرم امام رضا (علیه السلام) نمی شود.

به نظر می رسد در این شرایط جنگ و بعد از آن، مدیریت قوی پشت کار بوده که سازمان عریض و طویلی که ۳۰-۴۰ هزار پرسنل دارد را مدیریت کرده و توانسته آن ها را جلو ببرد و خدمات فراوانی ارائه کند.

ثبات مدیریت، اقتدار در اعمال مدیریت و مدیریت قدرتمند. خصوصیت سوم استفاده مفید از نیروهای متخصص بومی و به کارگیری آن ها بود. البته ایشان از مشاوران غیربومی و افرادی که در عرصه های مختلف کارشناس بودند استفاده می کردند، ولی کار را به اهل همان منطقه می سپردند. مجموعه این موارد باعث شد آستان قدس در این سی و اندی سال (۳۶-۳۵) که ایشان مدیریت کرد، توسعه پیدا کرده و با تمام نداری هایش به عنوان یک سازمان قدرتمند اقتصادی شناخته شود.

مدیریت ایشان را از نظر فرهنگی چطور می بینید؟

ایشان در حوزه حرم کارهای فرهنگی خوب و مناسبی انجام دادند و انصافاً برنامه های متنوع و مفصل داشتند. کسانی که به زیارت می آمدند، می توانستند از فضای معنوی حرم به خوبی استفاده کنند. شاید اتفاق بدی که افتاد عدم پیوند فرهنگی شهر مشهد با حرم بود. مشهد چه به لحاظ بافت، معماری، توسعه حاشیه شهر و مظاهر زندگی مادی متناسب با حوزه فرهنگی حرم رشد پیدا نکرد و نتوانست مقدس بودن خودش را حفظ کند. تناسبی بین بافت فرهنگی داخل حرم با بافت فرهنگی شهر مشهد وجود ندارد؛ البته مدیران محلی-ملی استان، شهردار در این موضوع مسئول هستند، شاید باید حوزه مأموریت ها فراتر از حرم تعریف می شد.

مبارزات انقلابی ایشان در مشهد چگونه بوده و با کدام یک از بزرگان همراه بوده و فعالیت می کرده اند؟

حضرت آیت الله طبسی محور مبارزه بودند. مثلاً آیت الله طبسی، شهید هاشمی نژاد و مقام معظم رهبری محور مبارزات

ایشان در حوزه حرم کارهای فرهنگی خوب و مناسبی انجام دادند و انصافاً برنامه های متنوع و مفصل داشتند. کسانی که به زیارت می آمدند، می توانستند از فضای معنوی حرم به خوبی استفاده کنند.



آقای یک ارتباط معمولی نبود. من نمی‌شناسم آقای آن نوع رفاقت را با کسی دیگری داشته باشد، این رفاقت، صمیمیت و برادری را فقط بین آقای و آیت‌الله طبعی می‌دیدم نه کس دیگری. حضرت طبعی با اینکه سنشان کمی بیشتر از آقای بود (فکر کنم هم‌سن آقای هاشمی و از حضرت آقای بزرگ‌تر بودند)، ولی در ادبیات و گفت‌وگو کاملاً مطیع و خاضع بودند، حتی وقتی از آقای پشت تریبون صحبت می‌کردند. در نطق‌ها و صحبت‌های ایشان در روز اول فروردین و قبل از سخنرانی آقای کاملاً خضوع و احترام فوق‌العاده‌ای در کلام ایشان نسبت به مقام معظم رهبری می‌بینید. در حالی که مثل برادر بودند، آدم احساس می‌کرد صمیمی صحبت کنند؛ ایشان با اینکه صمیمی‌ترین دوست مقام معظم رهبری بودند، در کلامشان احترام فوق‌العاده‌ای نسبت به آقای دیده می‌شد.

خاطره‌ای از ایشان در خصوص توصیه به جوانان برای عملکرد انقلابی دارید؟

من از بچگی آقای طبعی را می‌شناختم، چون پدر و مادرم با ایشان آشنا بودند. ایشان خطبه عقد من و خانمم را خوانده بودند و ارتباط خیلی نزدیک و نسبتاً خوبی (نمی‌خواهم بگویم صمیمانه، ما جای بچه ایشان محسوب می‌شدیم) هم با ایشان و هم با بعضی از اعضای خانواده‌شان داشتیم. همان زمان که خطبه عقد ما خوانده می‌شد، ایشان نیم‌ساعتی با من و خانمم در این مورد که باید خودتان را برای اسلام آماده کنید و خانواده و زندگی که دارید در راه این باشید، صحبت کردند. به من گفتند مانع همسران نشوید و به همسر هم توصیه می‌کرد که مانع آقای نشوید و مسائل زندگی باعث نشود که مثلاً همسر شما نتواند به وظایفش نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی عمل کند. ایشان روحیه انقلابی داشت و به شدت استکبارستیز بود.

ایشان تا چه حد به ساده‌زیستی در زندگی شخصی‌شان اهمیت می‌دادند؟

ایشان در زندگی شخصی بسیار ساده‌زیست بود. من خانه ایشان را دیدم، خانه‌شان همان خانه ساده‌ای بود که قبل از انقلاب داشتند. ۵ درصد حق تولیت کلیه موقوفات به ایشان می‌رسید؛ از هر درآمدی که از موقوفات آستان قدس حاصل می‌شد، ۵ درصد متعلق به ایشان بود که بسیاری از ساخت‌وسازهایی مانند کتابخانه جدید حرم و بیمارستان رضوی از محل آن ۵ درصد است.

در خراسان بودند؛ با امام در ارتباط بودند و شرق کشور را مدیریت می‌کردند. طلبه‌ها و فضایی که برای سخنرانی اعزام می‌شدند شاگردان این‌ها یا افرادی بودند که با این مجموعه مرتبط بودند و حضرت آیت‌الله طبعی در آن ایام نقش بسیار پررنگ و محوری داشتند؛ حتی در ایامی که آقای به ایرانشهر و چابهار تبعید شده بودند، نقش ایشان در مبارزه جدی‌تر شده بود. ایشان در آن ایام تمام بیانیه‌های مهم انقلابی را نوشته و حتی قرائت می‌کردند؛ فرد شناخته‌شده و شجاعی بودند و چندین بار توسط ساواک دستگیر شده، زندانی و شکنجه شدند.

مواضع و عملکرد سیاسی ایشان در مقاطع حساس تاریخ انقلاب چگونه بوده است؟

ایشان در اوایل انقلاب رهبر سیاسی جریان انقلابی در خراسان بودند، چه در جریان بنی‌صدر و چه در بحث‌های مربوط به حزب جمهوری و منافقین. مواضع ایشان ممتاز بود. ایشان این اواخر تلاش کردند بعضی از کسانی که در فتنه بوده یا همراهی کردند را دعوت کرده و آن‌ها را برگردانند، اما وقتی از آن‌ها ناامید شدند، علیه آن‌ها و جریان فتنه مواضع محکم و روشنی گرفتند. ابتدا تلاش کردند بعضی از این افراد را با انقلاب آشتی بدهند، مدتی که گذشت و دیدند نمی‌توانند روی آن‌ها اثرگذاری کنند، علیه آن‌ها موضع کاملاً روشن و انقلابی گرفتند که سخنرانی معروف ایشان در ایام ۹ دی و در حرم مطهر به همین علت بود. قبل از ۹ دی، در ۸ دی

راهپیمایی عظیمی در مشهد جلوتر از بقیه استان‌های کشور اتفاق افتاد و ۹ دی هم دوباره تکرار شد که سخنران راهپیمایی ۸ دی در مشهد حضرت آیت‌الله طبعی بود.

رابطه ایشان با مقام معظم رهبری چگونه بود؟

من ندیدم آقای در ارتحال کسی گریه کنند، ولی در ارتحال آقای طبعی گریه کردند. حضرت آیت‌الله طبعی برای حضرت آقای یک دوست قدیمی و محرم راز بودند. حضرت آقای سالی دو بار به مشهد و حرم می‌آیند به زیارت امام رضا (علیه‌السلام) می‌روند و با آقای طبعی به‌عنوان کسی که می‌توانند مکونات قلبی خودشان، حتی اعضای خانواده و بحث‌های خانوادگی‌شان، نه فقط اجتماعی و سیاسی را مطرح کنند، صحبت می‌کنند. واقعاً مثل دو برادر بودند. گاهی دوست انسان از خواهر و برادر نزدیک‌تر است. یک فرد می‌تواند حرف‌هایی به دوستش بزند که به برادر تنی یا پدر و مادرش نمی‌تواند بزند. من این جایگاه را برای آقای طبعی نسبت به آقای می‌دیدم. ارتباط آقای طبعی با



آستان قدس به
بازسازی هویزه کمک
کرد و حتی به دولت
در جنگ کمک مالی
کرد. از آن طرف اذیت
و کارشکنی زیادی را
شاهد بود، دولت نه
تنها کمک نکرد بلکه
حاضر نشد در مورد
منطقه ویژه سرخس
به آستان قدس مجوز
بدهد و هنوز که هنوز
است این مجوز داده
نشده است

دوره دانشجویی با ایشان خیلی در ارتباط بودم و رفت و آمد زیادی داشتم، چون از قبل با پدر و مادرم آشنا بودند. سال

[illegible]

گفت‌وگو با جواد کریمی قدوسی
نماینده مشهد در مجلس نهم و دهم

از حق تولیت برای مخارج شخصی استفاده نکرد

جواد کریمی قدوسی فرمانده سپاه خراسان و نماینده مردم مشهد در دوره‌های هشتم، نهم و دهم مجلس شورای اسلامی است و در دوران مسئولیتش در استان خراسان و به واسطه برادرش که قائم مقام آستان مقدس بوده است، شناخت دقیقی از ابعاد سیاسی و فکری شخصیت آیت‌الله طوسی دارد و خاطرات جالبی را در مورد مواضع ایشان در فتنه ۸۸ بیان می‌کند.



مدیریت آیت‌الله طوسی در آستان قدس چگونه بود؟

در مدیریت مرحوم آیت‌الله واعظی طوسی دو موضوع قابل توجه است، یکی در آن شأن و جایگاهی است که ایشان به عنوان تولیت آستان قدس با حکم حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه منصوب شدند و دیگری در جایگاه نماینده ولی فقیه در استان و هم‌زمان ریاست حوزه علمیه استان خراسان است.

عملکرد مرحوم آیت‌الله طوسی در موضوع مدیریت ایشان در حوزه آستان قدس رضوی را اکنون می‌توان روی زمین مشاهده کرد؛ توسعه اماکن مقدس حرم امام رضا (علیه‌السلام) هم به لحاظ کمی و هم کیفی در طول تاریخ کم‌نظیر است. دومین توجه ایشان در بحث تولیت آستان قدس توجه به موقوفات حضرت علی بن موسی (علیه‌السلام) بود، موضوع موقوفه را بسیار مراقبت می‌کردند و در شناسایی موقوفات فراموش شده امام رضا (علیه‌السلام) تلاش و افری انجام دادند و سازمان‌های جدیدی را به وجود آوردند. دفاتری را در استان‌ها تشکیل دادند و این موقوفات شناسایی شد؛ بعضاً با مشکلاتی مواجه شده بود که با راهکارهای حقوقی، حقوق آن موقوفه مطالبه شد. نظارت شخص ایشان بر امور موقوفات و ساختار آستان قدس، یک نظارت تام و کمال بود. ایشان در تمام طول عمرشان در این سی‌وچند سال به جز جمعه‌ها، مابقی ایام هفته ۱۲ ساعت به صورت مستمر از ساعت ۹ صبح در محل کارشان در حرم امام رضا (علیه‌السلام) حضور داشته و ساعت ۹ شب به منزل برمی‌گشتند؛ حتی ایام فروردین، عاشورا و تاسوعا در حرم مطهر و مرکز موقوفات حضرت حضور داشتند و فقط جمعه‌ها وقتشان به خانواده اختصاص داشت.

(علیه‌السلام) به خون و تکه‌پاره‌های بدن زائران آغشته شده بود و حرم غرق در خون و صحنه‌های بسیار ناراحت‌کننده‌ای را شاهد بودم. هیچ‌یک از مسئولان حضور نداشتند، ولی ایشان در همان اتاق بالای آستان قدس در محل کارشان بودند. من با ایشان ملاقات کردم و موضوع انفجار، جزئیات و قدرت تخریب را به ایشان گفتم. جمله‌ای که ایشان در آنجا به من گفتند این بود که در پس این حادثه پیروزی بزرگی نصیب امت اسلام خواهد شد، به خاطر این جسارتی که به حرم امام رضا (علیه‌السلام) صورت گرفت.

عملکرد فرهنگی ایشان در آستان قدس چگونه بود؟

در دوران مدیریتی ایشان اقدامات فرهنگی و پژوهشی در آستان قدس به شدت افزایش پیدا کرد و مراکز پژوهش‌ده‌های

خاطره‌ای از مدیریت ایشان بر حرم رضوی دارید؟

از خاطرات تلخی که به یاد دارم، انفجار حرم امام رضا (علیه‌السلام) در روز عاشورا است. من فرمانده سپاه خراسان بودم، وقتی وارد حرم شدم، اطراف ضریح حضرت امام رضا



بودم که پدرم من را به تجمع منزل مرحوم آقای قمی (که هنوز هم نزدیک حرم است و تخریب نشده، با همان وضع ساختمان) برد. در اجتماع بزرگی شرکت کردیم - بنده در ذهنم مانده بود- دیدم سخنران انقلابی روی منبر صحبت می کند. همیشه در ذهنم بود تا در یکی از این جلسات خصوصی که خدمت ایشان داشتیم، ایشان از خاطراتشان در ۱۵ خرداد گفتند که من روز ۱۵ خرداد منزل آقای قمی منبر رفته بودم و سخنرانی کردم، از آنجا که بیرون آمدم ساواک من را دستگیر کرد و برد و حتی اجازه نداد به خانه بروم و خبر بدهم. ایشان در حمایت از حضرت امام و نهضت حضرت امام رضوان الله تعالی چهره و ویژه های بودند.

در دوران مبارزات انقلابی، ایشان با چه افرادی در مشهد همکاری داشتند؟ مقام معظم رهبری هم در

این دوران در مشهد بودند، درست است؟

شخصیت برجسته امروز دوران معاصر، رهبری نظام اسلامی، مقام معظم رهبری آن زمان در مشهد حضور داشتند و آیت الله طبسی با مقام معظم رهبری روابط صمیمانه و تنگاتنگی داشتند. این دو بزرگوار تمام امور نهضت را حمایت و همراهی می کردند؛ البته گاهی هم آقای هاشمی رفسنجانی می آمدند و این ارتباطات در آنجا بین این ها برقرار می شد.

از جمله نشیب و فرازهای سیاسی دیگری که من شاهد بودم، به سالیان اخیر به خصوص از زمانی که آقای هاشمی در سال ۸۴ تصمیم گرفت یک بار دیگر به قدرت برگردد، مربوط می شود. با پایان دولت اصلاحات خاتمی، آقای هاشمی تصمیم گرفت دوباره برگردد. بنده فرمانده سپاه خراسان بودم و به اتفاق تنی چند از فرماندهان (فکر می کنم دو نفر بودیم، بنده و سردار شهید شوشتری) خدمت ایشان رفتیم و از نگرانی ها و دغدغه هایی که به خاطر بازگشت آقای هاشمی رفسنجانی به قدرت به وجود آمده بود صحبت هایی کردیم. ایشان همین نگرانی را داشتند و فرمودند من هم نگرانم و مخالفم و گفته ام و در تلاش هم هستم که از ورود مجدد ایشان به انتخابات ریاست جمهوری ممانعت کنم. روابطمان با ایشان در همین جایگاه و سمت فرماندهی در حوادث بعد ادامه داشت و ۴-۳ جلسه خاص و ویژه با مرحوم آقای طبسی در مورد موضع آقای هاشمی داشتیم.

موضع گیری آیت الله طبسی در فتنه ۸۸ چگونه بود؟ رابطه ایشان با مقام معظم رهبری چگونه بود؟

آقای طبسی در جلسه های اشاره کردند - فکر می کنم نکته ای که هیچ کجا علنی نگفتند و به صورت خصوصی در همین جلسه به بنده فرمودند- که من روی آقای هاشمی ایراد و اشکال دارم و به مقام معظم رهبری هم عرض کرده ام، می خواهم به خاطر دفاع از شما و ارزش های انقلاب روابط و رفاقت را با آقای هاشمی قطع کنم. این را به مقام معظم رهبری که گفتند، ایشان فرمودند شما این کار را نکنید و روابطتان را با ایشان ادامه دهید. تذکراتتان را به آقای هاشمی بدهید، من هم با ایشان در حال صحبت و دادن تذکر هستم.

در آخرین دیدار خبرگان رهبری جدید با مقام معظم رهبری که زمان زیادی از آن نمی گذرد، جلسه ای بود (آیت الله خزعلی و آیت الله طبسی فوت کرده بودند)، در همان جلسه در حالی که آقای هاشمی کنار آقا نشسته بودند، فرمودند مرحوم آیت الله واعظ طبسی شخصیتی بود که حاضر شد برای حفظ انقلاب و

اولین خطری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیش آمد، خطر منافقین بود. منافقین کلاس های آموزش نظامی شان را با جسارت در دارالزه حرم امام رضا (علیه السلام) گذاشته بودند. خبر که به حضرت امام رسید، امام همان روزهای اول انقلاب حکم تولید آیت الله طبسی را صادر کردند و فرمودند آنجا مستقر می شوید و اجازه نمی دهید پای هیچ یک از این جریان ها به آن منطقه باز شود.

بزرگ مانند مرکز پژوهش های آستان قدس، توسعه کتابخانه ها، انتشارات وسیع و گسترده، امکانات چاپ، کارهای فرهنگی و تبلیغی از جمله دستاوردهای دوران مدیریت ایشان بر تولید آستان قدس رضوی است.

موضع گیری ایشان در مقاطع حساس تاریخ انقلاب مانند اقدامات مسلحانه منافقان و بنی صدر و فتنه

۸۸ چگونه بود؟

ایشان نماینده ولی فقیه (حضرت امام و مقام معظم رهبری) در آستان بودند. مسائل سیاسی آستان، پیچیدگی های آن، رخدادهای سنگینی که ناشی از فتنه های دهه اول انقلاب پیش آمد، ایشان کانون این مسائل و مدیریت بر این خطرات بودند. اولین خطری که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیش آمد، خطر منافقین بود. منافقین کلاس های آموزش نظامی شان را با جسارت در دارالزه حرم امام رضا (علیه السلام) گذاشته بودند. خبر که به حضرت امام رسید، امام همان روزهای اول انقلاب حکم تولید آیت الله طبسی را صادر کردند و فرمودند آنجا مستقر می شوید و اجازه نمی دهید پای هیچ یک از این جریان ها به آن منطقه باز شود. ایشان این گونه مقابل جریان منافقین ایستادند که توسط منافقین دو بار طرح ترور ایشان اجرا شد و البته ناموفق بود. حوادث پیچیده سیاسی دیگری را به صورت دقیق تدبیر و مدیریت می کردند؛ و حوزه کار نمایندگی ولی فقیه ایشان از حوزه کار تولید کاملاً جدا بود و حساب و کتاب ها از نظر مسائل شرعی و قانونی بسیار دقیق بود. در ۳۵ سالی که مقام معظم رهبری در روز اول فروردین به مشهد مقدس می آمدند، آیت الله طبسی به جز این یکی دو سال آخر که کسالت داشتند، به مقام معظم رهبری خیرمقدم می گفتند. حضور آیت الله طبسی در این عرصه های سیاسی، برجستگی سیاسی ایشان را به طور کامل نشان می دهد. برابر آن مشاهدات گذشته و شناختی که مردم خراسان و مشهد از ایشان داشتند، یکی از چهره های کم نظیر دوران مبارزات بودند که وصف ایشان در شجاعت، بیان و دفاع از حضرت امام در سال ۴۲ کاملاً برجسته است که از ایشان به عنوان شخصیتی بسیار شجاع یاد می کنند.

خاطره ای از مبارزات انقلابی ایشان دارید؟

خاطره ای مربوط به ۱۵ خرداد سال ۴۲ دارم. هشت ساله



جلسه داشتیم و خصوصیات شخصی مرحوم طبسی را برای من بیان می کردند: آقای طبسی فرمودند من خودم خدمت امام عرض کردم حق تولیت آستان قدس این گونه است. امام فرمود این شرعاً و قانوناً متعلق به تولیت و در اختیار شماست. ولی مرحوم طبسی هیچ موقع از این حق تولیت برای مخارج شخصی، زندگی و خانوادگی شان استفاده نکردند.

ایشان تا آخر عمر در همان منزلی زندگی می کردند که زمان طلبگی ساخته بودند و زندگی شان تغییر نکرد، در همان خانه کوچک و با همان ویژگی ها زندگی می کردند. برادر تعریف می کرد که یک روز کمد های لباس منزل آقای طبسی به تعمیر نیاز داشت، از نجار های آستان قدس به منزل ایشان فرستادیم و کمد ها را تعمیر کردند. وقتی که تعمیر تمام شد، آیت الله طبسی یک روز به من زنگ زدند و گفتند فاکتور هزینه تعمیر کمد ها را بفرستید. من گفتم الان حق تولیت شما در ردیف یک آستان قدس چند صد میلیارد تومان شده (این صحبت مربوط به ۲۰ سال قبل است)، ایشان فرمودند آن ها سر جای خودش است، فاکتور این هزینه ای که از آستان قدس در منزل من کرده اید را بفرستید. من فاکتور را فرستادم و ایشان آن مبلغ را به حساب آستان قدس واریز کردند.

آن خود کاری که ایشان حکم های آستان قدس را امضا می کردند با خود کار و قلمی که مربوط به احکام نمایندگی ولی فقیه بود، تفکیک بود. زندگی ساده، صفای خاص، معنویت و امانت داری ایشان از اوصافی است که در انقلاب و در این نوع جایگاه ها فقط می توان در تعداد محدودی سراغ گرفت.

علی ای حال این ها نکاتی بود در مورد شخصیت و نقش ایشان در انقلاب اسلامی، حمایت از نهضت امام، حمایت ایشان در دوره رهبری معظم انقلاب به خصوص در مورد آقای هاشمی (چون خیلی ها نسبت به مواضع آیت الله طبسی در فتنه انتقاد داشتند که چرا ایشان موضع نمی گیرند، چرا حرف نمی زنند) که عرض کردم.

ارزش های انقلاب رفقاء های دیرینه خود را با برخی افراد قطع کند. اینجا متوجه شدم منظور آقای هاشمی بوده است.

ایشان در حوادث مربوط به فتنه هم نظر مشخصی داشتند؛ و در سالگرد فتنه فرمودند مقام معظم رهبری در این فتنه مظلوم واقع شدند. این از سخت ترین دوران سیاسی ایشان بود. بنده به صورت خصوصی شاهد مواضع ایشان بودم. بنده آن زمان علی ای حال نقدهای زیادی روی بحث آقای هاشمی داشتم و ایشان هم بعضی اوقات از بنده گله می کردند و پیغام هم می دادند که آقای کریمی این قدر موضع می گیرد. به خاطر همین نقد و گله مندی ایشان به اتفاق ۵-۶ نفر خدمتشان رسیدیم و من بحث هایی را توضیح دادم، من جمله گفتم جناب عالی اولین شخصیتی بودید که بعد از تشکیل حزب کارگزاران سازندگی با تشکیل حزب کارگزاران مخالفت کردید، ما هم پیرو مواضع شما موضع گرفتیم، اگر امروز هم نقد می کنیم به خاطر همان نگاهی است که شما داشتید. ایشان در جمع فرمودند که بله من هم نظرم نظر آقای کریمی است، من بسیاری از افراد جریان حزب کارگزاران را قبول ندارم، ولی فردی به من در مجمع تشخیص مصلحت گفت که آقای کریمی قدوسی در خراسان در صحبت هایش نسبت به هاشمی بسیار نقد می کند. من گفتم ایشان را می شناسم و فردی متدین است و او را قبول دارم؛ لذا این جلسه را گذاشتیم که مطالب شما را بشنویم.

در آن جلسه ای که بنده، فرمانده لشکر نصر، حوزه نمایندگی و حفاظت اطلاعات حضور داشتیم، موضوع اصلی بحث هاشمی بود. در حوادث اخیر آقای طبسی تلاش فراوانی کردند که آقای هاشمی را مدیریت کنند.

سلوک زندگی ایشان چگونه بود؟

یکی دیگر از ویژگی های شخصیت آقای طبسی که از نزدیک شاهد بودم (چون برادر بنده ۱۷ سال در آستان قدس رضوی قائم مقام ایشان بودند) موقعی بود که با برادر



آیت الله عباس واعظ طبسی در کنار شهید علی صیاد شیرازی و حجت الاسلام و المسلمین محمدی کلپایگانی در جبهه های جنگ



عکس
روایت

حضور آیت الله طبسی
در این عرصه های
سیاسی، برجستگی
سیاسی ایشان را
به طور کامل نشان
می دهد. برابر آن
مشاهدات گذشته
و شناختی که مردم
خراسان و مشهد از
ایشان داشتند، یکی
از چهره های کم نظیر
دوران مبارزات بودند
که وصف ایشان در
شجاعت، بیان و دفاع
از حضرت امام در
سال ۴۲ کاملاً برجسته
است و از ایشان
به عنوان شخصیتی
بسیار شجاع یاد
می کنند.

گفت و گو با **محمد دهقان**، نماینده مردم طر قبه و چناران در مجلس

آن شایعات صحت نداشت!

قبل از اینکه آیت الله طبسی را ببینم، شخصیت واقعی ایشان را نشناخته بودم

مجلس فعلی چهارمین دوره متمادی است که او به عنوان نماینده طر قبه و چناران به آن راه یافته است؛ در این مدت سال های زیادی را هم عضو هیئت رئیسه مجلس بوده؛ محمد دهقان پیش از این و بعد از رهایی از اسارت رژیم بعث از دانشگاه تهران دکترای حقوق دریافت می کند. نماینده با سابقه استان خراسان در این مصاحبه به شایعه سازی هایی که علیه مرحوم واعظ طبسی وجود داشت، اشاره می کند و البته با صراحت می گوید که این شایعات باعث شده بود که شخصیت واقعی آن مرحوم را به درستی نشناسد؛ اما واکنشش پس از آشنایی رودر رو و مراودات مستمر با ایشان، روایتی خواندنی را رقم زده است.



شما از نحوه مدیریت اقتصادی استان قدس در دوره ایشان و حتی وام هایی که به دولت داده شده بود اطلاع دارید؟



حضرت آیت الله طبسی شخصی مؤمن، معتقد، محکم، وفادار و انقلابی بودند و در طول سال های عمر پر پر کشتان در استان قدس رضوی مدیریت ماندگاری را در کشور به یادگار گذاشتند. اگر مدیریتی شبیه دوران مدیریت آیت الله طبسی بر استان، بر کشور اعمال می شد، وضعیت اقتصادی، اشتغال و فرهنگی به این صورتی که الان در کشور وجود دارد، نبود. به نظر من مدیریت مجموعه پر حجم و گسترده استان قدس رضوی به ویژه بخش اقتصادی استان، نمونه ای از مدیریت کارآمد یکی از برجسته ترین مسئولان نظام اسلامی بود.

شاهد هستیم که وضعیت حرم مطهر در قبل و اوایل پیروزی انقلاب وضعیت کاملاً محدودی بود. جمعیت به این اندازه زیاد نبود، مانند امروز شتاب معنوی در کشور حاکم نبود و این تعداد از مردم به حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) نمی آمدند. حرم مطهر حرم بسیار کوچکی بود و در دوره مدیریت حضرت آیت الله طبسی در سال های بعد از انقلاب، صحن هایی که ایجاد شد و رواق هایی که در اطراف حرم و ضریح مطهر ساخته شد، حرم را به وضعیت جدیدی تبدیل کرد و ده ها برابر به مساحت حرم مطهر افزوده شد. من آمار دقیقی از مساحت حرم ندارم، ولی هر فرد منصفی با توجه به عکس ها، تصاویر و آنچه در تاریخ وجود

بزرگ امام رضا (علیه السلام) ضربه‌ای وارد نشود.

علت شایعانی که علیه ایشان در زمان حیات مطرح می‌شد را چه می‌دانید؟

در طی سال‌های نمایندگی، حداقل سالی یکی دو بار با ایشان جلسه داشتیم و در خصوص مسائل مختلف آستان و کشور صحبت می‌کردیم، از طرفی به خاطر مناسبت‌ها و مراسم‌هایی که بود خدمت ایشان می‌رسیدیم و از حضور ایشان استفاده می‌کردیم. قبل از اینکه حضرت آیت‌الله طبعی را ببینیم، با توجه به اینکه تبلیغاتی در مشهد صورت می‌گرفت، شخصیت واقعی ایشان را نشناخته بودم. از وقتی که با ایشان ارتباط برقرار کرده، گفته‌ها و وزانت‌گفتاری ایشان را شنیدم و از نزدیک با ایده‌های ایشان آشنا شدم، به این نتیجه رسیدم که آیت‌الله طبعی در کشور شخصیت نادری است که شاید مثل ایشان در کشور کم داشتیم. وزانت، نفوذ کلام، منطق و به‌ویژه آن آرامشی که در گفته‌های حضرت آیت‌الله طبعی و بر رفتار ایشان حاکم بود، جامع‌الاطراف‌نگری ایشان و اینکه مسائل را جامع و عمیق می‌دیدند و نگاهشان به آینده انقلاب نگاهی وحدت‌آمیز بود که اگر افرادی اشتباه هم می‌کنند، در عین حال آن اشتباه نباید موجب شود به طور کامل از انقلاب جدا شوند. نگاه ایشان نگاه جامع و هوشمندانه‌ای بود.

رابطه آیت‌الله طبعی با مقام معظم رهبری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بعد از رحلت امام مسئولیت نمایندگی ولی فقیه و تولیت آستان قدس رضوی ایشان همچنان ادامه یافت و حتی وقتی خراسان به ۳ استان تبدیل شد (معمولاً هر استانی یک نماینده ولی فقیه دارد)، از جایی شنیده بودم که رهبر معظم انقلاب فرموده بودند تا زمانی که آیت‌الله طبعی هست، ایشان نماینده ولی فقیه در هر ۳ استان هستند.

حضرت آیت‌الله طبعی هم مورد اعتماد امام (ره) و هم مورد اعتماد مقام معظم رهبری بودند و با توجه به فراز و نشیب‌ها و برخی از مسائلی که در طول دوران انقلاب پیش آمد، هیچ‌گاه اعتماد رهبر انقلاب به ایشان کم نشد و این اعتماد به خاطر شخصیت وزین و خالصی بود که حضرت آیت‌الله طبعی داشتند.

بایبندی ایشان به مقام ولایت چگونه بود؟

بالتر از همه این ویژگی‌ها، بحث ولایت‌مداری ایشان بود. بعضی مواقع درباره موضوعات مختلف صحبت می‌کردیم و دوست داشتیم راحت با ایشان صحبت کنیم و فرمایشات ایشان را بشنویم. ایشان صریح و روشن گفتند به خود رهبر انقلاب هم گفته‌ام، ممکن است در جایی نظرم با نظر رهبر معظم انقلاب متفاوت باشد، اما آنچه مقام معظم رهبری بفرمایند بی‌تردید آن را اجرا می‌کنم. با همه وزانت علمی، فکری و انقلابی که حضرت آیت‌الله طبعی داشت، با اینکه شناسان از مقام معظم رهبری بالاتر بود و به عنوان دوست قدیمی، هم‌درسی و هم‌مباحثه‌ای مقام معظم رهبری بودند، اما به مقام معظم رهبری به عنوان ولایت نگاه می‌کردند. ایشان می‌گفتند ممکن است در جایی نظرم با نظر مقام معظم رهبری یکی نباشد، اما آنچه ایشان بفرمایند را صددرصد اجرا می‌کنم. در عمل هم ثابت شده بود که ایشان شخصیت ولایت‌مدار، خالص و مؤمنی است. به نظر من

دارد، می‌دانند که وضعیت الآن حرم در ابعاد مختلف فرهنگی، عمرانی و ... قابل قیاس با گذشته نیست. یکی از کارهای بزرگی که در این زمان صورت گرفت، زیرگذر حرم بود که تمامی این مسیر بتن‌ریزی و ساخته شد.

زمانی که حضرت آیت‌الله طبعی به رحمت خدا رفتند، علی‌رغم اعتباراتی که صرف خدمات آستان قدس رضوی به بارگاه مطهر و کارهای اقتصادی وسیعی که در این مدت انجام شد، اقداماتی که توسط آیت‌الله طبعی و در دوران مدیریت ایشان انجام شد، نه تنها از پول دولت نبود، بلکه هم‌اکنون آستان قدس رضوی ۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان از دولت طلبکار است؛ این نمونه‌ای از مدیریت کارآمد ایشان بود.

ویژگی بارز مدیریتی حضرت آیت‌الله طبعی چه بود که در این مدت توانستند در زمینه وسعت آستان موفقیت زیادی به دست آورند؟

حضرت آیت‌الله طبعی در گذشته فرد پرکاری بودند، وقت می‌گذاشتند و اوضاع اقتصادی کاملاً در سیطره خودشان بود. این گونه نبود که کارها را به دیگران واگذار کنند، اگر هم واگذار می‌کردند، این واگذاری امور به دیگران موجب عدم اشراف ایشان به وضعیت اقتصادی نبود. به جز این چند سال اخیر که ایشان به خاطر وضعیت جسمی و بیماری نمی‌توانست وقت بگذارد، یک مقدار کار از دست ایشان خارج شده و هزینه‌هایی بر آستان قدس رضوی تحمیل شد.

یکی از ویژگی‌های مدیریتی حضرت آیت‌الله طبعی این بود که برخلاف سایر دستگاه‌های خیریه‌ای و اوقاف که متأسفانه نتوانستند اراضی اوقاف را حفظ کنند و بخش مهمی از اراضی اوقاف در این سال‌ها توسط زمین‌خواران، دزدان و غارتگران تلف شد و به یغما رفت، ایشان نتوانستند در آستان قدس رضوی همه زمین‌هایی که قبل از انقلاب توسط برخی زمین‌خواران گرفته شده بود را پس بگیرند. یکی از دلایلی که آستان قدس رضوی در این سال‌ها موفق شد اوضاع اقتصادی کاملاً پررونقی را در خراسان و حتی استان‌های دیگر سامان دهد این بود که توانست اراضی که به ناحق در اختیار دیگران بود (اراضی که متعلق به امام رضا علیه السلام و آستان قدس بود) را پس بگیرد. حتی زمین‌هایی که به صورت اجاره‌ای در اختیار برخی افراد بود را به‌روز کرد و به‌خوبی مدیریت شد تا اینکه اراضی و منافع وقف حرم مطهر به خود حرم برگردد.

از ویژگی‌های حضرت آیت‌الله طبعی هوش وافر، متانت، قدرت فکری، اخلاص و وقت‌گذاری ایشان بود. شخصیتی بسیار پرکار بودند که نتوانستند آستان قدس رضوی که گردش مالی وسیعی در کشور دارد را به‌خوبی مدیریت کرده و اموال آستان را حفظ کنند. در آن زمان مشارکتی ایجاد کردند که مردم ارتباط برقرار کنند. خدام را به‌صورت سازمان‌یافته سامان‌دهی کردند تا زواری که به حرم امام رضا (علیه السلام) می‌آیند به‌خوبی مدیریت شوند. به نظر من کار بسیار بزرگی در دوره آیت‌الله طبعی انجام شد. طبیعتاً اگر در این چند سال اخیر ضربه‌هایی هم به آستان رضوی وارد شد به این علت بود که ایشان بیمار شد و به نوعی کار دست دیگران افتاد و از قبل سیطره برخی از افراد در آستان قدس، ضرباتی به آستان وارد شد که به‌هرصورت جمع‌وجور شد که خدای ناکرده به حیثیت حرم مطهر رضوی و این خادم بزرگ آستان قدس و خادم

یکی از ویژگی‌های مدیریتی حضرت آیت‌الله طبعی این بود که برخلاف سایر دستگاه‌های خیریه‌ای و اوقاف که متأسفانه نتوانستند اراضی اوقاف را حفظ کنند و بخش مهمی از اراضی اوقاف در این سال‌ها توسط زمین‌خواران، دزدان و غارتگران تلف شد و به یغما رفت، ایشان نتوانستند در آستان قدس رضوی همه زمین‌هایی که قبل از انقلاب توسط برخی زمین‌خواران گرفته شده بود را پس بگیرند

ایشان را می‌شنیدیم، سخنرانی‌هایی کاملاً پرشور و انقلابی داشتند و تشویق‌کننده مردم برای حضور در جنگ و حامی واقعی رزمندگان بودند. موضع آیت الله طبسی نسبت به بنی‌صدر دقیقاً همان موضع رهبر انقلاب بود و در این زمینه سابقه بسیار درخشانی دارند.

آیت الله طبسی در فتنه سال ۸۸ از اتفاقی که افتاد بسیار نگران شده و مراقب بودند این مسئله به مشکل عمیقی در نظام و کشور تبدیل نشود. من یادم است در جلساتی که در آن زمان با آیت الله طبسی داشتیم، ایشان مواضع کاملاً شفافیه علیه فتنه‌گران گرفتند و هم در سخنرانی‌ها و هم در جلسات اعلام می‌کردند. موضع ایشان علیه فتنه و سران فتنه کاملاً مشخص بود. در آن زمان حساس برای دفاع از انقلاب، ولایت و جلوگیری از ضربه دشمنان انقلاب اسلامی به کشور، موضع کاملاً انقلابی داشتند و در برابر فتنه‌گران موضع صریح و روشنی اتخاذ کردند.

اقای دکتر خاطره خاصی از حضرت آیت الله طبسی دارید که در این مجموعه وزن چاپ شود و به نوعی در تاریخ بماند؟

سال ۸۳ جوان‌تر بودم و وارد مجلس شده بودم. سال ۸۴ و در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری از ایشان کنکاش کردیم و می‌خواستیم ببینیم نظر ایشان در مورد رئیس‌جمهور آینده چیست و چه کسی را تأیید می‌کنند. ما اعلام کردیم همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند رئیس‌جمهور آینده باید جوان‌گرا باشد. حضرت آیت الله طبسی با اینکه پایشان مشکل داشت و با عصا راه می‌رفتند، گفتند من خودم را از همه جوان‌گراتر می‌بینم. ایشان معتقد بودند سن بالا دلیلی نمی‌شود که فرد جوان‌گرا نباشد و به شوخی گفتند من خودم را از همه جوان‌گراتر می‌دانم. مقام معظم رهبری فرمودند جوان‌گرا! من هم جوان‌گرا هستم.

در کنار ویژگی‌های برجسته فکری، مدیریتی، علمی و انقلابی حضرت آیت الله طبسی، روحیه ولایت‌مداری ایشان برای همه ویژگی‌های دیگری که داشتند، زینت شده بود.

رابطه حضرت آیت الله طبسی با امام چطور بود؟ با توجه به اینکه امام خمینی ایشان را به عنوان تولیت

استان انتخاب کردند، نسبت به ایشان چه نگاهی داشتند؟
اوایل انقلاب نوجوان بودم و به صورت ریز در جریان این مسائل قرار نداشتم؛ سپس به جنگ رفته و اسیر شدم، از اسارت که برگشتم، در دانشگاه تهران بودم؛ در آن زمان ارتباط خاصی با ایشان نداشتم، اما خودشان بعضی اوقات راجع به امام صحبت می‌کردند.

حضرت آیت الله طبسی یک بار خاطره‌ای راجع به تفسیر حضرت امام از سوره حمد نقل می‌کردند. می‌گفتند وقتی امام تفسیر سوره حمد را گفتند، برخی از علمای برجسته مشهد با نظر امام موافق نبودند و نزد ایشان آمده بودند و از ایشان خواسته بودند که امام تفسیر سوره حمد که از تلویزیون پخش می‌شود را تعطیل کنند. حضرت آیت الله طبسی در آن زمان با آن ارتباطی که با علمای مشهد داشتند -برداشت من از خاطرات ایشان این بود- (درعین حال که همه علمای حضرت امام را قبول داشتند) در زمینه اختلافاتی که بین امام با برخی از علمای وجود داشت، ایشان از سویی با ولایت‌مداری و اعتقادی که به امام داشتند و از سوی دیگر با قدرت فکری این مسئله را به خوبی مدیریت کرده بودند.

مواضع و اقدامات حضرت آیت الله طبسی در مواقع حساس انقلاب مانند دوران جنگ، اتفاقات سیاسی

مثل بنی‌صدر و فتنه ۸۸ را چطور ارزیابی می‌کنند؟
در زمان جنگ جوان بودم. قبل از اینکه جبهه بروم سخنرانی‌های



محصولات مؤسسه فرهنگی قدس روزنامه سراسری



ضمائم هفتگی و ویژه‌نامه‌های روزنامه قدس



پایگاه خبری - تحلیلی قدس آنلاین



www.qudsonline.ir



در فضای مجازی همراه ما باشید



@Qudsdaily



@QudsChannel



@Qudsdaily_fa